الله که یٰعِبَادِ فَاتَّقُوْنِ ه برین عذاب می ترساند خدا بندگان خود را یعنی خاص بندگانم پس بترسید ای بندگانم که انجام کار شما
خسران نیست چنانکه میفرماید وَالَّذِيْنَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوْتَ اَنْ يَّعْبُدُوْهَا وَاَنَابُوْا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرٰى ج و آنانکه
پرهیز نمایند از بت از آنکه عبادت نمایند او را و رجوع کنند بطرف خداوند برای ایشان است بشارت بلقاء پروردگار که در صورت فنا عبدیت و
محویت حاصل میشود که در عین وصل مشتاقان باشد فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِيْنَ يَسْتَمِعُوْنَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهٗ پس بشارت ده
آن بندگان را که میشنوند قول توحید پس پیروی میکنند نیک ترش را که با وجود توحید هم عبودیت لازم میدانند و درینجا مع تعیین قول است
عام از آنکه قرآن باشد یا غیر قرآن و ازینجا استدلال حضرات چشتیه نسبت قوالی بطوریکه در کتب ایشان است تمام میشود از برای خواجه
مودود چشتی چون عرض اشتیاق دیدار خدا نمود در واقعه حضور صلی الله علیه وسلم فرمود که ترا در سماع دیدار خدا خواهد شد و خواجه مودود چشتی
عرض نمود که برادران دیگر منع مینمایند حضور صلی الله علیه وسلم فرمود که او شان از کار ایشان بگذار پس تو ریشاه ولایت محبوب شیخ والی
شاه نجم الملة والدین رحمه الله در واقعه حضور صلی الله علیه وسلم فرمود چون عرض کرد که مرا اشتیاق دیدار خدا است فرمود که در قوالی
خواهد شد و تحقیق سماع در رساله مولانا فخر الدین رازی خلیفه جناب سلطان المشایخ رحمه الله است مطالعه باید کرد که بکمال تحقیق تحریر
فرموده اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰىهُمُ اللّٰهُ وَاُولٰٓئِكَ هُمْ اُولُوا الْاَلْبَابِ ه ایشانند آنانکه هدایت کرد او شان را الله و ایشانند صاحبان
لبها اَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ اَفَاَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِى النَّارِ آیا پس آنکه ثابت شد برو کلمه عذاب ستوا و نا لا اکثر
آیا پس تو خلاص کنی آنرا که در آتش دوزخ است و چون در بشارت دیدار فلاح یافتگان احتمال است که لذت حواس نیز نباید فرمش
میفرماید لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ه لیکن آنانکه میترسند
از پروردگار خود ایشان را محلها باشند از بالای آنها محلها ساخته شده جاری شد از زیر غرفها نهرها و اگر کسی گمان برد که کدام وعده است میفرماید
وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِيْعَادَ ه وعده خدا است خلاف نمیکند الله وعده را و اگر گویند که با وجود وحدت ذات چگونه قیامت و
عذاب و ثواب و عید و سر کرا و رینجا آسوده ساخت و دانجا آسوده خواهد داشت و نیز در ستی واحد چگونه اختلاف شئونات میفرماید +
اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهٗ يَنَابِيْعَ فِى الْاَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهٗ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا
ثُمَّ يَجْعَلُهٗ حُطَامًا ه اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَذِكْرٰى لِاُولِى الْاَلْبَابِ ه آیا نمی بینی بدرستی الله نازل کرد از ابر آبی پس در آورد او را بچشمه سارها
در زمین باز خارج کرد بدان زراعت مختلف رنگها باز خشک کرد پس می بینی او را زرد باز گردانید او را ریزه ریزه درین هر آئینه پند است
برای صاحب عقلها که یک آب بچندین صور متبدل گشت و اگر گویند که مثل چنین کلمات بفهم ما نمی آید میفرماید اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ
صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ فَهُوَ عَلٰى نُوْرٍ مِّنْ رَّبِّهٖ آیا پس آنکه کشاده خداوند سینه اش برای اسلام پس آن بر نور است از پروردگار خود مثل
کفار سخت دل است که نفهمد یعنی هرگز نه فَوَيْلٌ لِّلْقٰسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ط اُولٰٓئِكَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ه پس افسوس است
برای آنکه سخت شده اند دلهای شان از نصیحت خداوند آنان در گمراهی ظاهر اند بیان ذکر میفرماید اَللّٰهُ نَزَّلَ اَحْسَنَ الْحَدِيْثِ
كِتٰبًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِىَ الله نازل کرد نیک سخن کتاب بعض شد بعض بدو تو بیان دو تو میفرماید تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُوْدُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ
رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُوْدُهُمْ وَقُلُوْبُهُمْ اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ ط موخیز میشوند جلدهای آنانکه میترسند از پروردگار خود باز نرم
بنظر علو مرتبه حق باز چون ذات خود را عین ذات حق می بینند نرم میشوند جلدهای شان و دلهای شان بطرف یاد حق که از خود محو
میشوند درین حقیقت آیه مثالی است باقی بحسب اختلاف از اختلافات ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ط این
هدایت الله است مینماید بران هر کرا میخواهد بحسب امکان وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ه و هر کرا گمراه کند خدا بحسب امکان نیست لایق

هدایت کننده بدرجۀ امکان أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ آیا پس کسیکه نگاه میدارد بروی خود از سختی عذاب روز قیامت
یعنی سوای گمراه دیگر نیست وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ۝ وگفته شود برای ظالمان بچشید بال آنچه میکردید و بیدرکار
نیاید بعوض نمونه حال پیشینیان بنماید كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝ تکذیب کردند آنکه
از قبل ایشان بودند پس آمد ایشان را عذاب از جائیکه خبر نمیداشتند فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا پس چشانید ایشان را
خداوند رسوائی در زندگانی دنیا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ و هر آئینه عذاب آخرت بزرگتر است کاش میدانستند
وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ و هر آئینه بیان کردیم برای آدمیان درین
قرآن از هر نوع داستان که بیان نصیحت یابند قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ قرآن عربی بی عیب تا شاید
در فصل ۵ استغراقی است جمله ازان مثل بیفرماید ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ
يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ بیان بیفرماید الله داستانی بنده که دران شریک باشند مختلف و بنده مسلم برای مردی آیا در خبرگیری
برابر باشند از روی تثلیث هرگز نباشند به سنتو حال عبد اصنام و عبدۀ خداوند است الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ ستایش
خدا است که برابر نیند لیکن اکثر شان نمیدانند و فیصله کامل بروز قیامت است چنانکه بیفرماید إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ۝
ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ۝ بدرستی تو میرنده و ایشان هم میرندگان باز شما بروز قیامت نزد پروردگار خود با خصومت
خواهید کرد کافر خواهند گفت که ما حکم رسیده جوارح شان گواهی خواهند داد که دروغگو یا نیم این منطوق صریح آیه است و بیان
اشارت با جنگهای اهل اسلام است که از زمان حضرت عثمان رضی الله عنه واقع شد چنانکه قول حضرت ابن عمر رضی الله عنهما است
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ۝ پس کیست
ظالم تر از آنکه دروغ بربست بر خدا یعنی کرد شرکا و دروغ و نسبت قرآن راست موعود را چون آمد او را آیا نیست در جهنم جای برای
کافران وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ و آنکه آورد قرآن یعنی رسول و بعد و بست و تصدیق
کرد بآن یعنی امت او ایشاند پرهیزگاران لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝ برای ایشان است آنچه خواهند
نزد پروردگار شان این جزای نیکوکاران است لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا
يَعْمَلُونَ ۝ تا کفاره کند از ایشان بدتران چیزیکه عمل کردند یعنی بعض شان و جزا دهد ایشان را بحسب نیکوترین آنچه میکردند
قرآن برای آتی و بوجه فصل ۵ استغراقی است و از صفت پیغمبر صاحب آن کلام است که گذشته شد و میفرماید أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ
آیا نیست خداوند کفایت کننده به بنده خود محمد علیه السلام از شر کفار وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ ۚ و میترسانند ترا بآنکه از
سوای خدا اند و از صفت آن پیغمبر است که بخدای یگانه تعلیم نماید پس ضرورت است که کافی است وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ
و هر که را گمراه کند خدا پس نیست برای وی هدایت کننده زیرا صفت گمراه شدن اکثر منافقین و قریش و مشابه است وَمَن يَهْدِ
اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ و هر که را هدایت کرد خدا یعنی مهاجرین و مومنین بنی قید پس نیست برای وی گمراه کننده أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي
انتِقَامٍ آیا نیست خداوند غالب صاحب عوض از کفار مکه که در بدر برد و اکثر شان را حسب عدد مقتول و اسیر خوار کند وَلَئِن سَأَلْتَهُم
مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۝ و هر آئینه اگر بپرسی تو ایشان را که آفریده است آسمانها و زمین هر آئینه
گویند الله پس در ضرورت سخت نادانی است و دیگری را پرستش نمایند آنچه میگویند معبودان خود میگویند مانند که نیست
بیفرماید قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ

رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون ۝ بگو آیا پس خبر دهید آنرا که میخوانید غیر خدا اگر اراده کند مرا خدا
بسختی آیا آن معبودان دفع کنندگانند سختی او را یا اگر اراده کند خدا مرا رحمتی آیا ایشان بازدارندگانند رحمتش بگو کفایت میکند الله
اعتماد نمایند اعتماد کنندگان قل یٰقوم اعملوا علیٰ مکانتکم انی عامل فسوف تعلمون ۝ من یأتیه عذاب یخزیه ویحل
علیه عذاب مقیم ۝ بگو ای قوم عمل کنید بجای های خود هر آینه من کار کننده ام پس جلد خواهید دانست آنرا که بیاید او را عذاب
که رسوا کند یعنی در روز بدر و نازل شود بر وی عذابی پاینده یعنی قیامت انا انزلنا علیک الکتٰب للناس بالحق فمن اهتدیٰ
فانما یهتدی لنفسه ومن ضل فانما یضل علیها وما انت علیهم بوکیل ۝ براستی نازل کردیم بر تو کتاب قرآن برای نفع آدمیان همه
براستی فصل ۶ استغفری پس هر که هدایت یابد پس برای نفس خود و هر که گمراه شود پس ضرر نیست گمراه شود بر الیش که ملاک حسب وعده
فصل مذکور خواهند شد تو بر ایمان آوردن شان مختار نه بلکه هر چه نوشته شده است بظهور خواهد آمد و در راه هدایت ظاهر است الله
یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضیٰ علیها الموت ویرسل الاخریٰ الیٰ اجل مسمی
ان فی ذٰلک لاٰیٰت لقوم یتفکرون ۝ خدا میکشد جانها را وقت موتشان و آن نفسی که نمرده است میکشد آنها را در وقت خوابش پس
میدارد آن نفسی را که حکم کرده است بر وی موت و میگذارد دیگری را که بخواب رفته است تا میعاد مقرر هر آینه درین نشانهاست
برای قومیکه فکر کنند که درین امور دخل بتان نیست با وجود این پرستند آیا مستقل میدانند و این صریح خلاف عقائد ایشان است ام اتخذوا
من دون الله شفعاء ۝ آیا گرفتند از سوای خدا سفارشیان چنانکه میگویند که پرستش نمیکنیم مگر از برای آنکه قریب گردانند درین صورت
قل اولو کانوا لا یملکون شیئا ولا یعقلون ۝ بگو و گرچه نه مالک باشند چیزی را و نه فهمند قل لله الشفاعة جمیعا ۝ بگو برای خدا است
سفارش همه ۝ خود کوزه و خود کوزه گر و خود گل کوزه له ملک السمٰوٰت والارض ثم الیه ترجعون ۝ برای اوست ملک
آسمانها و زمین باز بطرف او رجوع خواهید کرد واذا ذکر الله وحده اشمأزت قلوب الذین لا یؤمنون بالاٰخرة واذا ذکر
الذین من دونه اذا هم یستبشرون ۝ و چون ذکر کرده شود خدا و بیگانه تنگ شوند دلهای آنانکه ایمان نمی آورند با آخرت و چون
ذکر کرده شوند آنانکه سوای اویند یکبارگی خوشی کنند چون نمی فهمند قل اللهم فاطر السمٰوٰت والارض عٰلم الغیب والشهادة
انت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون ۝ بگو ای خداوند پیدا کننده آسمانها و زمین دانای غیب و شهادت تو حکم کنی درمیان
بندگان خود در آنچه اختلاف کنند در آن وقت اهل اسلام بجنت خواهند رفت و کافران بدوزخ ولو ان للذین ظلموا ما فی الارض
جمیعا ومثله معه لافتدوا به من سوء العذاب یوم القیٰمة ۝ و اگر براستی برای آنانکه شرک کردند و مردند بر شرک باشد آنچه در زمین
است جمله و مثل او با او باشد هر آینه فدا کنند آنرا از بدی عذاب روز قیامت لیکن در آنجا نه مال باشد نه اعمال وبدا لهم من الله
ما لم یکونوا یحتسبون ۝ و ظاهر شود برای شان از خدا آنچه گمان نمیکردند یعنی دوزخ وبدا لهم سیاٰت ما کسبوا وحاق
بهم ما کانوا به یستهزءون ۝ و ظاهر شود برای شان بدیهای چیزی که کسب میکردند پس باید که درین روز بذکر خدا دلتنگ نشوند
فاذا مس الانسان ضر دعانا ثم اذا خولنٰه نعمة منا قال انما اوتیته علیٰ علم بل هی فتنة ولٰکن اکثرهم لا یعلمون ۝
زیرا چون رسد آدمی را تکلیفی خواند ما را باز چون دادیم او را نعمتی از خود گفت هر آینه آنچه داده شده ام آن بعلم و کسب من است نیست چنین
درست بلکه آن آزمایش است که آیا در حالت فراغت یاد خواهد کرد یا نه ولیکن اکثر آدمیان نمیدانند این بعض خاص در مان اهل مکه
بودند که در وقت قحط سالی کرده بودند و بعد از رفع قحط باز گشتند قد قالها الذین من قبلهم فما اغنیٰ عنهم ما کانوا
یکسبون ۝ گفته اند این قول را آنانکه از قبل شان بودند یعنی قارون پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب میکردند و رسید ایشانرا

فاصابهم سیئات ما کسبوا پس رسید او شان را بدیهای آنچه کسب کرده بودند والذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات
ما کسبوا وما هم بمعجزین ○ و آن مشرکان که شرک کنند از ایشان یعنی از اهل مکه جلد رسد او شان را بدیهای آنچه کسب کردند یعنی در روز بدر و
نیستند عاجز کنندگان اهل اسلام را ○ اولم یعلموا ان الله یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر ان فی ذلک لایت لقوم یؤمنون
○ آیا نمیدانند آنکه بدرستی الله فراخ میکند رزق هر کرا خواهد و تنگ کند آن را درست که بعد از فراخی تنگی بر شما باز نمایید بدرستی
درین هر آئینه نشانها است برای قومیکه ایمان آورند دیگر کفار مکه وغیره را احتمال آن باشد که ما سخت گناهگارانیم و شرک و کفر بمخالفت
پیغمبر نموده ایم چگونه ایمان ما مقبول شود قل یعبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله
یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم ○ بگو ای بندگان من آنانکه زیادتی کرده اند بر جانهای خود یعنی شرک و کفر و مخالفت نموده اند
ناامید نشوند از رحمت خدا بدرستی الله بخشنده جمله گناهان است بدرستی او غفور رحیم است حضور علیه السلام فرمود که بمقابل این آیه دوست
نمیدارم آنکه باشد مراد دنیا و آنچه در دنیا است پس شخصی عرض کرد یا رسول الله علیه السلام و هر که شرک کند پس خاموش ماند حضور صلی الله علیه وسلم
یک ساعت باز فرمود آگاه باش و هر که شرک کند الحدیث زیرا که کلام وارد در دنیا است که از و توبه کنند و اگر در آخرت قبل از انتقام هم منتقم
گفته شود صریح دلالت آیات سابق و لاحق مخالف است و این آیه مکیه است و آنچه در نسبت وحشی میگویند و آنچه در نسبت عیاش
بن ربیعه و ولید بن ولید میگویند که مرتد شده بودند در مدینه عمر فاروق رضی الله عنه چون خط فرستاده طلبید باز ایمان آوردند این آیه
در حق ایشان است و دیگر سخنها مفسرین میگویند ممکن که یکبار در مکه نازل شده باشد و حضور صلی الله علیه وسلم در هر واقعه که ذکر میکنند
خوانده باشند از آن اشتباه نزول در آن وقتها افتاد پس هر روایت درین صورت درین مقام صحیح است آیه در مثنوی مولانا روم در
تحقیق ضمیر متکلم در یعبادی بعد لفظ قل مطالعه باید کرد وانیبوا الی ربکم واسلموا له من قبل ان یاتیکم العذاب
ثم لا تنصرون ○ و رجوع شوید بطرف الله خود و گردن نهید از برای او پیش قبل از آنکه آید شما را روز عذاب باز نصرت نداده شوید و در
قرآن مجید ذکر بدی کفار و فجار است و هم ذکر نیکی نیکان بدان نظر میباید واتبعوا احسن ما انزل الیکم من ربکم من
قبل ان یاتیکم العذاب بغتة وانتم لا تشعرون ○ و پیروی کنید نیک تر از آنچه نازل کرده شده از پروردگار شما از قبل آنکه بیاید شما
را عذاب ناگهان و شما خبر ندارید و شتابی کنید قبل ان تقول نفس یحسرتی علی ما فرطت فی جنب الله وان کنت لمن السخرین
او تقول لو ان الله هدینی لکنت من المتقین ○ او تقول حین تری العذاب لو ان لی کرة فاکون من المحسنین
آنکه گوید نفسی ای حسرت بر آنچه افراط کردم در طرف خدا و کم تحقیق بودم هر آئینه از تمسخر کنندگان یا گوید کاش بدرستی الله هدایت کردی
مرا البته بودمی از پرهیزگاران یا گوید چون بیند عذاب کاش برای من بازگشتی باشد پس باشم از نیکوکاران چنانچه این جمله در روز
بدر بر جانهای کافران بسیار شد فرماید الله بلی قد جاءتک ایتی فکذبت بها واستکبرت وکنت من الکفرین
بلی آمده است ترا نشانهای من پس تکذیب کردی بدان و تکبر کردی و بودی از کافران ○ ویوم القیمة تری الذین کذبوا علی الله
وجوههم مسودة الیس فی جهنم مثوی للمتکبرین ○ و بروز قیامت بینی روهای آنان که دروغ گفتند بر خدا سیاه آیا
نیست در جهنم جای برای تکبر کنندگان وینجی الله الذین اتقوا بمفازتهم ○ و نجات دهد الله آنان که تقوی کردند بجای نشان یعنی
بمدینه منوره اگر در نسبت بدر باشد و بمعنی جنت لا یمسهم السوء ولا هم یحزنون ○ نرسد او شان را بدی و آنان نه رنجیده شوند
و گر خیال ضعف اهل اسلام درین زمان قبل هجرت باشد صبر باید الله خالق کل شیء وهو علی کل شیء وکیل الله
پیدا کننده هر چیز است و آن بر هر شیء مختار است مادر که فتح اهل اسلام دهد له مقالید السموت والارض ○ برای وست کلیدها

آسمانها و زمین که مسلمانان را داده است و آن لا اله الا الله والله اکبر سبحان الله وبحمده واستغفر الله ولا حول ولا قوة الا بالله هو الاول
والآخر والظاهر والباطن بیده الخیر یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر است چنانکه عثمان رضی الله عنه حضور صلی الله علیه وسلم فرموده
واز مقالید السموات مفتح است که سوای خدا چیزی نیست وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ و آنانکه کفر کردند بآیات خدا
آنانند زیانکاران و از کفار قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ بگو آیا پس غیر خدا را حکم میکنید که عبادت کنم
ای جاهلان وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ
و هر آئینه وحی کرده شده است بطرف تو و بطرف آنانکه از قبل تو بودند البته اگر شرک کنی هر آئینه ضایع نمائیم عمل تو و هر آئینه باشی
از زیانکاران چنانکه در فصل واستغنی این نشان خاص نوشته است که هر که دعوی نبوت موعوده نماید و کلام الهی بیارد باید که
تعلیم تجدید یگانه نماید و هر که چنین کند او کشته شود پس پیغمبر موعود وی عبادت بیان سازد بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ
بلکه الله را پس عبادت کن و باش از سپاس گزارندگان وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ و قدر نشناختند الله را حق قدرش که برای وی مقالید
آسمانها است و محیط بهر شیء وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا
يُشْرِكُونَ و زمین جمله یک مشت اوست بروز قیامت و آسمانها پیچیده بدست راستش پاکست او و بزرگست از آنچه شرک میکنند برای که
باین قدرت دیگری نیست وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ
قِيَامٌ يَنْظُرُونَ و نفخ کرده شود در صور پس افتد بیهوش آنکه در آسمانها است و آنکه در زمین است باز نفخ کرده شود در آن بار دیگر پس
ناگهان ایشان باشند قائم شوندگان نظر کنند چنانکه در احادیث بیان است مفصل مذکور است و ملائکه آسمان بیایند بالآخر خداوند بر عرش شریف
آرد وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
و روشن شود زمین بنور پروردگارش و نهاده شود نوشته دفترها و آورده شوند انبیا و شهدا و حکم کرده شود در میان شان براستی و ایشان ظلم
کرده نشوند وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ و کامل کرده شود هر نفس آنچه کرده و او خوب خبردار است بآنچه
میکنند وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ
يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ و روانه
کرده شوند آنانکه کفر کردند بطرف جهنم جماعت جماعت تا چون بیایند آنرا گشاده شوند درهای آن و گویند برای شان داروغهایش آیا
نیامدند شما را رسولان از شما که خوانند بر شما آیات پروردگار شما و بترسانند شما را ازین روز شما گویند بلی ولیکن ثابت شد کلمه عذاب
بر کافران قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ گفته شود داخل شوید درهای جهنم را
همیشه باشندگان در آن پس بد است جای تکبر کنندگان جهنم وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا
وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ و روانه کرده شوند آنانکه تقوی کردند پروردگار خود
را بطرف جنت گروه گروه تا چون آیند او را گشاده شوند درهایش و گویند برای شان داروغهایش سلام است بر شما که خوش آمدید
پس داخل شوید آنرا همیشه باشندگان و تفصیل آنکه اول سی و دو قرح باب جنت خواهد کرد حضور علیه السلام خواهند بود و دیگر حالات
در تفاسیر و احادیث مشهور و معروف است وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ
حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ و گویند جمیع حمد برای خدا است که راست کرد با ما وعده خود و وارث کرد ما را زمین را که بگیریم مکانی از جنت
هر جا که خواهیم پس نیک است اجر عمل کنندگان وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

اللہ وحدہ کفرتم وان یشرک بہ تؤمنوا فالحکم للہ العلی الکبیر ط این عذاب آن است که چون خوانده شد بطرف خداوند یگانه کفر کردید و اگر شرک کرده شد بآن خدا
آن خداوند اعتقاد میکردید پس حکم برای خداوند بزرگ است این تفسیر در اول فصل هاسفر شنی است بر که آن خبر را تسلیم نخواهد کرد از تفتیش کرده خواهد شد و آنچه در روس ۱۱ اسفر یا یک هر چند غیر آنم
برساند باز مطابقش بری بیاید فی سفر اید هو الذی یریکم ایٰته وینزل لکم من السماء رزقا وما یتذکر الا من ینیب ط او خداوند است که معاینه کنانند شما را
آیات معجزات خود مثل شق القمر و قرآن با اعجاز و نازل میکند برای شما از بلندی سبب رزق یعنی آب و نصیحت نمی یابد این دلائل مگر آنکه رجوع کننده است فادعوا اللہ مخلصین
لہ الدین ولو کرہ الکفرون پس بخوانید خداوند را خالص کنندگان برای او دین را اگرچه مکروه دارند کفر کنندگان رفیع الدرجٰت ذو العرش یلقی الروح من
امرہ علی من یشاء من عبادہ لینذر یوم التلاق یوم ہم بارزون ج لا یخفی علی اللہ منہم شیء لمن الملک الیوم للہ الواحد القہار بلند
مرتبت است صاحب عرش می افگند روح عظیم موعود را از امر خود بر هر که خواهد از بندگان خود یعنی خاتم المرسلین تا ترساند از روز ملاقات روزیکه ظاهر شوند نیست پوشیده بر خدا از ایشان
چیزی برای کیست ملک امروز طاقت جواب کسی نخواهد بود خود خدا خواهد فرمود برای اللہ واحد قہار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم ان اللہ سریع الحساب
امروز جزا داده شود هر نفسی را بآنچه کسب کرده است نیست امروز ظلمی هر آئینه اللہ جلد حساب کننده است وانذرہم یوم الازفۃ اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما
للظلمین من حمیم ولا شفیع یطاع ط یعلم خائنۃ الاعین وما تخفی الصدور ہ و بترسان ایشان را از روز نزدیک آینده چون دلها از حنجرها باشند غمگین
نباشد برای ظالمان کسی حامی و نه سفارشی که اطاعت کرده شود میداند دزدی چشم و هرچه پوشیده دارند دلها واللہ یقضی بالحق والذین یدعون من دونہ لا
یقضون بشیء ان اللہ ہو السمیع البصیر ط و اللہ فیصله کند براستی و آنانکه میخوانند حکم نکنند بچیزی بدرستی اللہ شنوا و بینا است و بر فتح بدر سند می آرد اولم یسیروا فی الارض
فینظروا کیف کان عاقبۃ الذین کانوا من قبلہم کانوا ہم اشد منہم قوۃ وآثارا فی الارض فاخذہم اللہ بذنوبہم وما کان لہم من
اللہ من واق ایا سیر نکردند اهل مکه در زمین پس معاینه نمایند چگونه شد انجام کار آنانکه بودند قبل ایشان بودند آنان سخت تر از ایشان در قوت و نشانها در زمین پس گرفت ایشان را
اللہ بگناهان ایشان و نه بود برای ایشان از خدا نگاهدارنده ذلک بانہم کانت تاتیہم رسلہم بالبینت فکفروا فاخذہم اللہ انہ قوی شدید العقاب این عذاب ایشان
بسبب آن شد که می آمدند ایشان را رسولان ایشان بدلائل پس کفر کردند پس گرفت ایشان را اللہ بدرستی آن زورآور سخت عذاب است ولقد ارسلنا موسی بایٰتنا وسلطن مبین
الی فرعون وہامان وقارون فقالوا سحر کذاب ہ هر آئینه فرستادیم موسی را با آیات و سلطنت روشن بطرف فرعون و هامان وزیر فرعون و قارون
مشهور در توریت بقوم پس گفتند این فریبی است دروغگو واضح باد که چون موسی بر طابق فصل پنجم خروج نزد فرعون آمدند با فرعون گفتند که ما را خدای ما فرستاده
است فرعون قائل وحدة الوجود بطوریکه هنود و فلسفه قائل اند بود ... ذات خود را عین حق میدانست ... اعتراض میکند که چگونه خدا را بغیر علیه
السلام معاینه کرده ... فرعون انکار از خدا نمود و بر بنی اسرائیل سخت تر و ... حکم ... مصر ... مقدار ...
بیند ... که اجرت ... بنی اسرائیل ... لیکن ... فرعون ... بنی اسرائیل ... فرعون گفت که شما
برگزیده ... فرعون ... تفسیر
فلما جاءہم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا ابناء الذین امنوا معہ واستحیوا نساءہم وما کید الکفرین الا فی ضلل ہ پس چون آمد ایشان را راستی از نزد
ما گفتند قوم فرعون قتل کنید پسران آنانکه ایمان آورده اند ... دیگر ... ولیکن مکر شان
کافران نیست مگر در گمراهی وقال فرعون ذرونی اقتل موسی ولیدع ربہ انی اخاف ان یبدل دینکم او ان یظہر فی الارض الفساد ہ و گفت فرعون
بگذارید مرا تا قتل کنم موسی را ... بترسم اگر تبدیل کند دین شما را یا آنکه ظاهر کند در زمین مصر فساد عظیم وقال موسی انی عذت بربی وربکم
من کل متکبر لا یؤمن بیوم الحساب ہ و گفت موسی ... پناه میخواهم به پروردگار خود و پروردگار شما از هر متکبر که ایمان نیارد بروز حساب ...
قوم فرعون ... ایمان خود را پوشیده میداشت ... وقال رجل مؤمن من ال فرعون یکتم ایمانہ اتقتلون رجلا ان یقول
ربی اللہ وقد جاءکم بالبینت من ربکم وان یک کاذبا فعلیہ کذبہ وان یک صادقا یصبکم بعض الذی یعدکم ان اللہ لا یہدی

مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۝ وگفت مردی از آل فرعون که پوشیده داشت ایمان خود را آیا قتل کنید مردی را که گوید پروردگار من الله است و آورده است شما را دلایل از پروردگار شما و اگر
باشد دروغگو پس بر وی است وبال دروغش و اگر باشد راست گو برسد شما را بعض آنچه وعده کند شما را هر آینه الله هدایت نمیکند آن را که او بی لحاظ و دروغگو باشد و نصیحت او که این رجل سوی آن رجل [illegible]
اند که در سوره یس از همراهان حواریین عیسی بود بلکه نزد قول بعضی یک بعد یک هزار سال با حبیب موسی بود چنانکه قول بعض است که از بنی اسرائیل بود و ایمان خود را از فرعون پوشیده میداشت و نزد بعض محققین
که آن ضمیر متکلم است و در توریت این قصه مفصل نیست زیرا که در آن خاص ذکر محل میکند که موسی خارج کرده شد و فرعون گفت [illegible] تفصیل است يٰقَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ
الْيَوْمَ ظٰهِرِيْنَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَّنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللّٰهِ إِنْ جَآءَنَا ۝ ای قوم من برای شما است ملک امروز در حالیکه غلبه کنندگانید در زمین پس کیست که نصرت دهد
ما را از عذاب خدا اگر آید قَالَ فِرْعَوْنُ مَآ أُرِيْكُمْ إِلَّا مَآ أَرٰى وَمَآ أَهْدِيْكُمْ إِلَّا سَبِيْلَ الرَّشَادِ ۝ جواب داد فرعون خبر نمیدهم شما را مگر آنچه می بینم و دلالت نمیکنم شما را مگر
راه درست وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ إِنِّيْٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝ مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوْدَ وَالَّذِيْنَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ
ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ۝ وگفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من خوف میکنم بر شما مثل روز قومها مثل سیرت قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد ایشان بودند و نیست الله اراده کننده ظلمی برای
بندگان وَيٰقَوْمِ إِنِّيْٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۝ يَوْمَ تُوَلُّوْنَ مُدْبِرِيْنَ ۚ ای قوم من هر آینه من خوف میکنم بر شما روز ندا زدن یکدیگر روزیکه پشت گردانیده رفتنی یعنی روز
غرق که فرعون و فرعونیان موسی را ندا کردند مَا لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ۝ نیست برای شما از خدا نگاه دارنده و هر که گمراه کند الله پس
نیست برای او کسی هدایت کننده و در روز ندا درای فرعونیان آمده است زیرا که یوسف گفته بود که [illegible] بنی اسرائیل [illegible] معلوم شد که یوسف خبر [illegible]
داده رفته است چنانکه میفرماید وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوْسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا زِلْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُمْ بِهٖ ۚ حَتّٰىٓ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَّبْعَثَ اللّٰهُ مِنْ
بَعْدِهٖ رَسُوْلًا ۚ و هر آینه آورده بود شما را یوسف از قبل دلایل [illegible] همیشه بودید در شکی [illegible] تا چون مرد گفتید هرگز نخواهد برانگیخت [illegible] بعد از وی
رسول عظیم [illegible] كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ۝ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ
أَتٰىهُمْ [illegible] كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ كَذٰلِكَ
يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ۝ سخت بزرگ است نزد خدا و نزد آنکه ایمان آورده [illegible]
فرعون [illegible] وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰهَامٰنُ ابْنِ لِيْ صَرْحًا
لَّعَلِّيْٓ أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ۝ أَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلٰىٓ إِلٰهِ مُوْسٰى وَإِنِّيْ لَأَظُنُّهٗ كَاذِبًا ۚ وگفت فرعون [illegible]
[illegible]
[illegible] وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيْلِ ۚ
وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِيْ تَبَابٍ ۝ [illegible] وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ
أَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ۝ وگفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم [illegible] يٰقَوْمِ إِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ۚ وَّإِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ
دَارُ الْقَرَارِ ۝ ای قوم من این زندگانی دنیا متاع قلیل است [illegible] مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰىٓ إِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ
أَوْ أُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ [illegible]
در حالیکه [illegible] داخل شوند بجنت [illegible]
[illegible] وَأُشْرِكَ بِهٖ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ ۫ وَّأَنَا أَدْعُوْكُمْ إِلَى الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ ۝ [illegible]
خوانید مرا [illegible]
[illegible] فِي الْاٰخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى اللّٰهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِيْنَ هُمْ أَصْحٰبُ النَّارِ ۝ [illegible]
[illegible]

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ این صفت است الله پروردگار شما پاک کننده شریکی نیست معبودی غیر او پس کجا میروید كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ چنین بر میگردند
آنانکه آیات الله را دست میکشیدند این صفت او اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الله کسی که
گردانید برای شما زمین را قرارگاه و آسمان بنا و بصورت کرد شما را پس نیکو کرد صورتهای شما و روزی داد شما را از پاکیزه ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ این صفت است
الله پروردگار شما پس برکت است الله پروردگار عالمیان دیگری این صفت نیست صفت دیگر ظاهر شد میفرماید هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ او زنده قدیم است نیست معبود بحق غیر او پس بخوانید او را خالص کنندگان کیش برای او حمد پروردگار عالمیانست این صفت دیگری نشوند مبین حجت قُلْ
إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ بگو بدرستیکه من منع کرده شده‌ام از
عبادت نمودن آنها را که میخوانید غیر خدا چون آمد مرا دلائل از پروردگار من و حکم کرده شده‌ام که گردن نهم برای پروردگار عالمها هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ
مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
آن خدا است که پیدا کرد شما را از خاک باز از نطفه باز از علقه باز بر آرد شما را طفل باز تا برسید بقوت خود باز تا باشید شیخ و بعض از شما کسی است که میمیرد از قبل و تا برسید بمیعاد معین
امید شاید فهمید در حال شما خلل غیر خدا نیست هرگونه که باشد پس خدا ... بلکه باید که دین بر قیامت قائم کنید هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ
فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ او آنست که زنده میکند و میمیراند پس چون حکم کند امر عظیم قیامت ... بعد اکمال
خود أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ آیا نمی‌بینی بطرف آن مشرکان که مجادله میکنند ... الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا
أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ آنانکه تکذیب کردند قرآن
و آنچه فرستادیم رسولان ... پس خواهند دانست چون طوقها در گردن شان باشند و زنجیرها در حال کشیده شوند در آب گرم باز در آتش بر کرده شوند ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ
أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ باز گفته شود برای شان کجا
رفتند آنچه بدان شرک میکردید سوای خدا گویند گم شدند از ما بلکه نمیخواندیم از قبل چیزی چنین گمراه کند الله کافران را ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ
تَمْرَحُونَ این بآن سبب است که خوش میشدید در زمین بغیر حق و بآنچه تکبر میکردید ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ داخل شوید در
جهنم همیشه باشندگان در وی که بد است جای تکبر کنندگان جهنم فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ
پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا حق است یعنی بشنت فتح اهل اسلام آمدنی است پس اگر بنمائیم ترا بعض آنچه وعده میکنیم ایشان را یعنی فتح یا بمیرانیم ترا پس بطرف
ما رجوع خواهند کرد در قیامت رنجیده نشدن این عید کفار شتابی میکردند که آیتی بیدا بیارید میفرماید وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا
عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ هر آئینه فرستادیم رسولان از قبل تو بعض از ایشان آنست که قصه ایشان بر تو خواندیم و بعض
ایشان آنکه نخواندیم بر تو و نیست برای هیچ رسولی که بیارد آیتی مگر باذن خدا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ پس چون آید امر خدا فیصله
بآستی و زیان کرده شوند در آنجا باطل کنندگان اقوال پیغمبران یعنی هلاک شوند اگر گویند که باز قیامت نخواهد آمد ممکن که صورت تناسخ پیدا شود چنانکه ارواح انسان در حیوان محصور شود که
عذاب او همین باشد فرق سوای تناسخ و احوال نیست جواب میفرماید که در عالم ... سوار میشود ... آن انعام جلال میشود چنانکه میفرماید
اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ
خدا آنست که گردانید برای شما چارپایان تا سوار شوید بعض ازانها و از بعض آنها خورید و برای شما در آنها منفعتهاست دیگر تا برسانید ... و بر آنها و بر کشتی سوار شوید ...
انچنین نظر تناسخ است بلکه بنظر ضرورت عالم است ... وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ و مینماید
بشما نشانهای معجزات خود از قحط سالی ... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ آیا سیر نکردند در زمین پس

ساختند چگونه شد انجام کار آنانکه قبل از ایشان بودند زیاده از ایشان و سخت‌تر در قوت و نشانها در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب میکردند پس شما چرا اینرا نمی‌بینید باین آیت بالا کشت

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ یعنی چون آوردند ایشان را رسولان ایشان دلائل و معجزات خوش شدند بآنچه نزد ایشان بود از علمی چنانکه قوم نوح و قوم عاد و

فرعون هر یکی خود را مثل یگان بخود قائل [illegible] است و انکار قبول انبیا میکردند و آنچه [illegible] از تاریخ نسبت سقراط [illegible] نزد موسی [illegible] خلاصت سقراط [illegible] انبیا

است مثل افلاطون [illegible] چنانکه در کتاب [illegible] و یکجا زمانه موسی و یکجا زمانه سقراط و قریب العهد باسکندر رومی وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝

و فرا آمد بر این کفار آنچه بدان استهزا میکردند فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ۝ پس چون دیدند عذاب گفتند ایمان آوردیم بالله یگانه و انکار

کردیم بآنچه شرک میکردیم فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ۝ پس نفع داد [illegible]

ایمان شان چون دیدند [illegible] عذاب ما سنت خداست که گذشت در سابق [illegible] در نسبت بندگان خود و زیان کردند در آنجا کافران [illegible]

سورة حم السجدة مکیه است پنجاه و چهار آیه میدارد و فصلت هم نامیده شده و درین سورت تفصیل مطالب الواح موسی [illegible] در فصل

سفر تثنیه [illegible] کوه سینا یعنی کوه [illegible] خداوند تشریف خواهد آورد [illegible] اشارت بچهار اسب [illegible] اسلام است هفتاد هزار [illegible] خواهند

بود [illegible] حساب بجنت خواهند رفت [illegible] اشارت بچهار اسب نموده [illegible] اشارت [illegible] حامیم و نیز درین سوره اشارت از

آیات انفس [illegible] سال هجرت [illegible] و نیز اشارت فتوحات عامه [illegible] والله اعلم بالصواب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ شروع است بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان حم ۝ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ مطابق الواح موسی حسب تفصیل فصل [illegible] سفر تثنیه نزول

[illegible] رحمن رحیم كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ بَشِيرًا وَنَذِيرًا کتابیست تفصیل کرده شده آیاتش خوانده شده بزبان عربی برای [illegible]

دهنده بشارت و بیم دهنده [illegible]

[illegible] فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ پس اعراض کردند اکثر ایشان پس ایشان نمی‌شنوند چنانکه [illegible]

رضی الله عنه است که آمدند قریش بر نبی صلی الله علیه وسلم پس آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود [illegible] اسلام است اگر اسلام خواهید [illegible] سردار عرب خواهید شد پس گفتند

قریش که ای محمد علیه السلام آن چیزی که میگوئی نمی‌شنویم [illegible] حضور صلی الله علیه وسلم وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ

مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ و گفتند دلهای ما در غلافهاست از آنچه میخوانی ما را [illegible] گرانی است و میان ما و تو حجاب است

برای شان حضور صلی الله علیه وسلم [illegible] لا اله الا الله [illegible] وحده لا شریک له [illegible]

[illegible] فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ۝ پس کار کن [illegible]

[illegible] قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ [illegible] مثل شما

[illegible] فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ [illegible] طلب مغفرت کنید [illegible] وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

الزَّكَاةَ [illegible] وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۝ [illegible] روایت است

[illegible] قریش [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] حضور صلی الله علیه وسلم گفتند

[illegible] مسلمان [illegible]

[illegible] رسول الله صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible] إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝ [illegible] ایمان آوردند [illegible] اجریست غیر

ستلج و آنچه کفار تعجب میکنند که خدا چگونه دو صفت دارد که جمله معبودان یک معبود باشد چون الشی میفرماید قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ آیا بدرستی شما کفر
میکنید بآنکه پیدا کرد زمین را در دو روز که مطابق فصل اول تکوین بعد از اول روشنی نمود یعنی تجلی صوری جلوه گر شد و بروز دوم ماده دخانی ظاهر کرد که انقسام زمین بهفت طبقه ساخت
و منفصل از سوره طلاق هی یدالعرض زمین و آب در روز شد و از خود ظاهر کرد پس یک جو برحق جمله زمین از المحیط وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا و شما میگردانید برائی وی برابران شبا
یعنی ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ آنست پروردگار عالمیان وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا اگر در بر زمین بشما و متحد از شکل آفتاب ماهتاب ستاره و از فوقش از نفحا
این بعد چهارم مطابق توریه شد وَبَارَكَ فِيهَا و برکت داد و ران یعنی روشنی را بها ظاهر کرد وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا و مقدر کرد در زمین قوتها ان زمین مطابق توریه بروز
سوم گیاه و درخت و تخم بر آورد و فرمود فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً این جمله از روز اول تا تمام در چهار روز شد برابر لِلسَّائِلِينَ یعنی مقدر کرد روزی سائلین زمین ثُمَّ اسْتَوَىٰ
إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ پس توجه شد بسوی آسمان و آسمان دخانی بود پس فرمود برای آسمان و برای زمین بیائید
بخوشی یا بجبر در گفتند آمدیم بخوشی یعنی از سحاب آسمان از سمند زمین بخار بالا رو شد آن ابر پس بر زمین خشک بر زمین قابل روئیدگی گردد فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي
يَوْمَيْنِ پس حکم کرد آنرا هفت آسمان این در روز مده و روز بعد چهار روز شد وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا و وحی کرد در هر آسمان امر خود را که در روز پنجم و ششم مد بعد هر یک
از اینها بهفت شبانه آفرید یعنی بروز پنجم ماهی نهنگان بزرگ و هم جانوران آبی سوم مرغان هوائی و بروز ششم چهارم دواب پنجم حشرات ششم حیوانات وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ
وَحِفْظًا و بعد ششم ترتیب آدم بلندی یعنی سرش باستاره شد و نگاه داشت آسمانها را نگاه داشتنی بروز ششم آدم اول آفرید پس مطابق توریه گویا آفتاب ماهتاب بروز چهارم شد مگر
بعد ششم آسمان را آنها زین کرد و آنچه در حدیث ابن عباس مدت که بروز ششم آفتاب ماهتاب آنکه مطلب آن بنا دن آسمان ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ این اندازه
غالب دانا است پس در روز مده بروز ششم یک دو روز آدم بود و بروز هفتم آدم یعنی انسان آفرید و آرام گرفت سر این اشارت کرد که بصورت انسان کمتر از هفتم بود و جلوه هم بصورت
بشری کرده فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ پس اگر اعراض کنند پس بگو بترسانم شما را از صاعقه مثل صاعقه عاد و ثمود منقول است که کفار قریش
جمع شدند تا الاش شخصی نمودند که شعر و کهانت و سحر داند که بحضور علیه السلام رود پس عتبه بن ربیعه شخص نمودند او نزد حضور علیه السلام آمد و گفت یا محمد تو بهتری یا عبدالله یا عبدالمطلب
آنان نیکو بودند آن پرستیدند اذ خدایان و اگر تو بهتری بگو تا بشنویم کلام ترا آگاه باش قسم بخدا است که تو جوان چنین یا قوم ما کردی قسم است که تو بتو خلاف ما کرد اگر حاجتی است جمع کنیم برای تو
مالی که غنی شوی اگر خواهش زن داری هر زن باشد نکاح کنیم پس چون حضور علیه السلام کلام تمام کرد پس سخن خود را گفت پس حضور صلی الله علیه وسلم از اول تا اینجا بخواند پس عتبه گفت بس
بس کن نیست نزد تو چیزی غیر این پس عتبه بازگشت و گفت که گفته شد چیزی مگر گفتم گفتند آیا چیزی جواب داد گفت قسم است که فهمیده هیچ چیزی مگر آنکه گفت میترساند شما را
از صاعقه عاد و ثمود قریش گفتند وای بر تو کلام شخص عربی ندانستی عتبه قسم کرده که سوای آن نفهمیدم و در روایت دیگر است که عتبه گفت که قسم خدا است که کلامش نه سحر است نه شعر نه کهانت
قسم خدا است خواهد شد بسبب قوتش شنیده ام کلامی که نشنیده ام که گاهی مثل آن و در روایت دیگر است که تو خواندند تا همه در نگذرید ونه حمله عرب اگر غالب آید سلطنت
سلطنت است اگر عرب غالب آیند کار او خواهد شد الحدیث واضح باد که مراد از صاعقه عذاب سخت است که هلاکت خود بعد بیست نه بر تند آتش چنانچه إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ
مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ چون آمد ایشان را رسولان از پیش ایشان و از پس ایشان که عبادت مکنید مگر خدا را قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً
فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ گفتند اگر خواستی پروردگار ما هر آئینه نازل کردی ملائکه پس بدرستی ما بآنچه فرستاده شده اید منکر هستیم فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ پس لیکن عاد پس تکبر کردند در زمین بغیر حق و گفتند
کیست سخت تر از ما در قوت آیا ندیدند بدرستی خداوندی که پیدا کرد ایشان را سخت تر است از ایشان در قوت و آیات ما را منکر بودند فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي
أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ پس فرستادیم بر ایشان باد تند سخت در روزهای
مصیبت تا بچشانیم ایشان را عذاب رسوائی در حیات دنیا و هر آئینه عذاب آخرت زیاده تر رسوائی است و ایشان نصرت داده نشوند بعضی ایام نحس سعد نمیگیرند و بعضی تطیر و نیات
ضعیفه باشند اعتبار نمیارند لیکن اینقدر ضروریست که جمله از جانب حق تعالی است اگر بعض نحس و بعض سعد باشد چه عجب یعنی بشرات حدیث نیست وَأَمَّا ثَمُودُ فَـ
هَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ و لیکن ثمود پس راه نمودیم ایشان را پس دوست داشتند

نابینائی گمراهی را بر بینائی هدایت پس گرفت ایشان را صاعقهٔ عذاب ذلیل کننده بانچه کسب میکردند ونجینا الذین آمنوا وکانوا یتقون ۝ و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیز
میکردند ویوم یحشر اعداء الله الی النار فهم یوزعون ۝ و روزیکه حشر کرده شوند دشمنان خدا بطرف آتش دوزخ پس ایستاده کرده شوند حتی اذا ما جاءوها شهد علیهم سمعهم
وابصارهم وجلودهم بما کانوا یعملون ۝ تا چون آنجا برسند گواهی دهند بر ایشان گوشهای ایشان و دیدهای ایشان و جلدهای ایشان بانچه عمل میکردند و بودن چشم شنوائی و بینائی نیست
وقالوا لجلودهم لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء وهو خلقکم اول مرة والیه ترجعون ۝ و گویند ایشان جلدهای خود را که چرا گواهی دادید بر ما گویند
گویا کرد ما را الله که گویا کرد هر شی را و آن الله آفرید شما را اول مرتبه و بطرف او رجوع میکنید و هر که خدا او را در جلدها بینند [illegible] گویائی شنوائی و بینائی در هر شی طاری است وما کنتم تستترون
ان یشهد علیکم سمعکم ولا ابصارکم ولا جلودکم ولکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون ۝ و پوشیده نمیکردید که گواهی دهند بر شما گوش شما و بینائی
شما و جلد شما و لیکن گمان میکردید که الله نمیداند بسیاری از انچه میکنید وذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین ۝ و این گمان که گمان کردید به پروردگار
خود هلاک کرد شما را پس گشتید از زیانکاران فان یصبروا فالنار مثوی لهم وان یستعتبوا فما هم من المعتبین ۝ پس اگر صبر کنند پس آتش جای ایشانست و اگر عذر خواهند پس نیستند از عذر
پذیرفتگان وقیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین ایدیهم وما خلفهم وحق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم کانوا
خاسرین ۝ و تعین کردیم برای کفار همنشینان پس آراسته کردند برای ایشان آنچه در پیش روی ایشان است و آنچه عقب ایشان و ثابت شد بر ایشان عذاب در امتهائیکه گذشت از قبل ایشان از جن و انس
هر آینه بودند زیانکار واضح باد که حضور صلی الله علیه وسلم قرآن بجمع میخواندند کفار نصیحت میگیرند وقال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فیه لعلکم تغلبون ۝
و گفتند آنانکه کفر کردند مشنوید برای این قرآن و بیهوده گوئی کنید وقت قرائت تا شما غالب شوید فلنذیقن الذین کفروا عذابا شدیدا ولنجزینهم اسوا الذی کانوا یعملون
پس البته بچشانیم آنانرا که کفر کردند عذاب سخت و البته جزا دهیم ایشان را بدتر از انچه عمل میکنند ذلک جزاء اعداء الله النار لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بآیاتنا
یجحدون ۝ جزاء دشمنان خدا آتش است برای ایشان در آن خانه همیشگی است جزا است بانچه بآیات انکار میکردند وقال الذین کفروا ربنا ارنا الذین اضلانا من
الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین ۝ و گویند روز قیامت آنانکه کفر کردند ای پروردگار ما بنما آن دو را که گمراه کردند ما را از جن و انس گردانیم
آنها را زیر قدمهای خود تا باشند از ذلیلان ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون
بدرستیکه آنانکه گفتند پروردگار ما الله است باز قایم ماندند نازل میشوند بر ایشان ملائکه که نترسید و غم مکنید و بشارت داده شوید بجنتیکه وعده کرده شده بودید در تفسیر آیه سجده می آید که
کم از هفتاد هزار در هفتاد هزار از امت حضور صلی الله علیه وسلم مطابق این آیه بخشیده شده که چهار ارب نود کرور میشود و در اکثر زمانه قریب کرور مردم مسلمان باشند و در یک صدی چار شخص
میگذرند پس در هر صدی چهل کرور مردم مسلمان شدند تا این زمان که قریب صد سیزدهم است هفتاد هزار در هفتاد هزار اهل اسلام گردیده اند و تا معلوم نیست تا قیامت کبری چقدر است پس مراد
از استقامت آنست که صدیق اکبر رضی الله عنه فرمود که مستقیم باشند از روی قول و فعل چنانکه مستقیم باشند است از روی قول هر که گوید لا اله الا الله و باشد از صدیق اکبر رضی الله عنه و فرمود که این عمل
بلکه مفعول است که بر هستی او [illegible] پس کلام صدیق اکبر رضی الله تعالی عنه تعارض نیست [illegible] ابن فاروق رضی الله عنه فرمود که امر و نهی مستقیم باشد یعنی نظر اعتقاد و [illegible] است
انچه عثمان رضی الله عنه فرمود که خالص کرده باشد عمل خود را یعنی نفاق نکرده باشد و قریب است که مرتضی کرم الله وجهه فرمود که ادا کرده باشد فرایض نزول ملائکه موقوف بر استقامت است گو معانی
فرمودهٔ مرتضی کرم الله وجهه حرام است بر نفس کسی از دنیا خارج شود تا آنکه بداند که کجا است بازگشت آن یعنی دوزخ یا جنت نحن اولیاؤکم فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة ولکم
فیها ما تشتهی انفسکم ولکم فیها ما تدعون ۝ نزلا من غفور رحیم ۝ ما یاران شمائیم در دنیا و در آخرت و برای شما است در آخرت انچه خواهش میکنند نفسهای شما و برای شما است در آنجا انچه خواهید مهمانی
است از غفور رحیم پس کدام قول است اولی از قول [illegible] ومن احسن قولا ممن دعا الی الله وعمل صالحا وقال اننی من المسلمین ۝ و کیست نیک تر در قول از آنکه
خواند بطرف خدا و کار کند نیک و گوید بدرستی من از مسلمانانم ولا تستوی الحسنة ولا السیئة ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک وبینه عداوة کانه
ولی حمیم ۝ و برابر نیست نیکی و بدی دفع شر شان کن بانچه آن بهتر است پس ناگهان آنکه در میان تو و میان او عداوت است بسبب دفع نیک گویا آن دوست قرابت دار است وما
یلقاها الا الذین صبروا وما یلقاها الا ذو حظ عظیم ۝ و نمیدهند این نکته را مگر آنانکه صبر کردند بر تکالیف و نرمی میکنند [illegible] مگر صاحب قسمت عظیم مثل صدیق
اکبر رضی الله عنه چنانچه شخصی از حضرت ابو بکر رضی الله عنه سخت گفت و آنحضرت صلی الله علیه وسلم نشسته بودند تعجب میکردند و تبسم میفرمودند واما ینزغنک من الشیطن نزغ

فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۔ و اگر آید ترا از شیطان وسوسه پس پناه بخواه بالله بدرستی آن شنونده داناست چنانکه در روایت سابقه است چون آن شخص نادم شد بصدیق
گفت صدیق از بعض بخشش جواب داد پس غصه شد حضور صلی الله علیه وسلم را بعد ابی بکر نزد حضور علیه السلام [illegible] جواب حضور صلی الله علیه وسلم [illegible] [illegible]
آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بعد از فرشته که جواب میداد و در این هیچ جواب نمی آید پس آمد شیطان [illegible] ابوبکر [illegible] سبب آن [illegible] بخلاف کرده [illegible] عز
وجل گرامی کند الله [illegible] کسی شخصی بخشش [illegible] زیاده میکند سبب آن [illegible] کسی شخص در سوال [illegible] زیاده کند بسبب
قلت ل وَمِنْ اٰيٰتِهِ الَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ؕ لَا تَسْجُدُوْا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ۔ سجده کنید
برای عبادت سجده کنید برای آن خدا که پیدا کرد اینها را اگر او را عبادت کننده باشید فَاِنِ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَهٗ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُوْنَ
پس اگر تکبر کنند کفار از عبادت خدا پس آنانکه نزد پروردگار تواند تسبیح کنند برای او شب و روز و آنان عاجز نمیشوند پس اگر چه جز و آن باشد که قیامت نخواهد سفر باید وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنَّكَ تَرَى
الْاَرْضَ خَاشِعَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ؕ اِنَّ الَّذِيْٓ اَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتٰى ؕ اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۔ از آیات است که می بینی زمین
پس چون نازل کردیم بر او آب حرکت کرد و بلند شد بدرستی که زنده کرد او را البته زنده کننده مردگان است بدرستی آن بر هر شیء قدرت دارد اِنَّ الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ
عَلَيْنَا ؕ اَفَمَنْ يُّلْقٰى فِي النَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ يَّاْتِيْٓ اٰمِنًا يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اِعْمَلُوْا مَا شِئْتُمْ ۙ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۔ بدرستی آنانکه الحاد کنند [illegible]
نیستند بر ما پس آیا کسی که انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که آید ایمان آورده روز قیامت [illegible] هر چه خواهید بدرستی که او بآنچه عمل کنید بیننده است اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالذِّكْرِ لَمَّا
جَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّهٗ لَكِتٰبٌ عَزِيْزٌ ۙ لَّا يَاْتِيْهِ الْبَاطِلُ مِنْۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ ؕ تَنْزِيْلٌ مِّنْ حَكِيْمٍ حَمِيْدٍ ۔ بدرستی آنانکه کفر کردند بقرآن چون آمد ایشان را [illegible]
نیست بدرستی آن قرآن کتاب غالب است نمی آید او را باطل از پیش و نه از پس آن نزول یافته است از حکیم حمید مَا يُقَالُ لَكَ اِلَّا مَا قَدْ قِيْلَ لِلرُّسُلِ مِنْ
قَبْلِكَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ لَذُوْ مَغْفِرَةٍ وَّذُوْ عِقَابٍ اَلِيْمٍ ۔ گفته نمیشود ترا مگر آنچه گفته شد برای رسولان پیش از تو بدرستی پروردگار تو صاحب مغفرت است و صاحب عذاب [illegible]
[illegible] گفته شد [illegible] تعلیم میکند [illegible] [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible] [illegible]
[illegible] وَلَوْ جَعَلْنٰهُ قُرْاٰنًا اَعْجَمِيًّا لَّقَالُوْا لَوْلَا فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ ؕ [illegible]
[illegible] ءَاَعْجَمِيٌّ وَّعَرَبِيٌّ ؕ [illegible]
قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى وَّشِفَآءٌ ؕ [illegible]
[illegible] وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَّهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ؕ اُولٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ
مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ۔ [illegible] وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ
فَاخْتُلِفَ فِيْهِ ؕ [illegible] وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ؕ [illegible]
[illegible] وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ۔ [illegible]
[illegible] مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا ؕ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ۔ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شود انسان از سوء عاقبت نیک و دیگر رسوا و لیبی پس امید است طمع برید ه و لئن اذقناه رحمة منا من بعد ضراء مسته لیقولن هذا لی وما اظن الساعة قائمة ولئن
رُجعت الی ربی ان لی عنده للحسنی اگر چشانیم او را رحمتی از جانب خود بعد از سختیکه رسیده او را یعنی چیار قحط و فراخ سالی ناگاه بیم بر آینه گوید این از برای من است و گمان نمیکنم که ساعت قایم باشد و اگر
باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خود بدرستیکه مرا نزد او نیکوئی باشد فلننبئن الذین کفروا بما عملوا ولنذیقنهم من عذاب
غلیظ پس البته خبردار کنیم ان کافران را به آنچه میکنند و البته بچشانیم ایشان را از عذاب سخت در قیامت یا قبل از قیامت بر وند وغیره واذا انعمنا علی الانسان
اعرض ونأی بجانبه واذا مسه الشر فذو دعاء عریض و چون انعام کردیم بر انسان یعنی باز قحط سالی فراخ سالی نصیب ایشان کردیم اعراض کرد و رجوع کرد بجانب خود و چون
رسید او را شر یعنی خشکسالی پس صاحب دعا دراز بود قل ارءیتم ان کان من عند الله ثم کفرتم به من اضل ممن هو فی شقاق بعید بگو خبر دهید اگر باشد این
خیر و شر یعنی قحط سالی و فراخی که برای اهل مکه باعجاز پیغمبر آمد از جانب خدا باز کفر کردید بدان خبر ها و ندکیست آنکه گمراه تر است از آنکه در مخالفت بعید از کار است یعنی شما هستید در قیامت آمدنی است
لیکن قبل ظهور است آنکه سنریهم ایاتنا فی الآفاق وفی انفسهم خواهیم نمایانید ایشان را نشان های خود در جهان ها و در جانهای ایشان یعنی فتوحات در ممالک و در بنی قیدار حتی
یتبین لهم انه الحق تا آنکه ظاهر شود برایشان آنکه قرآن حق است آنکه مطالب پیشین گوئی بظهور میرسد آمده و طلبان اشاره مراد از آیات آفاقی و نفسی مشهور شده است و دیگر کسی در ضعف حال
اهل اسلام گمان کند که چگونه فتح خواهد شد جواب شرائط آنکه او لم یکف بربک انه علی کل شیء شهید آیا کافی نیست که پروردگار تو آنکه بر هر چیزی حاضر است الا انهم فی مریة من لقاء
ربهم آگاه باش هر آینه ایشان در شک اند از لقای پروردگار خود با این جهت تکبر بسیار اند الا انه بکل شیء محیط آگاه باش خدا بر هر چیزی احاطه کننده است **سورۃ شوری**
مکیه است پنجاه و سه آیة میدارد و چون آخر سوره قبل ذکر قیامت بود و قبل از قیامت آیاتی هستند که مدعی از حروف مقطعات این سورت و بسیاری
در حروف حم از بعض عسق قبل از قیامت آمدنی است و دیگر مسیح ضرور است که مطابق ثبت بعد زوال هر عصری خبر داده است پس از لوازم مسیح وارث مسیح میتواند شد که در سیوره صدی شمسی بجا
بسلطنت تشریف آورده و در فصل ۳ سفر تثنیه ذکر جهت حضرت علیه السلام و در فصل ۳۳ کتاب ... ذکر شوکت جهاد پیروی است و در فصل ... ذکر جهاد حضرت علیه السلام در دیگر کتب مذکور است مثلا ذکر هجرت
و فتح مدینه در آخر فصل ۲۱ اشعیا است و در فصل ۴۲ اشعیا از ... بعد ذکر واقعات ... تا درس ششم کرد ذکر واقعات آخرین حضرت پیغمبر را که خدا ... صاحب شجاعت از بنی قیدار بر شمنان خود غالب
خواهد شد و شرکش از کوه سلع خواهد بود ... کوه مدینه منوره است ... ترجمه اردو ... و در حبش ... شروع طبع کتاب مطالعه کردیم و دشمنان از بنی جنگ خواهد طلبید برایشان غلبه خواهد یافت مراد
غزوه بنی قینقاع یهود است و در درس ... سفر ... که مدتی ساکت ماندم یعنی قبل از هجرت و ... پیغمبر ... دم ... خواهم کشید اشارت به غزوه احد است و بعده ذکر غزوه بنی نضیر فرموده و ذکر غزوه خندق هم فرماید که
مشرکان شرمنده شوند و بازپس روند چنانکه در غزوه خندق شده و بعده ذکر اولاد اسرائیل ... پیغمبر فرماید که هر چند پیغمبر صاحب شجاعت قیداری به تفصیل ... آمده گر رسول یعنی اولاد رسول اسرائیل را گوش
انداختن نمی شنوند و دست ... چشم ... بنی قریظه و قرص و غیره شده از آن اطلاع پیغمبر آمده در کتاب حزقیل و ذکر یا و مکاشفات تفصیل حالات خلفا است و در باب
سیزدهم مکاشفات و فصل ۳۸ و ۳۹ حزقیل ذکر یاجوج ماجوج ... در آن جلد در علوم عسق اشارت است و باید تفصیل آنست بدان نظر از ابن عباس مرویست که سیم نبی در کتاب
نیست مگر بر وجه عسق واجب شده و در حدیث مرفوع است که بعد از نزول این سوره اثر اندوه در جبین مبارک سید المرسلین علیه السلام ظاهر شد صحابه سبب آن دریافت کردند ارشاد شد که ما سیح از قذف و مسخ
و خسف بر این امت از واقعات آخر خبر داده اند و بروایت ابن عباس از مرتضی کرم الله وجهه است که از این حروف از واقعات آینده خبر میفرمود و نزول حوامیم در سنه دوازده هم نبوت شد همچون عدد حوامیم
بجمل صغیر است و وفات جناب سید المرسلین علیه السلام در سنه دوازده هم از نزول این سوره است و در هر سال واقعه کلان بظهور رسید تا سنه ششم هجرت که عدد عشق بدان کامل شد گاهی غالب
گاهی مغلوب اهل حق مانده و بعد از آن در عرصه چهار سال حسب عدد جمل صغیر عم کفار مغلوب گشتند از آن هم اشارت در این سورت است و در سنه اول نزول این سوره آمدن انصار مدینه
شروع شد و در سنه دوم عقبه ثانیه آمدن انصار و بیعت شد و در سنه سوم هجرت سید المرسلین علیه السلام و در سنه چهارم فتح بدر که کشاف صداقت بود و از تتمه اش غزوه بنی قینقاع بظهور
آمد و در سال پنجم غزوه احد شد و در ششم غزوه بنی نضیر و بدر صغری وغیره و در سنه هفتم غزوه بنی المصطلق و افک واقع شد که در کتاب زکریا و حزقیل و مکاشفات مذکور است و هم واقعه غزوه خندق
شد و در سنه هشتم غزوه حدیبیه و ارسال فرامین بپادشاهان شد و در سنه نهم فتوحات خیبر و فرس و آمدن مهاجرین حبشه وغیره و قضا کردن عمره شد و در سنه دهم مکه فتح شد و در سنه یازدهم غزوه تبوک
واقع شد و در سنه دوازدهم حجة الوداع و بعده وفات جناب سید المرسلین علیه السلام گردید و بعد از زمانه نبوت بر وفق نبوت خلافت صدیق اکبر رضی الله عنه شد معدد رفق حم دو سال است
همچون تا دو سال خلافت آنجناب رضی الله عنه ماند و نسبت خلیفه ثانی عدد حم جمل صغیر پنج ضرب کرده شد همچون حم زمانه خلافت فاروق رضی الله عنه بر آمد و نسبت خلیفه ثالث

در سه ضرب کرده شد همین زمانهٔ خلافت ذی النورین رضی الله عنه بر آمد و نسبت خلیفهٔ رابع چون در چهار ضرب کردیم و در زمان آنجناب بالخصوص مر خلافت آنجناب کرم الله وجهه
و سلطنت امیر معاویه منقسم گشت مرتبهٔ رابع را تقسیم کردیم همون زمانه ختم خلافت مرتضی خاتم الخلفاء کرم الله وجهه و خلافت جزو آنجناب امام حسن مجتبی رضی الله عنهما بر آمد و اهل حجاز اگر
خونها ریختند و حالات سی انبیاء کاذب مثل مسیلمه و سجاح و اسود عنسی و فتوحات شام و مصر و عراق و آنچه واقعات در زمان ذی النورین و مرتضی کرم الله وجهه بود و فساد خارج میتوان اند
و در سنهٔ پنجاه و ششم هجری یعنی شصتم نزول سوره واقعهٔ شهادت امام حسین شهید کربلا است رضی الله عنه همون عدد جمل صغیر حم دوازده و عدد جمل کبیر حم و هشت حم بر می آید که بعد
ازان بسی کار دیگر مثل حجاج وغیره بر خاستند بالآخر در سنه [illegible] هجری که از نزول سوره ۱۳۲ میشود سلطنت مروانیه رفت همون عدد دوازده جمل صغیر حم و هشتاد و چهار بسط ترفع و جمل کبیر حم
میشود و اجتماع بنی هاشم [illegible] قریب در سنه [illegible] شد همون عدد حا بود با عدد میم جمع کرده چهار صد نود میشود و اگر تفریق بکنیم همون زمانه تفریق اسماعیلیه و عباسیه بر می آید و ان
شروع زمان سلطنت بنی هاشم که از سنه ۱۳۲ امام ابراهیم عباسی گشت تا زمان اختتام سلطنت شان بر سادات اسماعیلیه که در سنه [illegible] سوده شد همون عدد جمل کبیر حم ۴۸ و بسط ترفع ۲۰۰ هم که مجموعه
اش ۲۰۹ میشود عدد و فوق کم کرده میشود و بعده حکومت بنی عثمان [illegible] قائم گشت و از حم عسق جمله کلها نوشته میشود پس در آنها عدد و واقعات آخرین مسیح از بسط ترفع است که مع عیسی
س مسیح عدد بسط ترفع ۳۰۰ یعنی [illegible] میشود غالباً چنانکه از آثار معلوم میشود آن شوکت [illegible] است و هم عدد اهل روسیا که قبل از [illegible] غلبه بر ممالک [illegible] خواهد شد در سنه مذکور
مسیح علیه السلام تشریف آرند و بعضی اشارت آن [illegible] روس [illegible] اگر قبل از سیم باشد چنانکه [illegible] مکاشفات است عجبی نیست والله اعلم بالصواب و چون در کتب
سابقه بطرف اکثر تفصیل کرده اشارت بالفعل موجود است و بسیاری مطالب جهت کثرت محاورات [illegible] است و بسیاری کتب ضایع گردید در اصل کتب جمله موجود بود
[illegible] که عبد الله بن عباس رضی الله عنهما فرمود که بر ترتیب حم عسق [illegible] بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حٰمٓ عٓسٓقٓ این را [illegible] کَذٰلِكَ یُوْحِیْٓ اِلَیْكَ
وَاِلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِكَ اللهُ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ چنین وحی کند بطرف تو و بطرف آن پیغمبران که پیشتر بودند الله غالب با حکمت لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَ
هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ برای اوست آنچه در آسمانها است آنچه در زمین است و آن بلند با عظمت است [illegible] امور است که در سوره [illegible] خواهند شد که تا زمان مسیح مذکور اند باز
شروع از احوال قیامت میفرماید تَکَادُ السَّمٰوٰتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلٰٓئِکَةُ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ اَلَآ اِنَّ اللهَ
هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ قریب است که آسمانها شگافته شوند از بالائی خود و ملائکه تسبیح کنند بحمد پروردگار خود و استغفار کنند برای آن اهل اسلام که در زمین اند آگاه باش هر آئینه الله
آن غفور الرحیم [illegible] وَالَّذِیْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِیَآءَ اللهُ حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ وَمَآ اَنْتَ عَلَیْهِمْ بِوَکِیْلٍ و آنانکه گرفتند از سوای خدا دوستان الله نگهبان است
بر ایشان و نیستی تو بر ایشان [illegible] وَکَذٰلِكَ اَوْحَیْنَآ اِلَیْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِیًّا لِّتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰی وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ یَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَیْبَ فِیْهِ فَرِیْقٌ فِی
الْجَنَّةِ وَفَرِیْقٌ فِی السَّعِیْرِ [illegible] احوال قیامت [illegible] بطرف تو قرآن عربی [illegible] یعنی قیامت که شک
نیست فریقی در جنت باشد و فریقی در دوزخ [illegible] حدیث عبد الله بن عمرو بن عاص [illegible] که تشریف [illegible] حضور صلی الله علیه وسلم [illegible] در دست مبارکش [illegible]
[illegible] نام اهل جنت بود و دیگر کتاب [illegible] نام اهل دوزخ [illegible] اهل جنت از اول [illegible] وَلَوْ شَآءَ اللهُ
لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً [illegible] وَّلٰکِنْ یُّدْخِلُ مَنْ یَّشَآءُ فِیْ رَحْمَتِهٖ
وَالظّٰلِمُوْنَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَّلِیٍّ وَّلَا نَصِیْرٍ [illegible]
[illegible]
اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِیَآءَ فَاللهُ هُوَ الْوَلِیُّ وَهُوَ یُحْیِ الْمَوْتٰی [illegible]
[illegible] وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ [illegible]
[illegible] وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِیْهِ مِنْ شَیْءٍ فَحُکْمُهٗٓ اِلَی اللهِ [illegible] حکمت [illegible] قیامت [illegible]
[illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] ذٰلِکُمُ اللهُ رَبِّیْ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَاِلَیْهِ اُنِیْبُ [illegible]

پروردگار من بر او توکل کردم و بطرف او رجوع میکنم فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّمِنَ الْاَنْعَامِ اَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيْهِ لَيْسَ كَمِثْلِهٖ
شَيْءٌ وَّهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ پیدا کننده آسمانها و زمین است گردانید برای شما از جنس شما قسم قسم و از چارپایان قسم قسم پراگنده میکند شما را بسبب آن نیست مثل او چیزی و آن شنوا و بینا
است [illegible] بسبب مکان تعریف کاف زائده [illegible] در فتوحات و فصوص الحکم مطالعه باید کرد که عجب تحقیق عرشی است لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ برای اوست مقالید
آسمانها و زمین [illegible] لا اله الا هو [illegible] الاول والآخر والظاهر والباطن [illegible] یحیی و یمیت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
عثمان رضی الله عنه حضور صلی الله علیه وسلم ارشاد کرد [illegible] صفت [illegible] ظاهر و باطن [illegible] عالم [illegible]
از عجایبست که حضرت [illegible] عثمان رضی الله عنه [illegible] اول [illegible]
[illegible] شفاعت [illegible]
در روز قیامت [illegible] مسلمانان [illegible]
اللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاۤءُ وَيَقْدِرُ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ فراخ میکند رزق هر که را خواهد و تنگ میکند هر که را خواهد یعنی بمصلحت [illegible] شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّيْنِ
مَا وَصّٰى بِهٖ نُوْحًا وَّالَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهٖٓ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى وَعِيْسٰٓى اَنْ اَقِيْمُوا الدِّيْنَ وَلَا تَتَفَرَّقُوْا فِيْهِ ط مقرر کرد برای شما از دین آنچه وصیت
کرده بود نوح را و آنچه وحی کردیم بطرف تو و آنچه وصیت کردیم بدان ابراهیم و موسی و عیسی را که قائم دارید دین را و متفرق نشوید در آن و حقیقت وصیت [illegible]
كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِيْنَ مَا تَدْعُوْهُمْ اِلَيْهِ سخت است بر مشرکان آنچه میخوانی ایشان را بطرف آن اَللّٰهُ يَجْتَبِيْٓ اِلَيْهِ مَنْ يَّشَاۤءُ وَيَهْدِيْٓ اِلَيْهِ مَنْ يُّنِيْبُ الله برگزیده میکند
بطرف خود هر که را خواهد و هدایت میکند بطرف خود [illegible] وَمَا تَفَرَّقُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاۤءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًاۢ بَيْنَهُمْ ط و متفرق نشدند [illegible]
در میان خود [illegible] وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ ط [illegible]
[illegible] وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْرِثُوا الْكِتٰبَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ [illegible]
[illegible] کتاب تورات [illegible] حضرت علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] فَلِذٰلِكَ
فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاۤءَهُمْ وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ وَّاُمِرْتُ لِاَعْدِلَ
بَيْنَكُمْ اَللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَآ اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اَللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ [illegible]
[illegible] پروردگار ما و پروردگار شما [illegible]
[illegible] وَالَّذِيْنَ يُحَاۤجُّوْنَ فِي اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مَا اسْتُجِيْبَ لَهٗ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ
غَضَبٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ [illegible] غضب [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] اَللّٰهُ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ وَالْمِيْزَانَ [illegible]
[illegible] حضور علیه السلام [illegible]
[illegible] قیامت [illegible]
علیه السلام [illegible] حضور صلی الله علیه وسلم [illegible]
[illegible] قیامت [illegible]
[illegible] يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِهَا [illegible]

ایمان نیاوردہ اند بآن و آنانکہ ایمان آوردہ اند ترسندہ اند ازان و یعلمون انها الحق و میدانند بیقین که آن قیامت حق است پس انتظار کنان آیت میکنند الا ان الذین یمارون
فی الساعة لفی ضلل بعید آگاه باش بدرستی آنانکه شک میکنند در قیامت هر آئینه در گمراهی ظاهر اند که گویند چرا درین عالم ظاهر نمی شود الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء وهو القوی العزیز و آن توانا غالب است که بر دارش خواهیم گرفت و از تتمه جواب است من کان یرید حرث الاخرة نزد له فی حرثه هر که اراده کند زراعت آخرت زیاده کنیم
برایش در زراعتش ومن کان یرید حرث الدنیا نؤته منها وما له فی الاخرة من نصیب هر که اراده کند زراعت دنیا دهیم او را ازین نصیب برایش در آخرت نصیب
نیست بیان از غافل بودن ایشان و بغفلت از اوامر و نواهی و سخت ترین غفلت شرک با خدای یگانه است ایشان را گمان می گذرد که شریک شود ام لهم شرکؤا شرعوا لهم
من الدین ما لم یأذن به الله ایشان شریکانند که مقرر کردہ اند برای ایشان دین بت پرستی که اذن نداده باشد الله ولولا کلمة الفصل لقضی بینهم وان الظلمین لهم
عذاب الیم و اگر نبودی کلمه فیصله کننده فصل الامر که بحجت مقرر شده است هر آئینه حکم کرده شدی بدرستی ایشان ظالمان عذاب است دردناک بالخصوص قیامت تری الظلمین
مشفقین مما کسبوا وهو واقع بهم بینی ظالمان شرک کنندہ را ترسندگان از آنچه کسب کردند و آن عذاب رسیدنی است بر ایشان والذین امنوا وعملوا الصلحت فی روضت
الجنت لهم ما یشاءون عند ربهم ذلک هو الفضل الکبیر و آنانکه ایمان آوردند و کار کنند نیک در بستانهای جنت باشند برای ایشان است آنچه خواهند نزد پروردگار
ایشان این است فضل بزرگ ذلک الذی یبشر الله عباده الذین امنوا وعملوا الصلحت این آن است که بشارت میدهد الله بندگان خود را که ایمان آورده اند و کار کرده اند
نیک این کفار گمان کردند که برای طلب وجاهت این پیغام برای حضور علیه السلام آمد چنانکه در سورت بنی اسرائیل و در سورت سابقه در قصه عقبه گذشت
جوابش آمد قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی بگو طلب نمی کنم بر این کار از شما مزدی مگر محبت قرابت که صله رحم اقتضا میکند و این آیت مکی است که در وقت تشریف
بردن حضور علیه السلام بمدینه حسب عرض اهل مدینه که محتاج حاجت نبود آنکه قرابت بر حضور سلام این آیت خوانده باشد ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا
ان الله غفور شکور و هر که حاصل کند نیکی زیاده کنیم برایش در نیکی خوبی بدرستی الله معاف کننده قدر شناس است و در بیان طلب اجر ایمان آید ام یقولون افتری
علی الله کذبا بلکه میگویند که افترا کرده است پیغمبر فان یشا الله یختم علی قلبک ویمح الله الباطل ویحق الحق بکلمته انه علیم بذات الصدور
پس اگر خدا مهر کند بر دل تو بصبر و تحمل شان و محو کند الله باطل قول کفار را و ثابت کند حق اسلام را که ظهور خود بدرستی آن دانا است و اینها و وعده و رنگ میفرماید وهو الذی یقبل
التوبة عن عباده ویعفوا عن السیات و آن خدا همان است که قبول کند توبه را از بندگان خود و بخشد گناهان یعنی چون دیگر مسلمان از اهل کفر شوند ویعلم ما تفعلون
کنند یعنی کفار بنسبت اهل اسلام بشارت بعد از اجابت عاری اسلام شده بنسبت فتح چنانکه میفرماید ویستجیب الذین امنوا وعملوا الصلحت ویزیدهم من فضله
و قبول کنند آنانکه ایمان آوردند و کار نیک کردند و نیک زیاده دهد ایشان را از فضل خود مثل فتح مکه و فتح خیبر و غیره و نضیر و قریظه و حنین و هوازن و خیبر و فدک و غیره والکفرون لهم
عذاب شدید و کافران راست عذاب سخت گرفتار شدند اهل اسلام بغیر از محنت الله و جهاد و قتال و بعد از خلافت خلفا ترجمه نظر آیت میفرماید ولو بسط
الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولکن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خبیر بصیر و اگر فراخ کردی الله روزی را برای بندگان خود هر آئینه سرکشی کردندی در زمین لیکن
نازل میکند بقدر آنچه خواسته است بدرستی که او به بندگان خود خبردار بیناست بر نظر حضور صلی الله علیه وسلم فرموده اند که از خوف سیکنم برای شما دنیا و کثرت آن و قوت بدن
و دیگر چیزها چنانکه در حدیث اشارت است پس خبر قحط سالی فرموده میفرماید وهو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا و آن خداست که فرود آرد باران را بعد از آنکه ناامید شوند
وینشر رحمته وهو الولی الحمید و پراگنده کند رحمت خود را و آن دوست ستوده خوب است ازین خبر نیز خوب است ومن ایته خلق السموت والارض وما بث
فیهما من دابة وهو علی جمعهم اذا یشاء قدیر و از نشانهای قدرت اوست پیدایش آسمانها و زمین و آنچه پراگنده کرده است در آن ها از جنبنده و آن بر جمع کردن ایشان بالخصوص
هر حال که خواهد توانا است و خبر ترحم میفرماید وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم ویعفوا عن کثیر و آنچه رسیده است شما را از مصیبت پس یعنی
مطلقا و بالخصوص بجهت آنست که کسب کرده اند دستهای شما و میبخشد بسیاری و خبر جنگ خندق میفرماید وما انتم بمعجزین فی الارض وما لکم من
دون الله من ولی ولا نصیر و نیستید شما عاجز کنندگان در زمین بجنگ خندق و نیست برای شما سوای خدا دوستی و مددگاری ومن ایته الجوار
فی البحر کالاعلام ان یشا یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره ان فی ذلک لایت لکل صبار شکور

گویا اگر خواہد ساکن گرداند باد را پس باشند آن جہازہا ساکن بر پشت آن بدرستی درین نشانہا است برای ہر صبر کنندہ سپاس گذار درین اشارت است بعرفان حضور علیہ السلام او یوبقھن بما
کسبوا یا ہلاک کند آن کشتیہا را بسبب آنچہ کسب کردہ اند اہل آن کشتی این خبر شکست اہل کفر است ویعف عن کثیر ۰ و بخشد از بسیاری ظاہر شد روز فتح مکہ بسیار را بخشید ویعلم الذین یجادلون
فی آیاتنا ما لھم من محیص ۰ و بدانند آنانکہ مجادلہ کنند در آیات ما نیست ایشان را جای خلاصی چنانچہ ابوجہل ہلاک شد فما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوۃ الدنیا ۰ پس چیزیکہ دادہ شوید ای خلفا
از خیر پس متاع حیات دنیا است وما عند اللہ خیر وابقی للذین آمنوا وعلی ربھم یتوکلون ۰ آنچہ نزد خدا است بہتر است و باقی تر این جملہ متاع دنیا و متاع آخرت برای آنانکہ
ایمان آوردہ اند و بر خدای خود توکل کنند این صفت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ است کہ بعد از وفات حضور علیہ السلام توکل کردہ بر جہاد قایم شدند بر خلاف رای جملہ چنانچہ دلیلش گذشتہ و ایضا خواص
والذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش و برای آنانکہ پرہیز کنند از گناہان بزرگ و بیحیائیہا واذا ما غضبوا ھم یغفرون ۰ و چون غصہ شوند بخشند این صفت جلال و جمال
عمر فاروق اکبر رضی اللہ عنہ است والذین استجابوا لربھم واقاموا الصلوۃ وامرھم شوری بینھم ومما رزقناھم ینفقون ۰ و آنانکہ استجابت کنند برای پروردگار
خود و برپا دارند نماز و امر ایشان مشورت است میان ایشان و از آنچہ نصیب کردیم او شان را خرج کنند این صفت عثمان ذی النورین است کہ خلیفہ بود بشوری خلیفہ والذین اذا اصابھم البغی
ھم ینتصرون ۰ و آنانکہ چون رسد او شان را بغاوت بدلہ گیرند این صفت علی مرتضی است کرم اللہ وجہہ وجزاء سیئۃ سیئۃ مثلھا فمن عفا واصلح فاجرہ
علی اللہ انہ لا یحب الظالمین ۰ جزای بدی بدی است مثل آن پس ہر کہ بخشد و اصلاح کند پس اجر او بر خدا است بدرستی او دوست ندارد تجاوز کنندگان را …
از تجاوز کنند این صفت جناب مرتضی است کرم اللہ وجہہ در جنگ صدیقہ و زبیر و طلحہ رضی اللہ عنہم بخشید و اصلاح نمود … الطیبات للطیبین …
اہل انصاف … ولمن انتصر بعد ظلمہ فاولئک ما علیھم من سبیل ۰ ہر کہ عوض گیرد بعد از ظلم پس نیست بر ایشان راہی …
مرتضی کرم اللہ وجہہ … امیر معاویہ
انما السبیل علی الذین یظلمون الناس ویبغون فی الارض بغیر الحق اولئک لھم عذاب الیم ۰ جز این نیست راہ بر آنان است کہ ظلم کنند مردم را و بغاوت
کنند در زمین بغیر حق برای ایشان است عذاب دردناک این ذکر فرقہ باغیہ مطابق حدیث است کہ عمار یاسر را شہید کردند …
… ولمن صبر وغفر ان ذلک لمن عزم الامور ۰
و ہر کہ صبر کند و بخشد آن بدرستی این از کارہای … این صفت امام حسن علیہ السلام است ومن یضلل اللہ فما لہ من ولی من بعدہ ۰ و ہر کہ گمراہ کند اللہ پس نیست
برای او دوستی بعد از وی … وتری الظالمین لما راوا العذاب یقولون ھل الی مرد من سبیل ۰ و بینی ظالمان را چون بینند عذاب
گویند آیا ہست طرف واپس … وتراھم یعرضون علیھا خاشعین من الذل ینظرون من طرف خفی ۰ …
… وقال الذین آمنوا ان الخاسرین الذین خسروا انفسھم واھلیھم یوم القیامۃ …
… الا ان الظالمین فی عذاب مقیم ۰ آگاہ باش …
در عذاب … وما کان لھم من اولیاء ینصرونھم من دون اللہ ومن یضلل اللہ فما لہ من سبیل ۰ …
… استجیبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد لہ من اللہ ما لکم من ملجا یومئذ وما لکم
من نکیر ۰ قبول کنید حکم …
… فان اعرضوا فما ارسلناک علیھم حفیظا ان علیک الا البلاغ ۰ پس اگر اعراض کنند …
رسانیدن … چنانچہ حضور صلی اللہ علیہ وسلم … وانا اذا اذقنا الانسان منا رحمۃ فرح بھا وان تصبھم سیئۃ بما قدمت ایدیھم فان الانسان کفور ۰
بدرستی … خوش میشود … آن …
… حضور صلی اللہ علیہ وسلم … مسیح علیہ السلام …
… للہ ملک السموات والارض یخلق ما یشاء یھب لمن یشاء اناثا ویھب لمن یشاء الذکور ۰ او یزوجھم ذکرانا واناثا

وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ تو ع برای خدمت ملک آسمانها و زمین هر چه خواهد بخشد هر کرا خواهد اطفال بخشد هر کرا خواهد پسران و هر کرا خواهد عقیم و ستی آن را ما است
درین اشارت است بضعف قوت است که در زمان نبی صغر ترکان شکوه اشارت بقوت ترکان است و ازانجا که ترکان آمیخته اشارت بقوت و ضعف ترکان است که درین با ایشان یاجوج ماجوج [illegible]
و بالاخر ازیشان منقطع خواهد شد و گاه گویند که در اول این سوره است که حنین وحی کنند بطرف تو بطرف پیغمبران سابق حالانکه با موسی خداوند کلام کرد و با محمد کلام خود کند بقول تو وحی مفرد
جواب میفرماید که خداوند مطلق است بعیدی نمی آید که یک طور منحصر شود وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا نیست بشر را که کلام کند خداوند یعنی بطور اطلاق مگر آنکه
وحی باشد از روح القدس بخواب در بیداری یعنی آواز یا بصورت هاتف یا حالت طنین و دوی در حالت سلطان الاذکار و غیره چنانکه برای کثر انبیا باشد أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ [illegible]
الالفاظ از ولی او تجلیات صوری چنانکه در پردهٔ آتش بموسی شد یا بحضرت صلی الله علیه وسلم در شب معراج بیداری یا خواب چند مرتبه أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ
یا بفرستد ملکی پس القا کند باذن خدا آنچه خواهد إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ هر آئینه او عالی است بطور اطلاق از نسبا سالکی و غیره صاحب حکمت است در ظهور و غیره وَكَذَٰلِكَ
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا همچنین فرستادیم بطرف تو روح عظیم الشان از امر خود چنانکه در وقت فصل کرد با هر دو این بر تبار عالی است لازمه که بصفت محذوفت جلوه
عرشی است مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ندانستی
که چیست کتاب نه ایمان بر کتاب لیکن گردانیدیم آن کتاب را نور عظیم که هدایت میکنیم هر کرا خواهیم از بندگان خود و هر آئینه تو راه نمائی بطرف راه درست صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ [illegible] آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین آگاه باش بطرف خدا رجوع کنند جمله کارها
سوره معنی حدیث با حبیب که هالک گردد [illegible] است [illegible] در پارها شد که بحی صحابه عرض کردند که آن یک کند است [illegible] باشند [illegible]
زیرا که از احوالات صحابه سلیم که اول این سوره مفصل [illegible] زهد عبد الله بن مسعود رضی الله عنه مروی است که [illegible] یعنی است در سوره این بابت است
و لشکر [illegible] یعنی بیاورش یعنی هفت [illegible] شیاطین [illegible] اهل [illegible] هفت خطوط [illegible] است [illegible] هفت است
در حرف دیگر [illegible] صحابه [illegible] است [illegible] اصحابش [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
سوره زخرف مکی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مهداً وجعل لکم فیها سبلاً لعلکم تهتدون ۰ آنکه گردانید برای شما زمین بساط و گردانید برای شما در آن راه‌ها تا شما راه یابید از کثرت راه‌ها ... خداوند در خانه عالم والذی
نزّل من السماء ماءً بقدرٍ فانشرنا به بلدةً میتاً کذلک تخرجون ۰ و آنکه فرو فرستاد از آسمان آبی باندازه پس زنده کردیم بدان شهر مرده را همچنین بیرون آورده شوید از قبرها والذی
خلق الازواج کلها وجعل لکم من الفلک والانعام ما ترکبون ۰ لتستووا علی ظهوره ثم تذکروا نعمة ربکم اذا استویتم علیه وتقولوا سبحان الذی
سخّر لنا هذا وما کنا له مقرنین ۰ وانا الی ربنا لمنقلبون ۰ و آنکه پیدا کرد همه اقسام را و گردانید برای شما از کشتی و چارپایان آنچه سوار شوید تا نشینید بر پشتهای آن باز یاد کنید نعمت پروردگار
خود را چون نشینید بر آنها و گویید پاک است از شریک آنکه مسخر کرد برای ما این سواری را و نبودیم بر طاقت تابع کردن او و بی‌شبهه ما بطرف پروردگار خود بازگشته رجوع کنندگانیم یعنی میرندگانیم امروز
سواری چهار پا تیم فردا بر دوش مردان خواهیم رفت و کافران بمقابله توحید شرک میکنند و در مقابله ... سرکشی چنانکه میفرماید وجعلوا له من عباده جزءاً ان الانسان
لکفور مبین ۰ و گردانیدند کفار برای خدا و تمام بندگانش اولاد و جزء انسان هر آینه ناسپاس ظاهر است غور کنید آیا گرفت ... ام اتخذ مما یخلق بنات واصفٰکم
بالبنین ۰ آیا گرفت از آنچه پیدا میکند دختران و برگزید شما را به پسران این نیست بلکه ... شرک ... چنانکه میفرماید واذا بشر احدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظل وجهه
مسوداً وهو کظیم ۰ و چون بشارت داده شود یکی از ایشان را بشریکی که بیان میکنند برای رحمن ... گردد روی او سیاه و حال آنکه او غمگین باشد اومن ینشؤا فی الحلیة وهو فی
الخصام غیر مبین ۰ آیا شریک کنید آن دختری را که پرورش یافته باشد در زیور و آن در خصومت غیر ظاهر شونده است پس چگونه شریک کنند ... وجعلوا الملٰئکة الذین
هم عباد الرحمن اناثاً و گردانیدند ملائکه را که بندگان رحمن اند ماده اشهدوا خلقهم ۰ آیا گواه بودند در هنگام پیدایش ملائکه ... در صورت
ستکتب شهادتهم ویسئلون ۰ نوشته شود گواهی شان و سوال کرده شوند ... بر قول شان بعید است و آن این است وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم
و گفتند اگر خواستی رحمن عبادت نکردیم او شان را پس این قول ... است بر شهادت شان ما لهم بذلک من علم ان هم الا یخرصون ۰ نیست ایشان را بدین قول
هیچ علمی نیستند مگر آنکه سخن میگویند ... ام آتیناهم کتاباً من قبله فهم
به مستمسکون ۰ آیا دادیم او شان را کتابی از قبل قرآن پس ایشان ... بل قالوا انا وجدنا آباءنا
علی امة وانا علی آثارهم مهتدون ۰ بلکه گفتند بدرستی که یافتیم پدران خود را ... وکذلک ما ارسلنا من قبلک فی قریة
من نذیر الا قال مترفوها انا وجدنا آباءنا علی امة وانا علی آثارهم مقتدون ۰ و همچنین نفرستادیم از قبل تو در قریه ... مگر گفتند آسودگان آن قریه
بدرستی که یافتیم پدران خود را بر گروهی و بدرستی که ما ... قال اولو جئتکم باهدی مما وجدتم علیه آباءکم قالوا انا بما ارسلتم به کافرون ۰ گفت
... گفتند بدرستی که ما بدانچه فرستاده شده اید ... فانتقمنا منهم فانظر کیف کان عاقبة المکذبین ۰ پس انتقام
گرفتیم از ایشان پس ببین چگونه شد انجام تکذیب کنندگان ... واذ قال ابراهیم لابیه وقومه اننی براء مما تعبدون
الا الذی فطرنی فانه سیهدین ۰ و چون گفت ابراهیم برای پدر خود و قوم خود بدرستی که من بیزارم از آنچه عبادت میکنید مگر آنکه پیدا کرد مرا پس تحقیق آن راه خواهد نمود
مرا پس ابراهیم هجرت کرد و خدا تعالی ... وجعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون ۰ و گردانید ...
در اولادش تا رجوع کنند ... بل متعت هؤلاء وآباءهم حتی جاءهم الحق ورسول مبین ...
شان را آمد ایشان را قرآن ... ولما جاءهم الحق قالوا هذا سحر وانا به کافرون ۰ و چون آمد ایشان را حق یعنی قرآن گفتند این سحر است ...
... وقالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم ۰ و گفتند چرا نازل کرده نشد این قرآن ...
... اهم یقسمون رحمت ربک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا ...
... پروردگار ... قسمت کردیم ... معیشت شان ... در زندگانی دنیا ...
ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً ...
... ورحمت ربک خیر مما یجمعون ۰ ...

هیچ نیست پس چگونه می‌گویند که چرا نبوت در مالداران که مطالعه نیامد خوش نشدی ولولا ان یکون الناس امة واحدة لجعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفا من فضة
ومعارج علیها یظهرون ○ و اگر نبودی آنکه باشند آدمیان گروهی متحد بکفر بطمع مال و منال هر آینه گردانیدیم برای آنکه کافر می‌شوند برحمن برای خانهای ایشان سقف از سیم و نردبانها که بر آن
بالا روند ولبیوتهم ابوابا وسررا علیها یتکئون ○ وزخرفا و برای خانهای ایشان درها و تختها که بر آنها تکیه کنند و زر و آرایش و ان کل ذلک لما متاع الحیوة الدنیا والاخرة
عند ربک للمتقین ○ و نیست کل این مگر برخورداری زندگانی دنیا و انجام نزد پروردگار تو برای پرهیزگاران اهل اسلام است یعنی دنیا نیز ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له
شیطانا فهو له قرین ○ و هر که غافل شود از ذکر رحمن تعین نمائیم بر وی شیطانی پس او برای وی همراه است وانهم لیصدونهم عن السبیل ویحسبون انهم مهتدون ○ و بدرستی
آن شیاطین هر آئینه باز میدارند مردم را از راه خدا و می‌پندارند که بدرستی آنها راه یابندگانند حتی اذا جاءنا قال یلیت بینی وبینک بعد المشرقین فبئس القرین ○ تا چون
بیاید انسان ما را گوید ای کاش میان من و میان تو بودی دوری مشرق و مغرب که بد همراه است قرین آن شیطان گفته شود ولن ینفعکم الیوم اذ ظلمتم انکم فی العذاب
مشترکون ○ و نفع ندهد شما را امروز افسوس شما چون ظلم کردید بدرستی شما در عذاب شریک باشید با شیطان افانت تسمع الصم او تهدی العمی ومن کان فی ضلال مبین
آیا پس تو می‌شنوانید کران را و راه می‌نمائی کوران را که استعداد هدایت ندارند و کسی که در گمراهی ظاهر است فاما نذهبن بک فانا منهم منتقمون ○ پس اگر ببریم ترا ای محمد علیه السلام از میان ایشان
بدرستی از بعض ایشان انتقام گیرنده‌ایم بعوض تو در دنیا چنانچه در زمان خلفا از زمان ترکان شد او نرینک الذی وعدناهم فانا علیهم مقتدرون ○ یا بنمائیم ترا آنچه وعده کردیم
ایشان را پس بدرستی بر ایشان قادر هستیم فاستمسک بالذی اوحی الیک انک علی صراط مستقیم ○ پس محکم باش در آنچه وحی کرده شده است بطرف تو بدرستی تو بر راه
محکم هستی وانه لذکر لک ولقومک وسوف تسئلون ○ و بدرستی آن قرآن هر آئینه نصیحت است برای تو و برای قوم تو و زود باشد سؤال کرده خواهید شد که از آن قیام نمودید یا نه ای
ای اهل اسلام یا نه و حقیقت خطاب بحضور علیه السلام کرده نه بر حضور علیه السلام فقط با اهل اسلام شد چنانچه ملبسان اشاره چون قتاده در تفسیر فرموده هیچ یک نمی‌گوید که امت که بجانب
حضور علیه السلام خطاب باشد و صحیح باد که اهل مکه بر آن راضی بودند که عبادت خدا و بتان هم نمایند چون سفر آید واسئل من ارسلنا من قبلک من رسلنا اجعلنا
من دون الرحمن الهة یعبدون ○ و سؤال کن ای مخاطب یعنی مطابق کتب سابقه از آورندگان رسولانیکه فرستادیم از قبل تو آیا گردانیدیم ...... از سوای رحمن معبودان
یعنی گردانیدیم چنانکه مذکور در کتب سابقه جائز کرده معبود ساختن که سوای خدای ... یعنی نیست بر حسب کتاب موسی و عیسی علیهما السلام می‌آورد پس اول احوال موسی مذکور می‌شود
شده است که اشارت در مقدمه نبوت بهم است چنانچه قول اهل مکه بود ولقد ارسلنا موسی بایتنا الی فرعون وملائه فقال انی رسول رب العلمین ○ و هر آینه
فرستادیم موسی با آیات خود بطرف فرعون و گروهش پس گفت بدرستی رسول پروردگار عالمیانم که نیست معبود بجز وی قوم مرا بگذار بر آنچه بر ایشان خدا نگاه کند فلما جاءهم بایتنا
اذا هم منها یضحکون ○ پس چون آورد ایشان را نشانهای ما ناگهان از آن آیات تمسخر می‌نمودند وما نریهم من ایة الا هی اکبر من اختها واخذنهم بالعذاب لعلهم
یرجعون ○ و نمی‌نمودیم ایشان را هیچ آیتی مگر آن کلان بود از قرین خود و گرفتیم ایشان را بعذاب یعنی گوناگون شاید که ایشان رجوع نمایند وقالوا یایه الساحر ادع لنا ربک بما عهد
عندک اننا لمهتدون ○ و گفتند ای ساحر بخوان برای ما پروردگار خود بآنچه عهد کرده است نزد تو بدرستی ما ... یعنی بگذاریم قوم ترا ... فلما
کشفنا عنهم العذاب اذا هم ینکثون ○ پس چون کشادیم از ایشان آن عذاب ناگهان ... لیکن ... ونادی فرعون فی قومه قال یقوم الیس لی ملک مصر وهذه الانهر تجری من تحتی افلا تبصرون ○ و آواز داد فرعون ... گفت ای قوم
آیا نیست برای من ملک مصر و این نهرها که جاری است از زیر من آیا نمی‌بینید ام انا خیر من هذا الذی هو مهین ولا یکاد یبین ○ یا من بهترم از این که او ذلیل است و نیست ... بیان کند زیرا که در زبان موسی لکنت بود اگر او پیغمبر بودی فلولا القی علیه اسورة من ذهب پس چرا نینداخته شده بر وی ... یعنی جانب خدا
... او جاء معه الملئکة مقترنین ○ یا آمد با وی فرشتگان ... فاستخف قومه فاطاعوه انهم کانوا قوما فسقین ○ پس ... فرعون قوم خود
پس اطاعت کردند او را بدرستی بودند قومی فسق کنندگان فلما اسفونا انتقمنا منهم فاغرقنهم اجمعین ○ پس چون بخشم آوردند ما را انتقام گرفتیم از ایشان پس
غرق کردیم جمله ایشان را که حکم بود فجعلنهم سلفا ومثلا للاخرین ○ پس گردانیدیم ایشان را پیشرو ... و ...
بیان کرده شد ... تا ... توحید ... مگر ... ولما ضرب ابن مریم مثلا ...

میکنند پس حق آن شما که انبیاء برای توحید آمده اند درست باشد وقالوا ءآلهتنا خیر ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون ۝ و گفتند آیا معبودان ما بهتر اند یا مسیح
نزد این گروه دلائل این گفتگو برای جدل بلکه آنان قومی اند نزاع کنندگان برای مسیح جناب پیغمبر علیه السلام قائل بالوهیت مسیح نبود که از جناب اعتراض کردند که کو این جهالت برای جواب
این نیست مگر جدل بلکه نبی علیه السلام معتقد است بالکلیه ان هو الا عبد انعمنا علیه وجعلناه مثلا لبنی اسرائیل ۝ نبود مسیح مگر بنده که انعام کردیم بر وی و گردانیدیم او را نشانی برای
بنی اسرائیل تا دلالت کند بقدرت کامله و از این لازم نمی آید که معبود شود لیکن اگر کفار گویند که مسیح بطور عجیب مطابق عادت اب ابال نزد تحقیق بود که شما را شگفت خواهید دید که چون
می آید در آسمان می رود و مسیح فرشته است کرامتی است حضور ختم المرسلین علیه السلام را پس حق آن است که اگر پیغمبر هر که ختم بر او خود قرشتها رانشان داد و جواب ش حدیث است که فرشته که بیجا
در حقیقیت مینامند غیر وقت ما دیدی بلا اکمال دید که کفار را کسیا صاحب دین است نظر بیغمبر ولو نشاء لجعلنا منکم ملئکة فی الارض یخلفون ۝ و اگر خواهیم هر آینه
گردانیدیم بدلی شما ملائکه را در زمین که درفت کرد لیکن اگر شما ایمان آوردید که موافقت این نباید و بالجمله تخوف شد چون مسیح خداست بمعبودیت نمی بید خیال نصاری غلط شد البته
از نشانات قدرت و نشان قیامت است چون برو آمدن چنانکه پیغمبر فرمایند وانه لعلم للساعة فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقیم ۝ و بدرستی آن مسیح هر آینه نشان
برای قیامت پس شک مکنید بقیامت پیروی کنید مرا این است راه ولا یصدنکم الشیطان ۝ و باز ندارد شما را شیطان از عبادت خاص خدا نظر بقول نصاری انه لکم عدو
مبین ۝ بدرستی شیطان مر شما را دشمنی است ظاهر و در حقیقت دین مسیح چنانکه تو برای جدلها است و لما جاء عیسی بالبینت قال قد جئتکم بالحکمة ولابین لکم بعض الذی
تختلفون فیه ۝ و هرگاه آورد عیسی معجزات گفت بدرستی آوردم شما را الحکمت یعنی کلام معرفت و هر آئینه بیان کنم برای شما بعض چیزی که اختلاف کنید در آن یعنی بعض احکام توریة تا منسوخ
میکنم چنانکه در درس ... آیات منسوخ است که در خیال نیکو است یا کتب انبیاء را جمل نمودن آمده ام بلکه برای کامل کردن یعنی برای نسخ نمودن بعض احکام که عبارات از تبیین ... حکمت که کلام
سابق را تکمیل میکنم فاتقوا الله واطیعون ۝ پس بترسید از خدا و خلاف من اطاعت کنید مرا ان الله هو ربی وربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم ۝ بدرستی الله است
پروردگار من و پروردگار شما پس عبادت کنید او را این است راه درست و در فصل ۱۳ سفر تثنیه زبانی موسی علیه السلام فرموده است که چون یهودیان بت پرستی خواهند کرد غیر قوم یعنی بعد
غیرت خواهیم خورد پس از آن بت پرستی کرد مسیح علیه السلام با نصرت آید تمجید ... آنجا سا ... را بجا آورد بعمل است که معرفت آنچه که گروه را ... ۱۳ ... وری کسی
خدمت و خداوند ... که گویند ... فاختلف الاحزاب من بینهم فویل للذین ظلموا من عذاب یوم الیم ۝ پس اختلاف کردند گروه ها
میان شان بعضی ... بعض قائل تثلیث پس افسوس است برای آنانکه ظلم کردند از عذاب روز دردناک هل ینظرون الا الساعة ان تاتیهم بغتة وهم لا یشعرون ۝ انتظار نمیکنند
مگر ساعتی را که بیاید ایشان را ناگهان و ایشان ندانند الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین ۝ خلیلان آن روز بعضی شان مر بعضی را دشمن باشند مگر متقیان که خلوص
از خلیل گفته مرتبه حضور علیه السلام فرموده اگر خلیلی غیر پروردگار خود را میگرفتم ابابکر را خلیلی میکردم این خلیل بمعنی است زیرا که خلیلی بمعنی دوست صدیق رضی الله عنه لیکن بمعنی
بود و بمعنی لایجه نسبت خلیلان ... خلیلان کافران از جمله کسی که ... وبا مناسب اول ... یا عباد لا خوف علیکم الیوم ولا انتم تحزنون ۝ الذین
امنوا بایتنا وکانوا مسلمین ۝ ای بندگان من نیست خوفی بر شما امروز و نه رنجیده شوید ای آنانکه ایمان آوردند بایات ما و بودند حکم بردار ادخلوا الجنة انتم وازواجکم تحبرون ۝
داخل شوید جنت را شما و زنان شما خوش کرده شوید یطاف علیهم بصحاف من ذهب واکواب وفیها ما تشتهیه الانفس وتلذ الاعین وانتم فیها خالدون ۝
گردانیده شود بر ایشان طباق از طلا و کاسه ها ... و در آن باشد آنچه خواهش کند نفسها و لذت یابد چشمها و شما در آن همیشه باشید وتلک الجنة التی اورثتموها
بما کنتم تعملون ۝ و این جنتی است که وارث شوید آن را بسبب عمل که میکردید لکم فیها فاکهة کثیرة منها تاکلون ۝ مر شما را در جنت میوه باشد بسیار از آن خورید ان المجرمین فی
عذاب جهنم خالدون ۝ لا یفتر عنهم وهم فیه مبلسون ۝ بدرستی مجرمان در عذاب جهنم همیشه باشند تخفیف کرده نشود از ایشان و آنان نا امید شوند وما ظلمنهم ولکن
کانوا هم الظلمین ۝ و ظلم نکردیم بر ایشان لیکن بودند آنان ظلم کنندگان ونادوا یملک لیقض علینا ربک قال انکم ماکثون ۝ و ندا کنند ای مالک حکم کند بر ما
کند پروردگار تو بر ما یعنی دیگر ... گوید بدرستی شما ماندگانید لقد جئنکم بالحق ولکن اکثرکم للحق کرهون ۝ هر آینه آوردیم شما را دین راست و لیکن اکثر شما برای حق ناخوش
ام ابرموا امرا فانا مبرمون ۝ آیا محکم کنند کفار امری عظیم را برای قتل پیغمبر چنانکه قصد کردند در دارالندوه پس ما محکم کنندگانیم ... قصد شان ... شود ...
ام یحسبون انا لا نسمع سرهم ونجویهم بلی ورسلنا لدیهم یکتبون ۝ آیا می پندارند که ما نمی شنویم راز ایشان و مشوره ایشان را بلی رسولان نزد ایشان می نویسند پس هرگز

جائی خوف نیست تعلیم و راست کن انچه میگویند نسبت ولد قُلْ اِنْ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعٰبِدِيْنَ ○ بگو اگر است برای خدای رحمن ولدی پس من اول عبادت کننده ام
لیکن ممکن نیست چنانکه میفرماید سُبْحٰنَ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ○ پاک است پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش از انچه وصف میکنند فَذَرْهُمْ يَخُوْضُوْا
وَيَلْعَبُوْا حَتّٰى يُلٰقُوْا يَوْمَهُمُ الَّذِيْ يُوْعَدُوْنَ ○ پس بگذار آنها را که بحث کنند و لعب کنند تا ملاقات کنند روز خود را که وعده کرده شده اند وَهُوَ الَّذِيْ فِي السَّمَآءِ اِلٰهٌ وَّفِي الْاَرْضِ اِلٰهٌ وَ
هُوَ الْحَكِيْمُ الْعَلِيْمُ ○ و آن خداوند است که در آسمان الٰه است و در زمین الٰه حکیم دانا است وَتَبٰرَكَ الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهٗ عِلْمُ السَّاعَةِ
وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ○ و با برکت است آن خدای که برای او ملک آسمانها است و زمین و ما بین آن هر دو و نزد او علم قیامت است و بطرف او رجوع خواهید کرد وَلَا يَمْلِكُ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ
دُوْنِهِ الشَّفَاعَةَ اِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ○ و اختیار ندارند آنکه میخوانند بجز خدا شفاعت را مگر آن کسیکه شهادت داد براستی و حال آنکه ایشان میدانند
وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ فَاَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ○ و اگر سوال کنی از ایشان که کی پیدا کرده ایشان را البته خواهند گفت الله پس کجا برگردانیده میشوند وَقِيْلِهٖ يٰرَبِّ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُوْنَ
و قسم است قول پیغمبر را که رب این قوم ایمان نخواهند آورد فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلٰمٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ○ پس روی بگردان از ایشان و بگو سلام پس بزودی خواهند دانست

سورة دخان مكية تسع وخمسون اية

در این سوره نیز مطابق سوره سابق احوال قیامت میفرماید و ذکر شب برات است
در نصف شعبان که از رزق و اجال و غیره انچه باین عالم متعلق است مطابق لوح محفوظ بر ملائکه حواله کرده میشود و در آن شب حق تعالی تجلیات بسوی آسمان دنیا تشریف می آرد و میفرماید هل من مستغفر ... مطابق حدیث
... لیلة القدر است که مطابق حدیث صحیح در عشره اواخر رمضان است که بطور زیادت عبادت مخصوص کرده شد
مطابق حدیث ... و در بعض صحابه قسم است که شب بیست و هفتم است
شب قدر ... بیست و هفتم رمضان ... در صورت قدر ... چنانکه در حدیث
... و در این شب قرآن ... از لوح محفوظ بر آسمان دنیا نازل کرده شد ... جبرئیل بحکم حق تعالی
سال ... رمضان ... بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان حٰمٓ ○ وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ○ اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ فِيْ لَيْلَةٍ مُّبٰرَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنْذِرِيْنَ ○ مطابق ... قسم بقرآن روشن ... ما نازل کردیم
آن را در شب مبارک لیلة القدر در رمضان ... فِيْهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيْمٍ ○ در آن شب جدا کرده میشود هر امر حکیم ...
اَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ ○ ... رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ○ ... رحمت ...
... شب برات ... رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ مُّوْقِنِيْنَ ○
پروردگار آسمانها و زمین ... لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ ○ ...
زنده میکند ... پروردگار شما و پروردگار پدران گذشته شما ... بَلْ هُمْ فِيْ شَكٍّ يَّلْعَبُوْنَ ○ ...
... فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَاْتِي السَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِيْنٍ ○ يَّغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ○
... پس انتظار کن ... آسمان ... دخان ... هذا عذاب الیم ...
... حسن بصری ... منقول است ...
... قحط ... سال ... ابو سفیان ... حضور ...
... رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُوْنَ ○ ای پروردگار ما دور کن از ما عذاب را هر آئینه ما ایمان آرندگانیم ...
اَنّٰى لَهُمُ الذِّكْرٰى وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مُّبِيْنٌ ○ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوْا مُعَلَّمٌ مَّجْنُوْنٌ ○ ...
... اِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيْلًا اِنَّكُمْ عَآئِدُوْنَ ○ ...
... يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرٰى اِنَّا مُنْتَقِمُوْنَ ○ ...

بر سد پرستی او وص گرفتار نیم وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ه و هر آئینه آزمودیم پیش
ازیشان قوم فرعون را و آمد بایشان رسول بزرگ که ادا کنید بطرف من بندگان خدا یعنی بنی اسرائیل را بدرستی من برای شما رسولی امینم یعنی حق تعالی فرستاده است شما را رسانده ام بامانت
وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ و آنکه تکبر مکنید بمقابله خدا چنانچه گفت فرعون که موسی بود که تکبر کرد بر خدا و در طور بقیاس نمی آید إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ه بدرستی من آورنده ام
آرنده ام دلیلی روشن یعنی معجزات عصا و ید بیضا و چند دیگر معجزات فرعون بر آن قصد قتل شد در جواب فرمود وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ه و بدرستی من پناه گرفتم
بپروردگار خود و پروردگار شما از آنکه رجم کنید مرا وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ه و اگر یقین نمیکنید بمن پس جدا شوید از من بعد از آن قوم فرعون مخالفت بسیار کردند فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ
مُجْرِمُونَ ه پس خواند پروردگار خود را که بدرستی این قوم گناهکاراند و بعد از آن قبطیان در شب سر نمودند فرعون اجازت بالآخر داد حق تعالی فرمود فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا
إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ه پس سیر کن بندگان مرا در شب بدرستی شما پیروی کرده خواهید شد یعنی فرعون تعاقب شما خواهد کرد وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ
مُغْرَقُونَ ه و بگذار دریا را ساکن بدرستی ایشان لشکر اند غرق کرده شده پس موسی رفت و در تعاقب فرعون هم بود پس غرق شد كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ه وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ
كَرِيمٍ ه وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ه كَذَٰلِكَ بسیاری گذاشتند از بوستان و چشمها و زراعتها و مقام عمده و نعمتی که در آن بودند شادمان همچنین بود و میراث دادیم آنها را قوم آخرین
و ملک کردیم قوم دیگر را فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ه پس گریه نکرد بر ایشان آسمان و زمین و نبودند مهلت داده شدگان از ابن عباس رضی الله
عنهما معنی این آیه پرسیدند که آیا آسمان و زمین بر کسی گریه میکنند فرمود بلی نیست از خلایق مگر اینکه وی را دریست در آسمان که رزق از وی می آید و آن که عمل وی می برآید پس چون میرد
مؤمن بسته کرده میشود در بسبب مرگ او پس گریه میکنند بروی و چون نمی یابد جای نماز او گریه میکند مر او را بسیار و در فتاوی و در بیان ام المؤمنین صدیقه رضی الله
عنها آورده که وقتی سوره بود شریف حضرت علیه السلام ... معروض کرده اند در ... حکمت بوده که چون آسمان حضور علیه السلام ... نیست
... مبارک حضور علیه السلام ... مسجد ... مبارک محمد رسول الله علیه السلام ...
بالخصوص ... مبارک ... خشک سالی بود ... مبارک ...
... مسجد بود که معاینه نمودند ... خشک ...
نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ه مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ه و هر آئینه نجات دادیم بنی اسرائیل را از عذاب ذلت دهنده از فرعون بدرستی او بود سرکش
از اسراف کنندگان وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ه و هر آئینه پسند کردیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمیان وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ه
و دادیم ایشان را معجزات که در آن نعمتی ظاهر بود إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ه إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ه بدرستی قوم مکه هر آئینه گفتند نیست این مگر
مرگ اول ما و نیستیم زنده شدگان فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ه گفتند پس بیارید پدران ما را اگر هستید ای اهل اسلام راست گویان یعنی قیامت برپا کنید حالانکه از آن
وقت معین است و در سابق کافران انکار قیامت کردند ... أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ
إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ه آیا مشرکان بهتراند یا قوم تبع و آنانکه از قبل ایشان بودند هلاک کردیم ایشان را بدرستی بودند گنهگار ... ذکر در فضل اشعیا علیه السلام نسبت هجرت اهل اسلام
... چهل و ... سال ... هجرت ... حوالی مدینه ... حضور علیه السلام
... تبع ... چهارم
... پادشاه ... مدینه ...
... خاتم المرسلین علیه السلام ...
... سلطان ...
...
...

پس جمیع پرستاران بیچاره شان خفتند و سوخته شدند و هر دو عالم اتباع و قوم تبع دران گذشتند و بسلامت ماندند بعد بقیه قوم شان ایمان آوردند و مراد از حضور علیه السلام است [illegible]
اگر قوم مسلمان نیکوکار است پس کافران قوم تبع را هلاکت آمد [illegible] وَمَا خَلَقْنَا
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لٰعِبِيْنَ ۝ و پیدا نکردیم آسمان و زمین را و آنچه در میان آن هر دو است لعب کنان مَا خَلَقْنٰهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ پیدا
کردیم آنها را مگر براستی ولیکن اکثر شان نمیدانند اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيْقَاتُهُمْ اَجْمَعِيْنَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِيْ مَوْلًى عَنْ مَّوْلًى شَيْـًٔا وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ اللّٰهُ ؕ
اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۝ بدرستی که روز فیصله یعنی قیامت وعده گاه ایشان جمله است روزیکه دفع نکند هیچ کار ساز از هیچ کار ساز دیگر چیزی را و نه نصرت داده شوند مگر آنکه رحم کند بر وی خدا بدرستی آن
خدا اوست غالب مهربان [illegible] اِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّوْمِ ۝ طَعَامُ الْاَثِيْمِ ۝ كَالْمُهْلِ ۚ يَغْلِيْ فِي الْبُطُوْنِ ۝ كَغَلْيِ الْحَمِيْمِ ۝ بدرستی درخت زقوم طعام گنهگار است مثل مس
جوش کند در شکمها مثل جوشش آب گرم خُذُوْهُ فَاعْتِلُوْهُ اِلٰى سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ۝ بگیرید کافر را پس بکشید او را بمیان دوزخ ثُمَّ صُبُّوْا فَوْقَ رَاْسِهٖ مِنْ عَذَابِ
الْحَمِيْمِ ۝ باز بریزید بر سرش از عذاب آب گرم ذُقْ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ ۝ بچش بدرستی تو با عزت بزرگواری اِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهٖ تَمْتَرُوْنَ ۝ بدرستی این است آنچه شک
میکردید اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اَمِيْنٍ ۝ فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ۝ يَّلْبَسُوْنَ مِنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ۝ بدرستی پرهیزگاران در مقام با امن در بوستانها
و چشمها پوشند از ابریشم نرم و سخت باهم متقابل كَذٰلِكَ ۫ وَزَوَّجْنٰهُمْ بِحُوْرٍ عِيْنٍ ۝ يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِيْنَ ۝ لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا
الْمَوْتَةَ الْاُوْلٰى ۚ وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ۝ فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكَ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝ بدین طرح و نکاح کنیم ایشان را با حوران کشاده چشم خوانند در آن بهر
[illegible] نچشند در آن مرگ مگر مرگ اول و نگاه داشت ایشان را از عذاب دوزخ بفضل از پروردگار تو این فوز بزرگ است فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝ پس جز این
نیست آسان کردیم قرآن را بزبان تو شاید آنان نصیحت یابند لیکن نصیحت نگرفتند فَارْتَقِبْ اِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُوْنَ ۝ پس منتظر فتح دار باش بدرستی ایشان امیدوارند **سورۂ جاثیه**
مکیه سی و هفت آیات است [illegible] چنانکه قول نضر بن حارث بود [illegible] قصها عجم [illegible] بعض اهل فارس [illegible] مسکنند
و بعض [illegible] حقیقت [illegible] نضر بن حارث [illegible] جاثیه [illegible]
[illegible] تفصیل آیات [illegible] توحید [illegible] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ [illegible] حٰمٓ ۝ تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ
الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ۝ [illegible]
[illegible] اِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ۝ بدرستی در آسمانها و زمین نشانهاست [illegible]
مومنان را [illegible]
[illegible] وَفِيْ خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَآبَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ۝ و در پیدایش شما و آنچه پراکنده میکند [illegible]
[illegible] وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ
رِّزْقٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ۝ و در خلاف شب و روز و آنچه فرستاد خدا [illegible]
[illegible] تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ فَبِاَيِّ حَدِيْثٍۭ بَعْدَ اللّٰهِ وَاٰيٰتِهٖ يُؤْمِنُوْنَ ۝ [illegible]
[illegible] وَيْلٌ لِّكُلِّ اَفَّاكٍ اَثِيْمٍ ۝ يَّسْمَعُ اٰيٰتِ اللّٰهِ تُتْلٰى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا ۚ
فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝ [illegible] نضر بن
[illegible] وَاِذَا عَلِمَ مِنْ اٰيٰتِنَا شَيْـًٔا اتَّخَذَهَا هُزُوًا ؕ [illegible]
اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۝ مِنْ وَّرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ [illegible]
وَلَا يُغْنِيْ عَنْهُمْ مَّا كَسَبُوْا شَيْـًٔا وَّلَا مَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝ [illegible]
[illegible] هٰذَا هُدًى ۚ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رِّجْزٍ اَلِيْمٌ ۝

اَلِیْمٌ ۵ اینست ہدایت و آنانکه کافر شدند بآیات پروردگار خود ایشانراست عذابی از بلا دردناک اَللّٰهُ الَّذِیْ سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ فِیْهِ بِاَمْرِهٖ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ
فَضْلِهٖ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُوْنَ ۵ الله آنست که مسخر کرد برای شما دریا را تا جاری شوند کشتیها در آن بامر او تا خواهش کنید از فضل او بسوداگری و شاید شما شکر کنید و این خود نضر بن حارث
میدانست که افسوس که شکر کرده [illegible] وَسَخَّرَ لَکُمْ مَّا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا مِّنْهُ ط اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّتَفَکَّرُوْنَ ۵ و مسخر کرد برای نفع شما آنچه در آسمانها است
و آنچه در زمین است همه از خداوند بدرستی که درین آینه نشانها است برای قومیکه فکر میکنند و دلیل تسخیر [illegible] حضور علیه السلام [illegible]
[illegible] عمر رضی الله عنه [illegible] قُلْ لِّلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یَغْفِرُوْا لِلَّذِیْنَ لَا یَرْجُوْنَ اَیَّامَ اللّٰهِ لِیَجْزِیَ
قَوْمًا بِمَا کَانُوْا یَکْسِبُوْنَ ۵ بگو برای آنانکه ایمان آوردند ببخشند برای آنانکه [illegible] بآنچه کسب کردند [illegible]
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَیْهَا ثُمَّ اِلٰی رَبِّکُمْ تُرْجَعُوْنَ ۵ هر که کار نیک کند پس برای نفس خود است و هر که بد کند پس وبال آن بروی است باز بطرف پروردگار خود باز
خواهید شد در قیامت [illegible]
فصل [illegible] وَلَقَدْ اٰتَیْنَا بَنِیْۤ اِسْرَآءِیْلَ الْکِتٰبَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنٰهُمْ
مِّنَ الطَّیِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلَی الْعٰلَمِیْنَ ۵ وَاٰتَیْنٰهُمْ بَیِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوْۤا اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ ط اِنَّ رَبَّکَ یَقْضِیْ بَیْنَهُمْ یَوْمَ
الْقِیٰمَةِ فِیْمَا کَانُوْا فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ ۵ و هر آئینه دادیم بنی اسرائیل را کتاب توریت و حکومت و نبوت و روزی دادیم ایشانرا از طیبات و فضیلت دادیم ایشانرا بر جهانیان [illegible]
[illegible] ثُمَّ جَعَلْنٰکَ عَلٰی شَرِیْعَةٍ مِّنَ الْاَمْرِ
فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِیْنَ لَا یَعْلَمُوْنَ ۵ [illegible]
[illegible] اِنَّهُمْ لَنْ یُّغْنُوْا عَنْکَ مِنَ اللّٰهِ شَیْـًٔا ط وَاِنَّ الظّٰلِمِیْنَ بَعْضُهُمْ اَوْلِیَآءُ بَعْضٍ ج وَاللّٰهُ وَلِیُّ
الْمُتَّقِیْنَ ۵ [illegible] هٰذَا بَصَآئِرُ لِلنَّاسِ
وَهُدًی وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ یُّوْقِنُوْنَ ۵ [illegible] اَمْ حَسِبَ
الَّذِیْنَ اجْتَرَحُوا السَّیِّاٰتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ کَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَوَآءً مَّحْیَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ط سَآءَ مَا یَحْکُمُوْنَ ۵ [illegible]
[illegible] وَخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزٰی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ
وَهُمْ لَا یُظْلَمُوْنَ ۵ [illegible] اَفَرَءَیْتَ
مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰی عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰی سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰی بَصَرِهٖ غِشٰوَةً ط فَمَنْ یَّهْدِیْهِ مِنْۢ بَعْدِ اللّٰهِ ط اَفَلَا تَذَکَّرُوْنَ ۵ آیا
[illegible]
وَقَالُوْا مَا هِیَ اِلَّا حَیَاتُنَا الدُّنْیَا نَمُوْتُ وَنَحْیَا وَمَا یُهْلِکُنَاۤ اِلَّا الدَّهْرُ ج [illegible]
[illegible] وَمَا لَهُمْ بِذٰلِکَ
مِنْ عِلْمٍ ج اِنْ هُمْ اِلَّا یَظُنُّوْنَ ۵ [illegible] وَاِذَا تُتْلٰی عَلَیْهِمْ اٰیٰتُنَا بَیِّنٰتٍ
[illegible] مَا
کَانَ حُجَّتَهُمْ اِلَّاۤ اَنْ قَالُوا ائْتُوْا بِاٰبَآئِنَاۤ اِنْ کُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ۵ [illegible]
[illegible] قُلِ اللّٰهُ یُحْیِیْکُمْ ثُمَّ یُمِیْتُکُمْ ثُمَّ یَجْمَعُکُمْ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ لَا رَیْبَ فِیْهِ وَلٰکِنَّ اَکْثَرَ النَّاسِ لَا
یَعْلَمُوْنَ ۵ [illegible]
[illegible] وَلِلّٰهِ مُلْکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ط وَیَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ یَوْمَئِذٍ یَّخْسَرُ الْمُبْطِلُوْنَ

روز که قائم شود قیامت در آن روز زیان یابند دروغگویان وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً و بینی هر گروهی را روز رستخیز به زانو نشسته از بیم حساب کُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا
الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ هر گروهی خوانده شود بطرف نامهٔ اعمال خود امروز جزا داده شوید آنچه عمل میکردید هَٰذَا كِتَابُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
این کتاب ماست میگوید بر شما براستی هر آئینه ما می نوشتیم آنچه عمل میکردید فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ پس لیکن آنانکه
ایمان آوردند و کارهای نیک کردند پس داخل کند ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود این است فیروزی ظاهر وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا و اما آنانکه کافر شدند جزای ایشان ظاهر است که در دوزخ روند و در دوزخ مانند پس گفته شود ایشان را
أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ آیا نبود آیات من خوانده میشد بر شما پس تکبر کردید و بودید قومی گناهکار وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ
لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ و چون گفته شد در دنیا که وعدهٔ خدا حق است و در قیامت شکی نیست گفتید نمیدانیم چیست
قیامت و گمان نمیکنیم مگر گمانی و نیستیم یقین کنندگان وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ و ظاهر شود برای ایشان بدیهای آنچه کردند و احاطه کند
بایشان آنچه بدان استهزا میکردند وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش
کردید ملاقات این روز شما و جای شما آتش است و نیست شما را یاری دهندگان ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا
وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ این جزا آن جهت است که گرفتید آیات خدا را مسخرگی و فریب داد شما را زندگانی دنیا پس امروز خارج نشوند از دوزخ و نه توبهٔ ایشان پذیرفته شود فَلِلَّهِ الْحَمْدُ
رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ پس برای خداست حمد پروردگار آسمانها و پروردگار زمین
پروردگار عالمها و برای اوست بزرگی در آسمانها و زمین و او غالب با حکمت است سورة الاحقاف مکیه سی و پنج آیه میدارد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ
الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان حم تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ فرو فرستادن این کتاب از خدای غالب با حکمت است مَا خَلَقْنَا
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست مگر براستی و بمیعاد مقرر
یعنی روز قیامت و آنانکه کافر شدند از آنچه ترسانیده شدند اعراض کنندگانند و طلب شاهد بر توحید کنند قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا
خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ بگو آیا خبر دهید آنکه میخوانید سوای خدا
نشان دهید که چه پیدا کردند از زمین یا ایشان را شرکتی هست در آفرینش آسمانها بیارید کتابی منزل پیش از این یا اثری از علم اگر هستید راستگویان [illegible]
[illegible] سوای خدا [illegible] بخصوص [illegible] خلاف خواندن [illegible]
[illegible] مشرکان [illegible] خواندن [illegible] حاجت [illegible]
[illegible] اولیا [illegible] خواندن [illegible]
[illegible] شیخ عبدالقادر جیلانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
سوای قدرت خدا [illegible] وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible] وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ [illegible]
[illegible] دشمنان [illegible] وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ [illegible]
خوانده شد بر ایشان آیات ما روشن گفتند آنانکه کافر شدند [illegible] أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
[illegible] قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ [illegible]
[illegible]

تفیضون فیه کفی به شهیدا بینی و بینکم معلوم کنیم که بر این طعن کرده است بلکه این قرآن از جهت حق و خبری باشد چنانکه کفار میگفتند و خواهد آمد حواشی بفرماید قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا
أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ۚ بگو نبودم اول از رسولان و نمیدانستم چه خواهد کرد بمن و نه بشما و عطف برجملۀ است ما بحث ترجمه یافتنی بعید کردیم در نخستین علیه السلام مطابق سوره گذشت
علم این بحث بود و یقین میدانستند که گذشته بخواهد شد پس چرا ابتدا از رسولان نبود و عدم علم را بود و شما با این دیانت متصف میکردید اکنون خبر از غیب حسب تعلیم خدا میدهید بعد بعد که رسول
در صورت این خلاف گشتی بدان از پیغمبر میفرماید إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی کرده شده است بطرف من و نیستم مگر خبر رساننده روشن از عذاب
این نیست مگر اینکه گراهی خدا بر پیغمبر بودم و کسی که بگوید بنجوم و رمل و غیره اسباب گفته باشد قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ بگو خبر دهید اگر باشد این از جانب خدا و کفر کردید
بدان پس حال شما چه خواهد شد لیکن هست از جانب خدا نه از رمل و نجوم و غیره زیرا که مطابق است با اقوال پیغمبران سابق چنانکه میفرماید وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ
وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ و گواهی داد گواه عظیم الشان یعنی موسی از بنی اسرائیل بر مثل خود از اسماعیلیان پس ایمان آورد و تکبر کردید شما ای اسماعیلیان هر آینه الله
هدایت نمیکند قوم ظالم را کذا مفصل در فصل السفر تثنیه و تتمیم و عرفان این ظاهر قول اند گواهی مراد از شاهد عبدالله بن سلام که در مدینه اسلام آورده اند و گواهی مراد از موسی بود اند و لفظ مثل از زائد
میگوید حق است که ترتیب و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ۝ و گفتند آنانکه کفر
کردند برای آنانکه ایمان آوردند اگر بودی این اسلام نیکو سبقت کردندی مسلمانان بطرف او و چون نیافتند راه بدان پس خواهند گفت این است دروغ کهنه حالانکه وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ
إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ وَهَٰذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ۝ و از قبل قرآن کتاب موسی است از برای پیشین گوئی این کتاب در حمد و امام
صاحب این کتاب و این کتاب قرآن تصدیق کننده است بزبان عربی تا برساند آنها را که شرک کردند و بشارت است برای نیکوکاران چنانکه در فصل السفر تثنیه فرموده است
إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ هر آئینه آنانکه گویند پروردگار ما الله است باز مستقیم ماندند پس نیست خوفی بر ایشان و نه آنان غمگین شوند
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ آنان اصحاب جنت اند همیشه ماندگان در آن جزا است بآنچه عمل میکردند موسی در فصل سفر تثنیه گفته که
خداوند از طور سینا بر مقدسان تجلی آمد و اکثر از این مقدسان خواص یا شاگردان صدیق اکبر است عن السعد چنانکه حواشی تقریر میفرماید وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ
أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ۚ و وصیت کردیم ابوبکر را نسبت والدینش نیکوئی را بوجه که برداشت او را مادرش بتکلیف و زائید او را بتکلیف
و برداشتنش در کنار و ترک کردنش شیر سی ماه حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ
أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ تا چون رسید بکمال قوت و عقل و رسید بچهل سالگی گفت پروردگارا نصیب
کن که شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر والدین من و آنکه عمل کنم نیک که راضی شوی از او نیکی کن برای من در اولاد من هر آینه من توبه کردم بطرف تو و هر آینه هستم از مسلمانان این خاص
صفت صدیق رضی الله عنه است و باقی با والدین پدر خود و والدین آنجناب با جماع امت است کسی که ایمان آورده و صورت کلی است و کسی دیگر این صفت ندارد و معلوم شد که چون در چهل سالگی
ایمان آورده یکسال سوم نبوت بود و سنه شیخوخیت و حالت نبوت و اول ایمان صدیق و حق الله بر ایمان صدیق است چنانکه از جمله اول ایمان نوع مطلق گرفته نیست بعد از ایمان ام المؤمنین خدیجه و بعد ایمان
رضی الله عنهم أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ آنانند که
قبول کنیم از ایشان بهتر از آنچه بودند و تجاوز کنیم از گناهان ایشان در اصحاب جنت برحق وعده صادق که بودند وعده کرده شدگان چنانکه در فصل سفر تثنیه است بر کسیکه آن پیغمبر را نخواهد شنید از او تفتیش خواهم نمود
مطابق آن حال حسن بعضی کافر دیگر میفرماید وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ
وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ و آنکه گفت برای والدین خود اف است بر شما که آیا وعده میدهید مرا که خارج کرده شوم و گذشته اند قرنها از قبل من و آن دو
فریاد میکنند از الله ای خرابی ایمان آر بدرستی وعدۀ خدا حق است پس میگوید نیست این مگر قصه های گذشتگان أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۝ آنان ثابت شد قول یعنی عذاب با امتها سابقه گذشته از قبل ایشان از جن و انس بدرستی بودند آنها زیانکاران یعنی در دنیا چنانکه مثل قوم هود بر باد
رفت وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ و برای هر یکی جائی است از آنچه عمل کردند تا بدهد کامل کنیم و شما را اعمال ایشان آنان ظلم کرده نشوند
وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي

الأرض بغير الحق وبما كنتم تفسقون ۝ و روزی که پیش کرده شوند آنانکه کفر کردند بر آتش گفته شود ضایع کردید لذتهای خود در زندگانی خود در دنیا و برخورداری یافتید بدان پس امروز جزا
داده شوید عذاب ذلت را بسبب آنچه تکبر کردید در زمین بغیر راستی و بسبب آنچه فسق کردید [illegible] ۝ واذكر أخا عاد إذ أنذر قومه بالأحقاف
وقد خلت النذر من بين يديه ومن خلفه ألا تعبدوا إلا الله إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم ۝ یاد کن برادر قوم عاد را چون بترسانید قوم خود را در احقاف یعنی
در ریگستان [illegible] و بتحقیق گذشته اند ترسانندگان [illegible] که عبادت مکنید غیر خدا را [illegible] بر شما از عذاب روز بزرگ ۝ قالوا أجئتنا لتأفكنا عن
آلهتنا فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين ۝ گفتند آیا آمدی ما را تا باز داری ما را از معبودان ما پس بیار بما آنچه وعده میکنی ما را اگر هستی از راستان ۝ قال إنما العلم عند الله
وأبلغكم ما أرسلت به ولكني أراكم قوما تجهلون ۝ گفت جز این نیست علم [illegible] نزد خداست و میرسانم شما را آنچه فرستاده شدم [illegible] ولیکن می بینم شما را قومی که جهالت میکنید
[illegible] ۝ فلما رأوه عارضا مستقبل أوديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها
عذاب أليم ۝ تدمر كل شيء بأمر ربها [illegible]
[illegible] فأصبحوا لا يرى إلا مساكنهم كذلك نجزي القوم المجرمين ۝
[illegible] ولقد مكناهم فيما إن مكناكم فيه وجعلنا لهم سمعا وأبصارا وأفئدة فما أغنى عنهم سمعهم ولا
أبصارهم ولا أفئدتهم من شيء إذ كانوا يجحدون بآيات الله وحاق بهم ما كانوا به يستهزئون ۝ [illegible]

[illegible] ولقد أهلكنا ما حولكم من القرى وصرفنا الآيات لعلهم
يرجعون ۝ [illegible] فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قربانا آلهة بل ضلوا عنهم وذلك إفكهم
وما كانوا يفترون ۝ [illegible]

[illegible]

[illegible] وإذ صرفنا إليك نفرا من الجن يستمعون القرآن فلما حضروه قالوا
أنصتوا فلما قضي ولوا إلى قومهم منذرين ۝ [illegible]
[illegible] قالوا يا قومنا إنا سمعنا كتابا أنزل من بعد موسى مصدقا لما بين يديه يهدي إلى الحق وإلى طريق
مستقيم ۝ [illegible]
أجيبوا داعي الله وآمنوا به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم من عذاب أليم ۝ [illegible]

از عذاب ونیز ذلک مطابق روایت ابن عباس که بطریق [illegible] جنان [illegible] زمین [illegible] هستند که بران حساب و عقاب مرتب است و ثار
خواهند یافت و در آن اختلاف علما است [illegible] عذاب [illegible] حسب تعلیم شان [illegible] ایمان آورده نزد حضور علیه السلام آمدند [illegible]
علیه السلام خبر کرد که حسب الحکم بطرف تعلیم جنان عبد الله بن مسعود همراه [illegible] تشریف برده [illegible] عبد الله [illegible]
[illegible] بس [illegible] در اصل [illegible]
در اصل [illegible] پس این قصه [illegible] حقیقت [illegible] نبوت شد و آنچه کفار تعجب [illegible] قیامت [illegible] أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ
يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۚ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آیا نمی بینند کافران در شیکه آن خدا که پیدا کرد آسمانها و زمین و عاجز نشد به پیدا کردن آنها قادر است
بر آنکه زنده کند موتی را بلی هر آئینه آن بر هر شی ممکن قادر است وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ ۖ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ
بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ [illegible] فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ
مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ پس صبر کن چنانکه صبر کردند اولو العزم [illegible] اولو العزم اختلاف
بعض گویند آن هر یک نبی است [illegible] بعض گویند نوح و هود و صالح و لوط و شعیب و موسی [illegible] نوح و ابراهیم و اسحق و یعقوب و یوسف و ایوب [illegible] سلیمان و موسی
و هارون و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس [illegible] کَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ۚ [illegible]
[illegible] بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ [illegible]

[illegible] سورة محمد [illegible] مدنیة است سی و هشت آیت است [illegible]

[illegible] الَّذِينَ كَفَرُوا
وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ [illegible] وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۙ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ [illegible]
[illegible] ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا
الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ [illegible]
[illegible] بعد از هجرت جهاد فرض نشده بود [illegible] فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ
الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ [illegible]
پس سخت [illegible] فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً [illegible] حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از ایشان بغیر جهاد ولکن لیبلوا بعضکم ببعض ولیکن تا آزماید بعض شما را ببعض فرض کرد جهاد تا قدر بعضی بر بعضی ثابت شود و چون جهاد [illegible] جهاد فرموده بعد
وقتل از بعض صحابه [illegible] قتل کرده بود باید که از ان محروم رفته باشد جواب [illegible] والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم و آنانکه قتل کرده شدند
در راه خدا پس گم نکند عمل خود را سیهدیهم ویصلح بالهم ویدخلهم الجنة عرفها لهم [illegible]
است جنت را برای ایشان یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت اقدامکم ای [illegible] ایمان آورده [illegible]
[illegible] والذین کفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم [illegible] ذلک بانهم کرهوا ما
انزل الله فاحبط اعمالهم [illegible] افلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین
من قبلهم دمر الله علیهم وللکافرین امثالها [illegible]
[illegible] ذلک بان الله مولی الذین آمنوا وان الکافرین لا مولی لهم [illegible]
ان الله یدخل الذین آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار [illegible]
[illegible] والذین کفروا یتمتعون ویاکلون کما تاکل الانعام والنار مثوی لهم [illegible]
[illegible] وکاین من قریة هی اشد قوة من قریتک التی اخرجتک اهلکناهم فلا ناصر لهم [illegible]
[illegible] افمن کان علی بینة من ربه کمن زین له سوء عمله واتبعوا اهواءهم [illegible]
[illegible] مثل الجنة التی وعد المتقون فیها انهار من ماء غیر آسن وانهار من لبن لم یتغیر طعمه وانهار
من خمر لذة للشاربین وانهار من عسل مصفی ولهم فیها من کل الثمرات ومغفرة من ربهم کمن هو خالد فی النار وسقوا ماء حمیما فقطع
امعاءهم [illegible]
[illegible]
[illegible] ومنهم من یستمع الیک حتی اذا خرجوا من عندک قالوا للذین اوتوا العلم ماذا قال آنفا اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم
واتبعوا اهواءهم [illegible]
[illegible] والذین اهتدوا زادهم هدی وآتاهم تقواهم [illegible]
[illegible] فهل ینظرون الا الساعة ان تأتیهم بغتة فقد جاء اشراطها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لولا نزلت سورة فاذا انزلت سورة محکمة وذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون الیک نظر المغشی علیه من الموت [illegible]
[illegible] طاعة وقول معروف [illegible]
[illegible]
[illegible]

شادی ما بجهت ... ایشان ... در مدینه منوره چند اشخاص از یهود بودند که مخالفت حکم ... سرکشی میکردند ... نوشته است که در ...
جمیع امر ... یعنی ... فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ پس اگر ...
... فساد ... [illegible] ... أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ
أَعْمَىٰ أَبْصَارَهُمْ و ایشان آنانند که لعنت کرده است الله یعنی ... [illegible] ... فصل ... شان ... در ...
... [illegible] ... در کتاب اول بیان کردیم ... منافقان ... ایشان ...
يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ ... أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ... در فصل ... است إِنَّ الَّذِينَ
ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ... آن یهود ... بعد ... ظاهر ...
... شیطان ... ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ...
... منافقان ... [illegible] ...
... وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ... فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ
أَدْبَارَهُمْ پس ... حال ... فرشتگان ... [illegible] ...
... ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ... کفار ...
... علیه السلام ... أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ
... منافقان ... پیغمبر علیه السلام ... وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ
فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ ... منافقان ... نفاق ... وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ ... وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ... وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ
أَخْبَارَكُمْ ... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ... [illegible] ...
... [illegible] ... کفار ... [illegible] ...
... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ... اطاعت ...
مخالفت ... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ...
... فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ...
... إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ
... [illegible] ... إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ
أَضْغَانَكُمْ ... هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ
مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ ... [illegible] ...
... [illegible] ...
وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ... وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ...
... در فصل ... علیه السلام ... [illegible] ...

بود **سورۂ فتح مدنیہ بست ونہ آیۃ میباشد** وانچنان بود کہ در ششم سال ہجرت حضور صلی اللہ علیہ وسلم خواب دید کہ بمکہ رفتہ ام و سر تراشیدہ و حلق نمودہ ام و با صحابہ
ہم و چنانکہ این خواب دیدہ بود ... سنی اہم و تعبیرش ... بود ... کمال اخلاص ... شد ... تعبیر خواب بسال ششم ہجرت ... مجود
در سال ششم متوجہ مکہ شد و چند اقوام اعراب را طلبید آنان بعذر ... پیش آمد ... بر عمرہ ... پیش آمد ... حدیبیہ ...
... حضور علیہ السلام معلوم ... کہ قریش ... صلح خواہم کرد ... حدیبیہ ... بہشت
کرد ... اہل مکہ ... جنگ ... مستعد ... فرمودہ ... فضل ... عطا شدہ
بود کامل ... درخواست ... فضل ... لیکن ... شرف خواہم کرد ... اولاد ... مہاجرین ...
حضور علیہ السلام ... حدیبیہ ... آب ... حضور علیہ السلام ... تیر در چاہ انداخت ... آب ... بازگشت
... حضور علیہ السلام ... عروہ بن مسعود ... عمرہ آمدہ ام ... اجازت عمرہ ...
حضور علیہ السلام ... عثمان ... فرستاد ... عثمان رضی اللہ عنہ ... شہید ساختند پس حضور علیہ السلام در زیر
درخت ... از صحابہ بیعت گرفت ... شہید کردہ ... عوض ... عثمان ... جنگ ... دست ... مبارک را دست عثمان قرار داد و بیعت
... اہل مکہ ... سہیل بن عمرو ... صلح ... مسلمانان ... مسلمانان ...
اسلام ... علی مرتضی صلحنامہ نوشت ... محمد رسول اللہ ... سہیل گفت ... رسول ... حضور علیہ السلام ...
... حضور علیہ السلام ... محمد بن عبد اللہ ... حضور علیہ السلام ...
... مساکین فرستادند ... چند مسلمانان ہجرت کردہ ... صلح نامہ ... بود ...
... بعض صحابہ ... مکہ ... ہجرت ... مسلمانان ... حضور علیہ السلام ... اسلام ...
گفت کہ آیا تو رسول ... فتح ... حضور علیہ السلام ... صدیق رضی اللہ عنہ ... حضور علیہ السلام صدیق ...
عمر رضی اللہ عنہ ... حضور علیہ السلام ... حق تعالی ... منظور آن بود کہ از
اہل مکہ ... جنگ ... ایشان ... منفعت ... فتح ...
... اولاد مہاجرہ ... ایمان ... حضور علیہ السلام ... خندق ...
اجابت ... سورۂ فتح نازل کرد ... اہل اسلام شود بسم اللہ الرحمن الرحیم ... إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا
... فتح ... لِّيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا وَيَنصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا
... ہجرت ...
... حضور علیہ السلام ...
... هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا
... نازل کرد تسکینی در دل مومنین ... ایمان ...
... حدیبیہ ... اسلام ... لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ...
از زیر آنہا نہرہا ہمیشہ ماندگان ... کفارہ ... گناہان ...
وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ ...

وعذاب میدهد منافقین مردان و منافقین زنان و مشرک کنندگان مردان و مشرک کنندگان زنان آنانکه گمان کننده اند بالله بدگمان بد بیان ان چه مدد بیست و تیار کرد برایشان جهنم و بد است
بازگشت یعنی آنانکه از اهل مکه و غیره شرک کنندگان اند پس حق تعالی رسالت شما را بر کند فتح و لود آن بطور صلح بود چنانکه قول شافعیه است و آن مطابق باشند و کی تورت است چنانکه جو ستیم
وَلِلّٰهِ جُنُوْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ۝ و برای خداست لشکر آسمان و زمین و هست الله غالب با حکمت که شکست منافقان یهود و مشرکان از جمله این بشین قوی
محکم غالب است و لشکر آن مغلوبیت لیکن نظر بر مفید اِنَّاۤ اَرْسَلْنٰكَ شَاهِدًا وَّمُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ۝ لِّتُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتُعَزِّرُوْهُ وَتُوَقِّرُوْهُ ؕ وَتُسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ۝
بدرستی که فرستادیم ترا خبر دهنده یعنی بشارت دهنده مؤمنان و ترساننده کافران تا ایمان آرید بالله و رسول او و مدد کنید او را و توقیر کنید و معظم دارید نبی را و تسبیح گویید صبح و شام یعنی عظمی می آید اِنَّ
الَّذِيْنَ يُبَايِعُوْنَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُوْنَ اللّٰهَ ؕ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيْهِمْ ۚ بدرستی آنانکه بیعت کنند ترا جز این نیست که بیعت کنند الله را دست خدا بصورت دست پیغمبر فوق دستهای
شان است و دست الله چون دست خویش خوانده تا بالله فوق ایدیهم بر ابرین فَمَنْ نَّكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهٖ ۚ پس هر که شکست عهد یعنی منافقان پس جز این نیست شکست
بر جان خود زیرا شکستن عهد از پیغمبر شکستن عهد از خداست وَمَنْ اَوْفٰى بِمَا عٰهَدَ عَلَيْهُ اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا ۝ و هر که وفا کرد بانچه عهد کرد بروا الله پس جلد بدهد او را اجر
بزرگ جلد از نهاد فتح خیبر است سَيَقُوْلُ لَكَ الْمُخَلَّفُوْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ شَغَلَتْنَاۤ اَمْوَالُنَا وَاَهْلُوْنَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا ۚ يَقُوْلُوْنَ بِاَلْسِنَتِهِمْ مَّا لَيْسَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ ؕ قُلْ فَمَنْ
يَّمْلِكُ لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا اِنْ اَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا اَوْ اَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ؕ بَلْ كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ۝ شتاب خواهند گفت برای تو آن بدویانکه تخلف کننده گانند که
باز داشت ما را اموال ما و اهل ما پس طلب مغفرت کن برای ما میگویند بزبانهای شان آنچه نیست در دلهای شان بگو کیست که مالک باشد برای شما از خدا چیزی اگر اراده کند بشما ضرری یا اراده کند بشما نفعی
بلکه هست الله بانچه میکنید خبردار تخلف کنندگان اعراب بنی غفار و مزینه و جهینه و اشجع و اسلم همراه رکاب سعادت طلب نمودند بود بَلْ ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَّنْقَلِبَ
الرَّسُوْلُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ اِلٰۤى اَهْلِيْهِمْ اَبَدًا وَّزُيِّنَ ذٰلِكَ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ ۖۚ وَكُنْتُمْ قَوْمًۢا بُوْرًا ۝ بلکه گمان کردید که باز نگردد رسول و مومنان بطرف
اهل خود که اینها با ساخت تشریف برده بودند و مزین کرده شد این در دلهای شما و گمان بد بردید و گمان بد بودید قومی فساد کننده وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ فَاِنَّاۤ اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ
سَعِيْرًا ۝ و هر که ایمان نیاورد بالله و رسول او پس بدرستی که تیار کردیم برای کافران آتش سوزان وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ يَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَكَانَ
اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝ و برای خداست ملک آسمانها و زمین بخشد هر کرا خواهد و عذاب کند هر کرا خواهد یعنی کافران را سَيَقُوْلُ الْمُخَلَّفُوْنَ اِذَا انْطَلَقْتُمْ اِلٰى مَغَانِمَ
لِتَاْخُذُوْهَا ذَرُوْنَا نَتَّبِعْكُمْ ۚ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّبَدِّلُوْا كَلٰمَ اللّٰهِ ؕ جلد گویند تخلف کنندگان چون بروید بطرف غنیمتهای خیبر تا بگیرید آنرا بگذارید ما را تا پیروی کنیم شما را اراده
میکنند که تبدیل کنند کلام خدا که مخصوص کرده است غنیمت خیبر را باهل حدیبیه قُلْ لَّنْ تَتَّبِعُوْنَا كَذٰلِكُمْ قَالَ اللّٰهُ مِنْ قَبْلُ ۚ بگو هرگز پیروی نکنید ما را همچنین فرموده است الله از قبل
فَسَيَقُوْلُوْنَ بَلْ تَحْسُدُوْنَنَا ؕ بَلْ كَانُوْا لَا يَفْقَهُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ۝ پس جلد خواهند گفت بلکه حسد میکنید ما را بلکه بودند نمی فهمند مگر اندکی پس سال ششم هجرت بعد
واپسی از حدیبیه ماه محرم متوجه خیبر حضور علیه السلام شدند چون منافقان دیدند که صحیح سالم باز آمدند خیبر هم فتح خواهند شد قصد همراهی کردند حضور علیه السلام انکار کرد قُلْ لِّلْمُخَلَّفِيْنَ
مِنَ الْاَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ اِلٰى قَوْمٍ اُولِيْ بَاْسٍ شَدِيْدٍ تُقَاتِلُوْنَهُمْ اَوْ يُسْلِمُوْنَ ۚ بگو برای تخلف کنندگان اعراب جلد خوانده شوید بطرف قومی صاحب سخت جنگ مقاتله
کنید با ایشان یا آنکه ایمان آرند و مراد از اولی باس شدید بنو حنیفه یا فارس است که در خلافت صدیق اکبر جنگ شان مخصوص است فَاِنْ تُطِيْعُوْا يُؤْتِكُمُ اللّٰهُ
اَجْرًا حَسَنًا ۚ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝ پس اگر اطاعت کنید بدهد شما را الله اجر نیک و اگر روگردانید چنانکه روگردانید پیش ازین عذاب کند
شما را الله عذاب دردناک و از این آیت صریح است که خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بطرف حق تعالی است لَيْسَ عَلَى الْاَعْمٰى
حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ حَرَجٌ ؕ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ وَمَنْ يَّتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ
عَذَابًا اَلِيْمًا ۝ نیست بر نابینا حرجی و نه بر لنگ حرجی و نه بر بیمار حرجی و هر که اطاعت کند الله و رسول او را داخل کند او را بهشتهای که جاری است زیر آنها نهرها و هر که روگرداند عذاب کند
او را عذاب دردناک لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِذْ يُبَايِعُوْنَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَاَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ عَلَيْهِمْ
وَاَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيْبًا ۝ وَّمَغَانِمَ كَثِيْرَةً يَّاْخُذُوْنَهَا ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ۝ هر آئینه خوش شد الله از مومنین چون بیعت کردند ترا زیر درخت پس دانست آنچه در دلهای
شان بود پس فرو فرستاد سکینه بر ایشان و جزا داد ایشان را فتح قریب یعنی فتح خیبر و غنیمتهای بسیار که میگیرند آنرا و هست الله غالب با حکمت وَعَدَكُمُ اللّٰهُ مَغَانِمَ كَثِيْرَةً تَاْخُذُوْنَهَا

فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهٖ وَكَفَّ اَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ ۚ و وعده کرده است الله بسیار غنیمتها که گیرید آنرا پس شتابی کرد برای این فتح و باز داشت دستهای مردمان خیبر از شما تا شکر کنید وَلِتَكُوْنَ
اٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ۙ وَّاُخْرٰى لَمْ تَقْدِرُوْا عَلَيْهَا قَدْ اَحَاطَ اللّٰهُ بِهَا ۗ وَكَانَ اللّٰهُ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا ۝ و دیگر غنیمت که قدرت نداشتید بر آن یعنی بر آن احاطه کرده است الله بدان هست الله بر هر چیز توانا خصوصاً بر مثل فتح مکه و دیگر فتوحات عجم و غیر آن
وَلَوْ قٰتَلَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوَلَّوُا الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُوْنَ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ۝ اگر مقاتله کردندی با شما اهل مکه که کافر شدند هر آئینه گردانیدندی پشتها باز نیافتندی دوستی و نه مددگاری
سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِيْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۖ طریقه خدا است که گذشته از قبل در فضل و شیار انبیا علیهم السلام و اجرا از خدا تعلیم خواهند یافت و مشرک نخواهند یافت وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ
تَبْدِيْلًا ۝ و نیابی بر طریقه خدا تبدیلی یعنی فتح ضروری است و دلیل بر این معنی آید وَهُوَ الَّذِيْ كَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ اَنْ اَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۗ
وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرًا ۝ و آن خداوند است که باز داشت دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان در بطن مکه بعد از آنکه فتح داد شما را بر ایشان که در آن بودند
هست الله بیننده بعملی که کنید هُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوْفًا اَنْ يَّبْلُغَ مَحِلَّهٗ ۭ ایشان کسانی اند که کافر شدند و باز داشتند
شما را از مسجد حرام و هدی را در حالیکه باز داشته شده آنکه برسد بجای خود وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُوْنَ وَنِسَاۗءٌ مُّؤْمِنٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوْهُمْ اَنْ تَطَـُٔوْهُمْ فَتُصِيْبَكُمْ مِّنْهُمْ مَّعَرَّةٌۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ
و اگر نبودندی مردان مسلمان و زنان مسلمان که ندانسته‌اید و شما آنکه بمالید و پامال کنید ایشان را پس برسد شما را از جهت ایشان عیب بی دانستن یعنی اگر نه این بودی فتح کردی لِيُدْخِلَ
اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَاۗءُ ۚ تا داخل کند الله در رحمت خود هر کرا خواهد لَوْ تَزَيَّلُوْا لَعَذَّبْنَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝ اگر جدا شدندی مسلمانان از کفار هر آئینه
عذاب کردیمی آنانرا که کافر شدند از ایشان عذاب دردناک اِذْ جَعَلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ چون کردند آنانکه کافر شدند در دلهای خود ننگ طریق جاهلیت یعنی در
تحریر لفظ بسم الله الرحمن الرحیم و رسول الله بر نام مبارک فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ پس نازل کرد تسکین خود بر رسول و مؤمنین که موافق ارشاد حضور علیه السلام
راضی گشتند وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى و لازم کرد بر ایشان کلمه تقوی یعنی لا اله الا الله پیغمبر علیه السلام و مؤمنان بسم الله الرحمن الرحیم نویسند و کفار نکردند وَكَانُوْٓا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا ۭ و بودند لایق
بدان و اهل آن وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝ و هست الله بر هر چیز دانا لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاۗءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ۙ
مُحَلِّقِيْنَ رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ ۙ لَا تَخَافُوْنَ ۭ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيْبًا ۝ هر آئینه راست کرد الله رسول خود را خواب به حق که در آئید
در مسجد حرام اگر خواسته است الله با امن تراشندگان سرهای خود و قصر کنندگان نه ترسید پس دانست آنچه ندانستید پس گردانید سوای این فتح قریب یعنی فتح خیبر
هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ۭ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ۝ الله آنست که فرستاد رسول خود را با هدایت و دین حق تا غالب کند آنرا بر همه دینها و بس است
[illegible] مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ ۭ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗٓ اَشِدَّاۗءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاۗءُ بَيْنَهُمْ تَرٰىهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَّبْتَغُوْنَ
فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا ۡ سِيْمَاهُمْ فِيْ وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثَرِ السُّجُوْدِ ۭ محمد رسول خداست و آنانکه با وی اند سخت اند بر کفار مهربان اند میان خود بینی ایشان را رکوع کنندگان سجده کنندگان
خواهش از فضل خدا و رضای او نشانهای ایشان در روی ایشان از اثر سجود که با چنین صفات است ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ ښ این صفت ایشان
در توریت چنانکه در سوره فضل التفسیر است که خدا یعنی خلیفه او در عبارات رسول خدا صلی الله علیه وسلم است [illegible]
[illegible]
مقام اشاره بعمر فاروق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْـَٔهٗ فَاٰزَرَهٗ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوٰى عَلٰى سُوْقِهٖ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ [illegible]
[illegible]

مذکور است امید آنکه ایمان آورده اند و کردار نیکو کرده اند بایشان مغفرت و اجر عظیم و این تمثیل و امثال آن مثلی است که در صفت بادشاهت خلافت اسلامیه کنند که زراعت کننده را بجهت آنکه اتفاق
تخم و زراعت و قوت که حاکم بود در زمین که بر آید و بر آن آتش آفتاب خشک شد و خار با آفتاب بقوت خارها بر آید و چیزی که در زمین افتاده بر آید و لیکن
این همه خواهند فهمید که هر روش هست چیزی داده خواهد شد و آنکه روش چیزی نیست از گفته خواهد شد و آنچه در راه افتاده آنست که سخن بادشاهت میشنود و قبول نمیکند آنرا شیطان میبرد
و این حال کافران این است و آنچه در زمین سنگی افتاده و بیش آنست که شنیده بجوش میکند لیکن بوقت تکلیف ترک میسازد و این حال مرتدان است و آنچه در خارها افتاده است تا بیش
آنکه بیش آنکه کلام میشنود و لیکن بفریب دنیا ثمر نمی آید و این حال منافقان این امت است و آنچه در زمین جید افتاده شد و بیش اهل اسلام این امت اند که بر می آورند ثمر عظیم که بعض صد حصه
بعض شصت حصه بعض سی حصه بر می آورند و کفار حصه نمی خورند و بعد از تمثیل دوم و سوم آورده بعد تمثیل چهارم آورده که بادشاهت خدا مثل آن است که شخصی در کشت خود انداخت که در
جلد تخم با خود رست و چون بعد از جلد نمو رسیدند تا آنکه چنان بزرگ شد که جملهٔ طائران در شاخهای آن آشیانه کنند و دیگر مثلها آورده که همه مخصوص زمانه اهل اسلام است و معرو کردیم که بادشاهت خدا بجهت تفصیل فضل
دلیل مخصوص بزمانه اهل اسلام است و بس و آنچه در مثال دوم فرموده که همه زراعت کننده تخم و ناقص شیطان و کسی که زمانه در شکار است سیم جدید زمانه بادشاهت خدا تا اقصار در آمده اند و همه را انکار مطلب
صادقست که مسیح و دیگران خبر از ترکیب بعد از او در آخر زمانه قائل تثلیث گردیده بودند و زمانه بادشاهت خدا بهر حضور علیه السلام تا اقصار آمده و تفاصیل دیگر مطالب انجیل صحیح در کتب احادیث و

تفاسیر موجود است سورهٔ حجرات مدنیه مشتمل بر هجده ۱۸ آیات است متضمن چند احکام ضروریه همه سوره است در احکام بسم اللّٰه الرحمٰن الرحیم

بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ای آنکه ایمان آورده اند پیش دستی مکنید در پیش روی خدا و رسول او خواه در قربانی کردن چنانکه
یکبار در روز عید نحر مسلمانان قبل از نماز عید اضحی کردند و از نسک شمرده شد خواه در روزه داشتن روز شک باشد وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ و بترسید از الله هر آئینه الله شنوا داناست
شنوا داناست بهر حال يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَرْفَعُوْٓا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ ای آنکه ایمان آورده اند بلند مکنید آوازهای خود را بر آواز پیغمبر آورده اند که قوم بنی تمیم نزد حضور
علیه السلام آمده گفتند که مرح ما زینت است و ذم ما شین آورده ایم شاعر و خطیب شاعر که بیم با تو مفاخرت نمائیم پس حضرت ثابت بن قیس و حسان بن شاعر و خطیب شان غالب آمدند فقال آن
مسلمان شدند پس صدیق رضی الله عنه گفت که امیر القعقاع را عمر رضی الله عنه گفت اقرع بن حابس را آواز بلند شد آیه آمد تا امر و نواهی شرائع حضور علیه السلام هرگز جائز نیست که تصرف دیگر
باشد و حکم شد وَلَا تَجْهَرُوْا لَهٗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ و جهر مکنید برای پیغمبر مثل جهر بعض شما بر بعض آنکه ضائع شود اعمال
شما و شما نمیدانید بیت ثابت بن قیس بلجه کرده و ترک مجلس حضور علیه السلام بخوف آنکه صوت او که بلند آواز بود پس حضور علیه السلام طلبید و فرمود که آیا راضی نمی شوی آنکه عیش کنی پسندیده و قتل کرده
شوی شهید و داخل گردی در بهشت پس عرض کرد راضی شدم بشارت الله و رسول او نه بلند کنم آواز خود گاهی بر رسول خدا صلی الله علیه السلام و صدیق و فاروق بجان آهستگی سخن میکردند که
حاجت باستفسار میبود پس نازل کرد الله اِنَّ الَّذِيْنَ يَغُضُّوْنَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ لِلتَّقْوٰى ۭ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ
عَظِيْمٌ هر آئینه آنکه پست میکنند آواز خود را نزد رسول خدا آن جماعت آنانند که امتحان کرده الله دلهای شان برای تقوی برای شان مغفرت است و اجر عظیم پس ثابت در زندگانی عیش کرد و در حرب مسیلمه
حسب فرمودهٔ حضور علیه السلام شهید شد بخواب شخصی آمد گفت که فلان درع از من برداشته آن کس در لشکر است بخالد خبر کن تا بگیرد و برو پیش ابی بکر خلیفهٔ رسول خدا صلی الله علیه و سلم و بگو برایش که بر من
قرضیست و فلان غلام آزاد است پس همه یافته شد و بدستور وصیت کرده آمد مالک بن انس میفرماید من گمان وصیت میتی جائز نیست بجز او باشد که این واقعهٔ احکام این سورهٔ است که
در باب حجرات علیه السلام آواز میدهند چنانکه یکبار حضور علیه السلام عیینه بن حصن فزاری را سردار لشکر کرده بطرف بنی عنبر فرستاد آنان فرار کردند و اولاد شان گرفتار کرده بمدینه آوردند حضور
علیه السلام در قیلوله بود که پدران ایشان برای بوقت زوال آمدند و فریاد یا محمد اخرج الینا بسیار کردند پس شتابان نمودند تا حضور علیه السلام بیرون آمد و بیدار کرده ندا از خواب مبارک پس برای فیصله
و فدیه عرض کردند و جبرئیل حکم مقرر کرد پس فدیه گرفت نصف شان آزاد کرد نصف شان از ایشان حق تعالی خبر میفرماید اِنَّ الَّذِيْنَ يُنَادُوْنَكَ مِنْ وَّرَاۗءِ الْحُجُرٰتِ
اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ هر آئینه آنانکه ندا میکنند ترا از ورای حجرها اکثر شان تعقل نمیکنند وَلَوْ اَنَّهُمْ صَبَرُوْا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۭ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
و اگر هر آئینه ایشان صبر میکردند تا آنکه خارج شوی بطرف شان هر آئینه بود بهتر برای شان و الله غفور الرحیم است اگر تشنابی کردند حق تعالی چون از گذشت جمله احکام این سوره آنست که خبر دروغ رسیده بحضور
علیه السلام نگویند چنانکه ولید بن عقبه بن ابی معیط را بطرف بنی مصطلق حضور علیه السلام برای گرفتن زکوة فرستاده بود که بنظر پیشوائی و تعظیم قاصد حضور علیه السلام آن قوم برای ملاقات خارج شدند
او ترسیده از راه بازگشت و آمده عرض کرد که قوم از زکوة مانع گردیده اند پس حضور علیه السلام غصه نمود بیرون آن قوم بمکر مطلع شد بعد از آن خواهی آمدند پس صلح

علیه السلام خالد ولید را فرمود که حال این قوم تجسس کن اگر راست اند بگیر صدقات شان ورنه مناسب حال عمل نما پس خالد ولید پوشیده رفت آواز اذان مغرب و عشا شنید صدقات
شان را گرفت حق تعالی خبر میفرماید یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْۤا اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَاٍ فَتَبَیَّنُوْۤا اَنْ تُصِیْبُوْا قَوْمًۢا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نٰدِمِیْنَ ای
اهل ایمان اگر آرد شما را فاسق خبری پس تحقیق یافت کنید از آنکه برسید قومی را بجهالت پس شوید بر آنچه کردید ندامت کنندگان وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ فِیْكُمْ رَسُوْلَ اللّٰهِ ؕ لَوْ یُطِیْعُكُمْ فِیْ كَثِیْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ
لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَیْكُمُ الْاِیْمَانَ وَزَیَّنَهٗ فِیْ قُلُوْبِكُمْ وَكَرَّهَ اِلَیْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْیَانَ ؕ و بدانید که بدرستی درمیان شما رسول خدا است اگر اطاعت
کند شما را در بسیار امور هر آئینه گنهگار شوید ولیکن الله دوست داشت بطرف شما ایمان را و زینت کرد در دلهای شما و مکروه ساخت بطرف شما کفر و فسق و عصیان را اُولٰٓىٕكَ هُمُ الرّٰشِدُوْنَ
فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً ؕ وَاللّٰهُ عَلِیْمٌ حَكِیْمٌ ایشان راه یافتگان اند از فضل خدا و نعمتش والله دانا با حکمت است از انجمله یکی آنست که گر بغاوت باهم کنند چنانکه دو شخص انصار
مدارات بود و جنگ در راه واقع شد پس یکی گفت حق خود خواهم گرفت دوم گفت ... حضور علیه السلام ... انکار کرد و نزاع ... پس نازل شد وَاِنْ طَآىِٕفَتٰنِ
مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ اقْتَتَلُوْا فَاَصْلِحُوْا بَیْنَهُمَا ۚ فَاِنْۢ بَغَتْ اِحْدٰىهُمَا عَلَی الْاُخْرٰی فَقَاتِلُوا الَّتِیْ تَبْغِیْ حَتّٰی تَفِیْٓءَ اِلٰۤی اَمْرِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ فَآءَتْ فَاَصْلِحُوْا بَیْنَهُمَا
بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوْا ؕ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ ۞ و اگر دو گروه مؤمنان قتال کنند پس اصلاح کنید درمیان شان پس اگر بغاوت کند یکی بر دیگر پس قتال کنید آنکه بغاوت کند
بطرف امر خدا پس اگر رجوع کند پس اصلاح کنید میان آن هر دو و انصاف کنید بدرستی الله دوست میدارد عدالت کنندگان را و آنچه میگویند که این آیت در حق بعض صحابه عبدالله بن ابی
وارد شده ممکن نیست ... مگر حضور علیه السلام ... مسلمان بودنش بظاهر است ... اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَیْنَ اَخَوَیْكُمْ
وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۞ جز این نیست که مؤمنون برادرند پس اصلاح کنید میان برادران خود و از خدا بترسید شاید شما رحم کرده شوید و در تفاسیر حالات جنگ ...
کرم الله وجهه و صدیقه رضی الله عنها و امیر معاویه وغیره مطالعه باید کرد حقیقت حال در تفسیر سوره شوری گذشت ... چنانکه بنی تمیم بعض اهل
حاکم شدند یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسٰۤی اَنْ یَّكُوْنُوْا خَیْرًا مِّنْهُمْ ای اهل ایمان مسخری نکنند قومی بقومی قریب است آنکه باشند بهتر از ایشان ...
آیه متعلق ثابت بن قیس است ... گذشت ...
ام المؤمنین صفیه رضی الله عنها را یهودیه میگفتند حکم شد وَلَا نِسَآءٌ مِّنْ نِّسَآءٍ عَسٰۤی اَنْ یَّكُنَّ خَیْرًا مِّنْهُنَّ ۚ و نه زنان از زنان قریب است که باشند بهتر از ایشان ...
وَلَا تَلْمِزُوْۤا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِالْاَلْقَابِ ؕ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِیْمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ یَتُبْ فَاُولٰٓىٕكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۞ و عیب مکنید ...
بد است که فسق بعد ایمان و هر که توبه نکند پس آنها ظالمان اند ...
چنانکه سلمان ... طعامی ... [illegible]
... اسامه ... [illegible]
گوشت ... رسول الله ... یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوْا كَثِیْرًا مِّنَ الظَّنِّ ۫ اِنَّ بَعْضَ
الظَّنِّ اِثْمٌ وَّلَا تَجَسَّسُوْا وَلَا یَغْتَبْ بَّعْضُكُمْ بَعْضًا ؕ اَیُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ یَّاْكُلَ لَحْمَ اَخِیْهِ مَیْتًا فَكَرِهْتُمُوْهُ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِیْمٌ
ای اهل ایمان بپرهیزید بسیاری از ظن بدرستی بعض ظن گناه است ... [illegible]
... حقیقت غیبت ... [illegible]
فلان ... ثابت بن قیس ... [illegible]
جا فراخ کرد ... متصل حضور علیه السلام ... [illegible]
... یٰۤاَیُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّاُنْثٰی ...
[illegible]
وَجَعَلْنٰكُمْ شُعُوْبًا وَّقَبَآىِٕلَ لِتَعَارَفُوْا ...

اِنَّ اللّٰهَ عَلِیْمٌ خَبِیْرٌ ۔ بدرستی بزرگتر شما نزد خدا متقی ترین شما است بدرستی الله داناست خبردار است از حال حکایت کرد نازل احوال اعراب بنی اسد در وقت گرانی غله آمده اظهار
ایمان بنفاق کردند و طلبیدند احسان گفتند که عرب آمدند بجنگ ما خود با اولاد آمدیم با اهل و اثقال و عیال و جنگ نکردیم با تو چنانکه قوم جهینه و مزینه و اسلم و اشجع و غفار بخوف جانها و مالها گفتند که ایمان
آوردیم پس چون صدقه طلبیدند نیامدند از آن اطلاع میفرماید قَالَتِ الْاَعْرَابُ اٰمَنَّا ۭ گفتند بعض اعراب ایمان آوردیم و مدار ایمان بر تصدیق قلبی است قُلْ لَّمْ تُؤْمِنُوْا وَلٰکِنْ قُوْلُوْٓا
اَسْلَمْنَا ۔ بگو ایمان نیاورده اید ولیکن بگوئید داخل شدیم در صلح زیرا دخول در صلح دو گونه است یکی با تصدیق قلبی و ادای ارکان دوم بغیر تصدیق قلبی با ارکان و اینجا قسم ثانی بود چنانکه میفرماید وَلَمَّا
یَدْخُلِ الْاِیْمَانُ فِیْ قُلُوْبِکُمْ ۭ و هرگز داخل نشده ایمان در دل شما وَاِنْ تُطِیْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَا یَلِتْکُمْ مِّنْ اَعْمَالِکُمْ شَیْئًا ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۔ و اگر اطاعت کنید الله
و رسول او را کم نکند از اعمال شما چیزی بدرستی الله غفور رحیم است پس حقیقت ایمان بیان میفرماید اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ لَمْ یَرْتَابُوْا وَجٰهَدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ
فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ ۭ اُولٰٓئِکَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ۔ جز این نیست مؤمنون آنانند که ایمان آوردند بالله و رسول او پس شک نکردند و جهاد کردند با مالهای خود و جانهای خود در راه خدا آنانند راستان
قُلْ اَتُعَلِّمُوْنَ اللّٰهَ بِدِیْنِکُمْ ۭ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ ۭ وَاللّٰهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ۔ بگو آیا خبردار میکنید الله را بدین خود و الله میداند آنچه در آسمانها است
و در زمین و الله بهر چیز داناست یَمُنُّوْنَ عَلَیْکَ اَنْ اَسْلَمُوْا ۭ قُلْ لَّا تَمُنُّوْا عَلَیَّ اِسْلَامَکُمْ ۚ بَلِ اللّٰهُ یَمُنُّ عَلَیْکُمْ اَنْ هَدٰىکُمْ لِلْاِیْمَانِ اِنْ کُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ۔ احسان میکنند
بر تو از آنکه تابع شده اند بگو احسان مکنید بر من باسلام خود بلکه الله احسان کرد بر شما که هدایت کرد شما را برای ایمان اگر راستانید اِنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ غَیْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَاللّٰهُ
بَصِیْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ۔ بدرستی الله میداند غیب آسمانها و زمین و الله بیناست بآنچه عمل کنید

سورۂ ق مکیه است مشتمل بر چهل و پنج آیة

ق کوهیست ما بین ملک و سلطان و علم که مفصل در تفسیر این اسم مکاشفات در کتاب ثم گذشت لیکن اینجا مقصود نیست و آنچه گروه قاف را گویند که سبز است آسمان از نسبت او بهار است
و تزئین حدیث است و مراد از ق قیامت است در اینجا که از اول درین سوره تا آخر بیان قیامت است و هم کثرت تامه لازمست میتواند که درین هم است اند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مهربان بخشاینده
قٓ ۚ وَالْقُرْاٰنِ الْمَجِیْدِ ۔ قیامت برحق است قسم میخورم بقرآن بزرگ جواب قسم خود لفظ ق است بطریق اشارت که ساعت را علامات است که کفار تنبیه نشده انکار کردند
بَلْ عَجِبُوْٓا اَنْ جَآءَهُمْ مُّنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْکٰفِرُوْنَ هٰذَا شَیْءٌ عَجِیْبٌ ۔ بلکه تعجب کردند چون آمد ترساننده از ایشان بحال قیامت پس گفتند کافران که این چیزیست
عجیب ءَاِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا ۚ ذٰلِکَ رَجْعٌۢ بَعِیْدٌ ۔ آیا چون مردیم و گشتیم خاک این رجوع دور از عقل است که چون نیست شدیم باز اعاده میشود چگونه جوابش میفرماید قَدْ عَلِمْنَا مَا
تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ ۚ وَعِنْدَنَا کِتٰبٌ حَفِیْظٌ ۔ والسلام آنچه کم کند زمین از ایشان و آنچه باقی ماند از اجزای اصلی شان پس اعاده معدوم نیست پس تغیر حاصل وَعِنْدَنَا کِتٰبٌ حَفِیْظٌ ۔ و نزد ما کتاب است نگاه دارنده
یعنی عالم مثال که درین صورت نیز اعاده معدوم نیست و تعجب شان چیزی نیست غور کنند در حق قرآن که موعود است با ایشان در کتب مقدسه انبیا سابق بدان ایمان نمی آرند بَلْ کَذَّبُوْا بِالْحَقِّ
لَمَّا جَآءَهُمْ بلکه تکذیب کردند قرآن چون آمد ایشان را پس گفتند که شعر است و بوقت دیگر افترا و وقتی اعلام و وقتی فَهُمْ فِیْٓ اَمْرٍ مَّرِیْجٍ ۔ پس آنان در امری اند مختلط که گویند که آمد شدن تغیر
و پیدایش بالطبع است نمی توانند کمر از تصرف معبودان عقیده است که تصرف جمله ظاهر است و قیامت خواهد آمد و در آن انصاف شود جوابش میفرماید اَفَلَمْ یَنْظُرُوْٓا اِلَی السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ
کَیْفَ بَنَیْنٰهَا وَزَیَّنّٰهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوْجٍ ۔ آیا پس نمی بینند بطرف آسمان بالای خود که چگونه ساخت خدا آنرا و مزین کرد آنها را و نیست برای آسمان هیچ از کثرت ستاره ها
و درینها آسمان بطرز ستاره ها ممکن است پس اینها از تصرف معبودان عقیده دارند وَالْاَرْضَ مَدَدْنٰهَا وَاَلْقَیْنَا فِیْهَا رَوَاسِیَ وَاَنْۢبَتْنَا فِیْهَا مِنْ کُلِّ زَوْجٍۭ بَهِیْجٍ
و زمین را فراخ کردیم و افگندیم در آن کوهها و رویانیدیم در آن از هر قسم نبات بهجت تَبْصِرَةً وَّذِکْرٰی لِکُلِّ عَبْدٍ مُّنِیْبٍ ۔ گردانیدیم این اشیا را بینائی و یاد داشت برای هر بنده رجوع آرنده خود
نفهمیدند که اینها آسمانها گر ساخت هیچ از امور جز بنسبت معبودان نکنند جواب بخشیدن سخن اینکه و هر چه آید گر ایشان را تعجب بعید که چون خاک شویم مرتفع استبعاد شان میفرماید وَنَزَّلْنَا
مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبٰرَکًا فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ جَنّٰتٍ وَّحَبَّ الْحَصِیْدِ ۔ وَالنَّخْلَ بٰسِقٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِیْدٌ ۔ رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ ۙ وَاَحْیَیْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّیْتًا ۭ و نازل کردیم از ابر
آبی برکت دهنده پس رویانیدیم بدان بوستانها و دانه درو کرده شده و خرما دراز برای او خوشه ایست تر برای روزی بندگان و زنده کردیم بدان شهر مرده کَذٰلِکَ الْخُرُوْجُ ۔ چنین است خروج شما
که چون اجزای اصلیه شما در زمین باشند خواهش پیدا خواهد گشت و زنده گردید آنچنانکه شما انکار کردید قبل شما اقوام دیگر بودند که توحید و قیامت منکر بودند این دلیل عمده آن
کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّاَصْحٰبُ الرَّسِّ وَثَمُوْدُ ۔ وَعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ وَاِخْوَانُ لُوْطٍ ۔ وَّاَصْحٰبُ الْاَیْکَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۭ کُلٌّ کَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِیْدِ
تکذیب کرد پیش ازین قوم نوح و اصحاب رس یعنی اصحاب چاه که بت پرست بودند و بر شان حنظله بن صفوان بود و ثمود و عاد و قوم لوط و اصحاب ایکه و قوم شعیب و قوم تبع که ذکرش در سوره

دشمنان گذشت بر کی تکذیب رسولان پس واجب شد وعید برایشان أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ آیا عاجز کرده‌ایم پیدایش ابتدائی و ظاهر است که آنان انکارش نمیکنند بَلْ هُمْ فِي
لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ بلکه آنان در شبهه‌اند از پیدایش نو یعنی بعث و نیز اشارت است که آنان انکارش نمیکنند بلکه انکار قیامت میکنند بلکه در شبهه‌اند از خلق جدید که عبارت
از تجدد امثال است اگر دانسته‌اند که این همه عالم بشر از چه نعمت که هر وقت روشنی از روغن استعداد ظهور میرسد هر گاه که روغن تمام شد عالم چراغ منطفی شود پس در آن عالم از عدم میرسد و بعدم
میرود انکار قیامت نکرده‌اند که مثل تجدد امثال پیدایش جدید قیامت خواهد شد پس چنانکه این جمله عالم را پیدا کرده‌ایم انسان هم را بعث ولی نیست نه بوجه تناسخ چنانکه منقول است وَلَقَدْ
خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ و هر آینه پیدا کردیم انسان را و میدانیم آنچه وسوسه میکند [illegible] وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
قریب‌تر هستیم بطرف بنده از رشته گردن پس نسبت تغیر خود با اگر تناسخ [illegible] خلاف است [illegible] از وجه تناسخ در بیان [illegible]
استعداد [illegible] تا قیامت واقع مجال [illegible] اطلاع [illegible] شیطان است که وسوسه میکند إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ
الشِّمَالِ قَعِيدٌ [illegible] مَا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ [illegible]
[illegible] حاضر یعنی شیطان [illegible] شیطان [illegible]
کاتب [illegible] قیامت [illegible]
و شیطان [illegible]
وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ [illegible] ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ [illegible]
[illegible] وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ [illegible] وَجَاءَتْ كُلُّ
نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ [illegible] شیطان [illegible] لَّقَدْ كُنتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا
فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ [illegible]
[illegible] وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ [illegible] شیطانش [illegible]
أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ [illegible]
[illegible] شیطانش [illegible]
[illegible] قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ [illegible] شیطانش [illegible] قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا
لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ [illegible] مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ [illegible]
[illegible] وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ [illegible] يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ [illegible]
[illegible] وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ [illegible]
[illegible] وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ [illegible]
[illegible] مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ
الْخُلُودِ لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ [illegible]
[illegible] وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ [illegible]
[illegible] إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ
وَهُوَ شَهِيدٌ [illegible] وَلَقَدْ خَلَقْنَا
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ [illegible]

تعب یعنی آفرینش بار دیگر چه مشکل فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ پس صبر کن بر آنچه میگویند در انکار قیامت وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ
و نماز بخوان قبل طلوع آفتاب نماز صبح و قبل غروب یعنی نماز عصر و ظهر وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ و از شب نماز بخوان یعنی مغرب و عشا وَأَدْبَارَ السُّجُودِ و ادبار سجود یعنی سنت فجر زیرا که
حضور علیه السلام نماز سنت وقت مطابق سنتی گیوی داود فرض بود پس آنچه فاروق و مرتضی و غیره رضی الله عنهم میگویند که مراد سنتهای مغرب است صحیح است وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ
الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ و بشنو روزی که ندا کند منادی یعنی اسرافیل از مکان قریب یعنی زمین مقدس از صخره که ای استخوانهای کهنه و غیره حکم کرده است الله شما را که جمع شوید بعد از آنکه باران
منی از آسمان بارد يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ تا روزی که بشنوند آواز صور دوم با تحقیق ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ این است روز خروج از قبور إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا
الْمَصِيرُ بدرستی ما زنده میکنیم و میرانیم و بطرف ماست مرجع يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ روزی که شق شود زمین از ایشان در سرعت کنند
این حشر بر ما آسان نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ما دانائیم بر آنچه میگویند در تکذیب و نیستی تو بر ایشان جبر کننده فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ
وَعِيدِ پس نصیحت ده بقرآن آنکه خوف کند از وعید من **سورة ذاریات مکیه مشتمل است بر شصت آیة** در این نزول ذکر قیامت و وعده
تحقیق توحید چنانکه در قیامت اعلا بادی این عالم است و بعد از آن این است که در آن آب منی از اجزاء اصلیه حیوانات جاری خواهد شد و وعده تقسیم ثواب و عقاب است چنانکه در این عالم
شبانش ظاهر است که اولاً باد تند میباشد و بعد ابر پیدا میشود بعده باران جاری میشود و رزق میگردد و بعد از آن بخت حصه تقسیم میشود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خدای بسیار بخشاینده
مهربان وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ قسم است بادهای پراگنده
کننده پراگنده کردنی پس ابر بردارنده بار پس قسم است آبهای جاری به آسانی از ابر پس قسم است بفرشتگان تقسیم کنندگان امر رزق هر آئینه آنچه وعده کرده شده اید هر آئینه صادق است و بدرستی
قیامت هر آئینه واقع شدنی و کفار مکه در امر حشر مختلف الرائی بودند بعضی انکار بالکلیه میکردند و بعضی قائل میگردید بطور تناسخ و بعضی مثل حکمای یونان قائل بامر عقلی بود و بعضی احسن میگفت و بعضی
قائل حشر بود و دلائلی هم مذکور چنانکه کیفیت مثل طرق آسمان بعد از آن نظر میفرماید وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ قسم است
آسمان صاحب راه های مختلف بدرستی هر آئینه در قول هستید مختلف در مقدمه قیامت بازگردانیده میشود از قیامت آنکه از در رانده شده از ازل قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ
سَاهُونَ قتل کرده شوند قیاس کنندگان که در بیخبری فراموش کنندگانند این لعنت است قوی بر دعا قیامت که تواتر با دین منکران ظهور آید پس بعد از این نفی يَسْأَلُونَ
أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ سوال میکنند که کی خواهد شد روز قیامت جوابش میفرماید يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ منکران در عذاب آتش آزموده شوند و لیاقت در زمین پیدا شود که
سوخته شوند یا میرند و گفته شود ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ بچشید عذاب خود این است آنچه جلدی میکردید إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ بدرستی تقوی کنندگان در بوستانها و چشمها باشند گیرندگان آنچه داده است ایشان را پروردگار ایشان بدرستی ایشان
قبل از این نیکوکار بودند بعده نیکوکاری شب بیداری است که در ثلث شب باقی خداوند تجلیات صوری آسمان دنیا تشریف می آورد نظر بر آن میفرماید كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ
بعد کمتری از شب خواب میکردند و لفظ ما صفت قلیل است … وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ و بوقت صبح استغفار میکردند بالخصوص
این سنت فجر و فرض مع رحمت است هر که صد بار بین سنت و فرض فجر خواند سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم بحمده استغفر الله … فراخ گردد … نظر بر آن
میفرماید وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ و در اموال ایشان حصه است برای سائل تنگدست که طلب کند … بهجت مصنف بیان … میفرماید وَفِي
الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ و در زمین نشانها قیامت است برای اهل ایقان … وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ و در جانهای شما نشانهاست
آیا نمی بینید که خداوند متصرف است چنانکه از نسل ابراهیم … وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ
و در آسمان سبب رزق شماست و آنچه وعده کرده شده اید … فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ پس قسم به پروردگار زمین
و آسمان بدرستی روز قیامت هر آئینه حق است مثل آنچه شما سخن میگوئید … هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ
ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ آیا آمد ترا سخن مهمانان ابراهیم … إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ چون بر او
داخل شدند پس گفتند سلام گفت ابراهیم سلام … فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ پس متوجه شد

بطرف اهل خود پس آورد گوسالهٔ بریان پس قریب کرد آن را بطرف شان پس نخوردند گفت چرا نمی خورید فاوجس منهم خیفة پس در دل خود خوفی کرد [illegible]
عادت [illegible] مهمانان است نمی خورند گفت چرا نمی خورید قالوا لا تخف گفتند خوف مکن ما فرشتگانیم [illegible] تعبیر کرده است وبشروه بغلام علیم و
بشارت دادند ابراهیم را بغلام دانا یعنی اسحق [illegible] اسماعیل [illegible] فاقبلت امرأته فی صرة فصکت
وجهها وقالت عجوز عقیم [illegible] قالوا کذلک قال ربک
انه هو الحکیم العلیم [illegible] پروردگار تست [illegible]
خواهد شد [illegible] قال فما خطبکم ایها المرسلون [illegible]
قالوا انا ارسلنا الی قوم مجرمین لنرسل علیهم حجارة من طین مسومة عند ربک للمسرفین [illegible]
[illegible] پروردگار تو [illegible] آسمان [illegible] فاخرجنا من کان فیها من المؤمنین [illegible]
[illegible] فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین [illegible] وترکنا فیها آیة للذین یخافون
العذاب الالیم [illegible] قدرت [illegible] وفی موسی اذ
ارسلناه الی فرعون بسلطان مبین [illegible] معجزات [illegible] فتولی برکنه
ولشکریان خود وقال ساحر او مجنون [illegible] فاخذناه وجنوده فنبذناهم فی الیم وهو ملیم
پس [illegible] وفی عاد اذ ارسلنا علیهم الریح العقیم
[illegible] ما تذر من شیء اتت علیه الا جعلته کالرمیم
[illegible] وفی ثمود اذ قیل لهم تمتعوا حتی حین [illegible]
[illegible] فعتوا عن امر ربهم فاخذتهم الصاعقة وهم ینظرون [illegible]
فما استطاعوا من قیام وما کانوا منتصرین [illegible] وقوم نوح من قبل [illegible]
[illegible]
والسماء بنیناها باید [illegible] وانا لموسعون [illegible] والارض فرشناها فنعم الماهدون
[illegible] ومن کل شیء خلقنا زوجین [illegible]
[illegible]
[illegible]
کذلک ما اتی [illegible] الا قالوا ساحر او مجنون [illegible] اتواصوا به [illegible]
[illegible]
[illegible] وذکر فان الذکری تنفع المؤمنین [illegible] وما خلقت الجن والانس
الا لیعبدون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

صحیح است که هر لحظه رو به بنده میکنند از ان رجوع بجانب حق اند میکنند لیکن بالجمله تمام شان گفته میشود که در عبادت توحید دانسته اند تا در باب تفرقه پس طلب از ایشان علم توحید است که از ایشان
نیست مطلب اهل ارشاد آن که خیال شان باشد که در سیاق هم سخیان شان پس خداوند در صورت اسلام بصورت پیغمبر علیه السلام طلب رزق و طعام از مسلمانان خواهد که میفرماید ما ارید منهم من
رزق وما ارید ان یطعمون ه یعنی نمی خواهم از ایشان که رزق برای عیال خود و خلق عیال منست الله یکیم الطعام و نیز ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین ه
بدستی الله رزاق صاحب قوة کامل است و شدید و محکم است فان للذین ظلموا ذنوبا مثل ذنوب اصحابهم فلا یستعجلون ه پس بدرستی که آن اهل ظلم کردند مثل
گناهان اصحاب ایشان است پس شتاب مکنند بر عذاب خواهند شد و هلاک شدن مثل کفار دیگر خواهند گشت فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون پس افسوس است
بر آن کافران اهل که از روز شان که وعده کرده شده است روز قیامت

سورة طور مکیه است مشتمل بر چهل و نه آیة بسم الله الرحمن الرحیم

نام کوهیست بسیار بزرگ نزد مدین والطور ه وکتب مسطور ه یعنی قسم است بکوه و کتاب نوشته شده در صحیفه فراخ یعنی قرآن مجید از حضرت فاروق رضی الله عنه ثابت
از تحریر حال مستورد والبیت المعمور ه قسم است بیت معمور که مکانیست در آسمان هفتم محاذی کعبه که اشرف است هر روز هفتاد هزار ملائکه طواف میکنند و نماز میخوانند که از عود نمیکنند
و مراد از محاذات که بنده بطور محاذات حسیه است از حرکت فلک محاذات نماند بلکه بنظر اجتماع لازمست عند آسمان و میان زمین والسقف المرفوع ه والبحر المسجور ه قسم است بسقف است
یعنی آسمان و بحر محیط که عبارت است از دریائیست بالای هفت آسمان که بعد نفخه اولی قیامت چهل شبانه روز از آن آب خواهد بارید تا از قبور زنده خواهند شد چنانکه از مرتضی کرم الله وجهه مرویست و جواب
قسم است ان عذاب ربک لواقع ه ما له من دافع ه بدرستی عذاب پروردگار تو آمدنیست و آن را دفع کننده نیست چنانکه جبیر بن مطعم در معرض گفتگوی مقید بدر به مدینه
منوره آمده بود که در نماز مغرب حضور علیه السلام باواز بلند این آیة میخواند پس بخوف عذاب دلش چنان گشت که گویا پاره پاره میشود پس ایمان آورد یوم تمور السماء مورا ه وتسیر الجبال
سیرا ه روزیکه بحرکت شود آسمان باضطراب و روان شوند کوها رفتنی فویل یومئذ للمکذبین ه الذین هم فی خوض یلعبون ه پس افسوس است در آن روز برای تکذیب کنندگان
و در فکر قیامت لعب میکنند یوم یدعون الی نار جهنم دعا ه روزیکه دفع کرده شوند بطرف آتش جهنم دفع کردنی و گفته شود هذه النار التی کنتم بها تکذبون ه این است آتشیکه بدان
تکذیب میکردید افسحر هذا ام انتم لا تبصرون ه آیا سحر است یا شما معلوم نمیکنید اصلوها فاصبروا او لا تصبروا سواء علیکم انما تجزون ما کنتم تعملون ه
داخل شوید آنرا پس صبر کنید یا صبر نکنید برابر است بر شما جزا داده نمیشوید مگر آنچه عمل میکردید ان المتقین فی جنت ونعیم ه فکهین بما اتهم ربهم ووقهم ربهم عذاب
الجحیم ه بدرستی متقیان باشند در بوستانها و نعمت خوش دلند بآنچه داد ایشان را پروردگار شان و نگاه داشت ایشان را پروردگار شان از عذاب دوزخ و گفته شود کلوا واشربوا هنیئا بما
کنتم تعملون ه بخورید و بنوشید ایمن بسبب آنچه عمل میکردید متکئین علی سرر مصفوفة وزوجنهم بحور عین ه تکیه زنندگان بر تختهای نهاده با هم و نکاح کنیم ایشان را
بحور عین والذین امنوا واتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم وما التنهم من عملهم من شیء ه آنانکه ایمان آوردند و پیروی کردند ایشان را اولاد ایشان
لاحق کنیم اولاد ایشان را با ایشان و کم نکنیم از عمل شان چیزی چنانکه ابن عباس از حضور علیه السلام روایت کرده که فرزندان مؤمن را در یک درجه گرچه باشند کمتر از درجه
آنها ترقی دهند تا چشم ایشان روشن شود و در حدیث آمده که از خدیجه الکبری رضی الله عنها فرمود که مؤمن و اولاد شان در جنت باشند و مشرکین و اولاد شان
در دوزخ یعنی آن اولاد که فرزند بالغ شده در دوزخ و بهشت باشند و این آیة کمال تقویت دل اهل اسلام است کل امری بما کسب رهین ه هر شخصی بآنچه کسب کرده گرو است
از اسلام خواهد شد چنانکه کفار نسبت آن روز نخواهد بود کل امری بما کسب رهین ه هر مرد بآنچه کسب کرد گرو است مؤمن در اعمال بد و کافر باحوال کفر
بسبب ایمان خود در جنت باشد چنانکه در جای دیگر میفرماید کل نفس بما کسبت رهینة الا اصحاب الیمین ه جنت هر نفس بآنچه کسب کرده گرو است مگر مؤمن و کافر گرو اصحاب یمین
در بوستانها باشد چنانکه کافران در دوزخ وامددنهم بفاکهة ولحم مما یشتهون ه و مدد کنیم ایشان را بمیوه و گوشت از آنچه خواهند یتنازعون فیها کاسا لا
لغو فیها ولا تاثیم ه ویطوف علیهم غلمان لهم کانهم لؤلؤ مکنون ه
برای ایشان باشند گویا آن مروارید پنهان داشته شده ...
بر خادم مطابق حدیث باشد مثل فضل قمر لیلة البدر ...
خواهند بود و مانند ایشان واقبل بعضهم علی بعض یتساءلون ...

گویند بدرستی ما بودیم در اهل خود مهربانی کنندگان ترسندگان فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَوَقٰنَا عَذَابَ السَّمُوْمِ پس احسان کرد الله بر ما و نگاه داشت ما را از عذاب سموم که آتش جهنم است
اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوْهُ اِنَّهٗ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيْمُ بدرستی ما بودیم از قبل میخواندیم آن خدا را و عبادت میکردیم بدرستی آن نکوکار رحیم است فَذَكِّرْ فَمَآ اَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَّلَا مَجْنُوْنٍ
پس نصیحت کن پس نیستی به نعمت پروردگارت یعنی بقرآن کاهن و نه مجنون چنانکه کفار میگویند که کاهن یا مجنون است اَمْ يَقُوْلُوْنَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهٖ رَيْبَ الْمَنُوْنِ آیا میگویند
شاعر است امید داریم باو تغیر دهر را که ایشان قائل خدا نبودند میگفتند که پدر مصطفی جوان مرد او نیز جوان میرد و مجلسش پراگنده گردد پس نسبت قرآن ایشان چهار قول بود یکی آنکه ما [illegible]
[illegible] گفتند دوم آنکه از جنون در مرسید است چنانکه بعض مصروعان بهوش میگویند جواب اش [illegible] است که حضور عاقل [illegible]
پس جنون هم سوای جنون مصروع قائل نمیشد سوم قول بعض بود که پیغمبر شاعر است و آن قائل هم بودند غافل از آنکه [illegible] اصلی [illegible]
[illegible] منتظر تغیر نسبت حضور علیه السلام بودند میگفتند که اگر خدا بود [illegible] قُلْ تَرَبَّصُوْا فَاِنِّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُتَرَبِّصِيْنَ [illegible] پس [illegible]
[illegible] اعتبارات [illegible] اَمْ تَاْمُرُهُمْ اَحْلَامُهُمْ
بِهٰذَآ اَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُوْنَ [illegible] اَمْ يَقُوْلُوْنَ تَقَوَّلَهٗ [illegible]
نیست [illegible] جواب [illegible] شعر بودن قرآن [illegible]
[illegible] فَلْيَاْتُوْا بِحَدِيْثٍ مِّثْلِهٖٓ اِنْ كَانُوْا صٰدِقِيْنَ [illegible]
مثل قرآن [illegible] اَمْ خُلِقُوْا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ [illegible]
آن خدا است [illegible] اَمْ هُمُ الْخٰلِقُوْنَ [illegible]
است [illegible] اَمْ خَلَقُوا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ [illegible] بَلْ لَّا يُوْقِنُوْنَ [illegible]
[illegible] اَمْ عِنْدَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ اَمْ هُمُ الْمُصَۜيْطِرُوْنَ [illegible] پروردگارت [illegible]
[illegible] اَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَّسْتَمِعُوْنَ فِيْهِ فَلْيَاْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ [illegible]
[illegible]
اَمْ لَهُ الْبَنٰتُ وَلَكُمُ الْبَنُوْنَ [illegible]
[illegible] اَمْ تَسْــَٔلُهُمْ اَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُوْنَ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نماز تهجد و وتر و ادبار النجوم و پس غروب نجوم یعنی سنت فجر که حضور علیه السلام نماز تهجد و سنت فجر فرض بود

سورة النجم مكيه است مشتمل بر شصت و دو آية

بسم الله الرحمن الرحيم بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان والنجم قسم است بنجم صاحب قرآن که آیاتش حسب مصالح متفرق شده پاره پاره نازل میشود اذا
هوى چون فرود آید در شب معراج از آسمانها فرود آمد چنانکه در سوره اسری مشروح است ما ضل صاحبكم وما غوى نه گمراه شد صاحب شما و نه کج رفت وما ينطق عن الهوى ان هو الا وحي يوحى نمیگوید از هوای باطل
انچه در شب معراج میگوید از کلام الهی است که وحی کرده شد علمه شديد القوى ذو مرة تعلیم کرد او را قوی قوتها صاحب منظر نیک در شب معراج چون ... محمد صلی
الله علیه وسلم حضور علیه السلام ... آن ... پس حق تعالی تجلی شد بصورت امرد ... دست خود بر سینه مصطفی علیه السلام نهاد پس داده شد علم الاولین
والآخرین ... فاستوى پس راست ایستاد وهو بالافق الاعلى و خداوند با فوق اعلی بود ثم دنا پس قریب شد محمد علیه السلام
فتدلى پس تنزل شد ... فكان قاب قوسين پس شد محمد ... در کمان که ... دو شخص ... کمانها خود را
درمیان ... او ادنى بلکه قریب تر ازین ... فاوحى الى عبده ما اوحى پس نازل کرد بطرف بنده خود انچه نازل کرد
... پس ... روایت ... بصورت امرد ... روایت ممکن بود ...
... مصطفی ... در ... نظر ... حق تعالی ...
امکانی ... لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار ... حدیث ... مطلق ... انکار ... صفت است
... حضور علیه السلام ... ممکن نیست ... پس ... تجلی ...
علیه السلام ... تعلیم حق ... پیغمبر علیه السلام ... بود و این جمله صحیحست
... مستثنی ... صحیح است ... حدیث رأیت ربی فی احسن صورة ...
... ما كذب الفؤاد ما رأى نه دروغ گفت دل محمد انچه دید چشمش افتمارونه على
ما يرى ... ولقد رآه نزلة اخرى عند سدرة المنتهى ...
المنتهى ... بخاری و مسلم روایت کرده ... عندها جنة المأوى ... جبرئیل ...
اذ يغشى السدرة ما يغشى چون ... ما زاغ البصر وما طغى ...
... لقد رأى من آيات ربه الكبرى ... جبرئیل ...
... ایستاده ... جلالی ... مر شد ...
... حضور علیه السلام ... صحابه ... تابعین ...
افرأيتم اللات والعزى ومناة الثالثة الاخرى ... آیا پس دیدید ...
... تانیث ... الانثى ... تلك اذا قسمة ضيزى ...
... حضور علیه السلام ... شیطان ... حضور علیه السلام ...
سجده کرد ... حضور علیه السلام بسجده رفت ... جبرئیل ...
حضور علیه السلام ... در سوره حج بیان کردیم ...
... حضور علیه السلام ... حضور علیه السلام ...
... حضور علیه السلام ...
... ان هي الا اسماء سميتموها انتم وآباؤكم ...

یا شما است یعنی لات و عزی و منات ... إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى
الْأَنْفُسُ ... نیستند مگر نامها که نام نهادید شما و پدران شما نازل نکرده الله بدان هیچ حجتی پیروی نمیکنند مگر ظن را و آنچه خواهش میکند نفسهای ایشان وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى
و هر آینه آمد ایشان را از پروردگار ایشان هدایت یعنی پیغمبر و قرآن که از غلطی ایشان را منع کند أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى آیا مر انسان راست آنچه آرزو دارد که اهل کفر شفاعت ملائکه آرزو دارند
فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى پس مر خدا راست آخرت و اولی وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى
بسیاری از فرشتها در آسمانها ... شفاعت ایشان چیزی مگر بعد از آنکه اذن دهد الله ... راضی شود ... شفاعت ایشان منظور خواهد شد إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثَى ... بدرستی آنانکه ایمان نمی آرند به آخرت ... ملائکه را تسمیه اناث وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ... نیست مر ایشان را ... پیروی نمیکنند مگر ظن را ... ظن کفایت نمیکند از حق هیچ چیز فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ پس اعراض کن از آنکه روگردان شد از ذکر ما و اراده نکرد مگر زندگانی دنیا این است مبلغ ایشان از علم إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ
عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى بدرستی پروردگار تو داناتر است بآنکه گمراه شد از راه خود و او داناتر است بآنکه هدایت یافت وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى و مر خدا راست آنچه در آسمانها است و در زمین تا جزا دهد آنانرا که بدی کردند بآنچه عمل کردند و جزا دهد آنانرا که
نیکی کردند ... ولید بن مغیره بیعت کرد با حضور علیه السلام ... دین اسلام ... بعضی مشرکان که دین بزرگان گذاشتی گفت از خوف خدا ... عیب کرده بود گفت
مرا ... عذاب ... برگشت ولید بطرف بت پرستی ... مال ... الَّذِينَ
يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ... اجتناب میکنند از کبائر گناه و فواحش مگر گناهان صغیره بدرستی پروردگار تو وسیع مغفرت است
هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى او داناتر است ... پیدا کرد از زمین و چون
شما جنین بودید در شکمهای مادران خود پس پاک مکنید جانهای خود را او داناتر است بآنکه تقوی کند ... ولید ... قصد کرد ... شریک ... خود را ...
أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ... آیا دیدی آنکه روگردان شد و داد اندکی و بازداشت أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى ... آیا نزد او علم غیب است پس او می بیند
... أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى آیا خبر داده نشد بآنچه در صحف موسی و ابراهیم که وفا کرد ... صحف
است أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى که بر نمیدارد هیچ نفس بارکش بار دیگری ... وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى
نیست مر انسان را مگر آنچه سعی کرد وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى بدرستی سعی او ... دیده شود ... جزا داده شود جزای تمام ...
... وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى و بدرستی بطرف پروردگار تست مرجع کار ...
... وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ... وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ...
... وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ... از نطفه چون ریخته شود در رحم ... وَأَنَّ عَلَيْهِ
النَّشْأَةَ الْأُخْرَى و بدرستی بر اوست پیدایش دیگر ... وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى و بدرستی او غنی ساخت ... وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى
... پروردگار شعری است و آن ستاره ایست ... شعری ...
... نجوم قطع میکند آسمان را بعرض ... حضور علیه السلام ... عرب ...
... شعری پرستی ... وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى ...
... وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى ... وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ
... إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى ... وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى ...
... فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى ...

ترسانندهٔ است از ترسانندگان اولی اَزِفَتِ الآزِفَةُ نزدیک آمد نزدیک شونده یعنی قیامت نیست آن را لَیسَ لَهَا مِن دُونِ اللّٰهِ کاشِفَةٌ ظاهر کننده غیر خدای یعنی قیامت نیست مر آن را کاشفی أَفَمِن هٰذَا الحَدِیثِ
تَعجَبُونَ وَتَضحَکُونَ وَلَا تَبکُونَ وَأَنتُم سَامِدُونَ آیا پس ازین حدیث تعجب میکنید و خنده میزنید و گریه نمیکنید و شما در لهو غافلید فَاسجُدُوا لِلّٰهِ وَاعبُدُوا پس سجده کنید برای
خدا و بندگی کنید این اول سوره است که سجده در آن تحت با حضور علیه السلام سوا امر دیگر از کافران که سجده نکرده است که سجده نکرده از بدین ثابت اگر چه از خادم حضور علیه السلام النجم پس سجده کرد حضور
علیه السلام در آن فرمود حضرت عمر رضی الله عنه بهشتی است در آن سجده است اگر خواهیم و لیکن امام شافعی است که حضرت اندر تعالی سورهٔ قمر مکیه است مشتمل بر پنجاه و پنج
آیه و در وی سجده نیست شق القمر است و فضل سوم حقوق علیه السلام شارت معجزه شق القمر و ذکر تسلیت حضور علیه السلام چنانکه از سبب انذار حضرت قضی کیم اندر حیه بارشد یا علی ای سرور
انسان قبلی افسر مرسلین است شمس و قمر و از برکت تو دو پاره گردیده و زبر دیگر دو باره گردیده و بسیار معجزات چنانکه در سورهای سابقه گذشت و در کتب سابقه اشارت به زوال قمر حضور علیه
السلام بیان بود که شق القمر که دلیل است اشقاق آسمانها باشد پس علیه بیند این شاره حضور علیه السلام وقت است اید و قمر دو شق شد که لا الٰه الا الله پس بعض زین بیش جداه دو جزو ملتئم شد پس کفار گفتند
سحر کرده ابن ابی کبشه یعنی حضور علیه السلام و دریافت کردند مسافران پس بر کرامی جمع دند و سند شق او آگنوه در صحاح مسلم و بخاری و غیره در قرآن صحیح متواتر منصوص است که قابل تاویل نیست اعتبار
قیل و قال نیست و هیچ نیست که در تواریخ ذکر نیست که از کتب هنود قصهٔ اسلام راجه هند در وقت انشقاق قمر بعد چند سال اسلام آورده راجه ملیبار نوشته است که بعد چند سال هجرت چون سلامیان بصورت
سوداگران در ملیبار آمدند و باخوانند راجه سامره پرسید که این چه میسازید آنان گفتند که ما پیروانیم در ختم المرسلین علیه السلام ایمان آورده ایم راجه پرسید که او چه بیان ختم المرسلین علیه السلام
آورده گفتند معجزات گفت کی از معجزات بیان کنید گفتند یکی شق القمر است گفت که اگر این واقعه شده است دفتر بالضرور ثبت خواهد پس چون دفتر کشید او برادر آن نوشته بود پس ایمان آورده بسیم
اخلاطی نسبت بطلوع اجرامیکه چنانکه عادت هنود است بالفرض منسوب بحضرت صلی الله علیه وسلم باشد مگر بعید که هند سیف نعم شد چهارم آنکه زاید تراین قدرت حضور علیه السلام است
که از صفات کمالی او تعالی علیه السلام دریافت از کتب هنود شده است آنکه روز شمس پوشیده که ما کنیم پس ماپس آنچه که نوشت اگر بالفرض کسی از قوم شرقی شق مذکور نبوده هیچ حرجی نیست و در جانب
غربی بوقت تمام روز بوده نبوت حضور علیه السلام کالشمس فی نصف النهار از کتب هنود و نصاری ثابت و کسی انکار علی در کتب خود نوشت و حالات معجزات هیچ از کتب تحریف یافت و اکثر تو
آنان نصاری اند چون تشریف آوری حضور علیه السلام در زمانه هفتم شده است و بعد از هفتم یاجوج ماجوج کار قیامت اند و مشهور آمده پس آنچه جهلا احتمال عدم انشقاق آسمانها است از انشقاق
قمر نمی شد بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم بنام خدا بسیار بخشاینده مهربان اِقتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ القَمَرُ نزدیک شد قیامت و شق شد ماهتاب که کافران گفتند چنانکه
در صحاح است که این انشقاق سحر است مانند سحر سفر ما دیدن وَإِن یَرَوا آیَةً یُعرِضُوا وَیَقُولُوا سِحرٌ مُستَمِرٌّ و اگر ببینند آیه عظیم اعراض کنند و گویند این سحر است تجربی بر نه که دور نظر ما مساویه بود
وَکَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهوَاءَهُم وَکُلُّ أَمرٍ مُستَقِرٌّ و تکذیب کردند و پیروی کردند خواهشهای خود را و هر امر را انتها است پس منتظر مسافران بودند آن آمدگاهی و دندان خلاف مخرجها
وَلَقَد جَاءَهُم مِنَ الأَنبَاءِ مَا فِیهِ مُزدَجَرٌ و هر آینه آمد نزد ایشان از خبرها که در آن است زجر تنبیهی اعتبار انکار یعنی خبرهای مسافران متعدد شق القمر پس گنجایش تاویل هرگز درین نیست حِکمَةٌ بَالِغَةٌ
آیت شق القمر حکمت کامله است فَمَا تُغنِ النُّذُرُ پس نفع نکنند ترسانندگان با وجود این یقین تا که یقین هرگز گنجایش دلیل نیست فَتَوَلَّ عَنهُم پس اعراض کن از ایشان و بخوان وقف
لازم است یَومَ یَدعُ الدَّاعِ إِلَی شَیءٍ نُکُرٍ خُشَّعًا أَبصَارُهُم یَخرُجُونَ مِنَ الأَجدَاثِ کَأَنَّهُم جَرَادٌ مُنتَشِرٌ مُهطِعِینَ إِلَی الدَّاعِ روزی که خواند طلبنده یعنی اسرافیل طرف چیزی بد عاقبة خشوع کنند
دیده ایشان بیرون شوند از قبرها گویا ملخ پریشان شتابنده شتاب کنندگان بطرف خواننده یَقُولُ الکَافِرُونَ هٰذَا یَومٌ عَسِرٌ گویند کافران این روز سخت است کَذَّبَت قَبلَهُم
قَومُ نُوحٍ فَکَذَّبُوا عَبدَنَا وَقَالُوا مَجنُونٌ وَازدُجِرَ تکذیب کرد پیش از ایشان قوم نوح پس تکذیب کردند بنده ما را و گفتند مجنون است و زجر کرده شد فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّی مَغلُوبٌ فَانتَصِر
پس خواند پروردگار خود را که مغلوبم پس انتقام گیر فَفَتَحنَا أَبوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنهَمِرٍ وَفَجَّرنَا الأَرضَ عُیُونًا فَالتَقَی المَاءُ عَلَی أَمرٍ قَد قُدِرَ پس کشادیم درهای آسمان
آبی شدید الانصباب کشادیم بر زمین چشمه ها پس آب گردید هر آب بامری که مقدر کرده شده وَحَمَلنَاهُ عَلَی ذَاتِ أَلوَاحٍ وَدُسُرٍ تَجرِی بِأَعیُنِنَا جَزَاءً لِمَن کَانَ کُفِرَ و برداشتیم
آن نوح را بر کشتی تختها و میخها که جاری بود در حضور ما جزا است برای آنکه کفر کرده وَلَقَد تَرَکنَاهَا آیَةً فَهَل مِن مُدَّکِرٍ و هر آینه گذاشتیم از آن نشانی پس آیا هست پند گیرنده فَکَیفَ
کَانَ عَذَابِی وَنُذُرِ پس چگونه شد عذاب من و ترسانیدنم وَلَقَد یَسَّرنَا القُرآنَ لِلذِّکرِ فَهَل مِن مُدَّکِرٍ و هر آینه آسان کردیم قرآن را برای پند پس آیا هست پند گیرنده
کَذَّبَت عَادٌ فَکَیفَ کَانَ عَذَابِی وَنُذُرِ تکذیب کردند قوم عاد پس چگونه شد عذاب و ترسانیدنم إِنَّا أَرسَلنَا عَلَیهِم رِیحًا صَرصَرًا فِی یَومِ نَحسٍ مُستَمِرٍّ بدرستی
که فرستادیم بر ایشان باد شدید در روز نحس قدیمی یعنی روز چهارشنبه تَنزِعُ النَّاسَ کَأَنَّهُم أَعجَازُ نَخلٍ مُنقَعِرٍ قلع میکرد مردمان را از ایشان حجه ایشان گویا ایشان بیخهای

نخل قلع کرده شده فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ پس چگونه شد عذاب من و ترسانیدن من وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ و هر آینه آسان کردیم قرآن را برای پند گرفتن پس
آیا هست یاد دارنده كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ تکذیب کردند ثمود ترسانندگان را فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ پس گفتند آیا یک بشری را از خود پیروی کنیم ما را
در آن وقت هر آینه در گمراهی [illegible] أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ آیا نازل کرده شده [illegible] بلکه او کذاب است متکبر [illegible] سَيَعْلَمُونَ
غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ [illegible] إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ [illegible] برای آزمایش شان پس
انتظار کش ایشان را و صبر کن وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ [illegible] كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ
هر نصیب آب است حاضر کرده شده فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ [illegible] فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ پس چگونه شد عذاب
من و ترسانیدن إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ [illegible] وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ و هر آینه آسان کردیم قرآن را [illegible] كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ تکذیب کردند قوم لوط ترسانندگان را إِنَّا أَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَٰلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ [illegible]
بوقت سحر [illegible] وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ [illegible] وَلَقَدْ
رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ [illegible] وَلَقَدْ صَبَّحَهُم
بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ [illegible] فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ [illegible] وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن
مُّدَّكِرٍ [illegible] وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ [illegible] كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا
فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ [illegible] أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَٰئِكُمْ [illegible] أَمْ لَكُم بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ [illegible]
[illegible] أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ [illegible] سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ [illegible]
[illegible] بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ [illegible]
إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ [illegible] ذُوقُوا مَسَّ
سَقَرَ [illegible] إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ [illegible]
[illegible] وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ [illegible]
[illegible] وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ [illegible] وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ [illegible]
[illegible] إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ [illegible]

[illegible] سوره رحمن هفتاد و هشت [illegible]

[illegible]
[illegible] الرَّحْمَٰنُ [illegible] عَلَّمَ الْقُرْآنَ [illegible] خَلَقَ الْإِنسَانَ [illegible] عَلَّمَهُ الْبَيَانَ [illegible]
[illegible] الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ [illegible]
[illegible] وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ [illegible]
[illegible] وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ [illegible]
[illegible] وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ [illegible]
[illegible] وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ [illegible]

ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۞ در زمین انبها در بهر مخلوقات و در آنها میوه است و نخل صاحب غلاف و دانه صاحب برگ و ریحان پس اگر نازل کند قرآن چه عجب فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞
پس کدام نعمتهای پروردگار خود ای انسان و جن تکذیب کنید یعنی هیچ چیز تعجب نیست که اکثر انسان و جن شند بجهه خوشامدی کفار از انس و جن یعنی شیطان انکار قرآن نمایند و ظاهر باید که حضور علیه السلام تمام سوره
رحمن خواندند و صحابه سکوت کردند پس فرمود جنیان نیکو تر جواب دادند چون فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا میخواندم میگفتند که بهیچ نعمت ای پروردگار ما انکار نمیکنیم پس ثابت شد خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ
صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۞ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ۞ پیدا کرد خدا آدم را از گل خشک آمیخته آواز دهنده مثل سفال و پیدا کرد جان را از شعله آتش پس اگر قرآن نازل کند چه عجب
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب کنید رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۞ پروردگار مشرقین و مغربین است که آفتاب از نقطه میل کلی جنوبی و شمالی از شمالی بجنوب
می آورد پس اگر قرآن نازل کند چه عجب فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب کنید مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۞ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۞
روان کرد دو دریا آب آسمانی و زمینی ملاقات میکنند میان هر دو برزخ است که با یکدیگر بغاوت نمیکنند با وجود لطافت آب پس بر نزول قرآن چه عجب فَبِأَيِّ
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب کنید يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۞ خارج میشود از هر دو آب مروارید و مرجان یعنی با وجود این لطافت آب
شیرین آسمانی که چون در صدف ... قطره جمع شده مروارید پیدا میکند و در قعر دریا شور ... مرجان ... پیدا میشود فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس
کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید ... وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۞ و در دریا کشتیها مثل کوه ... خلاصت که در جهت
آن ... در آب غرق نشود ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود تکذیب
خواهید کرد ... نزول قرآن ... کشتی ... نوح ... بعد از تشریف آوری صاحب
خبر ... كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۞ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۞ هر که بر زمین است فانی شونده است و باقی ماند ذات پروردگار
صاحب جلال و بزرگی فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب کنید ... يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ
فِي شَأْنٍ ۞ ... هر روز او در شان جدید است ... اگر قرآن ... نازل کرد چه بعید فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞
پس کدام نعمت پروردگار خود را تکذیب کنید ... سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ ۞ ... یعنی جن و انسان ...
قرآن ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب کنید يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
فَانْفُذُوا ... اگر طاقت ... جانب آسمانها و زمین ... قرآن ... جن بطرف بالا آسمان و انسان ... لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا
بِسُلْطَانٍ ۞ ... جن بطرف آسمان ... شیاطین ... انسان طاقت ... فَبِأَيِّ
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را انکار میکنید ... يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ۞
... شعله آتش ... انسان ... نصرت ... قرآن ... قرآن ...
... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب ... ثبوت
قرآن ... قیامت ... شق القمر ... فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۞ پس چون شق شود آسمان ...
... پس تعجب قرآن ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب ... فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ
وَلَا جَانٌّ ۞ پس در آن روز قیامت سوال کرده نشود ... قرآن تعجب ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را
تکذیب میکنید ... سوال ... يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ ... گناهگاران ... پیشانی ... فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي
وَالْأَقْدَامِ ۞ ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را انکار میکنید ... هَذِهِ
جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ۞ ... يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ ۞ ... در میان آتش دوزخ ...
پس تعجب قرآن ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ پس کدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ۞ ... پروردگار خود

دو بهشت است یکی جنت عدن دوم جنت نعیم ایمان شرط است تا آخر جنت و هر چند مسلمان ناحق و دزدی مطابق حدیث ابو الدرداء و ازین اجازت نیست معاذ الله ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ در آن هر دو دو چشمها جاری اند تسنیم و سلسبیل فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ پس بکدام نعمتهای پروردگار
خود را تکذیب میکنید مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ تکیه زنندگان بر فرشها که آستر آنها از استبرق باشد وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ و میوهٔ هر دو بهشت نزدیک است فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ در آن بهشتها زنان فرو دارندهٔ نگاه باشند مجامعت نکرده با ایشان
پیش ازیشان هیچ آدمی و نه جنی یعنی باکره باشند انسانی و جنی شان نرسیده باشد و ذکر جن از آن آمد که بعضی مضمون اقوال مسیح یابد که مردان جن با زنان نکاح کرده و بعضی گویند که جن مخلوق نیست
نکاح نمیکنند مردان آنجا مثل الملائکه خواهند بود و نکاح نمیکنند و تکلم کرده میشوند از زبان ایشان دست کسی نرسیده از شوهر کرا حد مقرر کرده است از دنیا و بگوید فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ گویا آن زنان یاقوت و مرجان اند در صفت صفا انها نیز باید کرد فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ پس بکدام نعمتهای
پروردگار خود را تکذیب میکنید هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ نیست جزای احسان مگر احسان فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
و کمتر ازین دو جنت دیگر دو بهشتها است پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید در قرآن چگونه بشارت آمد مُدْهَامَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ در خوبی سبز و سیاه پس بکدام نعمتهای
پروردگار خود را تکذیب میکنید فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ در آن هر دو چشمها است جوشنده پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید فِيهِمَا فَاكِهَةٌ
وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ در آن هر دو میوه و خرما و انار اند پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
در آنها زنان نیک خلق خوب باشند پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ حوران مستور شده در خیمها پس بکدام نعمتهای
پروردگار خود را تکذیب میکنید لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ نرسیده است بایشان انسی پیش ازیشان و نه جنی پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید
مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ تکیه زنندگان بر بساطهای سبز و فاخره عمده پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ
ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بابرکت است نام پروردگار تو صاحب جلال و بزرگی که بخشش کنی بی نیاز

سورهٔ واقعه مکیه است نود و شش

آیه میدارد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ چون واقع شود قیامت
نیست مر واقع شدن آن را دروغی پست کننده کفار را طرف آتش و بلند کننده اهل جنت را طرف جنت إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً
مُّنبَثًّا وَكُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی و پاره پاره شوند کوهها پاره شدنی پس باشند غبار متفرق و شده باشید قسمها سه فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ
الْمَيْمَنَةِ پس یکی اصحاب میمنه که ایشان اصحاب میمنه چه حال شان آیند وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ و دوم اصحاب شمال که ایشان چه حال شان
وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ سوم سبقت کنندگان که سبقت کنندگان در خیرات اند در دنیا آنها مقربان اند در بوستانهای نعیم و این قسم بالای اصحاب میمنه
ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ جماعتی از اولین یعنی از آدم تا قبل حضور علیه السلام و چند میان یک امت است بسیار از انبیاء و ملک و اندکی از آخرین و دیگر
از پسینان یعنی حضور علیه السلام عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ بر تختها بافته تکیه زنندگان بر آن روبروی یکدیگر
یَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ
وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ گردش کنند بر ایشان پسران همیشه
با کاسها و ابریقها و جامها از شراب روان که درد سر نکند و بیهوش نشوند و میوه از آنچه پسندند و گوشت مرغ از آنچه
خواهند و زنان فراخ چشم مثل مروارید پوشیده جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ جزا است بآنچه عمل میکردند لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا
لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا نشنوند در آن سخن بیهوده و نه بدی مگر قول سلام سلام وَأَصْحَابُ
الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ وَمَاءٍ
مَّسْكُوبٍ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

[illegible] اصحاب یمین باشند [illegible] انا انشأناهن انشاء
فجعلناهن ابکارا عربا اترابا لاصحاب الیمین ثلة من الاولین وثلة من الآخرین [illegible] اصحاب یمین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] واصحاب الشمال ما اصحاب الشمال في سموم وحميم وظل من يحموم لا بارد ولا كريم انهم كانوا قبل ذلك مترفين [illegible]
[illegible] وكانوا يصرون على الحنث العظيم [illegible]
[illegible] وكانوا يقولون أئذا متنا وكنا ترابا وعظاما أئنا لمبعوثون أوآباؤنا الأولون [illegible]
[illegible] قل إن الأولين والآخرين لمجموعون إلى ميقات يوم معلوم [illegible]
الضالون المكذبون لآكلون من شجر من زقوم فمالئون منها البطون [illegible]
فشاربون عليه من الحميم فشاربون شرب الهيم [illegible]
[illegible] هذا نزلهم يوم الدين [illegible]
[illegible]
[illegible] نحن خلقناكم فلولا تصدقون أفرأيتم ما تمنون أأنتم تخلقونه أم نحن الخالقون [illegible] نحن قدرنا بينكم الموت وما نحن بمسبوقين على أن نبدل أمثالكم
وننشئكم في ما لا تعلمون [illegible] ولقد علمتم النشأة الأولى فلولا تذكرون [illegible]
[illegible]
[illegible] أفرأيتم ما تحرثون أأنتم تزرعونه أم نحن الزارعون لو نشاء لجعلناه حطاما فظلتم تفكهون إنا لمغرمون بل نحن محرومون أفرأيتم الماء الذي تشربون أأنتم أنزلتموه من المزن أم نحن المنزلون
[illegible] لو نشاء جعلناه أجاجا فلولا تشكرون أفرأيتم النار التي تورون
[illegible] أأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشئون نحن جعلناها تذكرة [illegible]
[illegible]
ومتاعا للمقوين [illegible] فسبح باسم ربك العظيم [illegible]
[illegible] فلا أقسم بمواقع النجوم وإنه لقسم لو تعلمون عظيم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] في كتاب مكنون لا يمسه إلا المطهرون [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ روزیکه گویند منافقان و منافقات مر آنانرا که ایمان آورده اند انتظار کنید تا اقتباس از نور شما
گفته شود واپس بروید [illegible] پس طلب کنید نور را [illegible] درمیان شان [illegible] که آنرا دری باشد درباطنش رحمت و ظاهرش از طرفش عذاب [illegible] يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ
قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ خوانند منافقان مسلمانانرا آیا نبودیم با شما گویند بلی ولیکن
شما هلاک کردید جانهای خود را انتظار کردید و شک کردید و فریب داد شما را آرزوها تا آنکه آمد امر خدا یعنی قیامت و فریب داد شما را بالله فریبنده فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ پس امروز گرفته نشود از شما فدیه و نه از آنانکه کفر کردند جای شما آتش است [illegible] دوست شماست و بد جای بازگشت است جهنم و بعد از
جهاد کفار [illegible] اهل اسلام [illegible] أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ آیا وقت نیامد برای آنانکه ایمان آوردند آنکه خشوع کنند دلهای شان برای ذکر خدا و آنچه نازل شده [illegible] و نباشند مثل آنانکه داده شده
کتاب از قبل پس دراز شد بر ایشان [illegible] پس سخت شد دلهای شان وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ و بسیاری از ایشان فسق کنندگان اند [illegible] اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ بدانید بدرستی الله زنده میکند زمین را بعد موتش بیان کردیم برای شما آیات تا شاید شما تعقل کنید إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ
وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ بدرستی آنکه صدقه کنندگان [illegible]
برای شان اجر بزرگ است وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِندَ رَبِّهِمْ و آنانکه ایمان آوردند بالله و رسولش [illegible] صدیقان و شهدا
نزد پروردگار خود [illegible] صورت شهادت [illegible] لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ [illegible] وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ و آنانکه کفر کردند و تکذیب کردند آیات ما آنانند اصحاب [illegible] اهل اسلام [illegible] اهل اسلام [illegible]
و انصار [illegible] اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ
نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا بدانید که بدرستی زندگانی دنیا لعب است و لهو و زینت و مفاخرت باهم خود و کثرت در مالها و اولاد مثل باران که خوش
[illegible] وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ و در آخرت عذاب
سخت است [illegible] وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ [illegible] سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن
رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ سبقت
کنید بطرف مغفرت پروردگار خود و بطرف جنت که عرضش مثل عرض آسمان و زمین است تیار کرده شده برای آنانکه ایمان آورده اند بالله و رسولش [illegible] فضل خدا [illegible]
صاحب فضل بزرگ است [illegible] مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي
الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا [illegible]
[illegible] إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا
فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ [illegible]
[illegible] وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ [illegible]
[illegible] لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ [illegible]
[illegible] لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ [illegible]
عدالت [illegible] خاتم المرسلین علیه السلام وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ [illegible]
خوف سخت است و منفعت [illegible] وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ [illegible]
[illegible] خاتم المرسلین [illegible] اهل اسلام [illegible]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ و هر آئینه فرستادیم نوح و ابراهیم را و گردانیدیم [illegible]

[illegible] ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا [illegible]

[illegible] وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ ۝ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً [illegible] عیسی بن مریم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ [illegible]

[illegible] فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا [illegible]

[illegible] فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ [illegible] وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

[illegible] يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ [illegible]

[illegible] لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ [illegible]

[illegible] مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ [illegible]

[illegible]

[illegible] سورہ مجادلہ مدنیہ است مشتمل بر بست و دو آیۃ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا [illegible]

[illegible] الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ [illegible]

إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ [illegible]

[illegible] وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا [illegible] ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ [illegible]

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا [illegible]

[illegible] فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا [illegible]

[illegible]

رسولش این هر دو صفت دارند وللکافرین عذاب مهین و مر کافران را عذاب است خوار کننده اگر بتقبل حکم رسانند چنانکه منافقان بجویش عبدالله بن ابی در مجلس سخنان حق را مسکردند چنانکه نشسته
بنشیند ... ان الذین یحادون الله ورسوله کبتوا کما کبت الذین من قبلهم بدرستی آنانکه عداوت کنند الله و رسولش را هلاک شوند چنانکه
هلاک شدند آنانکه از قبل ایشان بودند ... وقد انزلنا آیات بینات و نازل کردیم ما نشانها روشن ... بر نبوت
... وللکافرین عذاب مهین یوم یبعثهم الله جمیعا فینبئهم بما عملوا احصاه الله ونسوه والله علی
کل شیء شهید ... گواه است ... سرگوشی ...
... الم تر ان الله یعلم ما فی السموات وما فی الارض ما یکون من نجوی ثلاثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی من ذلک ولا اکثر
الا هو معهم این ما کانوا ... سرگوشی کنند بدرستی الله میداند ...
... ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیامة ان الله بکل شیء علیم ... روز قیامت ...
... الم تر الی الذین نهوا عن النجوی ثم یعودون لما نهوا عنه ویتناجون بالاثم والعدوان ومعصیت الرسول ...
از سرگوشی باز ... واذا جاؤک حیوک بما لم یحیک به الله و چون آیند ترا تحیت کنند ترا بانچه تحیت
نکرده است ... السام علیک ... السلام علیکم ... علیکم ...
...
... ویقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله بما نقول ... حسبهم جهنم یصلونها
فبئس المصیر ... یا ایها الذین آمنوا اذا تناجیتم فلا تتناجوا بالاثم والعدوان ومعصیت الرسول
وتناجوا بالبر والتقوی واتقوا الله الذی الیه تحشرون ای اهل ایمان چون سرگوشی کنید پس سرگوشی کنید بگناه و دشمنی گناه رسول و سرگوشی کنید بنیکی و پرهیزگاری
و بترسید الله ... حشر کرده شوید انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله وعلی الله فلیتوکل المؤمنون ...
...
...
...
یا ایها الذین آمنوا اذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم واذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین آمنوا منکم ای اهل ایمان چون گفته شود
...
والذین اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبیر ...
... یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم
الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقة ذلک خیر لکم واطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم ای اهل ایمان چون سرگوشی کنید رسول پس
...
... ءاشفقتم ان تقدموا بین یدی نجواکم صدقات فاذ لم تفعلوا
وتاب الله علیکم فاقیموا الصلوة وآتوا الزکوة واطیعوا الله ورسوله والله خبیر بما تعملون آیا خوف کردید ...
... الم تر الی الذین تولوا قوما غضب
الله علیهم ما هم منکم ولا منهم ...

علیہ سلم ... بنجات ... شیطان لیس ... عبد اللہ بن نبتل ... علیہ سلم ... [illegible]

پس حلف کرد باللہ ... اصحاب ... حلف کردند ... حضور علیہ السلام ... آیۃ آمد وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا

شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ... اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

لَّن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ ... [illegible]

دلیل کنندہ ... اموال ایشان ... اولاد ایشان ... اصحاب آتش ... يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ ۖ وَ

يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ ... [illegible]

... اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ غالب شد بر ایشان شیطان

... إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ۝ ... [illegible]

... كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۚ ... [illegible]

... إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ ... لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا

آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ ... [illegible]

... أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ۖ ... [illegible]

... وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ ... [illegible]

سورہ حشر مدنیہ است مشتمل بر بست و چہار آیہ

... عبد اللہ بن سلام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

برایشان حضور علیه السلام با لشکر پس محاصره کرد و شان را بست یک شبانه روز پس انداخت در دل شان رعب تا آنکه ... پس طلب کردند از حضور علیه السلام صلح پس کرد با ایشان صلح با آنکه
خارج شوند از مدینه بر آنچه حکم فرمایند ایشان را حضور علیه السلام پس قبول کردند این مصالحه را ایشان بعلاوه بر آنکه برای ایشان است آنچه بردارند شتران از اموال مگر سلاح و بر آنکه خالی کنند برای اهل اسلام
ایشان خانه ها شان و سایر اموال شان تا کمال مضمون فصل ... اشعیا شود که در نسبت اولاد اسرائیل گو رست پس خارج شدند بطرف شام مگر آل ابی الحقیق و آل حیی بن اخطب که ملحق شدند بخیبر و یک طائفه بحیره ما
کامل کنند ... ملائی در فصل ... کلام اشعیا در فصول ... تمام ... سوره حشر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ بنام خداوند بسیار بخشنده مهربان سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ تسبیح میکنند برای خدا آنچه در آسمانها و در زمین هُوَ الَّذِيٓ أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ط خداوند است که
خارج کرد آنان را که کفر کردند از اهل کتاب از دیار شان بطرف اول حشر ... حضور علیه السلام گفتند ... بطرف ... محشر و محشر اول ... مقدس خواهد شد مَا ظَنَنْتُمْ
أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوٓا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللّٰهِ فَأَتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ
فَاعْتَبِرُوا يٰٓأُولِي الْأَبْصٰرِ ۝ گمان نمیکردید که خارج شوند و گمان میکردند که ... قلعه های شان از خدا پس آمد ... گمان نمیکردند و انداخت در دل شان رعب خراب میکنند
خانه های شان ... خود ... [illegible] ... ای صاحبان چشمها ... کتاب ... اشعیا بالخصوص ... از آتش ... مسلمانان ...
... وَلَوْلَآ أَنْ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۝ و اگر نبودی آنکه نوشته کرد الله ... جلاوطنی ... عذاب کردی ایشان را
... در دنیا ... و ایشان را در آخرت عذاب آتش است و جلاوطنی شان ... در فصل ... اشعیا نوشته بود ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ ۚ وَمَنْ يُّشَآقِّ اللّٰهَ فَإِنَّ
اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ این ... بسبب آنکه مخالفت کردند الله و رسول او را پس الله سخت عذاب کننده است ... [illegible] ... عبد الله بن ابی
بنی نضیر ماندند و مسلمانان محاصره ... شان قطع کردند ... در فصل ... ملاکی ... نوشته بود که اگر ... [illegible]
... [illegible] ... بنی نضیر اعتراض کردند که این کلام ... اصلاح ... اهل اسلام ... [illegible]
... مَا قَطَعْتُمْ مِّنْ لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلٰٓى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفٰسِقِينَ ۝ قطع کردید ... [illegible]
... فاسقین ... وَمَآ أَفَآءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهٖ مِنْهُمْ فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَّلَا رِكَابٍ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهٗ عَلٰى مَنْ
يَّشَآءُ ۚ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ و آنچه رد کرد الله بر رسول خود از ایشان پس ... اسپان و شتران و لیکن الله مسلط میکند رسولان خود را بر آنکه میخواهد و الله بر هر چیز قادر است
پس جمله اموال بنی نضیر برای رسول خدا صلی الله علیه وسلم بود پس تقسیم کرد حضور علیه السلام در میان مهاجرین ... انصار ... حاجت و آن
ابو دجانه سماک بن خرشه و سهل بن حنیف و حارث بن صمه اند مَآ أَفَآءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهٖ مِنْ أَهْلِ الْقُرٰى فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِينِ وَابْنِ
السَّبِيلِ ۙ آنچه رد کرد الله بر رسول خود از اهل قریه ها پس برای خدا و برای رسول و برای قرابت و برای یتیمان و مساکین و مسافرین ... بنی قریظه و فدک و خیبر
و عرینه ... که در ما بعد رسول صلی الله علیه وسلم ... رسول ... خلیفه ... صدیق و فاروق ... حدیث صحیح ... صدیق رضی الله
عنه از حضور علیه السلام شنیده بود ... تقسیم ... [illegible] ... رضی الله عنها ... كَيْ لَا
يَكُوْنَ دُوْلَةًۢ بَيْنَ الْأَغْنِيَآءِ مِنْكُمْ ۚ تا نباشد ... در میان اغنیا ... جاهلیت ... غنیمت ... [illegible]
... پس ... رسول خدا علیه السلام ... وَمَآ اٰتٰىكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ ۚ وَمَا نَهٰىكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ و آنچه ... رسول
پس بگیرید ... وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۖ إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ ... الله شدید عقاب است لِلْفُقَرَآءِ الْمُهٰجِرِينَ
الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيٰرِهِمْ وَأَمْوٰلِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوٰنًا وَّيَنْصُرُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ ۚ أُولٰٓئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ ۝ حق ... فقرای مهاجرین است
که خارج کرده شدند از دیار خود و مال خود ... فضل خدا و رضای ... و مدد ... صادقان ... [illegible]
... علیه السلام ... مهاجرین ... بشارت ... قیامت ... داخل شوید در جنت ... [illegible]
وَالَّذِينَ تَبَوَّءُو الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلٰٓى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ

خصاصة یعنی و در ای آن انصار است که نهادند خانه‌ها برای مهاجرین و اموال و در دلها از قبل آمدن مهاجران دوست دارند که هجرت کنند بسوی مسلمانان بطرف شان [illegible] خود را
حاجتی [illegible] ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون [illegible]
نفس خود پس آنانند فلاح یابندگان از ابن عباس منقول است که در روز نضیر حضور صلی الله علیه وسلم مر انصار را فرمود اگر خواهید قسمت کنید بر مهاجرین از اموال خود و دیار خود و شرکت کنید در این غنیمت
و اگر خواهید باشد برای شما [illegible] و تقسیم کرده شود این غنیمت پس عرض کردند انصار که از مال حیات خود با قسمت کنیم و نه شریک شویم [illegible] بنی نضیر پس حق تعالی [illegible]
والذین جاءو من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انک رءوف رحیم و برای
آنانکه آمدند بعد ایشان میگویند ای پروردگار ما بخش مر ما را و برای برادران ما آنانکه سبقت کردند بایمان و مکن در دلهای ما حسد برای آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ما بدرستی تو رؤف رحیمی پس حب مهاجرین و انصار
لازم آمد و این آیت [illegible] رضی الله عنها [illegible] اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم پس گفت [illegible] شنیدم از نبی شما صلی الله علیه وسلم
[illegible] این امت [illegible] مالک بن مغول گفت عامر بن شراحیل الشعبی [illegible] فضیلت [illegible] رافضی [illegible] خصلت [illegible]
امت شان گفتند اصحاب موسی [illegible] گفتند حواریین عیسی [illegible] روافض گفتند [illegible] اصحاب حضور علیه السلام الم تر الی الذین نافقوا یقولون لاخوانهم الذین کفروا
من اهل الکتب لئن اخرجتم لنخرجن معکم ولا نطیع فیکم احدا ابدا وان قوتلتم لننصرنکم والله یشهد انهم لکذبون آیا ندیدی [illegible]
آنانکه نفاق کردند [illegible] عبدالله بن ابی میگویند برای برادران خود [illegible] بنی قریظه که کفر کردند از اهل کتاب اگر خارج شوید [illegible] خارج شویم [illegible] اطاعت کنیم [illegible]
و اگر مقاتله کنید [illegible] و الله گواهی میدهد که آنان [illegible] لئن اخرجوا لا یخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ینصرونهم ولئن نصروهم لیولن الادبار
ثم لا ینصرون [illegible] اگر خارج شوند [illegible] منافقان [illegible]
لانتم اشد رهبة فی صدورهم من الله [illegible] ذلک بانهم قوم لا یفقهون ۔
[illegible] لا یقاتلونکم جمیعا الا فی قری محصنة او من وراء جدر [illegible] باسهم
بینهم شدید تحسبهم جمیعا وقلوبهم شتی [illegible] ذلک بانهم قوم لا یعقلون [illegible]
[illegible] کمثل الذین من قبلهم قریبا ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم [illegible] بنی نضیر [illegible] بنی قریظه [illegible]
[illegible] کمثل الشیطن اذ قال للانسان اکفر فلما کفر قال انی بریء منک انی اخاف الله رب العلمین فکان عاقبتهما انهما فی النار
خالدین فیها وذلک جزؤا الظلمین [illegible] شیطان [illegible]
رب العلمین [illegible] شیطان [illegible]
[illegible] شیطان [illegible]
[illegible]
امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون [illegible]
[illegible] ولا تکونوا کالذین نسوا الله فانسهم انفسهم اولئک هم الفسقون [illegible] لا
یستوی اصحب النار واصحب الجنة اصحب الجنة هم الفائزون [illegible]
[illegible] مهاجران و انصار [illegible] منافقان [illegible]
[illegible] مهاجرین و انصار [illegible] منافقان [illegible] قرآن [illegible] لو انزلنا هذا القرآن علی
جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله [illegible]
[illegible] وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون [illegible]

ایشان لازم که معاینه حال اهل اسلام و اهل شرک نمایند که هرگز برابر نشوند پس چگونه با اهل که همه عهد شوند و دیگر نفع شان ضرر می آید شریک بت پرستان نباشند چنانکه بنی نضیر شده بودند
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم ۝ هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحن الله عما یشرکون ۝ آن خدا الهیست که نیست معبودی بجز او و داناست غیب و شهادت آن بخشنده مهربان است آن خدا معبودیست که نیست معبودی بجز او پادشاه است پاک صاحب سلامتی امن
دهنده نگاهدار غالب اصلاح کننده بزرگ پاکست خدا از آنکه شرک کنند بالخصوص و تعمیم نیز که بالخصوص نسبت شان بفضل او تمام شد و شیاطین است چندین بت پرستان بیان کرد هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموت والارض وهو العزیز الحکیم ۝ آن خدائیست پیدا کننده با تدبیر ظاهر کننده اعیان را از عدم تصویر کننده در رحم مادر او راست
اسمای نیک تسبیح میکنند او را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آن غالب با حکمت است و مفصول که و شیاطین نسبت تا بانفی این جمله صفات بیان کرده است و خاتمه است که با اسما
غریب که هر که بوقت صبح خواند اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و سه آیه از آخر سوره حشر مقرر شود بروی هفتاد هزار فرشتگان که تا شام صلوات برو میفرستند و اگر در آن روز میرد شهید میرد و هر که خواند بوقت
شام باشد مثابه این **سورۃ ممتحنہ مدنیہ است مشتمل بر سیزدہ آیات** و درین سوره اشارت بجانب بوسفیان است یکی از کفار که حرب
باشد بموالات نباید ساخت چنانکه حاطب بن ابی بلتعه نموده آنچنان شد که ساره مولاة ابن عمرو بن صیفی بن هاشم بن عبد مناف آمد که بمدینه حضور علیه السلام تیاری جنگ مکه می فرمود پس فرمود
از بهر چه آمده مسلمان آمدی گفت نه فرمود ایا مهاجره گفت نه فرمود پس آمدی گفت بود اهل و عشیره و موالی رفتند مرا حاجت شدید گرفت پس آمدم تا دهید مرا و لباس دهید شاید و سواری دهید
مرا پس حضور علیه السلام برانگیخت بنی عبد المطلب را پس دادند نفقه و پوشانیدندش و بار برداری نمودندش پس آمد او را حاطب و نوشت با اهل مکه که حضور علیه السلام قصد شما میکند پس
زن مکه رو روانه شد و جبرئیل آمد و اطلاع داد که سارا خط حاطب بهر اهل مکه می برد پس حضور علیه السلام فرستاد علی و عمار و زبیر و طلحه و مقداد بن اسود و ابا مرثد تا خط از وی بگیرند بعد از آن بجنگ آمدند
روضه خاخ که حضور علیه السلام نشان مقام مذکور فرموده بود پس کتاب طلبیدند پس قسم خورد پس تلاش کردند و تفتیش نمودند پس نیافتند کتابی پس قصد رجوع نمودند پس فرمود علی که
بخدا قسم خلاف هست نه دروغ فرمود حضور علیه السلام و نه دروغ گفتیم پس کشید شمشیر خود و فرمود که خط ده و گرنه گردنت میزنم پس چون زن سعی زیاده دید خارج کرد خط را از گیسوی خود پس آمدند
گذاشتند خط را آوردند و حاطب را طلب نمود عرض کرد که کفر نکردم از وقتیکه اسلام آوردم و نیست از مهاجران مگر او را رشته که منع کند عشیره او اهل وی را من بیگانه ام در ایشان و هست
اهل من در ایشان پس خوف کردم بر اهل خود پس اراده کردم تا احسان نمایم بر ایشان و میدانستم که الله نازل کند بر ایشان خوف خود و کتاب من نفع نکند از ایشان چیزی پس تصدیق
کرد حضور علیه السلام او را و عذرش پس ایستاد عمر فاروق که بگذار مرا ای حضور علیه السلام تا گردن این منافق بزنم فرمود و کدام خبر اطلاع کرد ترا ای عمر و مطلع شده است الله بر اهل بدر
پس فرمود که شما عمل کنید هر چه خواهید پس بخشیده شد شما پس نازل کرد الله در شان حاطب بسم الله الرحمن الرحیم یایها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی
وعدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة ای اهل ایمان مگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را دوست که بفرستید بطرف شان بدوستی وقد کفروا بما جاءکم من الحق یخرجون
الرسول وایاکم ان تؤمنوا بالله ربکم ان کنتم خرجتم جهادا فی سبیلی وابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالمودة وانا اعلم بما اخفیتم وما
اعلنتم ومن یفعله منکم فقد ضل سواء السبیل ۝ و کافر شدند بآنچه آمد شما را از حق بیرون کردند رسول را و شما را از برای آنکه ایمان آورده اید بالله پروردگار خود اگر خارج شوید
برای جهاد در راه من و بخواهش رضای من پوشیده کنید بطرف شان دوستی و من میدانم هر چه پوشیده میکنید و هر چه ظاهر میکنید و هر که کند از شما پس گمراه کرد راه راست ان یثقفوکم یکونوا لکم اعداء
ویبسطوا الیکم ایدیهم والسنتهم بالسوء وودوا لو تکفرون ۝ اگر ظفر یابند بر شما باشند برای شما دشمن و دراز کنند بطرف شما دستهای خود را و زبانهای خود را ببدی و دوست میدارند که کافر
کنید لن تنفعکم ارحامکم ولا اولادکم یوم القیمة یفصل بینکم والله بما تعملون بصیر ۝ نفع ندهد شما را خویشی شما و نه اولاد شما روز قیامت که فیصله کند
درمیان شما و الله بآنچه عمل میکنید بیناست قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابرهیم والذین معه اذ قالوا لقومهم انا برءؤا منکم ومما تعبدون من دون
الله کفرنا بکم وبدا بیننا وبینکم العداوة والبغضاء ابدا حتی تؤمنوا بالله وحده الا قول ابرهیم لابیه لاستغفرن لک وما املک لک
من الله من شیء ربنا علیک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر ۝ هست برای شما پیروی نیک در ابراهیم و آنکه با او بودند وقتیکه گفتند برای قوم خود ما
بیزاریم از شما و از آنچه عبادت کنید از سوی خدا انکار کردیم با دین شما و ظاهر شد درمیان ما و شما عداوت و بغض همیشه تا آنکه ایمان آرید بالله یگانه مگر قول ابراهیم به پدر خود که بخشش
خواهم برای تو و مالک نیستم برای تو از خدا چیزی ای پروردگار بر تو توکل کردیم و بطرف تو بازگشتیم ربنا لا تجعلنا فتنة للذین کفروا واغفر لنا ربنا انک انت العزیز الحکیم

پروردگار ما مگردان ما را آزمایش برای آنانکه کافر شدند و بیامرز ما را ای پروردگار ما بدرستی تو غالب باحکمت هستی لقد کان لکم فیهم اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله والیوم الاخر ومن
یتول فان الله هو الغنی الحمید ۰ بدرستی هست برای شما در ایشان پیروی نیکو برای کسیکه امید دارد از الله و روز آخر قیامت را و هر که باز گردد پس الله آن غنی ستوده است پس مسلمانان با قرابتی خویش کفار
علیحدگی ظاهر کردند حق تعالی احسان خود میفرماید عسی الله ان یجعل بینکم وبین الذین عادیتم منهم مودة ط والله قدیر ط والله غفور رحیم ۰ امید است که الله گرداند در میان
شما و میان آنانکه عداوت کردید دوستی و الله قدیر است و الله غفور رحیم است و این علامت مخصوص اهل قتال است ونه با حضور علیه السلام مصالحه کرده بودند آنانکه مقاتله کنند ... برای کسی که
بود اسما بنت ابوبکر رضی الله عنها مادرش قتیله بنت عبد العزی که کافره بود ... گفت قبول نکنم ... تا اذن از حضرت صلی الله علیه وسلم پرسم پس سوال کرد از
حضور علیه السلام پس این آیت نازل شد لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ط ان الله یحب المقسطین
منع نمیکند الله شما را از آنانکه مقاتله نکردند با شما در دین و خارج نکردند شما را از دیار شما اینکه نیکی کنید با ایشان و عدالت کنید بطرف ایشان بدرستی الله دوست میدارد عدالت کنندگان را انما ینهکم الله عن الذین
قاتلوکم فی الدین واخرجوکم من دیارکم وظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم ج ومن یتولهم فاولئک هم الظلمون ۰ جز این نیست که منع میکند شما را الله از آنانکه مقاتله کنند
شما را در دین و خارج کنند شما را از دیار شما و غالب شدند بر اخراج شما اینکه دوستی کنید ایشان را و هر که دوستی کند ایشان را پس ایشان ظالمان اند ... مسلمانان ... شدند ...
و کفار ... در تعلق ... حکم ...
سوره شد حکم دیگر میفرماید یایها الذین امنوا اذا جاءکم المؤمنت مهجرت فامتحنوهن ط الله اعلم بایمانهن ج ای مسلمانان چون بیایند شما را زنان مؤمنات هجرت کنندگان پس امتحان کنید ایشان را قول
ابن عباس رضی الله عنهما ... قسم ... بغض ... زمینی ... برای ... هجرت ... اسلام ...
قصص و واقعه حدیبیه ... امتحان ... الله اعلم بایمانهن ... فان علمتموهن مؤمنت فلا ترجعوهن
الی الکفار ط لا هن حل لهم ولا هم یحلون لهن ط واتوهم ما انفقوا ط اگر بدانید ایشان را مؤمنات پس رجوع مکنید ایشان را بطرف کفار ... آن زنان مسلمان حلال اند ...
شوهران ... مسلمان حلال ... ولا جناح علیکم ان
تنکحوهن اذا اتیتموهن اجورهن ط ... گناهی بر شما اگر نکاح کنید ایشان ... ولا تمسکوا بعصم الکوافر
... واسئلوا ما انفقتم
ولیسئلوا ما انفقوا ط ذلکم حکم الله ط یحکم بینکم ط والله علیم حکیم ۰ ...
باحکمت ... حکم ... مسلمانان ... وان فاتکم شیء من ازواجکم
الی الکفار فعاقبتم فاتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا ط ...
... واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون ۰ ... یایها
النبی اذا جاءک المؤمنت یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا یزنین ولا یقتلن اولادهن ولا یاتین ببهتان یفترینه بین ایدیهن
وارجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعهن واستغفر لهن الله ط ان الله غفور رحیم ۰ ای نبی چون بیایند ترا زنان مؤمنات ...
... بیعت ...
... الله غفور رحیم ... روز فتح مکه ... حضور علیه السلام ... بیعت ... رسول
خدا علیه السلام ... هند زن ابوسفیان ... حضور علیه السلام ... بیعت ...
هند ... خود ... گفت ... حضور علیه السلام ...
پس گفت هند که ابوسفیان ... حضور علیه السلام
... هند ...

پس حضور علیه السلام فرمود تا قتل کنید او را و خود با ابلیس گفت هند پدر و عم او و شان را نیز که مقتول کرده ایشان بمجالت بزرگی پس شما او شان را واتر بودیم پسرش حنظله قتل کرده شده بود در بدر
پس بخندید عمر تا بپهلو افتاد و تبسم کرد حضور علیه السلام فرمود یار را ببینید تا نیکه افترا کنید آنرا در بسته خود ها و پیش خود ها یعنی قذف کنید و اولاد زنا بزوج خود کا با شان را و گفت هند والله بدر آینه بهتان
است و حکم نیکی با اگر بدبیت و مکارم اخلاق و فرمود حضور علیه السلام و نه گناه کنید در او امر معروف هند گفت نه نشستیم در مجلسی مدد در جای که خواه که نافرمانیت نمایم پس اقرار کردند زنان
بدانچه گرفت بر ایشان عهد و مراد از شرک بالله نزد بعض است از مسلمانان زنان چنانکه ام عطیه گفت که بیعت کردیم با حضور علیه السلام پس خواند بر ما که شرک نه با الله شیئا و منع کرد ما را از نوحه و مراد از قتل اولاد
قتل دختران است که در زمان جاهلیت بود و مراد از بهتان آنست که التقاط کنند طفلی را و بگویند از شوهر است و مراد از معروف حمل العموم است گو فرد با حسب طعن در نسب و استسقا بالنجوم و نوحه سخت
ترین امور است که در خصلت با تمامی مانده اند در این چهار امور از امر جاهلیت که حسب فرموده حضور علیه السلام ترک کنند اهل سلام اینها را بیعت زنان با مصافحه حضور علیه السلام مطابق قول
صدیقه و امیمه رضی الله عنهما نه بوده است فقط با قول بود تا اینجا حکم سوم شد حکم چهارم میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ
كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ای اهل ایمان دوست مگیرید قوم یهود که غضب کرد الله بر ایشان نا امید شدند از آخرت چنانکه نا امید شدند کفار از اصحاب قبور که امید ندارند
کافران بعث انسی مانده بستوریه یهود بعد معاینه معجزات و تطبیق حالات حضور علیه السلام با توریت و نا امید از آخرة شده بودند و ایمان نیاوردند چنانکه حی بن اخطب چون بعد معاینه حضور علیه السلام نجات
رفت بلد خویش پرسید کاسا بنی چه و نست که موعود شده گفت خاص هموست پرسید ایمان بیاری گفت نه و بعض فقرا اهل اسلام برای طلب رزق بیگانها شان میرفتند سخنان اهل اسلام
بطلب نفع و مکر دند حق تعالی او شان را درین آیة منع فرمود یعنی یا ایمان و آن بحکام نسازد کرد عیب درین ان انا نید بیانید نفت **سورة صف مدنیه است** مشتمل

چهارده آیة درین سوره ذکر بعض منافقان و اهل اسلام است چنانکه از قصه بعض منافقین نسبان و سستی بعضی مومنین دلالت برآن دارد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام
خداوند بسیار بخشاینده مهربان سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ تسبیح میکند برای خدا آنچه در آسمانها است و در زمین و آن غالب با حکمت است
کار فتح مکه موقوف بر جنگ نمودن منافقان نیست که اگر نه نمایند و فسادها ندبه این نظر میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ای آنانکه ایمان آورده اید بظاهر خواه
مومنین مخلص باشید چرا میگوئید آنچه نیکنید منافقان دم معاهدت میزدند و بهنگام کار باز پس میشدند كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ سخت بزرگ است از راه
غضب نزد خدا آنکه گوئید آنچه نکنید زیرا که مرضی منافقان جهاد مکه نبود که سفر دور و دراز است إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ
هر آئینه الله دوست میدارد آنان را که مقاتله کنند در راه خدا گویا آنان بنیادی است آهنین چنانکه صفات آنحضرات در اواخر توبه مفصل است وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ یاد کنید ای منافقان
یهود چون گفت موسی برای قوم خود بعد اقرار جهاد چون یوشع و کالیب دیگر از زمین عمالقیان آمده انکار از جهاد کردند چنانکه در فصل … کتاب … يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ
تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ای قوم چرا تکلیف میدهید مرا و میدانید که من رسول الله بطرف شما لیس چون کج شدند کج کرد الله دلهای شان
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ و الله هدایت نمیکند قوم فاسقین را حق تعالی فرمود که در امر جاهل نخواهد شد اشارت بآنست که بر سبیل ایمان نخواهند آورد تا چهل سال در تیه
مانده مردند وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ و چون گفت
عیسی بن مریم ای بنی اسرائیل بدرستیکه من رسول الله بطرف شما تصدیق کننده آنچه پیشتر من است از توریت و بشارت دهنده برسولی عظیم که آید بعد از من نامش احمد باشد یعنی تسلی دهنده و دیگر چنانکه مفصل
در کتاب دوم از انجیل یوحنا گذشت که تسلی دهنده را هدایت فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ پس چون آمد و شان را معجزات گفتند این است سحر ظاهر پس بعد ایمان نیاوردند
در آرامش داخل نشوند پس این زمان مانده ام سببی است وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ و کیست ظالم تر از آن
اهل کتاب که افترا کنند بر خدا دروغ شرک … و خوانده شده بطرف اسلام و الله هدایت نمیکند قوم ظالمان را يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ اراده میکنند
کفار مکه که اطفا کنند نور خدا یعنی آنرا بدهانها خود و الله تمام کننده نور خود است و گر چه کراهت دارند کافران هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ آنخداوند است
که فرستاد رسول خود را بهدایت و دین حق تا غالب کند آنرا بر دین ها و اگر چه کراهت دارند مشرکان اگرچه … شرک کنندگان … يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ای اهل
ایمان بدلالت کنم بر تجارتی که نجات دهد شما را از عذاب دردناک ایمان آرید بالله و رسول او و جهاد کنید در راه خدا با مالها خود و جانها خود این بهتر است برای شما اگر دانید يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

وَيُدْخِلْكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ ۭ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ بیامرزد برای شما گناہان شما و داخل کند شما را در بوستانہا کہ جاریست زیر آنہا
نہرہا و مساکن پاک در جنت عدن این فوز بسیار بزرگ است وَاُخْرٰى تُحِبُّوْنَهَا ۭ نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيْبٌ ۭ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ و نعمت دیگر دست دہد کہ آنرا دوست میدارید نصرت از خدا است و فتح کہ قریب است و بشارت دہ
مومنان را يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْٓا اَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيّٖنَ مَنْ اَنْصَارِيْٓ اِلَى اللّٰهِ ۭ ای اہل ایمان باشید مددگاران خدا چنانکہ گفت مسیح بن مریم برای حواریین قبل
از وقت گرفتاری خود کیست مددگار من بطرف خدا قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ گفتند مثل پطرس حواریان مددگاران خدائیم پس چون مسیح را [illegible] اگر فتار کردند
فَاٰمَنَتْ طَّاۗىِٕفَةٌ مِّنْۢ بَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ پس ایمان آوردند گروہی از بنی اسرائیل [illegible] وَكَفَرَتْ طَّاۗىِٕفَةٌ و انکار کرد گروہی
فَاَيَّدْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا عَلٰي عَدُوِّهِمْ فَاَصْبَحُوْا ظٰهِرِيْنَ پس تائید کردیم [illegible] ایمان آوردند بر دشمنان شان [illegible] علیہ السلام
علیہ [illegible] بشارت شد **سورۃ جمعہ مدنیہ است مشتمل بر یازدہ آیۃ** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ [illegible]
[illegible] صلی اللہ علیہ وسلم [illegible] بشارت بظہور خاتم المرسلین علیہ السلام [illegible]
[illegible] روز شنبہ [illegible] حضور علیہ السلام عبادت میکردند [illegible]
[illegible] مسیح علیہ السلام [illegible] روز جمعہ [illegible] اہل مدینہ قبل از آنکہ تشریف آورد حضور علیہ السلام [illegible]
جمعہ [illegible] روز جمعہ [illegible] حضور علیہ السلام [illegible] حضور علیہ السلام
[illegible] مسجد قبا [illegible] تشریف آوردند
[illegible] حضور علیہ السلام [illegible] بنی سالم بن عوف [illegible] مسجد [illegible] جمعہ خواندند
و خطبہ خواندند [illegible] روز جمعہ [illegible] اختلاف [illegible] علماء در وقت نماز جمعہ [illegible]
[illegible] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ [illegible] يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ
الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ تسبیح میکنند خدا را آسمانہا و زمین [illegible] پادشاہ پاک غالب با حکمت [illegible]
[illegible] هُوَ الَّذِيْ بَعَثَ فِي الْاُمِّيّٖنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهٖ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ ۤ وَاِنْ كَانُوْا
مِنْ قَبْلُ لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ [illegible] تعلیم میکند قرآن [illegible] حکمت [illegible]
[illegible] گمراہی [illegible]
[illegible] اسماعیل [illegible] وَّاٰخَرِيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوْا بِهِمْ [illegible]
[illegible] حضور علیہ السلام [illegible]
[illegible] فارسی [illegible] صلی اللہ علیہ وسلم [illegible] سلمان [illegible]
[illegible] وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ [illegible] ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَاللّٰهُ
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ این فضل خدا است [illegible] حضور علیہ السلام [illegible]
[illegible] مَثَلُ الَّذِيْنَ حُمِّلُوا التَّوْرٰىةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوْهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ اَسْفَارًا [illegible]
[illegible] بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ [illegible] وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ
[illegible] قُلْ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ هَادُوْٓا اِنْ زَعَمْتُمْ اَنَّكُمْ اَوْلِيَاۗءُ لِلّٰهِ
مِنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهٗٓ اَبَدًۢا [illegible]
[illegible]

من الموت الذی تفرون منه فانه ملاقیکم ثم تردون الی عالم الغیب والشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون ۰ بگو بتحقیق مرگیکه فرار میکنید از وی پس آن ملاقات کننده شماست
بازگردانیده شوید بطرف عالم غیب و شهادت پس خبردار کند شمارا بانچه عمل میکردید پس ظاهر شد از عدم مباهله شان که یهود در دعوی خود کاذب اند و ظاهر شد که این پیغمبر امی لقب بمون تحدی مستحق است پس برای
شکر نعمت ای مسلمانان نماز جمعه خوانید و در ادای او رعایت نمائید نظر بآن پیغمبر امید یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم
خیر لکم ان کنتم تعلمون ۰ ای اهل ایمان چون ندا کرده شود برای نماز در روز جمعه یعنی در وقت خطبه پس سعی کنید بطرف خدا و بگذارید بیع را این بهتر است برای شما اگر میدانید مراد از سعی شتافتن است
که بطور زیادت اهتمام و مروت ... باد که در زبان داود چون تاکید وی و نوبت کرده کار را میکردند ازانجا حرج گرفت که چون شان حرم شکل بوده شده اند لاک ... گردیده در بیان
الکرو ابل اسلام شکل جمعه مستی دیان که ... بجهت بجا سرح مسمی ... بطور میکنند بسبب ... آنکه در جمله کتب ... بنویسند که بصیر العرب ... لا اسلام با جرای بعض احکام الاسلام کالعیدین
و الجمعه پس ... مراد از سلطان ... بطور قیاس میکنند موافق جامع الرموز ... است که پادشاه کافر باشد با مسلمانان چون سلطنت حاکم است پس ... قاضی ... حد و ... اجرای
بعض احکام شرعا ... مستحق اند ... جمعه قاضی ... حد و د و ... شرط نیست ... سلطنت اهل اسلام تعریف ... علما ... الکبر مساجد ... مردمان ...
مذهب دوم آنکه ... قاضی ... نماید ... مسئله بودن دار الحرب دار الاسلام باجرای بعض احکام اسلام ... جمعه ظاهر شد که تعریف ... سلطنت اهل اسلام است ...
و باید که در هنگام تشریف آوری حضور علیه السلام در مدینه منوره ... اهل اسلام ... مساجد ... باشد موافقت باسمه ... تعجب ...
... نماز جمعه ... سوم ... نماز جمعه ... فرض جمعه ... باشد ... جمعه شان
... الم کتب ... سنت رسول الله ... فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون ۰ پس چون تمام شود
نماز پس منتشر شوید در زمین ... از فضل خدا ... کنید الله بسیار شاید ... مطابق آیه ... چنانکه چهار رکعت ... سنت
واذا راوا تجارة او لهوا انفضوا الیها وترکوک قائما قل ما عند الله خیر من اللهو ومن التجارة والله خیر الرازقین ۰ و چون ... تجارتی یا لهوی ... بطرف ...
... بگذارند ترا قائم ... خدا است بهتر است از لهو و تجارت ... چنانکه روزی ... دحیه الکلبی ... شام آورد ... مسلمانان ... صحابه مثل صدیق و فاروق بطرف ...
... حضور علیه السلام ... دیگر مسائل ... متعلقه ... سفر روز جمعه ... مطولات است سورة منافقون مدنیه

است مشتمل بر یازده ۱۱ آیه ... محمد بن اسحاق گفت ... آنست که حضور علیه السلام خبر رسید که بنی مصطلق که سردار بنی حرث بن ... ام المومنین رضی الله
عنها ... تشریف ... ملاقات ... بطرف ساحل ... مدینه ... و حاکم آدمیان ...
... جهجاه غفاری ... سنان بن وبرة الجهنی حلیف بن عوف بن خزرج ... انصار ... مهاجرین ...
استغاثت غفاری ... عبد الله بن ابی بن سلول منافق ... قوم ... زید بن ارقم ... مسلمانان مهاجرین ... انصار ... مهاجرین جا داده
... در گروهی ... از غیر ... اهل اسلام ... مهاجرین ... محمد علیه السلام ... آنگفت ... ذلیل ...
... محمد علیه السلام ... عبد الله ... زید بن ارقم ...
علیه السلام ... عمر رضی الله عنه اجازت ... حضور علیه السلام ... محمد علیه السلام قتل میکند اصحاب خود را ... وقت
... منافق ... صاحب ... منافق ... زید ... منافق ... انصار ... غلطی کرده زید ...
پس ... حضور علیه السلام منافق ... حضور علیه السلام ... حضور علیه السلام ... حضور
علیه السلام ... حضور علیه السلام ... حضور علیه السلام ... منافق ... عبد الله
انصاری بن عبد الله منافق ... اهل اسلام ...
شب ... صبح ... آفتاب ... نماز ...
... حضور علیه السلام ... زید بن ارقم ... منافق ...

استماع می کرد منافق گفت که خبر داده خود خیال کرد گمان بد نسبت خود علم غیب را پس جبرئیل علیه السلام حضور علیه السلام را این قول منافق خبر نمود و عتاب آمد بیان کرد و شقی باطن بد بختی معلق شد آن
پس آن کس گردید و بجای که فرمودید حج از مدینه تشریف آوردند و منافق آن مرد با قسم از اعتراض منافق قسم خورد که این قسم در خانه نشست نازل کرد الله سوره منافقون گرفت حضور علیه
السلام گوش بدین قسم و فرمود که خدا ترا صادق کرد بسم الله الرحمن الرحیم مبنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان اذا جاءك المنافقون چون آمدند ترا منافقون یعنی عبد الله بن ابی و همراهانش
مگر در وقت سفر غزوه بنی مصطلق قالوا نشهد انك لرسول الله گفتند گواهی میدهیم بدرستی تو هر آئینه رسول خدائی و با نسبت هیچ سخن نگفتیم زیرا که رسالت ترا اقرار کنیم حقا که پیغمبر
والله یعلم انك لرسوله و خدا می داند بدرستی تو هر آئینه رسول او و قول شان سخن راست والله یشهد ان المنافقین لکاذبون و الله گواهی میدهد بدرستی منافقون کسیکه از ایشان در قول خود
دروغگویان اند گفته ایم بعضی اهل معانی چنان اند اصل علت آیت بخبر اند و تحقیق صدق کذب خبر این در حین همین کلمه در معنی مقطول خود اینند اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا عن سبیل
الله گرفتند قسمهای خود را سپر پس باز داشتند مسلمانان را از راه خدا است که قول این قسم بود که صحابه نسبت بهتان اند قسم منافق را بسیار انهم ساء ما کانوا یعملون
بدرستی بد است آنچه منافقان میکردند ذلك بانهم امنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون این آنچه که ایمان آوردند اول به زبان پیغمبر کفر کردند
معاند پس مهر کرد الله بر دلهای ایشان پس آن نمی فهمند که خبر دلها مهر زده شد و اذا رایتهم تعجبك اجسامهم چون بینی ایشان را خوش آید ترا اجسام ایشان از عبد الله مرد فربه بود وان یقولوا
تسمع لقولهم و اگر گویند می شنوی به قول ایشان کانهم خشب مسندة گویا ایشان چوبهای خشک اند باهم گردیده یعنی بی روح یحسبون کل صیحة علیهم گمان میکنند هر آواز سخت را بر خود
چیا که از شدت خوف هم در وقت صوت هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انی یؤفکون آنها دشمن اند پس بپرهیز ایشان لعنت کرد الله ایشان را کجا برگردانیده میشوند
چون نازل شد اینجا عبد الله بن ابی قریب مدینه بود چون اراده کرد داخل شود در شهر آمد پسرش عبد الله انصاری رضی الله عنه گفت مر او را نه داخل شوی مگر اذن حضور علیه السلام دهد
که ذلیل است پس شکوه فرستاد منافق بطرف حضور علیه السلام اجازت پسرش کرد پس اجازت داد حضور علیه السلام که بگذارد تا داخل شد پس گفت که نازل شد مقدمه ایشان نزد بطرف حضور علیه
السلام تا استغفار کند او را پسرش وگفت که حکم کردید مرا که ایمان آورم آوردم ایمان و حکم کردید زکوة دادم پس باقی نماند که سجده کنم تو را واذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول
الله لووا رءوسهم ورایتهم یصدون وهم مستکبرون و چون گفته شود برای ایشان بیائید استغفار کند برای شما رسول خدا میگردانند سرهای خود را و می بینی ایشان را باز میدارند و حال آنکه تکبر میکنند سواء علیهم
استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم ان الله لا یهدی القوم الفاسقین برابر است بر ایشان استغفار کنی برای ایشان یا استغفار نکنی هرگز نیامرزد الله ایشان را
الله برای ایشان بدرستی الله هدایت نکند قوم فاسقان را پس نماند عبد الله بن ابی بلکه مرد در مرض بعد از پسرش بجا آمد در حضور عبد الله رضی الله عنه بجای رسول بپوشاند
از برای خود حلت حضور علیه السلام را و پوشانید و خواست تا استغفار فرماید عمر رضی الله عنه حضور علیه السلام گفت عرض کرد برای منافق حیات تو در حیات بر نقش نماز کرد و حق تعالی
و از بیکار ام باستغفار و عدم استغفار منافق مطلق بخلاف ایشان مشترک است که منع حضور فرموده ارجاع تعالی اعمال منافقین شان بعد از حضور نیست هم الذین یقولون لا تنفقوا
علی من عند رسول الله حتی ینفضوا منافقان اند که میگویند خرج مکنید بر آنکه نزد رسول است تا متفرق شوند ولله خزائن السموات والارض ولکن المنافقین لا
یفقهون و برای خداست خزانهای آسمان و زمین ولکن منافقان نمی فهمند یقولون لئن رجعنا الی المدینة لیخرجن الاعز منها الاذل ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین ولکن
المنافقین لا یعلمون میگویند هر آئینه اگر بازگردیم بطرف مدینه هر آئینه خارج کند عزیز ذلیل را یعنی خود ذلیل است پیغمبر را و برای خداست عزت و برای رسول او و برای مومنین لیکن منافقین نمی دانند
بیدانستند یا ایها الذین امنوا لا تلهکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله ای کسانیکه ایمان آورده اید غافل نسازد شما را مالهای شما و نه فرزندان شما از یاد خدا
را انداخت ومن یفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون و هر که کند این پس آنها زیانکاران اند چنانکه منافق میدانست که هر در تجارت و مال خود و فرزند و موت زیان وانفقوا مما
رزقناکم من قبل ان یاتی احدکم الموت فیقول رب لولا اخرتنی الی اجل قریب فاصدق واکن من الصالحین و خرج کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه
آید یکی شما را موت پس بگوید ای رب چرا مهلت ندادی مرا تا مدت نزدیک پس تصدق کردمی و بودمی از نیکوکاران زیرا که ظاهر است که در تحصیل خیر است و نیز سیدی تعظیم
حضور علیه السلام در وقت ذکر ولادت حضور علیه السلام تجلیل ولادت درست ولن یؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها والله خبیر بما تعملون
والله خبیر است بآنچه عمل کنید سورة تغابن مدنیه است مشتمل بر هژده آیات
بود پس او وقتی که چون قصد هجرت نمود از زن و اولاد ایشان گفتند که ما را گذاشته میروی

[illegible]

باطن بطرف کفار مایل بظاهر بطرف کفار بودند و در حقیقت بطرف مسلمانان نیز رتبه متصل سورۂ منافقون نمود والله دست کفار سفر با مدینه متوجه با ایشان شوند چنین تا کسان موافقت

سا ... سورة التغابن بسم الله الرحمن الرحيم ... يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ۔ تسبیح میگوید

خدا را آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است مر او راست ملک و مر او راست حمد و آن بر هر چیز قادر است ... آسمان و زمین هُوَ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَّمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ ؕ وَاللّٰهُ

بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۔ او آن خدا است که پیدا کرد شما را پس بعض شما کافر اند و بعض شما مومن اند و خدا بعمل شما بینا است ... اهل ایمان ... کافر را ... حقیقت ایمان

و کفر سبب ... امکان ... با وجود آنکه خالق ... لیکن ... امکان ایمان ... گشته ... است که شقی ... سعید ... نوشته

و لا ... کفار ... بر ما ... المؤمنین ... رضی الله عنها ... و لا ... در ... امکان ... خلق ... کفر و ایمان ... اگر ... جرح ...

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۚ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ۔ پیدا کرد آسمانها و زمین ... صورت کرد شما را پس نیک کرد صورتهای شما را و بطرف او است رجوع

يَعْلَمُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۔ میداند آنچه در آسمانها است و در زمین و میداند آنچه پوشیده میکنید و ظاهر ایمان آنچه

ظاهر ... باشد ... اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلُ ۫ فَذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۔ آیا نیامد شما را خبر کافران ...

آن که کفر کردند پیش ... چشیدند وبال ... عذاب دردناک ... ذٰلِكَ بِاَنَّهٗ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ

بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوْۤا اَبَشَرٌ يَّهْدُوْنَنَا ۫ فَكَفَرُوْا وَتَوَلَّوْا وَّاسْتَغْنَى اللّٰهُ ؕ وَاللّٰهُ غَنِىٌّ حَمِيْدٌ ۔ این عذاب بآن سبب است که آوردند ... رسولان ... پس گفتند آیا بشر ... است که ...

پس کفر کردند و باز گشتند ... و الله غنی است حمید ... زَعَمَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اَنْ لَّنْ يُّبْعَثُوْا ؕ قُلْ بَلٰى وَرَبِّىْ لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ؕ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ

يَسِيْرٌ ۔ گمان کردند آنانکه کفر کردند که مبعوث نشوند بگو بلی قسم پروردگار من ... مبعوث شوید باز ... خبر داده شوید ... آسان است فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالنُّوْرِ

الَّذِىْۤ اَنْزَلْنَا ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۔ پس ایمان آرید بالله و رسول او ... نازل کردیم ... یَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ؕ

وَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُّكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَاۤ اَبَدًا ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۔ روزیکه جمع کند شما را ...

... قیامت ... ایمان آورد و ... کار کند نیک ... داخل کند ... بوستانها که جاری است زیر آنها نهرها همیشه ماندگان ...

این ... وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَاۤ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ۔ و آنانکه تکذیب کردند آیات ما را ... اصحاب آتش همیشه باشندگان ...

... مَاۤ اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ

وَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ يَهْدِ قَلْبَهٗ ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيْمٌ ۔ ... مصیبت ... ایمان آرد ... الله ...

... وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِنَّمَا عَلٰى رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۔ و اطاعت کنید

الله و اطاعت کنید رسول ... اَللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ؕ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ۔ خدا ...

... يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ ۚ ... ازواج شما ...

... وَاِنْ تَعْفُوْا وَتَصْفَحُوْا وَتَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۔ ...

هجرت ... غفور رحیم است اِنَّمَاۤ اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ؕ وَاللّٰهُ عِنْدَهٗۤ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ۔ جز این نیست که اموال شما و اولاد شما فتنه است ...

عظیم فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاَنْفِقُوْا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ ؕ وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۔ پس بترسید از الله چندانکه طاقت دارید

بشنوید و اطاعت کنید ... اِنْ تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ

شَكُوْرٌ حَلِيْمٌ ۔ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۔ اگر قرض دهید خدا را ... بیامرزد ... شکور ... داننده غیب و شهادت

غالب با حکمت

سورہ طلاق مدنیه است مشتمل بر دوازده آیه

... ابن عمر رضی الله عنهما ... طلاق ...

... حضور علیه السلام ... طلاق ...

مدنیست که حکم کرده است الله طلاق و عدت زنان را و آن دوازده آیت است بسم الله الرحمن الرحیم بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن
لعدتهن واحصوا العدة ای وقت سنی چون طلاق دهید زنان را پس طلاق دهید ایشان را برای عدت ایشان که شمار کنند آنرا و وقت خود نگاه دارید عدت را و معاون انجمن است که از حدیث ابن عمر گذشت خود
و در حدیث ابن عمر است فی قبل عدتهن یعنی در قبل عدت ایشان و لازم است که طلاق گفته شود در طهری که جماع نکرده است مر ایشان را بهر تقدیر مطابق حدیث بمذهب شافعی شد لفظ قروء بر طهر
حیض بر حیض آید و لفظ ثلث به شبه تعیین جمع و دلالت میکند مجازا ممکن که بر بعض ثالث مراد است چنانکه الحج اشهر معلومات لفظ اشهر دلالت بر دو کامل میکند و مراد از شوال و ذی القعده و بعض ذی الحجه است
بالیقین از قیاس حنفیه حال چنین است واتقوا الله ربکم لا تخرجوهن من بیوتهن ولا یخرجن الا ان یاتین بفاحشة مبینة وتلک حدود الله ومن یتعد
حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرا و بترسید از الله پروردگار خود را از خانه بیرون کنید ایشان را مگر آنکه بیایند به بدی ظاهر
و این حدود الله است هر که تجاوز کند حدود خدا را پس ظلم کرده است بر نفس خود لا تدری که الله پیدا کند بعد از این امری یعنی رجعت مثل ایسنجا آیات و در تفاسیر مفصل مذکور است فاذا بلغن اجلهن
فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف واشهدوا ذوی عدل منکم واقیموا الشهادة لله ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله والیوم الاخر
پس چون برسند زنان میعاد خود را پس نگاه دارید ایشان را به نیکویی یا مفارقت کنید ایشان را به نیکویی و گواه کنید صاحب عدل از شما و قایم کنید شهادت را برای خدا این نصیحت میکند الله آنرا که ایمان آورد
بالله و روز قیامت ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا و هر که بترسد از الله گرداند برای او مخرجی و روزی دهد او را از جایی که گمان نکند و هر که توکل کند بر خدا پس آن کافیست او را بدرستی که الله رساننده امر خود است گردانیده است الله برای هر چیزی اندازه
پس اگر طلاق دهند بترسند از الله گرداند برای ایشان مخرجی طرف رجعت در عدت ... و دیگر زنان را جایگاه آنست ... آیه دیگر ... رمز ... گویند در حق
عوف بن مالک اشجعی مطابق این آیه حکم فرمود چون مشرکان پسرش را گرفتار کردند او نزد حضرت علیه السلام عرض کرد و شکوه فاقه نمود پس حضور علیه السلام فرمود تقوی کن بخدا و صبر کن و لا حول و لا قوة
الا بالله زیاده کن پس کرد پس بحال پسرش آمد که غافل شد دشمن پس او شتران آورد بر دشمن پس حق تعالی فرمود واللائی یئسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن
ثلثة اشهر واللائی لم یحضن و آن زنانی که نا امید شدند از حیض اگر شک کنید در عدت ایشان پس عدت ایشان سه ماه است و آن زنانی که حیض نیاورده اند یعنی صغیره باشند
واولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن و صاحبات حمل میعاد ایشان است آنکه وضع کنند حمل خود را ومن یتق الله یجعل له من امره یسرا ذلک امر الله انزله الیکم
ومن یتق الله یکفر عنه سیئاته ویعظم له اجرا و هر که بترسد از الله گرداند برای او آسانی این حکم خداست نازل کرد او بطرف شما و هر که بترسد الله کفاره کند گناهان او را و بزرگ
کند اجر او را اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم ولا تضاروهن لتضیقوا علیهن وان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن
در آرید زنان مطلقه را جایی که ساکن شوید حسب وسعت خود و ضرر مرسانید ایشان را تا تنگی کنید بر ایشان اگر باشند زنان صاحبات حمل پس نفقه کنید بر ایشان تا وضع کنند حمل خود را فان ارضعن لکم
فاتوهن اجورهن واتمروا بینکم بمعروف پس اگر شیر دهند زنان مطلقه برای اطفال شما پس بدهید ایشان را اجرت ایشان و مشورت کنید در میان خود به نیکی وان تعاسرتم فسترضع
له اخری و اگر اشکال کنید در میان خود و نرسد ... پس شیر دهد برای طفل زن دیگر یا دایه ... لینفق ذو سعة من سعته ومن قدر علیه رزقه فلینفق
مما اتاه الله لا یکلف الله نفسا الا ما اتاها سیجعل الله بعد عسر یسرا باید نفقه کند صاحب وسعت از وسعت خود و هر که تنگ کرده شود روزی او پس باید نفقه کند
از آنچه داده است او را الله تکلیف نمی دهد الله هیچ نفسی را مگر آنچه داده است او را زود باشد که گرداند الله بعد از تنگی آسانی وکاین من قریة عتت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شدیدا و
عذبناها عذابا نکرا و بسیاری از قریه سرکشی کردند از امر پروردگار خود و رسولان او پس حساب کردیم او را حساب سخت یعنی غضب کردیم ... و عذاب ... کرده
شود عذاب کرده شود فذاقت وبال امرها وکان عاقبة امرها خسرا اعد الله لهم عذابا شدیدا پس چشید ... مرخود ... و بود ... ایشان
شان خاسر پس ای اهل اسلام ... فاتقوا الله یا اولی الالباب الذین امنوا پس بترسید ... ای صاحبان عقلها آنکه ایمان آورده اند قد
انزل الله الیکم ذکرا رسولا یتلوا علیکم ایات الله مبینات لیخرج الذین امنوا وعملوا الصالحات من الظلمات الی النور ... نازل کرده است الله بطرف شما
ذکر کرده شده و رسولی ... آیات خدا روشن ... تا خارج کند آنان را که ایمان آورده اند و کار نیک کردند ... ومن یؤمن
بالله ویعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا قد احسن الله له رزقا ...

جاریست زیرا کہ دانش نیز ما مانندگان مر آن ہر شی کہ کردہ است برایشان رزق و بیادی اَللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ وَّمِنَ الْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ خدا کیست کہ پیدا کرد ہفت آسمانہا
و از زمین مثل آسمان در شمار یعنی ہفت چنانچہ مطلعہ از ابن عباس ہست کہ حدیث صحیح کردہ روایتی بشرط بخاری و مسلم دیگر از ابن عباس نحو ہم بیہقی باسناد صحیح روایت از ابن عباس نحو دو ہم در حدود گفتہ
از ابو ہریرہ مرفوعا روایت کردند کہ ما بین آسمان دیگر فاصلہ پانصد سالہ راہ است و ما بین یعنی از زمین دیگر پانصد سالہ راہ است و مراد و بعدی حدیث داخل اکرد اسحق بن راہویہ و البزار از حدیث ابی ذر مثل این تا آسمانہا
زمینہا تو تو اند بالطبع مجاور است میگویم بطور مسلسل تو تو نیند بلکہ بطور مجاور ہستند بدلیل حدیث ثعلبی در حق ایشان از ابن عمر رضی اللہ عنہما است کہ شب شان روز ماست و روز ما شب شان و فاصلہ زمین چنانکہ
از آسمان است دور اند و در زمین ممکن نیست کہ زمین دیگر در جوف فرض کنیم زیرا سطح زمین نزدیک است و چہار میل است پس واضح گشت کہ ہفت زمین بطور مجاور ہستند و ممکن نیست کہ
ہفت زمین در جوف آسمانی باشد کہ فاصلہ پانصد سالہ راہ دارد و میان آنہا ہفت زمین بفاصلہ پانصد پانصد سالہ راہ دارد پس مقصود از پانصد سالہ عرصہ دراز است و اندرین عرصہ این امر واضح
است کہ بسیاری سیارہ ہای سبعہ سیارہ معلوم میشود منجملہ از آنہا زیر آسمان پائین ہفت زمین اند کہ از عکس آفتاب در آب گرداگرد آنہا مثل ستارہ معلوم میشوند و ہم مشاہدہ شدہ است کہ در اکثر
اوقات کہ کسوف پیدا میگردد ستارہ ہا ظاہر میشود ہمین است زمین دوم کہ در حدیث مذکور است کہ در طبقہ ثانیہ ریح عقیم است و از و خارج میشود بنامہای مختلفہ چنانکہ زیادت آنجا از رشتی
ہاست موجب است باقی ترجمہ روایت واضح است انکہ از ابن عمر رضی اللہ عنہما از رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در حق ایشان روایت کرد کہ بدرستی حضور علیہ السلام فرمود میان ہر زمینکہ
کہ قریب است پانصد سالہ است و آن ہفت طبقات اند زمین دوم عقیم کردہ شدہ است یعنی در آن و از ان خارج میشوند بنامہای مختلفہ و در زمین سوم خلق است روئے شان
مثل روہای بنی آدم است و دہنہائی شان مثل دہنہائی سگان و دست شان مثل دست آدم و پاہائی شان مثل پائی گاو و گوشہای شان مثل گوش بز و موہای شان مثل موی …
گوسپند … نمیکنند خدا را ابدا چشم زدن روزہای شان شب است و شب شان روز است و در زمین چہارم سنگ کبریت است آنکہ تیار کردہ است اللہ برای اہل آتش …
جہنم فرمود رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قسم آن ذاتیکہ جان من در دست اوست بدرستی در ان جگہہا است از کبریت اگر … اللہ در ان کوہہا بلند بسوزد و در زمین پنجم … اہل دوزخ
ہست و در ششم … اہل دوزخ ہست و اعمال شان … سجین است و ہفتم مسکن ابلیس و لشکر شر است … پس انبیا … ہیچ مخالفت با اہل … نیست سبحان اللہ
اولین و آخرین حضور علیہ السلام … واضح باد کہ درین زمینہا مخلوق دیگر … و مکان آنہا چنانکہ از حدیث خود واضح شد بصورت آدم نیند پس انبیا او شان ہم … کہ در حسن
صورت پیدا شدہ … انبیا … است … مرتبہ … ہیچ حرجی … جناب ختم المرسلین علیہ السلام حدیث ابن عباس نبی اند …
آدم مثل آدم شما و ابراہیم ہست مثل ابراہیم شما و نوح است مثل نوح شما و موسی است مثل موسی و عیسی است مثل عیسی و نبی است مثل نبی شما یَتَنَزَّلُ الْاَمْرُ بَیْنَهُنَّ
لِتَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ فرود می آید امر در میان آنہا از آسمانہا تا بدانید کہ بدرستی اللہ بر ہر شی قادر است پس خداوند … [illegible]
… وَّاَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا و بدرستی اللہ احاطہ کردہ است
ہر شی را بعلم … احاطہ کردہ است

سورہ تحریم مدنیہ است مشتمل بر دوازدہ آیہ

واضح باد کہ حضور علیہ السلام حلوا و شہد را دوست
میداشت و بعد نماز عصر بر امہات المؤمنین تشریف می آوردند روزی نزد حفصہ رضی اللہ عنہا تشریف آوردند و درنگ کردند شہد نوشیدند پس صدیقہ رضی اللہ عنہا حیلہ کرد و با سودہ رضی اللہ
عنہا گفت کہ چون حضور علیہ السلام بر تو تشریف آرند پس بگو آیا خوردی مغافیر … طعام … خوردہ است پس خواہد فرمود نہ پس بگو چیست این بو پس خواہد فرمود کہ حفصہ
شربت شہد نوشانیدہ پس بگو نوشیدہ شہد عرفط … گفت … صفیہ تو ہم بگو پس چون بر سودہ تشریف آوردند … سودہ گفت باز چون بر صدیقہ تشریف آوردند او ہم …
گفت پس چون بر حفصہ تشریف آوردند یعنی بار دیگر پس حفصہ گفت کہ شہد حاضر است فرمود مرا حاجتی نیست و سبب این حیلہ آن بود کہ نزد زینب بنت جحش رضی اللہ عنہا …
شربت شہد مینوشیدند پس روزی بر ام المؤمنین زینب شربت شہد نوشیدند … حفصہ مصلحت شدہ بود کہ چون حضور علیہ السلام تشریف آرد بگوید کہ بوئی مغافیر …
حضور علیہ السلام … عرض نمود … فرمود … نیست نوشیدم شہد نزد زینب بنت جحش … شہد … زینب …
لیکن … تحریم شہد … حفصہ رضی اللہ عنہا حضور علیہ السلام … تشریف آورد و حفصہ اجازت خواست تا بر پدر خود عمر رضی اللہ عنہ
رفتہ … حضور علیہ السلام … مباشرت …
عرق … حفصہ … حلال کردہ است اللہ … [illegible]

باش که آن حرام است پس بخواهش رضامندیت و بعد از من ابوبکر خلیفه شود و بعد از وی پدر تو خبر کسی دیگر را مکن چون حضور علیه السلام تشریف برد حفصه را [illegible] صدیقه و آواز داد
و گفت که بشارت زیاد علم کرد حضور علیه السلام کنیزک خود ماریه را بر خود حرام کرد یعنی حضرت صدیقه رضی الله عنها اگرچه حلف فرمود حضور علیه السلام آنگه قریب نشود به ماریه که [illegible] آمده بود
فرموده سوره مبارکه ازین قصه حق تعالی خبر فرمود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَاۤ اَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ ۚ تَبْتَغِیْ مَرْضَاتَ اَزْوَاجِكَ ؕ
وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ای نبی چرا حرام میکنی آنچیزی را که حلال کرده است برای تو یعنی شهد و ماریه و الله بخشاینده مهربان است قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَیْمَانِكُمْ ۚ بدرستیکه فرض کرده است الله برای شما
حلال نمودن قسمهای شما یعنی کفاره وَ اللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ ۚ وَ هُوَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ و الله مولای شما است و آن دانا با حکمت است [illegible] یعنی اجرای این رسم [illegible] خود تجویز کنید تا دیگران هم [illegible]
[illegible] بخلاف عهد [illegible] و وفا بالعهد [illegible] تفصیل قصه میفرماید وَ اِذْ اَسَرَّ النَّبِیُّ اِلٰى بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِیْثًا ۚ فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَ اَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَیْهِ
عَرَّفَ بَعْضَهٗ وَ اَعْرَضَ عَنْۢ بَعْضٍ ۚ و چون پوشیده گفت نبی بطرف بعض از زنان خود حفصه حدیث حرمت شهد و ماریه و خبر خلافت ابوبکر و بعد وی عمر پس چون خبر دار کرد حفصه عائشه را بدان خبر و ظاهر کرد
آن سر را الله بر پیغمبر بیان کرد بعض حدیث به عائشه از حرمت شهد و ماریه و اعراض کرد از بعض سخن یعنی خلافت ابوبکر و عمر تا از حضرت صدیقه [illegible] نشود فَلَمَّا نَبَّاَهَا بِهٖ قَالَتْ مَنْ اَنْۢبَاَكَ
هٰذَا ؕ قَالَ نَبَّاَنِیَ الْعَلِیْمُ الْخَبِیْرُ پس چون خبر داد پیغمبر حفصه را بدان عرض کرد که کدام خبر دار کرد ترا فرمود خبر دار کرد مرا علیم و خبیر خداوند پس حضور علیه السلام در [illegible] ماریه تنها نشست
و در [illegible] نشست و عمر رضی الله عنه خبر شد که حضور علیه السلام زنان خود را طلاق داده حالانکه طلاق کسی نداده بود پس اجازت خواست و بمرتبه سوم اجازت شد پس پرسید که آیا طلاق [illegible]
زنان [illegible] فرمود نه و گفت [illegible] گروه قریش ایم چون [illegible] مدینه آمدیم عادت زنان مدینه گرفتند پس تبسم فرمود حضور علیه السلام و گفت عمر که قبل ازین بحفصه گفته بودم که [illegible] جاریه [illegible] عائشه
مباش پس تبسم فرمود حضور علیه السلام باز فاروق نشست و گفت دعا فرما تا وسعت کند خداوند امت ترا که فارس و روم را وسعت فرموده [illegible] ای ابن خطاب [illegible] شان [illegible] کرده شد
[illegible] در دنیا طیبات شان پس عرض کرد که استغفار کن برای من و عمر رضی الله عنه [illegible] آمد بر تو از شان زنان پس اگر طلاق داده باشی پس الله و ملائکه و جبرئیل و میکائیل و من و
ابوبکر و مؤمنون با تو اند و امید وارم که الله تصدیق کند قول مرا خدا تعالی پس نازل شد اِنْ تَتُوْبَاۤ اِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوْبُكُمَا ۚ اگر توبه کنید ای عائشه و حفصه بطرف خدا پس تحقیق میل
کرده دلهای شما و واجب کرده دلهای شما توبه را وَ اِنْ تَظٰهَرَا عَلَیْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰىهُ وَ جِبْرِیْلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ ۚ وَ الْمَلٰٓىِٕكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِیْرٌ و اگر غلبه
کنید بر پیغمبر پس تحقیق الله آن مولا و دوست و جبرئیل و نیکو مؤمنین یعنی ابوبکر و عمر و غیره و ملائکه بعد ازین پشت و پناه اند عَسٰى رَبُّهٗۤ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ یُّبْدِلَهٗۤ اَزْوَاجًا خَیْرًا مِّنْكُنَّ
مُسْلِمٰتٍ مُّؤْمِنٰتٍ قٰنِتٰتٍ تٰٓىِٕبٰتٍ عٰبِدٰتٍ سٰٓىِٕحٰتٍ ثَیِّبٰتٍ وَّ اَبْكَارًا امید هست که پروردگار وی اگر طلاق دهد پیغمبر شما را آنکه بدل کند او را زنان بهتر از شما اسلام آرندگان
مؤمنات نماز خوانندگان توبه کنندگان از خلاف عبادت کنندگان سیر کنندگان بهمراه پیغمبر بیوه و باکره ازین بیان قدرت خدا است نه آنکه در عالم بهتر از امهات المؤمنین زنان اند
واقع بعد ازین آیه یا ایها النبی قل لازواجک تا [illegible] سوره نور نازل شد پس [illegible] آن ماه بیست و نه روز [illegible] داخل شد بر عائشه رضی الله عنها فرمود [illegible]
خویش شتابی مکن [illegible] پدر و مادر [illegible] عرض کرد [illegible] آخرت [illegible] اهل اسلام [illegible]
کرده خلاف حکم خدا خود [illegible] و اهل شان یعنی در مقدمه امهات مؤمنین [illegible] میفرماید یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا قُوْۤا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِیْكُمْ نَارًا وَّ قُوْدُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ
عَلَیْهَا مَلٰٓىِٕكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا یَعْصُوْنَ اللّٰهَ مَاۤ اَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلُوْنَ مَا یُؤْمَرُوْنَ ای اهل ایمان نگاه دارید نفس خود را و اهل خود را از آتش دوزخ که هیزم آن آدم و سنگ است
بران ملائکه اند سخت قوی نافرمانی نکنند حکم خدا و آنچه امر کرده شوند پس با حرم محترم رسول خدا با ادب باشید یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ كَفَرُوْا لَا تَعْتَذِرُوا الْیَوْمَ ؕ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ
ای آنکه سرکشی کرده اید [illegible] عذر مکنید امروز [illegible] جزا داده شوید آنچه عمل میکردید یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ
اٰمَنُوْا تُوْبُوْۤا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا ؕ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ یُّكَفِّرَ عَنْكُمْ سَیِّاٰتِكُمْ ای اهل ایمان توبه کنید بطرف خدا توبه نصیحت کننده قریب است پروردگار شما [illegible] کند
بدیهای شما یعنی [illegible] در مقدمه [illegible] امهات المؤمنین صادر شده باشد وَ یُدْخِلَكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ و داخل کند شما را در بوستانها که جاری است از زیر
درختانش نهرها یَوْمَ لَا یُخْزِی اللّٰهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ ۚ نُوْرُهُمْ یَسْعٰى بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَ بِاَیْمَانِهِمْ یَقُوْلُوْنَ رَبَّنَاۤ اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا ۚ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ روزیکه رسوا نکند الله نبی را و آنانکه ایمان آورده اند با او نور شان میرود پیش روی شان و بدست راست شان گویند پروردگارا کامل کن برای ما نور ما را و بیامرز ما را تو بر هر شی قادر
یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنٰفِقِیْنَ وَ اغْلُظْ عَلَیْهِمْ ؕ وَ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ وَ بِئْسَ الْمَصِیْرُ ای نبی جهاد کن با کافران و منافقان [illegible] درشتی کن بر ایشان و جای شان

دوزخ است و بہشت بازگشت جمیع زنان گیتی در مقصد ضروری خانگی کو الا نبی پروردگار عالم نیایدارست باشیخ می آید حالانکه جائی اعتراض نیست غور کنید بحال زن نوح و لوط نظر بر این فرمایا
ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِیْنَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوْحٍ وَّامْرَاَتَ لُوْطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَیْنِ فَخَانَتٰهُمَا فَلَمْ یُغْنِیَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَیْـًٔا وَّقِیْلَ
ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِیْنَ ۝ بیان کند الله مثلی برای کافران زن نوح و زن لوط را که بودند هر دو زیر دو بنده از بندگان ما نیکوکاران پس خیانت کردند آن هر دو زنان آن نوح و
لوط را پس نفع نکردند آن دو بندگان پاک ایشان را هر دو از عذاب خدا چیزی و گفته شد داخل شوید ای هر دو زنان با داخل شوندگان در عذاب و مراد از خیانت خیانت در مذهب است اور نه در احصان شان
فرق نبود که در آیه الطیبات للطیبین اوست وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِیْنَ اٰمَنُوا امْرَاَتَ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِیْ عِنْدَكَ بَیْتًا فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنِیْ مِنْ فِرْعَوْنَ
وَعَمَلِهٖ وَنَجِّنِیْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِیْنَ ۝ بیان کند الله مثلی برای آنانکه ایمان آورده اند زن فرعون چون گفت ای پروردگار من بنا کن برایم نزد خود مکانی در جنت و نجات ده مرا از فرعون
و کارش و نجات ده مرا از قوم ظلم کنندگان وَمَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرٰنَ الَّتِیْٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِیْهِ مِنْ رُّوْحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهٖ و مریم بنت عمران که
نگاه داشت فرج خود را پس نفخ کردیم در آن از روح خود و تصدیق کرد بفرموده پروردگار خود و کتابهایش که در آن ذکر مسیح بود وَكَانَتْ مِنَ الْقٰنِتِیْنَ ۝ و بود از قوم صالحان و در
حدیث شریف است که فرمود حضور علیه السلام کفایت کند از زنان عالم مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد علیه السلام و آسیه زن فرعون **سورة الملك مكية**
است مشتمل بر سی آیة واضح باد که قول کفار بود چنانکه قول هنود است که خدا را با بندگان چه علاقه که یکی را پیغمبر کند و دیگر را امت و یکی مستوجب جنت بود و دوم مستوجب دوزخ و در
قیامت تغیر انجم نیست یا بعد قیامت خدا آید در زمین او را چه فائده و او در نظرش یکسانیم یکی در جنت و دوم در دوزخ چرا پس در رد قول شان فرمایا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان تَبٰرَكَ الَّذِیْ بِیَدِهِ الْمُلْكُ بزرگ است آنکه در دست اوست ملک ای تمام عالم چنانکه بر هر چیز باعث تغیر حالات آنهم است در ضمن و بدان هر چیز که نسبت تغیر در هر یکند
چیزی موجود و قادر باشد غلط بلکه وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرُ ۝ و آن بر هر شیء قادر است نه چنانکه خیال شما است که نسبت تغیر در هر یکند و از آن باشد چون قدرتش که خدا بر همه
و امکان ممکن است شود ایجاد است فرمایا الَّذِیْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیٰوةَ لِیَبْلُوَكُمْ اَیُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ط آنکه پیدا کرد موت و حیات را تا بیازماید شما را مطابق آنچه در علم اجمالی است که از اشیا یک
است از روی عقل که باعث عمل است نه بر هر شیء در نفس خود نیکو است و امکان عالم عناصری تخلیق موت و حیات میخواهد که صورت مثالی موت کبش املح است که میکند ذبح یحیی بن عالم
و نیز بندگی بخشی گو عبارت از ظهور الارض و غیره است مگر میسر دو صورت مثالی حیات به صورت اسپ اُبلق است که بر او جبرئیل عالم عناصر بیاید است که بذریعه اش هر شیء ظاهر بذریعه مثل علم است
بر او همه دو بخشی که عبارت از اسباب حیات است نیز سبب چیزی که زنده میکند و از آن اول سامری گرفته بود که در بین گوساله انداخت و چگونه نباشد ۝ الخ تا به سه جزو هزار و چه
در بندی سر از روی بر آرد و تا اسما خدا در عزیز و غفور است مدار نظر فرمایا وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْغَفُوْرُ ۝ و او غالب آمرزگار است بر کافران بخشنده مومنان لیکن تا وقتیکه کافر مومن نباشد
آن دو اسم او بر عقیده مسیحیان تندیس و چون نسبت بالسویه فرق در اسما افتاد و در دو آن نمائش است که نظر اختلاف استعداد و امکان پیدا کرد هفت آسمان که یکی بالا دیگری است چنانکه فرمایا
الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا ط آنکه پیدا کرد هفت آسمان طبق بر طبق با وجود نسبت تامه و بالاشدنش نسبت ذات باهمه بالسویه است نظر بر این فرمایا مَا تَرٰی فِیْ خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ
تَفٰوُتٍ ط نمی بینی در خلق رحمن فرق زیرا مقتضی رحمن بالسویه است فرق در امکان اشیا است فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرٰی مِنْ فُطُوْرٍ ۝ باز گردان بینائی را آیا می بینی در نسبت خلق رحمن نظر
رحمت بالخصوص در نسبت آسمانها خللی و شقوق ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَّهُوَ حَسِیْرٌ ۝ باز گردان بینائی را دوبار رجوع کند بطرف تو بینائی
ذلیل در حالیکه عاجز خواهد بود و سوای فرق امکان فرق در رحمت رحمن نیست و نظر اختلاف امکان یکی موج محکم است یعنی فلک قمر و دوم بنظر زهره مثل مرمر صفا سوم بنظر رنگ عطارد مثل آهن
است در رنگ سیر چهارم مثل یاقوت سرخ نظر آفتاب پنجم بنظر مریخ از نقره ششم بنظر مشتری مثل سیم هفتم از مثل مس و در زمین بنظر زحل این است که کعب ففر و گو برادیان ترتیب
محفوظ ماند پس چون اختلاف نظر امکان ممکن و آرایش نظر ظهور کمالات تصور پس نه این مومن یکی همه دیگر را استعداد نظر تطبیق چنین گویان نظر اعجاز آن نبی متعین بالخصوص معجزه که
در آن اعمال سحر و شعبده غیر ممکن و آن بجانست که در فصل بستم مکاشفات نوشته شده است که قبل از یک هزار سال شوکت یاجوج و ماجوج انگریز شیطان مقید خواهد شد و صورت قید زنجیر
واقع شد که هر که بالا رود شهاب را خند کرد فان از کره آب هوا بالا میرود چون شیاطین بطرف بالا روند ایشان از رجم جانشان شتعال یابند بقوت ملائکه و آنچه رسالت مذبوحه کاهنان لب
منکران اهل کتاب شنیده آنچه مقصود گردید نظر بر این فرمایا وَلَقَدْ زَیَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیْحَ و هر آئینه زینت دادیم آسمان دنیا بچراغها قبل از این ستارها مشابه چراغها که ستاره سحر که
هفت شهور و غیره است چنانکه در انسان کامل قبل از زمان انگریز ان نوشته شده است و انگریزان [illegible] سحر کسی ظاهر وَجَعَلْنٰهَا رُجُوْمًا لِّلشَّیٰطِیْنِ وَاَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ

بیش است کفار را که ... ظاهر نبوت ... حادث است ... بکثرت ... ظاهر ... خبر ... بعثت ختم المرسلین علیه السلام ... تقریر
ظاهر که مصابیح آسمانی ... و مصابیح آسمانی در آسمان ... که از ... صنعت ... است وللذین کفروا بربهم عذاب جهنم وبئس
المصیر ... بدی ... پروردگار خود ... جهنم ... بازگشت جهنم اذا القوا فیها سمعوا لها شهیقا وهی تفور تکاد تمیز من الغیظ چون انداخته شوند
... آواز ... کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم نذیر ... انداخته شوند آن ...
سوال ... قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا وقلنا ما نزل الله من شیء ان انتم الا فی ضلال کبیر ... گویند ...
بود محمد علیه السلام ... گفته ... وقالوا لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر ... گویند اگر شنودیم ...
... فسحقا لاصحاب السعیر ... ان الذین یخشون ربهم بالغیب لهم مغفرة واجر کبیر ... پروردگار خود ...
... جبرئیل ... محمد علیه السلام ... واسروا قولکم
او اجهروا به انه علیم بذات الصدور ... الا یعلم من خلق وهو اللطیف الخبیر
... هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناکبها وکلوا من رزقه والیه النشور ...
... زمین ... اول ...
... ءامنتم من فی السماء ان یخسف بکم الارض فاذا هی تمور ... آسمان ...
... محمد علیه السلام ...
ام امنتم من فی السماء ان یرسل علیکم حاصبا فستعلمون کیف نذیر ... صاحب ...
... ولقد کذب الذین من قبلهم فکیف کان
نکیر ... قیامت ...
... اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات ویقبضن ...
... ما یمسکهن الا الرحمن انه بکل شیء بصیر ...
...
امن هذا الذی هو جند لکم ینصرکم من دون الرحمن ...
... ان الکافرون الا فی غرور ... امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه ...
... بل لجوا فی عتو ونفور ... افمن یمشی
مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم ...
... قل هو الذی انشأکم وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون ...
... قل هو الذی ذرأکم فی الارض والیه تحشرون ...
... ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین ...
قل انما العلم عند الله وانما انا نذیر مبین ...
فلما رأوه زلفة سیئت وجوه الذین کفروا وقیل هذا الذی کنتم به تدعون ...
... محمد علیه السلام ...

إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ه مگر خبر دهید اگر هلاک کند مرا خدا یا رحم کند در دنیا پس کیست که پناه دهد کافران را از عذاب اخروی قُلْ هُوَ
الرَّحْمَٰنُ بگو آن خدا که یکی صفاتش مذکور شد رحمن است آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ما ایمان آوردیم باو و بر او توکل کردیم پس زود است که بدانید آنکه او در گمراهی ظاهر است
پس السهون بعض سست کردار را و امید هم و شما او امید ندید و گمراه بیند اسند قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ ه بگو خبر دهید اگر باشد آب شما خشک پس کیست سوای رحمن
که آرد شما را آب جاری حدیث آمده که حضور علیه السلام فرموده که در سی سوره از کتاب الله نیست آن مگر سی آیه که شفاعت کند برای مردی تا بیرون کند او را از آتش و داخل کند او را در جنت و آن سوره
تبارک الذی است **سورة قلم مكية است مشتمل بر پنجاه و دو آیه** در سبب نزول در ذکر شناعت ولید بن مغیره است که حضور علیه السلام را دیوانه میگفت ملاعین از این معنی خوش
شکایت قطع خواهد شد و قریش از قصه کهنه خیال میکردند میگفت که مرد جوان ناتمام ولد از قیامت خواهد شد آن زده خواهد یافت اهل که خواستند که حضور علیه السلام قدر که نزد شیوع احباب و هدایت عبادت
تبان هم جاری اند و بغیر از آن معنی نمیشد پس حضور علیه السلام را بهم زیاده میشد و خوشگوار قسم در و برسید بدان نظر از احوال شان اطلاع نمود به دفع تسکین نمیع فرود میشد که مثل صاحب ستمی
و پی البیون میباشد معد و بیان مین سوره تصحیح الی قصه و النون است بدان نظر بود تسمیه براعت بلفظ آن میفرماید که دلالت بر براعت میکند چنانکه با بارها گفتیم که این حروف مقطعات براعت استهلال
سوره ها که مصطفی آن شده اند و اشارات دیگر هم میداد چنانکه پیدا است در تفسیر حسینی روایت ابو هریره آمده که از حضرت صلی الله علیه و سلم شنیدم که اول چیزیکه بیافرید نیز نون یعنی دوات است و
قلم از آن قلم بعد از نوشتن آنچه بود آنچه بود است و باشد و بیان از قسم حقیقت محمدیه است زیرا که در وجود حقیقت منفصله که از هیچ حقیقت محمدی شده ببایستی که از امکان و وجوب ناشی شده است و شعبه شد از اطلاق و حکم را
صفت حقیقت حضوری است و مقیده امکان ذاتی و وجوب عرضی حضور شد قضیه مطلقه عامه صورت ثبوت نشد بی تقیید ببیان نشاه قسم خود و وحدت تعلم که عبارت میخواند پیدا است اشاره
دیگر است که این فیض مطلق نبیا شده حاصل آنست که حقیقت محمدیه قلم است اول عالم و صفت محمد علیه السلام است اتمام دنیا آنچه نوشته است بطوریکه بیدل نظر براعت آن ان قصه آمده و اشاره
بدان حقیقت منفصله نمود میفرماید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ه بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ه قسم است بقلم اعلی و آنچه مینویسند یعنی نوشته اند نظر و آنکه
أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ه نیستی بنعمت نبوت پروردگار دیوانه مرتبه را بیسبب آنکه اجر است غیر مقطوع ابدالاباد در دنیا و آخرت از روی که علم قدرت امید است چنانکه اشجار کالان شامل ولید
نبی خود و جنگ دیوانه باشی وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ه و درستی ترا است هر آینه اجر است غیر منقطع وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ه و بدرستی تو بر خلق عظیم هستی دیوانه کی خلق میباشد خلق
حضور علیه السلام قرآن است و ... دیگران گمند فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ه پس جلد میبینی و میبینند که کدام شان مجنون است و کدام منقطع میشود پس چگونه میگویند که کار
محمد علیه السلام منقطع خواهد شد پس بر ایشان ... رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ه بدرستی پروردگار تو داناتر است بآنکه گم شده است از راه خدا و آن داناتر است بهدایت
یافتگان و چون تعقیب است فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ه پس اطاعت مکن تکذیب کنندگان نبوت را بیان میفرماید که اطاعت میخواستند وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ه دوست میدارند که
نرم شوی و سستی کنی هم نرم شوند در عبادت خدا بخصوص با اطاعت ولید بن مغیره است چنانکه میفرماید وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ه هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ه مَّنَّاعٍ
لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ه عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ه أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ه و اطاعت مکن هر قسم خورنده ذلیل عیب کننده سخن چینی منع کننده مال خیر بخیل سرکش گناهکار
گردنکش بعد از این حرامزاده زیرا که هست صاحب مال و پسران چون این اطاعت با کرد إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ه چون خوانده شود بر وی آیات ما گوید قصه های پیشینیان
سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ه جلد نشان کنیم بر بینی بسبب آنکه بینی خرطوم فیل تشبیه است نزد فیل خرطوم میگویند پس حضور علیه السلام چون این آیات مطابق تعبیر او بر قریش
خواند چنین کسی شد در خود و لید بایست که حرامزاده گویند به او گفت که محمد علیه السلام در وصف شنیده یا در خود وصف یافت گرفت و شمشیر کشید و حقیقت حال پرسید گفت که پدرت تا زمان سعت بود و
بطرف ایرا گذاشت عیال را چرت بود و کار زشت بود تو پیدا شدی جهان اینطور بلا ولید که میگفت خود یقین است و آنچه میگفت که کار محمد نبوت قطع خواهد شد مرض بر پیشانی او بدید که
مدام بر روی ضرب نیکی سخت ذلت است إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ ه بدرستی ما آزمائیم اهل مکه را بقحط که آزمودیم اصحاب بوستان ضروان که در ایشان هیچ نیکی دیده نشد که از باغ خود هرگز نه
رعایت درویشان کرده چون او نیز از دنیا گذشت که سوای یک پسر توکل بر خدا نه داشتند خواستند که فقرا نیابند إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ه وَلَا يَسْتَثْنُونَ ه پس چون
قسم خوردند که بچینند میوه باغ را صبح کنندگان و توکل نکردند فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ه پس چیدند باغ را طواف کننده از حکم پروردگار در حالیکه
خفته بودند فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ه پس گشت باغ مثل شب تاریک فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ه پس ندا کردند یکدیگر را ... أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ ه اگر میبرید
میوه بر کشت خود اگر بریدگان میوه هستید فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ه أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ ه وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ه پس رفتند در حالیکه سخن نهان

میگفتند تمه و داخل شود در این باغ در آن روز مسکینی بر شما پس رفتند بر اراده مقرره قدرت دارندگان بخیال خویش فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ۝ پس چون دیدند باغ را و تبدیل او گفتند در اول بر
بدرستی ما هر آئینه گمراهانیم بلکه ایشان [illegible] گفتند بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ما از میوه محروم کرده شدیم قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ۝ گفت [illegible] ایشان آیا نگفته بودم
شما را چرا تسبیح نمیکنید خدا را قادر مطلق [illegible] قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ گفتند پاک است ای پروردگار ما از عدم قدرت بدرستی ما بودیم ظلم کنندگان فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ
عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ۝ پس متوجه بعض ایشان بر بعض که ملامت میکردند گفتند ای افسوس ما بدرستی ما بودیم گرشی
عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۝ قریب است که پروردگار ما بدل کند ما را بهتر از این بدرستی ما بطرف پروردگار خود رغبت کنندگانیم كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ چنین است
عذاب [illegible] بر شان [illegible] السلام [illegible] بر [illegible] زراعت شان [illegible] شان [illegible] و در زمان فتح مکه ایمان آوردند
گوینده [illegible] عاجز [illegible] شان [illegible] و شکست [illegible] شدند [illegible]
[illegible] وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ و هر آئینه عذاب آخرت بزرگتر است اگر کافران [illegible]
لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ بدرستی پرهیزگاران را نزد پروردگار شان بوستان نعیم [illegible] بهشت [illegible] اگر آخرت بعرض آید بر جهان
خوش [illegible] خوش [illegible] نسبت مسلمانان [illegible] أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝ مَا
لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ آیا پس گردانیم مسلمانان را مثل گناهگاران چیست شما را چگونه حکم میکنید أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۝
أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ۝ آیا برای شما کتابی است که در آن میخوانید بدرستی برای شما در آن کتاب [illegible] میکنید یا
برای شما عهدها است [illegible] تا روز قیامت بدرستی برای شما است آنچه حکم میکنید سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ۝ بپرس [illegible]
أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۝ [illegible] شریکان [illegible] روز قیامت [illegible] تجلیات صوری
[illegible] يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا
يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۝ [illegible] کشاده شود [illegible] ساق [illegible] بطرف سجده [illegible]
[illegible] بطرف سجود حالیکه سالم بودند [illegible]
فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ [illegible] قرآن سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ [illegible]
وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۝ و مهلت میدهم ایشان را [illegible]
[illegible] أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝ [illegible]
[illegible] أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝ [illegible]
[illegible] فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ پس صبر کن [illegible] حکم پروردگار [illegible]
[illegible] إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝ [illegible] لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ۝
[illegible] پروردگارش [illegible]
[illegible] فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ پس برگزید او را پروردگارش پس کرد او را از صالحان [illegible]
وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا [illegible]
الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝ [illegible] وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ [illegible]

[illegible] سورة الحاقه مکیه است مشتمل بر پنجاه و دو آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ [illegible] الْحَاقَّةُ ۝ مَا الْحَاقَّةُ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ۝ [illegible]

کو آنرا حقیت ثابت شونده بر کفار یعنی غالب برایشان از آینده و نخواهد است كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ۝ تکذیب کردند قوم ثمود و عاد بروز هلاکت بهم شکننده خود را فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ
لیکن ثمود پس هلاک کرده شدند بآواز از حد در گذشته وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۝ ولیکن عاد پس هلاک کرده شدند بآواز تند از حد در گذشته سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ
أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ۝ مسخر کردیم آنرا برایشان هفت شب و هشت روز متوالی تو می بینی ای مخاطب قوم ثمود را آن وقت افتاده گویا آن ها تنهای درخت خرما
از خالی شده فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ۝ پس آیا می بینی برایشان کسی را باقی مانده وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ۝ و آمد فرعون و آنکه ما قبلش بود یعنی قوم شعیب
و قوم لوط برافتادگان بخطا فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً ۝ پس نافرمانی کردند رسول پروردگار خود را پس گرفت او شان را گرفت سخت این سه مذکور عذاب ثابت
شونده است بر شان خوانید إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ۝ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ۝ بدرستی چون طغیان کرد آب نوح برداشتیم جد شما را در کشتی تا گردانیم
این را نصیحت یاد دارد آنرا گوشهای یاد دارنده که از جهت شرک مشرکان قیامت طوفان آمده بود و بعد از جمله این همه گرفته بود کار طوفان قیامت بزرگ اما صاحب کمال یعنی
حضرت علیه السلام تشریف بیاید پس همین عهد اشارت است بحاقه بدر و غیره و انچه متعلق بزبان صحابه بود تصریح قیامت کبری است فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ۝ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ
وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۝ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ پس چون نفخ کرده شود در صور اسرافیل نفخه واحده و برداشته شود زمین و کوهها شکسته شوند یکبارگی پس آن روز واقع شود حادثه
شدنی قیامت تمام قیامت ظهور حضور علیه السلام بود و بحضور علیه السلام تشریف آمد وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۝ و شق شود آسمان پس آن ها در آن روز سست باشند وَالْمَلَكُ
عَلَىٰ أَرْجَائِهَا ۝ و فرشتگان بر کنارهای آن باشند وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ۝ و بردارند عرش پروردگار تو بالای خود در آن روز هشت فرشته چنانکه امروز چهار ملائکه چهار
برمیدارند و آن روز حقایق چهار انبیا کرده بیا زنده شده اند یعنی ملک صدق یعنی حضور و ادریس و الیاس و عیسی و ذکر چهار حمله عرش از کتاب جمل و مکاشفات و چون مراز ساختگی تابوت موسی
کر حسب شرع عرش خداوند که موسی منور شده بود صندوقی ساخته بود که از چهار صورت ملائکه حامل بودند يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝ آن روز پیش کرده شوید پوشیده
نماند از شما چیزی پوشیده اعمال در قیامت فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ ۝ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ ۝ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ
رَاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۝ پس لیکن آنکه داده شد کتاب خود بدست راست خود پس گوید بگیرید بخوانید کتاب خود بدرستی یقین میکردم بدرستی من ملاقات
کننده ام حساب خود را پس آن در عیش خود خوش باشد در بوستان بلند که میوه اش متصل باشند كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝ و گفته شود بخورید و بنوشید گوارنده بانچه
کرده اید ایام گذشته وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ ۝ و لیکن آنکه داده شود کتابش بدست چپ پس گوید کاش نداده میشد کتاب خود وَلَمْ أَدْرِ مَا
حِسَابِيَهْ ۝ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۝ ندانستم چیست حسابش کاش بودی این قصه تمام مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ ۝ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ ۝ یعنی کرد از من مال من رفت
از من غلبه من گفته شود خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝ بگیرید او را پس طوق بنهید او را ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۝ باز در جحیم داخل کنید او را ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝
باز در زنجیری که پیمایش هفتاد گز باشد پس در آرید او را إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ بدرستی ایمان نیاورده بود بخدای بزرگ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ و نه بر انگیخته میکرد بر طعام
مسکینی فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۝ پس نیست او را امروز اینجا حمایت کننده و نه طعامی مگر از غساله دوزخیان که
بخورد او را مگر خطاکاران کفار قرآن را شعر و کهانت میگفتند فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ پس قسم است بانچه می بینید از قرآن پیغمبر و آنچه نمی بینید غیب
خداوند بدرستی آن آیه ها بظاهر قول رسول کریم محمد است و در حقیقت آینده بیان خود شد کرده جبرئیل است وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ۝ و نیست آن قول شاعر کم ایمان آرید که فرق میز
کلام رسول و عرو شعر نکنید وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ و نه قول کاهن است کمتر نصیحت می یابند که کهانت دیگران برعکس این کلام چگونه کلام کاهن شد
تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ در حقیقت نزول و پر از است از پروردگار عالمیان وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۝ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۝ اگر
افترا کردی محمد بغرض بر ساختی قول ها بر ما هر آئینه گرفتیم از او قوت بازو هر آئینه قطع کردیم از و رگ دل که هر که بدروغ دعوی خدا کرد گردنش خواهیم زد فَمَا مِنْكُمْ مِنْ
أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ۝ پس نباشد از شما کسی از و باز دارنده وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۝ و بدرستی این هر آئینه نصیحت است برای متقیان چنانکه در فصل مذکور مسطور است که
کاش توجه باشد وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ و بدرستی ما هر آئینه میدانیم بدرستی از شما تکذیب کنندگانید وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝
و بدرستی آن قرآن هر آئینه حسرت است بر کافران که تنبه خواهند شد چنانکه در فصل مذکور مسطور فرموده است وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ فَسَبِّحْ

سورۃ المعارج مکیہ است مشتمل بر چهل و چهار آیه

بنام پروردگار بزرگ ... [illegible] ... باسم ربک العظیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ... [illegible] ... سَاَلَ سَآئِلٌ بِعَذَابٍ وَّاقِعٍ ۙ لِّلْكٰفِرِيْنَ لَيْسَ لَهٗ دَافِعٌ ۙ مِّنَ اللّٰهِ ذِي الْمَعَارِجِ ۙ ... [illegible]

[illegible]

... تَعْرُجُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوْحُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ خَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ ۚ ... [illegible]

... فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيْلًا ... [illegible]

... اِنَّهُمْ يَرَوْنَهٗ بَعِيْدًا ۙ وَّنَرٰىهُ قَرِيْبًا ۗ ... [illegible]

[illegible]

... يَوْمَ تَكُوْنُ السَّمَآءُ كَالْمُهْلِ ۙ وَتَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ۙ وَلَا يَسْئَلُ حَمِيْمٌ حَمِيْمًا ۚ يُّبَصَّرُوْنَهُمْ ۭ ... [illegible]

... يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِيْ مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍۢ بِبَنِيْهِ ۙ وَصَاحِبَتِهٖ وَاَخِيْهِ ۙ وَفَصِيْلَتِهِ الَّتِيْ تُـْٔوِيْهِ ۙ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا ۙ ثُمَّ يُنْجِيْهِ ۙ كَلَّا ۭ ... [illegible]

... اِنَّهَا لَظٰى ۙ نَزَّاعَةً لِّلشَّوٰى ۚ تَدْعُوْا مَنْ اَدْبَرَ وَتَوَلّٰى ۙ وَجَمَعَ فَاَوْعٰى ... [illegible]

... اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوْعًا ۙ ... [illegible]

اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوْعًا ۙ وَّاِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوْعًا ۙ ... [illegible] ... اِلَّا الْمُصَلِّيْنَ ۙ الَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ

دَآئِمُوْنَ ۙ وَالَّذِيْنَ فِيْٓ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُوْمٌ ۙ لِّلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُوْمِ ۙ ... [illegible]

... وَالَّذِيْنَ يُصَدِّقُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ۙ وَالَّذِيْنَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُوْنَ ۚ اِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَاْمُوْنٍ ... [illegible]

... وَالَّذِيْنَ هُمْ لِفُرُوْجِهِمْ حٰفِظُوْنَ ۙ اِلَّا عَلٰٓى اَزْوَاجِهِمْ

اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُوْمِيْنَ ۚ ... [illegible] ... فَمَنِ ابْتَغٰى

وَرَآءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُوْنَ ۚ ... [illegible] ... وَالَّذِيْنَ هُمْ لِاَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُوْنَ ۙ وَالَّذِيْنَ هُمْ بِشَهٰدٰتِهِمْ

قَآئِمُوْنَ ۙ ... [illegible] ... وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ۭ ... [illegible]

... اُولٰٓئِكَ فِيْ جَنّٰتٍ مُّكْرَمُوْنَ ... [illegible] ... فَمَالِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا قِبَلَكَ مُهْطِعِيْنَ ۙ عَنِ الْيَمِيْنِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِيْنَ ... [illegible]

... اَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ اَنْ يُّدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيْمٍ ۙ ... [illegible]

... كَلَّا ۭ اِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُوْنَ ... [illegible] ... فَلَآ اُقْسِمُ بِرَبِّ

الْمَشٰرِقِ وَالْمَغٰرِبِ اِنَّا لَقٰدِرُوْنَ ۙ عَلٰٓى اَنْ نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ ۙ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِيْنَ ... [illegible]

[illegible] ... فَذَرْهُمْ

يَخُوْضُوْا وَيَلْعَبُوْا حَتّٰى يُلٰقُوْا يَوْمَهُمُ الَّذِيْ يُوْعَدُوْنَ ۙ ... [illegible]

يَوْمَ يَخْرُجُوْنَ مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا كَاَنَّهُمْ اِلٰى نُصُبٍ يُّوْفِضُوْنَ ۙ ... [illegible]

ترهقهم ذلة ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون ۝ در حالیکه ذلیل شده باشند اینهاست آن روز که ایشان را وعده کرده میشدند **سورة نوح مكية**

است مشتمل بر بست و هشت آیه تحقیق مطالب این سوره در فصوص الحکم است بسم الله الرحمن الرحيم بنام خداوند بخشاینده مهربان انا ارسلنا نوحا الى قومه

ان انذر قومك من قبل ان ياتيهم عذاب اليم ۝ بتحقیق فرستادیم نوح را بطرف قوم او که بترسانی قوم خود را پیش از آنکه بیاید بایشان عذاب دردناک قال يا قوم اني لكم نذير

مبين ۝ ان اعبدوا الله واتقوه واطيعون ۝ گفت ای قوم من بدرستی من برای شما ترساننده ظاهرم برای آنکه عبادت کنید خدا را و بترسید از وی و اطاعت کنید مرا يغفر لكم من ذنوبكم

ويؤخركم الى اجل مسمى ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر لو كنتم تعلمون ۝ تا بخشد برای شما گناهان شما را و باز پس دارد شما را تا اجل مقرری بدرستیکه اجل خدا چون بیاید تاخیر کرده نشود کاش

میدانستید لیکن ایشان بر حرص کردند و گفتند که معنی رسالت میدانیم که خدا مردی را از میان خلق نفرستد پس نوح صد سال ایشان را دعوت کرد تا چون تمام شد نومید شد و دعا کرد

و داد از تکلیف ایشان فریاد آنگاه گفت قال رب اني دعوت قومي ليلا ونهارا ۝ فلم يزدهم دعاءي الا فرارا ۝ گفت ای پروردگار من بدرستی من خواندم قوم خود را شب و روز

بغیب و شهادت پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریختن زیرا که آن عقل ایشان میخواهند و مطلق غیب است از تفصیل شب و روز کلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابعهم

في آذانهم واستغشوا ثيابهم واصروا واستكبروا استكبارا ۝ و بدرستی هر گاه خواندم ایشان را تا بیامرزی ایشان را گردانیدند انگشتهای خود را در گوشهای خود و در سر کشیدند جامهای خود را

و ایستادند و تکبر کردند تکبر عظیم این بیان شبیه است ثم اني دعوتهم جهارا ۝ باز خواندم ایشان را با سم ظاهر در جلوه اسماء و صفات خاص خود ثم اني اعلنت

لهم واسررت لهم اسرارا ۝ باز اعلان کردم برای ایشان و پوشیده گفتم برای ایشان امر را آنچه در ظاهر است و آنچه در باطن جلوه است پس خود را گذاشته متوجه تجلیات دیگر حق باشید

فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا ۝ پس گفتم طلب بخشش کنید از پروردگار خود یعنی انانیت خود را محو کنید بدرستی او هست آمرزنده و پوشنده تعینات تحقیق

حقایق این سوره در فصوص الحکم تصنیف حضرت شیخ اکبر رضی الله عنه معاینه باید کرد غرض این جا این است يرسل السماء عليكم مدرارا ۝ ويمددكم باموال وبنين ويجعل لكم

جنات ويجعل لكم انهارا ۝ ما لكم لا ترجون لله وقارا ۝ بفرستد از آسمان بر شما باران پی در پی و مدد کند شما را بمالها و پسران و گرداند برای شما بوستانها و گرداند برای شما نهرها چیست شما را

که اعتقاد نمی کنید برای خدا بزرگی را وقد خلقكم اطوارا ۝ و پیدا کرده است شما را طور طور یعنی بتحقیق الم تروا كيف خلق الله

سبع سموات طباقا ۝ وجعل القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا ۝ آیا نمی بینید چگونه پیدا کرد الله هفت آسمان تو بر تو و گردانید ماه را در آنها نور و گردانید آفتاب را چراغ

این اشیا همه نتیجه وجود مطلق که ساخت کار از پرستش میباید والله انبتكم من الارض نباتا ۝ ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا ۝ و الله برویانید شما را از زمین

رویانیدنی باز اعاده کند شما را در آن و بیرون کند شما را بیرون کردنی والله جعل لكم الارض بساطا ۝ لتسلكوا منها سبلا فجاجا ۝ و الله گردانید برای شما زمین را بساط تا بروید از آن

راهای گشاده لیکن قوم نوح تسلیم نکردند قال نوح رب انهم عصوني واتبعوا من لم يزده ماله وولده الا خسارا ۝ گفت نوح ای پروردگار من بدرستی آنان نافرمانی کردند

و پیروی کردند آن کسی را که زیاده نکند مال و اولاد او مگر زیانی ومكروا مكرا كبارا ۝ و مکر کردند مکر بزرگ وقالوا لا تذرن آلهتكم ولا تذرن ودا ولا سواعا

ولا يغوث ويعوق ونسرا ۝ و گفتند مگذارید معبودان خود را و مگذارید ود را که بصورت انسان بود و سواع را که بصورت زن بود و یغوث که بصورت شیر بود و یعوق که بصورت اسپ بود و نسر را

که بصورت کرگس بود و گویند این پنج چهار ... اند در صورت اسپ سوار ... وقد اضلوا كثيرا ولا تزد الظالمين الا ضلالا ۝ و گمراه کردند آن

گمراه کنندگان بسیاری را و زیاده مکن ظالمان را مگر گمراهی پس حق تعالی حکم فرمود که کشتی بسازند پس کشتی ساخت مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا از خطاهای ایشان غرق کرده شدند پس

داخل کرده شدند در آتش یعنی داخل کرده شدند در قیامت فلم يجدوا لهم من دون الله انصارا ۝ پس نیافتند برای خود از سوای خدا مددگاران وقال نوح رب لا

تذر على الارض من الكافرين ديارا ۝ و گفت نوح ای پروردگار من مگذار بر زمین از کافران دیاری انك ان تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارا ۝

بدرستی اگر بگذاری ایشان را گمراه کنند بندگان تو را و نزایند مگر بدکار ناسپاس رب اغفر لي ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات ولا تزد الظالمين

الا تبارا ۝ ای پروردگار من بیامرز مرا و والدین مرا و کسی را که داخل شود در خانه من ایمان آورده و مردان مومن و زنان مومنه را و زیاده مکن ظالمان را مگر هلاکت و نام مادر نوح

بنت ... و نام پدر لمک بن متوشلخ بن ... **سورة الجن مكية است بست و هشت آیه دارد** و وجه ارتباط چون اولاد نوح ...

خود را ... کردند ... جمله حیوانات ... یعنی حضور علیه السلام ... قیامت ... جنیات ...

بلکہ بعد از اصحاب حج بکرۃ بستہ شد دلیل بر آنست کہ آن حوادث عقلی باشند و آن جنان از مصاحبت بشنیدم کہ انشقاق بعید شد و شیطان از ارسال قبل تا قیامت یعنی از لشکر ابلیس بجوم نوشتہ بود
پیش شیطان بعد بعثت معتقد شدند تا آسمان بود و قبل از دفع بہ نسبت گوشہ آسمان ... بودند مگر بعد از دفع ... بلکہ بعثت چندان ... کہ بعد ازان ... جنان ... بعد از آن ... بالا
سو میکنند و باز شنیدند ... چون ... میگیرند ... بعضی ... بعثت ... ختم المرسلین علیہ السلام ...
الا گفتیم پس ... جنان ... حضور علیہ السلام شنیدند بیان آن سورہ جن ... بیان کنیم ... بیان ... اتباع ...
تسلیم میکنند ... شیطان ... معاینہ میکنند ... بیعت ... حضور علیہ السلام گفت ... تبلیغ ... سخت ... کنند
پس حق تعالی ... بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ بنام خداوند بسیار بخشایندہ مہربان قُلۡ اُوۡحِیَ اِلَیَّ اَنَّهُ اسۡتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الۡجِنِّ فَقَالُوۡۤا اِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡاٰنًا عَجَبًا ۙ يَّهۡدِیۡۤ اِلَی
الرُّشۡدِ فَاٰمَنَّا بِهٖ ؕ وَلَنۡ نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَاۤ اَحَدًا ۙ بگو یا محمد ... کہ شنیدند ... گفتند ... قرآن عجب ... کہ راہ ... میکند ... پس ایمان
آوردیم ... نخواہیم کرد ... وَّاَنَّهٗ تَعٰلٰی جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا ۙ وَّاَنَّهٗ كَانَ يَقُوۡلُ سَفِيۡهُنَا عَلَی اللّٰهِ شَطَطًا ۙ وَّاَنَّا ظَنَنَّاۤ اَنۡ لَّنۡ تَقُوۡلَ الۡاِنۡسُ
وَالۡجِنُّ عَلَی اللّٰهِ كَذِبًا ۙ و بدرستی ... بزرگ است ... نہ گرفت زنی و نہ فرزندی ... و بدرستی میگفت سفیہ ما ... گمان ... کہ ہرگز نگویند ... و جن بر خدا دروغ ...
پس قرآن شنیدیم ... وَّاَنَّهٗ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الۡاِنۡسِ يَعُوۡذُوۡنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الۡجِنِّ فَزَادُوۡهُمۡ رَهَقًا ۙ و بدرستی بودند
مردان از انس کہ پناہ میجستند بمردان جن ... پس زیادہ کردند ... مردان جن ... و بعضی ... گفتند ... وَّاَنَّهُمۡ ظَنُّوۡا كَمَا ظَنَنۡتُمۡ
اَنۡ لَّنۡ يَّبۡعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا ۙ و بدرستی مردان ... گمان کنید کہ ہرگز ... بر رسالت ... لیکن ... غلط است ... وَّاَنَّا لَمَسۡنَا السَّمَآءَ فَوَجَدۡنٰهَا
مُلِئَتۡ حَرَسًا شَدِيۡدًا وَّشُهُبًا ۙ وَّاَنَّا كُنَّا نَقۡعُدُ مِنۡهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمۡعِ ؕ فَمَنۡ يَّسۡتَمِعِ الۡاٰنَ يَجِدۡ لَهٗ شِهَابًا رَّصَدًا ۙ و بدرستی ما آسمان را مس کردیم ... پُر از نگہبانان ...
محکم ... و شہابہا ... و بدرستی ما می نشستیم ... پس ہر کہ بشنود اکنون ... شہابی ... وَّاَنَّا لَا نَدۡرِیۡۤ اَشَرٌّ اُرِيۡدَ بِمَنۡ فِی الۡاَرۡضِ اَمۡ اَرَادَ بِهِمۡ رَبُّهُمۡ رَشَدًا ۙ و بدرستی
نمیدانیم ... بد ... یا ... ہدایت ... لیکن بعد از شنیدن قرآن معلوم شد ... و باعث ... شیاطین ... وَّاَنَّا مِنَّا الصّٰلِحُوۡنَ
وَمِنَّا دُوۡنَ ذٰلِكَ ؕ و بدرستی بعضی از ما نیکوکارانند ... و بعضی ... كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا ۙ ... مختلف وَّاَنَّا ظَنَنَّاۤ اَنۡ لَّنۡ نُّعۡجِزَ اللّٰهَ فِی الۡاَرۡضِ وَلَنۡ نُّعۡجِزَهٗ
هَرَبًا ۙ و بدرستی ما یقین کردیم ... عاجز نتوانیم ... در زمین ... وَّاَنَّا لَمَّا سَمِعۡنَا الۡهُدٰۤی اٰمَنَّا بِهٖ ؕ فَمَنۡ يُّؤۡمِنۡۢ بِرَبِّهٖ فَلَا يَخَافُ بَخۡسًا وَّلَا رَهَقًا ۙ و بدرستی ہر گاہ شنیدیم
قرآن ... ایمان آوردیم ... پس ہر کہ ایمان آرد ... نترسد ... وَّاَنَّا مِنَّا الۡمُسۡلِمُوۡنَ وَمِنَّا الۡقٰسِطُوۡنَ ؕ و بدرستی بعضی از ما مسلمانیم و بعضی ... فَمَنۡ
اَسۡلَمَ فَاُولٰٓئِكَ تَحَرَّوۡا رَشَدًا ۙ پس ہر کہ اسلام آورد پس آن ... قصد کردند ... وَاَمَّا الۡقٰسِطُوۡنَ فَكَانُوۡا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۙ و لیکن تجاوز کنندگان ... ہیزم ...
... وَّاَنۡ لَّوِ اسۡتَقَامُوۡا عَلَی الطَّرِيۡقَةِ لَاَسۡقَيۡنٰهُمۡ مَّآءً غَدَقًا ۙ لِّنَفۡتِنَهُمۡ فِيۡهِ ؕ ... مستقیم ... آب ...
کہ کسی ... وَمَنۡ يُّعۡرِضۡ عَنۡ ذِكۡرِ رَبِّهٖ يَسۡلُكۡهُ عَذَابًا صَعَدًا ۙ و ہر کہ اعراض کند ... پروردگار ... عذاب سخت ... وَّاَنَّ الۡمَسٰجِدَ
لِلّٰهِ فَلَا تَدۡعُوۡا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا ۙ و بدرستی ... مسجدہا ... وَّاَنَّهٗ لَمَّا قَامَ عَبۡدُ اللّٰهِ يَدۡعُوۡهُ كَادُوۡا يَكُوۡنُوۡنَ عَلَيۡهِ لِبَدًا ؕ و بدرستی چون
عبد اللہ محمد علیہ السلام ... خداوند ... سخت ...
قُلۡ اِنَّمَاۤ اَدۡعُوۡا رَبِّیۡ وَلَاۤ اُشۡرِكُ بِهٖۤ اَحَدًا ۙ ... پروردگار خود را ... شریک ... ایمان ...
قُلۡ اِنِّیۡ لَاۤ اَمۡلِكُ لَـكُمۡ ضَرًّا وَّلَا رَشَدًا ۙ ... مالک نیستم ... ایمان ... نفع ... وقت معلوم ... قُلۡ
اِنِّیۡ لَنۡ يُّجِيۡرَنِیۡ مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ ۙ وَّلَنۡ اَجِدَ مِنۡ دُوۡنِهٖ مُلۡتَحَدًا ۙ اِلَّا بَلٰغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسٰلٰتِهٖ ؕ ... مگر ... رسانیدن از خدا
... وَمَنۡ يَّعۡصِ اللّٰهَ وَرَسُوۡلَهٗ فَاِنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيۡنَ فِيۡهَاۤ اَبَدًا ؕ ... ہمیشہ ... آن
ہمیشہ حَتّٰۤی اِذَا رَاَوۡا مَا يُوۡعَدُوۡنَ فَسَيَعۡلَمُوۡنَ مَنۡ اَضۡعَفُ نَاصِرًا وَّاَقَلُّ عَدَدًا ؕ ... ضعیف ...
از روی ... عدد ... قُلۡ اِنۡ اَدۡرِیۡۤ اَقَرِيۡبٌ مَّا تُوۡعَدُوۡنَ اَمۡ يَجۡعَلُ لَهٗ رَبِّیۡۤ اَمَدًا ... نزدیک است ... مدت ... گردانند

پس پروردگار من عٰلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى غَيْبِهٖٓ اَحَدًا اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى مِنْ رَّسُوْلٍ فَاِنَّهٗ يَسْلُكُ مِنْۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا دانای غیب است ظاهر نمی‌کند
بر غیب خود کسی را مگر آن رسول را که پسندید پس می‌فرستد پیش روی وی و پس پشت وی نگاهبانان لِّيَعْلَمَ اَنْ قَدْ اَبْلَغُوْا رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَاَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا تا ظاهر کند تا بداند که
رسانیده اند پیغامهای خداوند شان و احاطه کرده است بانچه نزد ایشان است و شماره کرده است هر چیز را شمار حاصل آنست که نسبت علم غیب آنچه اطلاع داده است الله تعالی بر کمال مرحضرت علیه السلام است که
هر چند بسیار باید بر آن کلی رسید بیان شد که وحی یا الهام و علم غیب به تعلیم حق تعالی مخصوص علیه السلام است گویا بعض اوقات بعض وقت علم اولین و آخرین در
احادیث صحیح است و بعد از انتقال آن حضرت علیه السلام ... سورة مزمل بیست آیه میباشد

اکثر مکیه است مگر آخر آیه که در آن ... بعد از امتحان هجرت ... حکم قیام شب ... سوره ... حکم هجرت ... نظر بر آن میفرماید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان يٰٓاَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ الَّيْلَ اِلَّا قَلِيْلًا نِّصْفَهٗٓ اَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيْلًا اَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْاٰنَ تَرْتِيْلًا ای جامه
بر خود پیچیده برخیز شب را مگر اندکی به نسبت کل آن نصف شب است یا کم کن از وی اندکی تا ثلث باشد یا زیاده کن تا دو ثلث و بخوان قرآن آهسته آهسته تا ثلث یا نصف یا دو ثلث شب ... گذرد از
مشقت آن ... اِنَّا سَنُلْقِيْ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا هر آئینه ما القا خواهیم کرد بر تو قول سخت یعنی هجرت و قتال ... اِنَّ نَاشِئَةَ الَّيْلِ هِيَ
اَشَدُّ وَطْـًٔا وَّاَقْوَمُ قِيْلًا هر آئینه برخاستن شب آن سخت تر است ... و راست تر است در قول ... قطع تعلقات ... اِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ
سَبْحًا طَوِيْلًا هر آئینه ترا در روز شغل دراز است ... قیام شب اختیار کن وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبْتِيْلًا و یاد کن نام پروردگار خود ... رَبُّ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيْلًا پروردگار مشرق و مغرب است ... هیچ معبود نیست غیر او پس بگیر او را کارساز ... قبول کردن ... حکم هجرت
وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيْلًا و صبر کن بر آنچه میگویند ... و جدا شو از ایشان جدا شدنی نیکو وَذَرْنِيْ وَالْمُكَذِّبِيْنَ اُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيْلًا و گذار مرا
و تکذیب کنندگان صاحب نعمت را و مهلت ده ایشان را ... اِنَّ لَدَيْنَآ اَنْكَالًا وَّجَحِيْمًا
وَّطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَّعَذَابًا اَلِيْمًا هر آئینه نزد ما بندهاست و آتش و طعام صاحب غصه و عذاب دردناک ... يَوْمَ تَرْجُفُ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ
كَثِيْبًا مَّهِيْلًا روزیکه بجنبد زمین و کوهها و باشند کوهها ... اِنَّآ اَرْسَلْنَآ اِلَيْكُمْ رَسُوْلًا ۙ شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ اَرْسَلْنَآ
اِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُوْلًا فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ فَاَخَذْنٰهُ اَخْذًا وَّبِيْلًا ... فرستادیم بطرف شما رسولی گواه بر شما چنانکه فرستادیم بطرف فرعون رسولی پس نافرمانی کرد فرعون
رسول را پس گرفتیم او را گرفتن سخت ... هجرت موسی ... هلاکت ...
زیاده ... فَكَيْفَ تَتَّقُوْنَ اِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَّجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيْبًا السَّمَآءُ مُنْفَطِرٌۢ بِهٖ ۭ كَانَ وَعْدُهٗ مَفْعُوْلًا پس چگونه
از عذاب خدا اگر کفر کنید ... آسمان شکافته شود ... وعده خدا کرده شده ... اِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ ۚ فَمَنْ شَاۗءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ
سَبِيْلًا هر آئینه این نصیحت است ... بطرف پروردگار خود راهی ... اهل اسلام ... تخفیف ... قیام ...
... ثلث شب ... اِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ اَنَّكَ تَقُوْمُ اَدْنٰى مِنْ ثُلُثَيِ الَّيْلِ وَنِصْفَهٗ وَثُلُثَهٗ وَطَاۗىِٕفَةٌ مِّنَ الَّذِيْنَ مَعَكَ ۭ وَاللّٰهُ يُقَدِّرُ
الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۭ عَلِمَ اَنْ لَّنْ تُحْصُوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ... پروردگار ... قیام ... نزدیک ثلث شب و نصف شب ... اهل اسلام ...
... نصف ... ثلث ... تمام شب ...
و ثلث ... فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْاٰنِ ۭ ... قرآن ...
عَلِمَ اَنْ سَيَكُوْنُ مِنْكُمْ مَّرْضٰى ۙ وَاٰخَرُوْنَ يَضْرِبُوْنَ فِي الْاَرْضِ يَبْتَغُوْنَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ ۙ وَاٰخَرُوْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ڮ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۙ
... از فضل خدا ... وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَ
اٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ۭ وَمَا تُقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا وَّاَعْظَمَ اَجْرًا ۭ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
... قرض ... السلام ... آمرزش ...

الله الرحمن الرحیم آیت سورۂ مدثر مکیه است پنجاه و شش آیه میباشد دیگر آنکه قرآن ذکر [illegible] است و اصحاب ذکر اول [illegible] در نزول قرآن است و
بعد از فترت که زمانی گذشت آوازی حضور علیه السلام شنید و کسی ندید پس از خوف حضور چادر پوشید که اول این سورت نازل شد بسم الله الرحمن الرحیم بنام خدای بسیار بخشاینده
مهربان یٰاَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۙ قُمْ فَاَنْذِرْ ۙ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۙ وَثِیَابَكَ فَطَهِّرْ ۙ ای چادر پوشنده ظاهری و چادر پوشنده نبوت قائم شو و بترسان اهل مکه را از شرک و پروردگار خود را بزرگی
کن و پارچه یعنی خلعت خود را پاک کن و شیخ ابو الحسن شاذلی حضور علیه السلام را در خواب دید [illegible] خلعت محبت خلعت معرفت خلعت توحید خلعت ایمان خلعت اسلام است وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۙ و بتها را
بگذار حکم است خطاب بغیر است وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۙ و احسان مکن به عوض بیشتر ستانی در دنیا یا آخرت [illegible] وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۙ و بر پروردگار [illegible] کفایت کن [illegible]
[illegible] فَاِذَا نُقِرَ فِی النَّاقُوْرِ ۙ فَذٰلِكَ یَوْمَىِٕذٍ یَّوْمٌ عَسِیْرٌ ۙ عَلَی الْكٰفِرِیْنَ غَیْرُ یَسِیْرٍ پس چون [illegible] پس آن روز روز سخت [illegible]
[illegible] ولید بن مغیره [illegible] سوره [illegible] شنید گفت [illegible] قرآن [illegible] سخن نیست [illegible]
[illegible] ذَرْنِیْ وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِیْدًا ۙ وَّجَعَلْتُ لَهٗ مَالًا مَّمْدُوْدًا ۙ وَّبَنِیْنَ شُهُوْدًا ۙ وَّمَهَّدْتُّ
لَهٗ تَمْهِیْدًا ۙ ثُمَّ یَطْمَعُ اَنْ اَزِیْدَ ۙ كَلَّا ۭ اِنَّهٗ كَانَ لِاٰیٰتِنَا عَنِیْدًا ۭ [illegible]
[illegible] سَاُرْهِقُهٗ صَعُوْدًا ۭ [illegible]
[illegible] اِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۙ فَقُتِلَ كَیْفَ قَدَّرَ ۙ ثُمَّ قُتِلَ كَیْفَ قَدَّرَ ۙ [illegible]
[illegible] ثُمَّ نَظَرَ ۙ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۙ ثُمَّ اَدْبَرَ وَ
اسْتَكْبَرَ ۙ فَقَالَ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ یُّؤْثَرُ ۙ [illegible] اِنْ هٰذَآ
اِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۭ سَاُصْلِیْهِ سَقَرَ ۙ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا سَقَرُ ۭ لَا تُبْقِیْ وَلَا تَذَرُ ۚ [illegible]
[illegible] لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ ۚ عَلَیْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ۭ [illegible]
[illegible] وَمَا جَعَلْنَآ اَصْحٰبَ
النَّارِ اِلَّا مَلٰٓىِٕكَةً ۠ [illegible] وَّمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ اِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِیْنَ كَفَرُوْا ۙ لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ وَیَزْدَادَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْٓا [illegible]
وَّلَا یَرْتَابَ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ وَالْمُؤْمِنُوْنَ ۙ [illegible]
[illegible]
[illegible] وَلِیَقُوْلَ الَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْكٰفِرُوْنَ
مَاذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا ۭ كَذٰلِكَ یُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ یَّشَاۗءُ وَیَهْدِیْ مَنْ یَّشَاۗءُ ۭ وَمَا یَعْلَمُ جُنُوْدَ رَبِّكَ اِلَّا هُوَ ۭ وَمَا هِیَ اِلَّا ذِكْرٰی لِلْبَشَرِ ۧ [illegible]
[illegible]
[illegible] كَلَّا
وَالْقَمَرِ ۙ وَالَّیْلِ اِذْ اَدْبَرَ ۙ وَالصُّبْحِ اِذَآ اَسْفَرَ ۙ اِنَّهَا لَاِحْدَى الْكُبَرِ ۙ نَذِیْرًا لِّلْبَشَرِ ۙ [illegible]
[illegible] لِمَنْ شَاۗءَ مِنْكُمْ اَنْ یَّتَقَدَّمَ اَوْ یَتَاَخَّرَ ۭ [illegible] كُلُّ نَفْسٍۢ بِمَا كَسَبَتْ رَهِیْنَةٌ ۙ اِلَّآ اَصْحٰبَ الْیَمِیْنِ
فِیْ جَنّٰتٍ ڕ یَتَسَاۗءَلُوْنَ ۙ عَنِ الْمُجْرِمِیْنَ ۙ مَا سَلَكَكُمْ فِیْ سَقَرَ [illegible] قَالُوْا لَمْ
نَكُ مِنَ الْمُصَلِّیْنَ ۙ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِیْنَ ۙ وَكُنَّا نَخُوْضُ مَعَ الْخَاۗىِٕضِیْنَ ۙ [illegible]
وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّیْنِ ۙ حَتّٰىٓ اَتٰىنَا الْیَقِیْنُ ۭ [illegible] فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشّٰفِعِیْنَ ۭ [illegible]
[illegible] فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِیْنَ ۙ كَاَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ۙ [illegible]

قرار کرده‌اند از شیر بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ۝ بلکه اراده میکند هر شخصی از ایشان که داده شود صحیفی کشاده یعنی خود را مثل پیغمبر میدانند لهذا جست از کلام خداوند سکینند
كَلَّا هرگز نخواهد شد یا حصر بر یک ختم المرسلین است که کلام خدا به منزل شود چنانکه بارها گفتیم بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ۝ كَلَّا بلکه خوف نمیکنند آخرت را که به نسبت قرآن سحر میگویند چنانکه
است خیال کفار است إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ۝ فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ ۚ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ۝ بدرستی قرآن نصیحت است پس که خواهد یاد دارد
و نمیدارند مگر آنکه خواهد خدا آن لایق پرهیزگاری است و لایق آمرزش

سورة قیامه مکیة است مشتمل بر چهل آیه

در تحقیق قیامت و ضمنا ذکر ابی جهل عمرو که منکر
قیامت بود و میگفت که چگونه عظام پوسیده جمع خواهند شد و زنده گشت کی خواهد بود حق تعالی این سوره نازل کرد و زبان پیغمبر علیه السلام او را ملامت نمود چنانکه می آید و عدی بن ربیعه هم شریک انکار بود و از وی
از احوال قیامت پرسید حضور علیه السلام با و خبر داد لیکن منکر گفت که اگر معاینه کنم باز منکرم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ۝
وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ۝ قسم میخورم به روز قیامت و قسم بنفس ملامت کننده ابی جهل که آن ملامت کننده محمد است علیه السلام قیامت بالضرور آمدنیست أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ
أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ ۝ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ ۝ آیا گمان میکند انسان کافر که جمع نکنیم استخوانش بلی جمع کنیم در حالیکه قادریم بر آنکه درست نمائیم سر انگشتش که آدمی
روز از رش انگاریم که جمع کنیم و انسان ازین منکر است بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ۝ بلکه اراده میکند انسان کافر که گناه کند رو بروی خویش يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ۝ میپرسد کی شود
روز قیامت و چون جواب داده شود منکر گردد فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ۝ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ۝ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۝ يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ ۝ كَلَّا لَا وَزَرَ ۝ إِلَىٰ رَبِّكَ
يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۝ پس چون خیره شود چشم و خسوف شود ماهتاب و جمع کرده شوند شمس و قمر بعد نفخه ثانیه گوید انسان کافر در آن روز کجاست مفر نیست مفر و جای پناه بطرف پروردگار تست در آن
روز جای قرار است که نیکوکاران يُنَبَّأُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ۝ خبر داده شود انسان کافر در آن روز آنچه مقدم کرده است و آنچه موخر بَلِ الْإِنسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۝
وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ۝ بلکه انسان بر نفس خود دلیل است و اگرچه افگند عذرها لیکن کفار ربکار نیست دنیا چنان مبتلا بودند که از کار آخرت محض بیخبر شدند الا آنکه ذهن ها تنشین آنش صریح
است در تعجب است که پیغمبر علیه السلام شان بر وجه شفیق باشند چون وحی می آمد از نظر مهربانی و شفقت با خلق جهان شتابی میفرمود که همراه جبریل میخواندند تا باشد که حکم خدا است فرو رود حق تعالی
در این فرمود لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۝ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۝ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۝ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۝ مجنبان بوحی زبان خود را تا شتابی کنی بلکه بدرستی
بر ما لازم جمع قرآن است و خواندنش پس چون خوانیمش بصورت جبریل پس پیروی خواندنش جبریل کن باز بدرستی بر ما لازم است بیانش که بنظر حکمت وعده بر خود فرض کرده شده است پس در ضمن کلام
نصیحت به پیغمبر علیه السلام کرده شد که تحریک زبان ننماید بعده متوجه باصل قصه میشود كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ۝ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ۝ چنانست که نسبت بعضی خیال کفار است بلکه
دوست میدارند زندگانی دنیا شتابنده را و میگذارند آخرت را وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ۝ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ۝ بسیار رو ها در آن روز تر و تازه باشند بطرف پروردگار خود را مینگرند چنانکه نسبت
رویت جلوه اعلی صحیح احادیث تصریح است وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ۝ تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ۝ و رو ها در آن روز ترش باشند یقین کنند که رسید او را کار کلان كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ۝
وَقِيلَ مَنْ ۜ رَاقٍ ۝ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ۝ بتحقیق هلاکت مخصوص آن نیست بلکه چون نفس با استخوان سینه رسید و گفته شود که کیست منتر کننده او را از عذاب خدا یقین کند محض تحقیق
آن فراق است از دنیا وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ۝ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ۝ و بپیچد ساق بساق دیگر بطرف پروردگار تست در آن وقت بازگشت و این نصیحت
فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ۝ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ پس تصدیق کرد ابی جهل بقیامت و نه نماز خواند خاص سخن لیکن تکذیب قیامت کرد و بازگشت ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ۝
باز رفت بطرف کسان منکران خود که مخبر امید پس حضور علیه السلام مجامع پارچه ابی جهل گرفته فرمود أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ۝ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ۝ هلاکت است ترا پیش بر هلاکت است
برای تو پیش ترا پیچیده درگذشته شوی پس ابو جهل گفت یا محمد تو میترسانی چه ترس آید أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى ۝ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ۝ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً
فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ۝ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۝ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۝ آیا گمان میکند انسان که ترک کرده شود آیا نبود نطفه از منی ریخته
شده در رحم باز بود علقه پس پیدا فرمود اعضا پس برابر نمود پس گردانید ازو دو صنف نر و ماده آیا نیست آن ذات قادر بر آنکه زنده کند مردگان را بلی بدرستی آن بر هر شی قادر است

سورة دهر مکیة است مشتمل بر سی و یک آیه

بعد از اتمام این سوره بلی انه علی کل شی قدیر بخوانند و گویا این تتمه سوره سابق است بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا ۝ آیا آمد بر انسان منکر قیامت وقتی که نبود چیزی مذکور
نطفات ... إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ بدرستی ما پیدا کردیم انسان را از نطفه مختلط

از جهت آنکه بیازمائیم پس کردیم او را شنوا بینا إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ه بدرستی ما هدایت کردیم او را راه یعنی بزبان پیغمبر یا شاکر است یعنی نعمت یا کافر نعمت است در
صورت آخر إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ه تیار کردیم برای کافران زنجیرها و طوقها و آتش در صورت اول إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ه بدرستی ابرار
نوشند کاسی که باشد آمیزش کافور و طلبه آتش کافران آن کافور چیست عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ه چشمه ایست نوشند بدان بندگان خدا روانند آنرا از منزل هر جا که خواهند
يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ه وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ه وفا میکنند بنذر و خوف میکنند از روزیکه باشد شرش
دراز و میدهند طعام با وجود ضرورتش مسکین و یتیم و اسیر را این آیت بحق جمله صحابه است و حال جمله اهل اسلام است زیرا که لفظ عام است و بلسان اشاره شیعیان گویند بحق شخصی خاص نازل گردید که بیمار شدند حسن و حسین
بحال مرتضی کرم الله وجهه شیعیان گویند که چون در مدینه بود و حسنین رضی الله عنهما بیمار بودند حضور علیه السلام تشریف آورده و فرمود که اگر نذر کنی تا فرزندان شفا یابند پس سه روزه نذر نمود
پس حق تعالی شفا داد پس روزه داشتند که مرتضی کرم الله وجهه مقدار جو قرض گرفت و زهرا رضی الله عنها آرد ساخته نان پخته تا برای وقت شام افطار نمایند مسکینی آمد و آواز داد که ای اهل بیت مسکینم
از مسلمانان طعام دهید الحاصل از خوف بهشت همه اطعام نمودند پس طعام نداشتند جز اهل بیت فاقه گذرانیدند روز دوم یتیمی آمد و همچنان ساختند و یتیمی بیامد روز سوم اسیری آمد و ایشان
حال یکباره است و بار دیگر اتفاق چنان افتاد که مرتضی کرم الله وجهه اجرت از یهودی کرده جو بدست آورد چون اهل بیت نانش پختند مسکینی آمد و نان بدو عطا فرمودند چون نان دوم پختند یتیمی آمد و نان بدو
عطا نمودند چون نان سوم پخته شد اسیری از کافران آمد پس وی را عطا کردند و خود بفاقه گذرانیدند إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ه و بدل خود میگویند جز این نیست
طعام میدهیم شما را بوجه خدا اراده نمیکنیم از شما جزا و شکر چنانکه صدیقه بود رضی الله عنها که بعد از عطا دعا کردی بعوضش هم دعا فرمودی إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ه
بدرستی ما خوف میکنیم از پروردگار خود از روز ترش سخت گرم فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ه پس نگاه داشت ایشان را الله تعالی از بدی آنروز و ملاقات کنانید ایشان را بتازگی
و خوشی وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ه مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ه و جزا داد ایشان را بسبب صبر کردن بهشت و حریر تکیه زنندگان در جنت
بر تختها نبینند در آن آفتاب و سرما وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ه و قریب شده بر ایشان سایه هایش و نزدیک کرده شده میوه هایش قریب کردنی وَيُطَافُ
عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا ه قَوَارِيرَ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ه و گردانیده شود بر ایشان جامهای سیم و کوزها که باشند آبگینه آبگینه سیم اندازه
کرده شده باشند اندازه کردنی و از خود هر یک وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ه عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا ه و نوشند در جنت کاسی که باشد آمیزش زنجبیل چشمه
جنت مسمی کرده شد بسلسبیل وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ه آمد و رفت دارند بر ایشان پسران نابالغ جاوید ماندگان چون ببینی
ایشان را گمانی او ایشان را مروارید پراگنده شده یعنی اطفال کفار در طفلی مرده وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ه و چون نظر کنی در آنجا بینی نعمتی و ملک بزرگ عَالِيَهُمْ ثِيَابُ
سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ه بالای ایشان پارچه سندس سبز و استبرق و پیراسته شوند بدستبند سیم و نوشانید
ایشان را پروردگار ایشان شراب پاک إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا ه بدرستی این است برای شما جزا و هست سعی شما پسندیده إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ
تَنزِيلًا ه فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ بدرستی ما نازل کردیم بر تو قرآن پاره پاره یعنی حسب موقع و فصل الامر پس صبر کن برای حکم پروردگارت که در قضا نوشته شده است که مرگ بر ترجیح
نخواهد کرد و هلاک خواهد کرد وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ه و اطاعت مکن از ایشان گناهگار و سرکش را که ولید گفت که دین آبا بر گرد وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ه
و یاد کن نام پروردگارت صبح و شام وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ه و از شب پس سجده کن برای خدا و تسبیح کن شب دراز یعنی تهجد إِنَّ هَٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ
وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ه بدرستی این کافران دوست میدارند دنیا را و میگذارند در پس خود با روز گران قیامت نَّحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا
أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ه بیافریدیم ایشان را و محکم کردیم بندهای شان و چون خواهیم بدل کنیم امثال شان را بدل کردنی إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ه بدرستی این نصیحت است
پس هر که خواهد بگیرد بطرف پروردگار خود راهی وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ه يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ
عَذَابًا أَلِيمًا ه و نخواهند مگر آنچه خواهد الله بدرستی الله هست دانا با حکمت داخل کند هر کرا خواهد در رحمت خود و ظالمان را تیار کرده است عذاب دردناک **سورهٔ مرسلات مکیه**

است پنجاه آیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ه فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ه وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ه فَالْفَارِقَاتِ
فَرْقًا ه فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ه عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ه إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ه قسم است بباد ها که فرستاده شوند پی در پی قسم است ببادها که بجهند سخت و قسم است ببادها که پراگنده

پراگنده کرده شوند پس قسم است بفرشتگان فرق کردن میان اهل اسلام وکافر در روز قیامت پس قسم است بفرشتگان القا کنندگان قرآن بر انبیاء عذر وترسانیدن کفار از روز قیامت بدرستی
آنچه وعده کرده شده اید یعنی قیامت هرآئینه واقع شدنیست فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ پس چون ستاره ها بی نور کرده شوند وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وچون آسمان از شدت آمدن بیند شکافته
شود وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ وچون کوهها پراگنده کرده شوند وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ [illegible] لِيَوْمِ الْفَصْلِ
برای روز فصل وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وچه چیز آگاه کرد ترا چیست روز فصل افسوس است آنروز برای تکذیب کنندگان این جواب قسم است جواب
قسم [illegible] أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [illegible] هلاک کردیم پیشینیان را [illegible] افسوس است برای تکذیب کنندگان قیامت [illegible] أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ
فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا پیدا نکردیم شما را از آب حقیر پس گردانیدیم آن منی را در گاه استوار رحم
[illegible] افسوس است برای تکذیب کنندگان قیامت باوجود امکان [illegible] دلائل وجود قیامت [illegible]
[illegible] أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا وَيْلٌ
يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا نگردانیدیم زمین را جمع کننده زندگان ومردگان [illegible] آب شیرین افسوس است برای تکذیب کنندگان قیامت [illegible]
[illegible] انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ [illegible]
[illegible] لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
[illegible] افسوس است درآن روز برای تکذیب کنندگان هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ
وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [illegible] افسوس است برای تکذیب کنندگان قیامت هَٰذَا يَوْمُ
الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [illegible]
[illegible] افسوس است آنروز برای تکذیب کنندگان [illegible] إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّا
كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [illegible]
[illegible] افسوس است [illegible] برای تکذیب کنندگان [illegible] كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [illegible]
[illegible] افسوس است درآنروز برای تکذیب کنندگان وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [illegible]
[illegible] افسوس است درآنروز برای تکذیب کنند فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد [illegible]
[illegible] سورهٔ نبأ مکیه چهل آیه [illegible]
[illegible] قیامت [illegible] بعضی گفتند که قیامت [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible] عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ از چه چیز سوال میکنند عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ [illegible]
كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ [illegible] أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا
وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا وَأَنْزَلْنَا
مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا [illegible]
[illegible] آسمان سخت [illegible]
[illegible] قیامت [illegible] إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ

أَفْوَاجًا بدرستی روز قیامت هست وقت مقرر روزیکه نفخ کرده شود در صور نفخه ثانیه پس بیایید فوج فوج [illegible] وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ
فَكَانَتْ سَرَابًا [illegible] از زمین پس باشند سراب [illegible] نفخه دیگر زمین [illegible] میدان جهنم است [illegible] إِنَّ جَهَنَّمَ
كَانَتْ مِرْصَادًا لِلطَّاغِينَ مَآبًا لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا بدرستی جهنم باشد گذرگاه [illegible] بازگشت [illegible] احقاب [illegible]
[illegible]
از رحمت [illegible] لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا جَزَاءً وِفَاقًا
إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا [illegible]
[illegible] وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا [illegible] فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا [illegible]
[illegible] إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا
جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا [illegible]
[illegible] رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا [illegible]
[illegible] يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ
الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا [illegible]
[illegible] ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا [illegible]
[illegible] إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا [illegible]
[illegible]

سوره نازعات مکیه است مشتمل چهل و شش آیه

[illegible] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ [illegible] وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا [illegible]
[illegible] وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا [illegible]
[illegible] وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ [illegible]
[illegible] فِي الْحَافِرَةِ [illegible]
[illegible] فَإِنَّمَا هِيَ [illegible]
[illegible]
حَدِيثُ مُوسَىٰ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ [illegible]
[illegible]
[illegible]
سرکشی کرده است [illegible]

ترجمہ بفرعون گفت کہ خدای تعالی مرا بسوی تو فرستادہ است وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ۝ و دلالت کنم ترا بطرف پروردگار تو تا تو خوف کنی و قوم را نگذاری فَاَرٰىهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ۝
پس معاینہ نمود موسی فرعون را آیت کبری یعنی عصا فَكَذَّبَ وَعَصٰى ۝ ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ۝ فَحَشَرَ فَنَادٰى ۝ فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ۝ پس تکذیب کرد موسی را و سرکشی کرد باز بگردانید کہ سعی کرد در ابطال
دعوی موسی پس جمع کرد قوم را پس خواند بطرف خویش پس گفت منم پروردگار شما اعلی چون ایشان از موسی کلمہ لا الہ الا اللہ شنیدہ بودند دانستند کہ سوای حق تعالی دیگر معبود نیست […] اعظم است چنانکہ موسی میگوید کہ […] آتش […]
اگر […] موسی اسباب […] گفت کہ دلائل […] قوم […] پس موسی معجزات […] لیکن فرعون […] فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ۝
پس گرفت فرعون را […] اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ۝ […] عبرت است برای آن اہل مکہ […] ءَاَنْتُمْ
پیدائش شما […] مشکل […] ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ ۚ بَنٰىهَا ۝ رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰىهَا ۝ وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا ۝ وَالْاَرْضَ
بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا ۝ […] آسمان […] زمین […] گسترد […]
کہ اول […] آسمان […] تفصیل آسمان […] اَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰىهَا ۝ وَالْجِبَالَ اَرْسٰىهَا ۝ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِاَنْعَامِكُمْ ۝ […]
و کوہہا […] چہارپایان شما […] فَاِذَا جَآءَتِ الطَّآمَّةُ الْكُبْرٰى ۝ يَوْمَ
يَتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ مَا سَعٰى ۝ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيْمُ لِمَنْ يَّرٰى ۝ […] انسان […] دوزخ […] فَاَمَّا مَنْ طَغٰى ۝ وَاٰثَرَ
الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ فَاِنَّ الْجَحِيْمَ هِيَ الْمَاْوٰى ۝ […] زندگانی دنیا […] جہنم جای اوست وَاَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى ۝
فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى ۝ […] خوف کند […] پروردگار […] بہشت جای اوست يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ اَيَّانَ مُرْسٰىهَا ۝ سوال میکنند
از قیامت […] فِيْمَ اَنْتَ مِنْ ذِكْرٰىهَا ۝ اِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰىهَا ۝ […] بطرف خداست […]
آدم […] اِنَّمَآ اَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ
يَّخْشٰىهَا ۝ […] قیامت […] كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوْٓا اِلَّا عَشِيَّةً اَوْ ضُحٰىهَا ۝
گویا آن […] شام یا یک صبح […] **سورہ عبس مکیہ است**
مشتمل بر چہل و دو آیہ […] حضور علیہ السلام […] قریش مثل عتبہ بن ربیعہ و ابوجہل بن ہشام و عباس بن عبد المطلب و ابی بن خلف […]
و غیرہ نشستہ بودند […] حضور علیہ السلام […] عتبہ بن […] عبد اللہ بن ام مکتوم یعنی عبد اللہ بن شریح بن مالک بن
ربیعہ الفہری […] حضور علیہ السلام […] تعلیم کن […] حضور علیہ السلام […]
[…] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بنام خداوند […] عَبَسَ وَتَوَلّٰٓى ۝ اَنْ جَآءَهُ الْاَعْمٰى ۝ […]
پیغمبر […] وَمَا يُدْرِيْكَ لَعَلَّهٗ يَزَّكّٰٓى ۝ اَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرٰى ۝ […] نصیحت […]
[…] اَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى ۝ فَاَنْتَ لَهٗ تَصَدّٰى ۝ وَمَا عَلَيْكَ اَلَّا يَزَّكّٰى ۝ […] قرآن […]
نیست […] وَاَمَّا مَنْ جَآءَكَ يَسْعٰى ۝ وَهُوَ يَخْشٰى ۝ فَاَنْتَ عَنْهُ تَلَهّٰى ۝ […] كَلَّآ
[…] جبرئیل علیہ السلام این آیات […] حضور علیہ السلام […] عبد اللہ ام مکتوم […] مسجد […]
[…] اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝ فَمَنْ شَآءَ ذَكَرَهٗ ۝ فِيْ صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۝ مَّرْفُوْعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِاَيْدِيْ
سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝ […] نصیحت است […] صحف انبیا […] کتاب اگر
[…] قُتِلَ الْاِنْسَانُ مَآ اَكْفَرَهٗ ۝ مِنْ اَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ ۝ مِنْ نُّطْفَةٍ ۝ خَلَقَهٗ فَقَدَّرَهٗ ۝ ثُمَّ السَّبِيْلَ يَسَّرَهٗ ۝ ثُمَّ اَمَاتَهٗ فَاَقْبَرَهٗ ۝
ثُمَّ اِذَا شَآءَ اَنْشَرَهٗ ۝ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ اَمَرَهٗ ۝ […] نطفہ […]
[…] حضور علیہ السلام […]

گذشت که شیرش درید [illegible] دیگر ترغیب باشد [illegible] هر که قادرست که از نطفه آدم سازد قادرست بر آنکه مرده را در قیامت زنده کند [illegible] که مناسبت با این میاید
نظر [illegible] فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۝ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۝ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۝ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۝ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ۝ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۝ وَحَدَائِقَ
غُلْبًا ۝ وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ۝ پس باید که نظر کند انسان کافر یعنی عتبه بطرف غذا خود [illegible] ریختیم آب را ریختنی پس شگافتیم زمین را شگافتنی پس رویانیدیم در آن [illegible] و انگور و سبزی و زیتون و خرما و باغها [illegible]
[illegible] میوه و [illegible] تفسیر آن [illegible] صدیق اکبر رضی الله عنه پرسیده شد فرمود کدام آسمان سایه کند مرا و کدام زمین نقل کند [illegible] اگر گویم در کتاب الله آنچه ندانم و عمر فاروق رضی الله عنه میفرماید که همه
چیز را دانستیم [illegible]
[illegible] مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۝ متاعیست برای شما و برای انعام شما [illegible]
قادر بر پیدایش دیگر نیست فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ۝ پس چون آید صیحه [illegible] يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۝ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۝ لِكُلِّ امْرِئٍ
مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝ روزیکه فرار کند مرد از برادر خود و از مادر و پدر خود و از زن خود و پسران خود هر مردی را از ایشان در آن روز شأنی باشد که مشغول سازد او را [illegible]
[illegible] باشد وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ۝ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۝ روهای اهل اسلام در آن روز روشن باشند خندان شادان وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝ أُولَئِكَ
هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ۝ و روهای کفار در آن روز [illegible] آنها کافران گنهگاران

سورهٔ تکویر مکیه است مشتمل بر بست و نه آیه

در این سوره نیز [illegible] تحقیق قیامت است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۝ چون آفتاب [illegible] شود [illegible] ابن عباس فرموده که
آفتاب و ماهتاب و ستارها در دریا انداخته شوند [illegible] آتش شوند وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۝ و چون ستارها [illegible] شوند [illegible]
وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۝ و چون کوهها روان کرده شوند [illegible] وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۝ و چون شتران [illegible]
[illegible] قیامت حاضر [illegible] وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝ و چون جانوران حشر کرده شوند وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝ و چون
دریاها گرم کرده شوند وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝ و چون نفوس با بدنها جفت کرده شوند وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ۝ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝ و چون دختر [illegible]
کرده شود که بکدام گناه قتل کرده شد [illegible] وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝ و چون صحیفها
گشاده شوند وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝ و چون آسمان برکنده شود [illegible] وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝ و چون دوزخ افروخته شود وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ و چون جنت
آراسته کرده شود عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ۝ بداند نفسی آنچه حاضر کرده است در دنیا فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝ پس قسم میخورم بستارگان [illegible]
بعکس حرکت [illegible] الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝ [illegible] وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝
وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝ و قسم است بشب چون تاریک کند و قسم بصبح [illegible] إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۝ هر آینه
قرآن [illegible] قول رسول کریم [illegible] صاحب قوت نزد صاحب عرش [illegible]
علیه السلام [illegible] جبرئیل [illegible] وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝ و نیست صاحب شما مجنون [illegible] وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ۝ [illegible]
[illegible] وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝ و نیست آن پیغمبر [illegible] وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ و نیست این
قول شیطان [illegible] فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝ پس کجا میروید [illegible] إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ نیست این مگر نصیحت برای
عالمیان لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ [illegible] وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ و نخواهید [illegible]
خواهد پروردگار عالمیان [illegible]
[illegible] محمد علیه السلام اند

سورهٔ الانفطار مکیه است نوزده آیه میباشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان
إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝ بعد نفخه [illegible] چون
آسمان شگافته [illegible] شوند و چون ستارها [illegible] و چون دریاها [illegible] شوند [illegible] بداند نفسی [illegible]

تا نچه از پس گذاشت يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيْمِ الَّذِيْ خَلَقَكَ فَسَوّٰىكَ فَعَدَلَكَ فِيْۤ اَيِّ صُوْرَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ای انسان کار چه فریب داد ترا
به پروردگار بزرگ تو آنکه بیافرید ترا پس راست کرد اعضا پس گردانید از هر صورت انسان در صورتیکه خواست پروردگارت ترکیب داد ترا كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُوْنَ بِالدِّيْنِ حاشا کنی نمیدانید بلکه
میکنید قصد روز قیامت وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحٰفِظِيْنَ كِرَامًا كَاتِبِيْنَ يَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ و بتحقیق بر شما هر آئینه نگاهبانانند بزرگ نویسندگان اعمال میدانند آنچه میکنید اعمال
اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ وَّاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِيْ جَحِيْمٍ يَّصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّيْنِ بتحقیق ابرار هر آئینه در نعمت باشند و بتحقیق فجار هر آئینه در جهیم باشند داخل شوند در آن روز قیامت
وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِيْنَ و نیستند کفار از جهنم غائبان وَمَاۤ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الدِّيْنِ ثُمَّ مَاۤ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الدِّيْنِ و چه چیز معلوم کرد ترا روز دین باز چه چیز معلوم کرد ترا
چیست روز قیامت يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَّالْاَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلّٰهِ روزیکه مالک نشود نفسی برای نفسی و امر در آن روز برای خداست **سورة التطفيف**

مدنیه است مشتمل بر سی و شش آیه ۳۶ از آن مکیه اند زیرا که انکار قیامت وغیره بحال که بسیار مناسب بحال اهل مدینه لیکن برای
تنبیه از حالات قیامت رسانیده میشود زیرا در مدینه اهل او جهینه در صلح بیاد شتند که کیل بیکردند یکی میگرفتند دیگری چنانکه از ابن عباس رضی الله عنهما مرویست که چون حضور علیه السلام
مدینه تشریف آورده بودند از اهل مدینه خبیث ترین آدمیان در کیل نقصان میکردند پس نازل کرد حق تعالی این سوره پس نیک شدند در کیل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بنام خدای
بسیار بخشاینده مهربان وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ الَّذِيْنَ اِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ افسوس بسیار است برای آن کیل کم کنندگان که چون پیمانه ستانند از آدمیان کامل بگیرند
بغیر نقصان از میان [illegible] وَاِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وَّزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ و چون پیمانه دهند بدیگران یا وزن کنند ایشان را کم کنند اَلَا يَظُنُّ اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ
لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ آیا یقین نمیدارند اینها که ایشان مبعوث کرده شوند برای روز بزرگ يَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ روزیکه قائم شوند آدمیان برای پروردگار عالمیان كَلَّآ
اِنَّ كِتٰبَ الْفُجَّارِ لَفِيْ سِجِّيْنٍ حاشا که کتاب منکران قیامت هر آئینه در سجین باشد که مطابق روایت براء از حضور علیه السلام در زیر هفت زمین است و بروایت ابن عمرو [illegible]
در تفسیر سورۂ طلاق نوشتیم بر زمین ششم است وَمَاۤ اَدْرٰىكَ مَا سِجِّيْنٌ و چه چیز خبردار کرد ترا چیست سجین و ابن عباس از کعب احبار رضی الله عنهم از کتاب مجاهد [illegible]
پرسید گفت که روح فاجر تا آسمان قبول نمیکنند در زمین پس داخل میشود در زیر هفت زمین است مقام سجین که موضع عذاب ابلیس است كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ آن کتاب نوشته کتابی است نوشته
لایق کراما کاتبین وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ الَّذِيْنَ يُكَذِّبُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ افسوس است برای تکذیب کنندگان که تکذیب کنند روز دین است وَمَا يُكَذِّبُ
بِهٖۤ اِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ اَثِيْمٍ اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا قَالَ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ و تکذیب نمیکنند روز قیامت مگر هر سرکش گناهگار چون خوانده شود بر او آیات ما گوید قصه‌های
کهنه است چنانکه قول اهل کتاب است كَلَّا و اهل مدینه چنین اند که منکر قیامت نیستند [illegible] چنانکه از ابی هریره رضی الله عنه [illegible]
[illegible] كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ
[illegible] كَلَّآ اِنَّهُمْ عَنْ رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوْبُوْنَ [illegible] الْجَحِيْمِ [illegible]
[illegible] هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ [illegible]
عِلِّيِّيْنَ وَمَاۤ اَدْرٰىكَ مَا عِلِّيُّوْنَ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

عــــم

منافقان اہل ایمان را بسیگو بودند یعنی اہل اسلام را گمراہ اند و ما اُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ۵ و فرستادہ نشدہ اند منافقان بر اہل اسلام نگاہبانان فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
يَضْحَكُونَ ۵ پس امروز اہل ایمان بر آن منافقان [illegible] عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۵ [illegible] منافقان و کفار را گویند هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۵ آیا عوض دادہ شدند
کفار بانچہ میکردند یعنی عوض دادہ شدند

سورة الانشقاق مدنیہ بست و پنج آیہ است

واضح باد کہ آخر سورہ تطفیف در منافقان [illegible]
و بعد حضور علیہ السلام در خلافت صدیق [illegible] منافقان مرتد شدند [illegible] این سورہ [illegible] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بخشایندہ مهربان إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ ۵
وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۵ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ۵ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۵ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۵ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ۵ چون
آسمان شق شوند و بشنوند برای پروردگار خود [illegible] چون زمین [illegible] [illegible] بیفگند آنچہ در آنست [illegible] ای انسان [illegible] رحمت کنندہ
بطرف پروردگار [illegible] ملاقات کنندہ [illegible] فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۵ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ
حِسَابًا يَسِيرًا ۵ وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۵ پس لیکن [illegible] کتاب اعمال [illegible] حساب آسان [illegible] وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۵ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ۵ وَيَصْلَى سَعِيرًا ۵ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۵ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۵ و لیکن [illegible] کتاب اعمال [illegible]
قرآن پس پشت خود [illegible] [illegible] بَلَى إِنَّ رَبَّهُ
كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۵ [illegible] پروردگار [illegible] فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۵ [illegible] شفق [illegible] وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۵ قسم بشب و آنچہ
جمع کند [illegible] سید المرسلین [illegible] وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۵ و قسم است بقمر [illegible] صدیق رضی اللہ عنہ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۵ [illegible]
[illegible] حدیث صحیح [illegible] ابی سعید خدری [illegible] حضور علیہ السلام [illegible]
[illegible] فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۵ [illegible] اہل کتاب ایمان [illegible] وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۵ [illegible]
[illegible] قرآن سجدہ [illegible] بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۵ [illegible] وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۵ [illegible] فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ
أَلِيمٍ ۵ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۵ [illegible] اجریست غیر مقطوع

سورة البروج مکیہ است مشتمل بر بست و دو آیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بخشایندہ مهربان وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۵ قسم آسمان صاحب
برجہای [illegible]
وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۵ [illegible] وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۵ [illegible]
السلام [illegible]
[illegible] قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۵ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ۵ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا
قُعُودٌ ۵ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۵ [illegible] صاحب [illegible]
وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۵ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۵ [illegible]
[illegible] حضور علیہ السلام [illegible]
[illegible] إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۵ [illegible]
[illegible] إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۵ [illegible] إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۵ [illegible]
سخت است إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ۵ [illegible] وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ۵ [illegible] ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ۵ [illegible]
صاحب عرش بزرگ [illegible] فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۵ [illegible] هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ۵ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ۵ [illegible]

نشکنند و مومن شوند که ابدا نکا پیغمبران تباه شد بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ بلکه آنکه کافر گردیدند در تکذیب قرآن اند وَاللَّهُ مِن وَرَائِهِم مُّحِيطٌ و خدا از پس ایشان احاطه کننده

است مقصد بیان این قرآن مقصود همه اهل اسلام نیست بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ بلکه آن قرآن مجید است در لوح محفوظ سفر شنی حفاظت شده از تغیر از زمان حضور علیه السلام

بود تا قیام قرآن مجید حفاظت کرده شده است و فصل و سفر شنی **سورة طارق مكية است مشتمل بر هفت آيه** بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشنده

مهربان وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ قسم است بآسمان و قسم است بطارق و چه چیز خبردار کرد که چیست طارق آن نجم ثاقب است یعنی محمد علیه السلام

ستاره روشن که اول نزول حضور علیه السلام بصورت ستاره بر عرش جبرئیل حامله میکرد و بعد ظهور جسمانی او در زمین میکند از زمین تا آسمان حفاظت کرد و بجهت حفاظت قسم بخورد تا در جواب قسم

شکی نیست که منکران بعد اعاده معدوم بودند حگونه بر قیامت ... إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ نیست هیچ نفسی مگر بر وی حافظ است از جانب خداوند که در عالم مثال

و از شکی شبها باشد و تقلب اطوار خود را حفظ کنند نظر از آن میفرماید فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ پس باید نظر کند انسان

از چه پیدا کرده شده است از آب ریزنده که خارج شود از میان صلب مرد و سینهای زن که چنین تقلیبات انسان شد و از آن میر ... در این تقلیبات حواس محفوظ ماند

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ هر آئینه قادر است بر بازگردانیدن او روزی که آزموده شود دلها یعنی روز قیامت فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ پس نیست برای انسان هیچ قوه

قیامت قوتی و معین و ناصر وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ قسم است بآسمان صاحب باران یعنی محمد صاحب قرآن وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ و زمین صاحب انشقاق از نبات و اشجار

یعنی دلهای مومنان که از قبول قرآن میشکفند إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ هر آئینه قرآن فیصل کننده حق و باطل است و نیست آن هزل چنانکه قول کفار است إِنَّهُمْ

يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا هر آئینه کفار مکر کنند مکر عظیم بقتل پیغمبر و مکر میکنم مکرے بنسبت شان که رسالت ترا ... فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ

رُوَيْدًا پس مهلت ده کافران را و بگذار ایشان را اندکی **سورة الاعلى مكية است نوزده آيه ميدارد** بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند

بسیار بخشاینده مهربان سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى بپاکی یاد کن نام پروردگار بزرگ یعنی سبحان ربی الاعلی در سجده بگو الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ آنکه پیدا کرد انسان پس راست و تمام

اندام ساخت بجا آورد وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ و آنکه مقدر کرد مسلمان را سعادت پس هدایت کرد بدین پیغمبران وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ و آنکه فاجر کرد کافران را چراگاه

[illegible] پس در آخرت کردانید سیاه پس جون کار باختیار است پس کلام کردن ای نبی با اول آیه جبرئیل مضطرب مشو چون جبرئیل قرآن بخواند فراغت یافت حضور علیه السلام از اول آیه کلام

میکرد سیاد که فراموش شود نظر از آن میفرماید سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ زود خوانیم بر تو پس فراموش نکنی مگر آنچه خواسته است خدا پس تکلف مکن إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا

يَخْفَىٰ هر آئینه او میداند آشکارا و پنهان را و آنچه پوشیده است وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ و آسانی میدهیم ترا برای آسانی یعنی تکلیف کشتی در تبلیغ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ پس نصیحت

کن اگر نفع دهد نصیحت سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ زود نصیحت گیرد مثل صدیق که خوف کند از خدا وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ و

تجنب کند از آن مثل ابی جهل شقی که داخل شود در آتش بزرگ پس نه میرد در آن و نه زنده ماند یعنی لذت زندگی یابد قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ تحقیق فلاح یابد آنکه کرد و هم

یاد کند نام پروردگار خود پس نماز بخواند یعنی بعد هجرت و در این اشارت بنیکی گی بی الصدقه فطر و تکبیر عیدین و نماز آنها است که در مدینه منوره بعد از هجرت شد چنانکه نافع از ابن عمر روایت کرده لیکن

نه آخرت فقط فلاح خواهید سوا آخرت بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ بلکه پسند کنید زندگانی دنیا را و آخرت بهتر و باقی تر است برای شما إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ

الْأُولَىٰ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ و بر سنتی ملکیت دنیا و آخرت اهل السلام هر آئینه در صحف ابراهیم و موسی است چنانکه در فصل شاد هم تکوین برای اسماعیل حد شده است که در فتح بر دست جلیه

خواهد بود و فصل ۳۰۳۰۳۰ سفر شنی صاف مملکت و شرکت دنیا و دین بنسبت اهل السلام **سورة الغاشية مكية است مشتمل بر بست و شش آيه**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ آیا آمد ترا حدیث قیامت که پوشد احوال وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ

تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ دراز روز ذلیل باشند کار کنندگان در دنیا بمعاصی تکلیف کشندگان در آخرت گرم شونده نوشانیده

شوند چشمه نهایت در حرارت نباشد برای شان مگر از ضریع که چیزیست در آتش مشابه شوک تلخ تر از صبر بدبوتر از مردار و سخت تر در گرمی از آتش و ضریع در دنیا چیزیست ترش که شتر میخورد و خشک

شده جانوری نمیخورد پس مشرکان گفتند که شتران ما از آن فربه میشوند نظر بر آن حکم کرد لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ نه فربه کند و نه غنی کند از جوع کفار را و صفت وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ

رو باد آن بعد خوش نشنید برای سعی خود راضی در جنت بلند نشنوند در آن لغوی در آن چشمه روان است فیها سرر مرفوعة و اکواب موضوعة و نمارق مصفوفة و زرابی مبثوثة بلکن بعد در جنت
بلند تختهای بلند تکیه‌ها و بستر ها در جنت حال این شنیدند تعجب کردند پس تعجب شان از احوال حال شان و رفع شبهه اَفَلَا یَنْظُرُوْنَ اِلَی الْاِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ آیا نمی بینند بطرف شتر چگونه پیدا کرده شد تعجب شان
از تختهای بود وَ اِلَی السَّمَآءِ کَیْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ و بطرف آسمان چگونه بلند کرده شد تعجب شان از بلندی تختها رفع گردد وَ اِلَی الْجِبَالِ کَیْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ و بطرف کوهها چگونه قایم کرده شد تعجب نسبت تکیه‌ها مانند
وَ اِلَی الْاَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ و بطرف زمین چگونه فراخ و بسط کرده شد پس تعجب از قالیها و بسترها مدفوع شد فَذَکِّرْ اِنَّمَآ اَنْتَ مُذَکِّرٌ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَیْهِمْ بِمُصَیْطِرٍ ﴿٢٢﴾ پس نصیحت کن جز این نیست تو نصیحت
کننده نیستی بر ایشان داروغه اِلَّا مَنْ تَوَلّٰی وَ کَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَیُعَذِّبُهُ اللّٰهُ الْعَذَابَ الْاَکْبَرَ ﴿٢٤﴾ اِنَّ اِلَیْنَآ اِیَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ اِنَّ عَلَیْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾ لیکن کسی که باز گردد از نصیحت و کفر کند پس
عذاب کند او را الله عذاب بزرگ بدرستی بطرف ما رجوع شان است باز بدرستی بر ما حساب شان است

سورة الفجر مکیه مشتمل بر سی آیه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بنام

خداوند بسیار بخشاینده مهربان وَ الْفَجْرِ ﴿١﴾ قسم بفجر طلوع صبح علیه السلام که مطابق فصل ۲ سفر شتی سینا یعنی بکوه که طلوع فرمود وَ لَیَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ و ده شبانه روز ماه ذی الحجه اول که مستعمل میدارند و کلام شان
است که اعمال در حضور علیه السلام مشرف باشند وَ الشَّفْعِ قسم است بخلق که از ایشان پیدا کرد وَ الْوَتْرِ ﴿٣﴾ و قسم یگانه است که شان بلند و اشاره بنماز شفع و وتر هم درین آیه است که در حدیث است وَ الَّیْلِ اِذَا
یَسْرِ ﴿٤﴾ و قسم شب است چون برود یعنی محمد علیه السلام هجرت از مکه در فاران مدینه چنانکه در فصل ۳۳ مذکور است هَلْ فِیْ ذٰلِکَ قَسَمٌ لِّذِیْ حِجْرٍ ﴿٥﴾ آیا است درین اشیا قسمی برای صاحب عقل جواب قسم
که بیان مخذوف است بسبب شهرت جواب قسم از دلایل سپید شده و باین حطاب است تفسیر جواب قسم آنکه البته آن ما که از فجر است مذکور گردید کرده است اَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ چگونه کرد پروردگار تو
بعاد ارم یعنی بعاد بن عوص بن ارم بن سام ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِیْ لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ ﴿٨﴾ صاحب ستونها که پیدا کرده نشد مثل آن ستون در بلاد چنانکه در فصل ۱۱ مکتوب است که رجی در زمین
شنعار بنا کردند از خوف طوفان این باشند این قصه شدکه هود علیه السلام و شان را بیاد رعد وَ ثَمُوْدَ الَّذِیْنَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾ و ثمود بن عاثر بن عوص بن ارم بن سام آنانکه قطع کردند
سنگها را بوادی حجر وَ فِرْعَوْنَ ذِی الْاَوْتَادِ ﴿١٠﴾ و فرعون صاحب میخها یعنی لشکر الَّذِیْنَ طَغَوْا فِی الْبِلَادِ ﴿١١﴾ آنانکه سرکشی کردند در شهرها فَاَکْثَرُوْا فِیْهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ
عَذَابٍ ﴿١٣﴾ پس اکثر کردند در زمین فساد پس ریخت بر ایشان پروردگار تو سوط عذاب استعاره از غایت عذاب است تا اینجا آیات قسم شد جواب قسم مفسرا میدارد اِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ بدرستی
پروردگار تو البته بر کمینگاه است اول مکه است که شب ایشان هیچ تاکید بینی شان بهجرت خواهد فرمود و در برکت تو نصیب شده است و منکت حاملی اختیار خدا است که تو بعزم مستان مسکین
و کفار که آسوده بی خیال سکنت اهل اسلام مدینه چگونه فتح اهل اسلام و عزت خوار شد چنانکه نسبت خود لمیکان هسیر نظر آن بعقرا دید فَاَمَّا الْاِنْسَانُ اِذَا مَا ابْتَلٰىهُ رَبُّهٗ فَاَکْرَمَهٗ وَ نَعَّمَهٗ
فَیَقُوْلُ رَبِّیْۤ اَکْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَ اَمَّاۤ اِذَا مَا ابْتَلٰىهُ فَقَدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَهٗ فَیَقُوْلُ رَبِّیْۤ اَهَانَنِ ﴿١٦﴾ پس لیکن انسان چون مبتلا کند او را پروردگار تو پس اکرام کند او و نعمت دهد او پس گوید
پروردگار من اکرام کرد مرا لیکن چون مبتلا کند او را پس تنگ کند بر وی رزق او پس گوید پروردگار من اهانت کرد مرا کَلَّا چنین نیست که اهانت آن تنگی رزق مقصود باشد بلکه بَلْ لَّا تُکْرِمُوْنَ الْیَتِیْمَ ﴿١٧﴾ وَ لَا
تَحٰٓضُّوْنَ عَلٰی طَعَامِ الْمِسْکِیْنِ ﴿١٨﴾ وَ تَاْکُلُوْنَ التُّرَاثَ اَکْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾ اکرام نمیکنید یتیم را و برانگیخته نمیشوند بر طعام مسکین و میخورید میراث خوردنی بی فرق کردن در حلال و حرام نیست
وَ تُحِبُّوْنَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ و دوست میدارید مال را دوستی بسیار این همه علت تنگی است کَلَّاۤ اِذَا دُکَّتِ الْاَرْضُ دَکًّا دَکًّا ﴿٢١﴾ وَّ جَآءَ رَبُّکَ وَ الْمَلَکُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَ جِایْٓءَ یَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ
یَوْمَئِذٍ یَّتَذَکَّرُ الْاِنْسَانُ وَ اَنّٰی لَهُ الذِّکْرٰی ﴿٢٣﴾ حقا چون شکسته شود زمین شکسته شدنی و آید پروردگار تو بصفت مدح عظم و فرشتها صف صف و آورده شود در آن روز جهنم
در آن روز نصیحت گیرد انسان و کجاست او را این نصیحت یَقُوْلُ یٰلَیْتَنِیْ قَدَّمْتُ لِحَیَاتِیْ ﴿٢٤﴾ فَیَوْمَئِذٍ لَّا یُعَذِّبُ عَذَابَهٗۤ اَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَّ لَا یُوْثِقُ وَ ثَاقَهٗۤ اَحَدٌ ﴿٢٦﴾ گوید کاش من پیش
در زندگانی خود پس آن روز عذاب کرده شود مانند عذاب کسی و بسته شود مانند بستن کسی یٰۤاَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِیْۤ اِلٰی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِیْ فِیْ عِبٰدِیْ ﴿٢٩﴾ وَ ادْخُلِیْ جَنَّتِیْ ﴿٣٠﴾
ای نفس مطمئنه رجوع کن بطرف پروردگار راضی پسندیده پس داخل شو در بندگان و داخل شو در جنتم

سورهٔ بلد مکیه است بیست آیه بِسْمِ اللّٰهِ

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان لَاۤ اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَ اَنْتَ حِلٌّۢ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ قسم میخورم باین شهر مکه و تو حلال هستی درین شهر یعنی بتو قتل مردمان حلال میگردد در زمانی که قتل ایشان
محمد علیه السلام کسی را جایز نبوده است این یعنی گوشت بعض ملکه حلال کرده شد برای حضور علیه السلام در روز فتح انتقام کرده فرموده حالی است که عهد منقطع شده بود تا آنکه حکم فرمود
پس حلال کردن قتل هر که بود و حرام ساخت تا قیامت بحرمت خدا یعنی تو درین شهر حلال هستی در دیگر تو بخواهی نشسته ای تو نبی بعضی که مدفون در خانه است بیت الله بفصل سفر تثنیه شده است
بعض و هر که قتل کرده شود وَ وَالِدٍ وَّ مَا وَلَدَ ﴿٣﴾ قسم والد که از آن نطفه پیدا کنیم یعنی آدم و آنچه زاده یعنی اولاد آدم لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ کَبَدٍ ﴿٤﴾ بتحقیق پیدا کردیم انسان را در استقامت قد
راست روزی انکه بعضی اختیار کند مثل ولید بن مغیره اَیَحْسَبُ اَنْ لَّنْ یَّقْدِرَ عَلَیْهِ اَحَدٌ ﴿٥﴾ یَقُوْلُ اَهْلَکْتُ مَالًا لُّبَدًا ﴿٦﴾ آیا گمان میکند که هرگز قدرت ندارد بر وی کسی میگوید تلف کردم مال بسیار

بسیار تعالیٰ محمد علیہ السلام را اصل کردہ شود اَیَحْسَبُ اَنْ لَّمْ یَرَهٗۤ اَحَدٌ ؕ الا گمان میکند انسان کافر آنکہ ندید او را کسی در حالت بخیر گرستن حالانکہ در رحم او را چشم و زبان و لب داد ایم ما چنانکہ
میفرماید اَلَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ عَیْنَیْنِ ۙ وَ لِسَانًا وَّ شَفَتَیْنِ ۙ وَ هَدَیْنٰهُ النَّجْدَیْنِ ۚ الا گردانیدیم او را بخشیم چشمان و زبان و دو لب و ہدایت کردیم او را دو راہ خیر و شر فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۫ۖ وَ مَاۤ اَدْرٰىكَ مَا
الْعَقَبَةُ ؕ پس صرف کرد در عقبہ چہ چیز چیزی تراعیت عقبہ فَكُّ رَقَبَةٍ ۙ اَوْ اِطْعٰمٌ فِیْ یَوْمٍ ذِیْ مَسْغَبَةٍ ۙ یَّتِیْمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۙ اَوْ مِسْكِیْنًا ذَا مَتْرَبَةٍ ؕ مراد کردن آزادگی گردن است یا
طعام دادن در روز صاحب گرسنگی یتیم صاحب قرابت یا مسکین صاحب خاک ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ؕ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْمَیْمَنَةِ ؕ باز ہستند
آنانکہ ایمان آوردند و وصیت کردند بصبر و وصیت کردند برحمت آنانند اصحاب یمین وَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا بِاٰیٰتِنَا هُمْ اَصْحٰبُ الْمَشْـَٔمَةِ ؕ عَلَیْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌ ٪ و آنانکہ کفر کردند بآیات ما ایشانند اصحاب
شمال بر ایشان است آتشی سربستہ سورۃ الشمس مکیہ است مشتمل بر پانزدہ آیہ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بنام خداوند بسیار بخشایندہ مہربان وَ الشَّمْسِ وَ
ضُحٰىهَا ۪ۙ وَ الْقَمَرِ اِذَا تَلٰىهَا ۪ۙ وَ النَّهَارِ اِذَا جَلّٰىهَا ۪ۙ وَ الَّیْلِ اِذَا یَغْشٰىهَا ۪ۙ وَ السَّمَآءِ وَ مَا بَنٰىهَا ۪ۙ وَ الْاَرْضِ وَ مَا طَحٰىهَا ۪ۙ وَ نَفْسٍ وَّ مَا سَوّٰىهَا ۪ۙ فَاَلْهَمَهَا فُجُوْرَهَا وَ تَقْوٰىهَا ۪ۙ قسم بآفتاب
و روشنی آن قسم بمہتاب چون آید در عقب آفتاب و قسم بروز است چون روشن کند آنرا و قسم بشب چون بپوشد آفتاب را و قسم بآسمان و آنکہ پیدا کرد آسمان را و قسم بزمین و آنکہ فراخ کرد زمین را و قسم بجان و آنکہ درست
کرد اعضاء جسمش را پس الہام کرد نفس را گناہش و تقوایش بحسب امکان ہر یک جدا در عالم آخرت مطابق اعمال استعداد این عالم است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّٰىهَا ۪ۙ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسّٰىهَا ؕ بدرستی
فلاح یافت آنکہ پاک کرد نفس را بدرستی زیان کرد آنکہ خراب کرد نفس را بحسب استعداد و امکان او تا کہ در بیشتر سعید گردد كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِطَغْوٰىهَاۤ ۪ۙ اِذِ انْۢبَعَثَ اَشْقٰىهَا ۪ۙ فَقَالَ لَهُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ
نَاقَةَ اللّٰهِ وَ سُقْیٰهَا ؕ فَكَذَّبُوْهُ فَعَقَرُوْهَا ۪۟ۙ فَدَمْدَمَ عَلَیْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْۢبِهِمْ فَسَوّٰىهَا ۪ۙ وَ لَا یَخَافُ عُقْبٰهَا ٪ تکذیب کرد ثمود بسرکشی خود چون برانگیخت شقی تر ایشان پس گفت
ایشان رسول الہ عالم ترسید ناقہ خدا و نوشیدنش پس تکذیب کردند او را پس پے کردند پس ہلاکت فرستاد بر ایشان پروردگار ایشان پس تمام کردش و نخوف کرد انجام شان سورۃ
واللیل مکیہ است مشتمل بر بیست و یک آیہ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بنام خداوند بسیار بخشایندہ مہربان وَ الَّیْلِ اِذَا یَغْشٰى ۙ وَ النَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ۙ وَ مَا خَلَقَ
الذَّكَرَ وَ الْاُنْثٰۤى ۙ قسم بشب چون بپوشد سیاہی و قسم بروز چون روشن کند و قسم آنچہ پیدا کرد نر و مادہ ہر یک را بحسب استعداد و امکان شان اِنَّ سَعْیَكُمْ لَشَتّٰى ؕ بدرستی سعی شما ہر آئینہ
مختلف است بحسب امکان شان و درین عالم با ایجاد حق ظہور یافتہ بحسب سعی این جہان در آن عالم با ایجاد حق ظہور خواہد یافت فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَ اتَّقٰى ۙ وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ۙ فَسَنُیَسِّرُهٗ
لِلْیُسْرٰى ؕ پس آنکہ بخشش کرد صدیق حق اکبر کہ بلال را خرید و تقوی نمود و تصدیق کرد بوعدہ خدا پس جلد آسان کنیم بر ایشان راہ آسانی وَ اَمَّا مَنْۢ بَخِلَ وَ اسْتَغْنٰى ۙ وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ۙ فَسَنُیَسِّرُهٗ
لِلْعُسْرٰى ؕ و لیکن آنکہ بخل کرد و استغنا نمود و تکذیب کرد بشریعت پس جلد آسان کنیم او را بر مشکل اصل قصہ متعلق است بگور ابوجہل در مقصد عدوت و انصار حضور علیہ السلام خواند وَ مَا یُغْنِیْ
عَنْهُ مَالُهٗۤ اِذَا تَرَدّٰى ؕ و دفع نکند از وی مالش چون افتد در آتش اِنَّ عَلَیْنَا لَلْهُدٰى ۫ۖ وَ اِنَّ لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَ الْاُوْلٰى ؕ بدرستی غرض حکمت ما بیان ہدایت است بر آئینہ آخرت
و اول بر ماست فَاَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظّٰى ۚ لَا یَصْلٰىهَاۤ اِلَّا الْاَشْقَى ۙ الَّذِیْ كَذَّبَ وَ تَوَلّٰى ؕ پس ترسانیدم شما را از آتشی کہ روشن شود نہ داخل گردد در آن مگر شقی تر کہ تکذیب کند و باز گردد
از قرآن و پیغمبر وَ سَیُجَنَّبُهَا الْاَتْقَى ۙ الَّذِیْ یُؤْتِیْ مَالَهٗ یَتَزَكّٰى ۚ و جلد دور کردہ شود آن صدیق پرہیزگار کہ داد مال خود از غلام اسود آنچہ با او بود بعوض بلال بلیتہ کہ پاک شود
وَ مَا لِاَحَدٍ عِنْدَهٗ مِنْ نِّعْمَةٍ تُجْزٰۤى ۙ اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْاَعْلٰى ۚ وَ لَسَوْفَ یَرْضٰى ٪ و نیست مر کسی را صدیق نعمتی کہ عوض دادہ شود مگر خواہش ذات پروردگار خود بزرگتر و ہر آئینہ جلد
راضی خواہد شد سورۃ الضحی مکیہ مشتمل است بر یازدہ آیہ ... بدانکہ این سورت عظیم الشان در مدح حضور علیہ السلام ... حق تعالیٰ عہدی
با جمیع خاندان نسبت کرد ... عہد نوح علیہ السلام با ابراہیم ... خبر داد و
اسمعیل را نعمت عظیم شد ... یعقوب ... حق تعالیٰ آنجا
... حضور علیہ السلام ... تعلیم خواہی یافت
... مفصل گذشت
پس حق تعالیٰ ... حضور علیہ السلام ... معترض شدند و
حق تعالیٰ آن عہد ... اکثر فرزند اولاد یعقوب
... بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بنام خداوند بسیار بخشایندہ مہربان وَ الضُّحٰى ۙ

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ جواب قسم است [illegible] چون تاریک شود یعنی تمام شب [illegible] ای محمد علیه السلام پروردگارت [illegible] وَلَلْآخِرَةُ
خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَىٰ [illegible] ای محمد علیه السلام [illegible] وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ [illegible] پروردگارت ای محمد علیه السلام [illegible]
[illegible] أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ [illegible] گلستان است که
[illegible] وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ [illegible]
[illegible] محمد علیه السلام وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ [illegible] اشارت [illegible] حل هذا البلد از ابن عباس
است که حضور علیه السلام فرمود سوال کردم پروردگار خود [illegible] سلیمان بن داود [illegible]
[illegible]
[illegible] خدیجة الکبری [illegible]
[illegible] فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ [illegible] وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ
[illegible] **سورة الم نشرح مكية است مشتمل بر**
هشت آیه [illegible] محمد علیه السلام [illegible]
حضور علیه السلام [illegible] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ [illegible] أَلَمْ
نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ [illegible] محمد علیه السلام [illegible] وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ
[illegible] وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ
[illegible] فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ
الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ [illegible]
[illegible]
[illegible] **سورة التين مكية است مشتمل بر هشت آیه** بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ [illegible] وَالتِّينِ [illegible]
[illegible] وَالزَّيْتُونِ [illegible] وَطُورِ سِينِينَ
[illegible] خاتم المرسلین علیه السلام [illegible] وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ [illegible]
[illegible] لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ [illegible]
[illegible] ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ [illegible] فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ
[illegible] بِالدِّينِ [illegible]
[illegible] أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ [illegible] **سورة اقرأ مكية است نوزده آیه**
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ [illegible]

[illegible] الاکرم ؕ الذی علم بالقلم ؕ علم الانسان ما لم یعلم ؕ پروردگار تو بزرگترست [illegible]
[illegible] حضور علیه السلام [illegible] اطمینان [illegible]
[illegible] اطمینان [illegible]
[illegible] موسی [illegible] ابراهیم علیه السلام [illegible] اطمینان [illegible]
[illegible] حضور علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] کلا ان الانسان لیطغی ؕ ان رآه استغنی ؕ [illegible]
[illegible] الذی ینهی عبدا اذا صلی [illegible]
[illegible] کلا لئن لم ینته لنسفعا بالناصیة ؕ ناصیة کاذبة خاطئة ؕ فلیدع نادیه ؕ [illegible]
[illegible]
[illegible] کلا لا تطعه واسجد واقترب ؕ [illegible]

سورة القدر مکیة است پنج آیه [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] انا انزلناه [illegible]
[illegible]
[illegible] وما ادراک ما لیلة القدر ؕ لیلة القدر خیر من الف شهر ؕ [illegible]
[illegible] والروح فیها [illegible]
[illegible] هی حتی مطلع الفجر ؕ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] البینة [illegible]

[illegible] اہل کتاب [illegible] معتبر است نظر [illegible] وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ [illegible] متفرق شدند [illegible] از کتاب [illegible]

[illegible] رسول [illegible] فصل [illegible] کلام خدا [illegible] بنی اسماعیل [illegible] تعلیم [illegible] قرآن [illegible] وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ [illegible] خاتم المرسلین [illegible] فصل [illegible] وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ

وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ [illegible] دین [illegible] تسلیم [illegible] فصل [illegible] اسماعیلیان [illegible]

[illegible] إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ [illegible] مشرکین

[illegible] إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ [illegible]

[illegible] جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ

[illegible] بوستان عدن [illegible] راضی شدند [illegible]

سورہ زلزلت مکیہ است هشت آیہ میدارد بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ

الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا [illegible] حرکت [illegible] زمین حرکت [illegible] انسان [illegible]

[illegible] يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا [illegible]

[illegible] بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا [illegible] يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ [illegible]

[illegible] فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ [illegible]

[illegible] علامات قیامت [illegible] آلات حرب [illegible] زمین حرکت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سورہ والعادیات مکیہ است یازدہ آیہ میدارد [illegible] سفیان بن حرب [illegible]

[illegible] ابوسفیان بن حرب [illegible]

[illegible] ابوسفیان [illegible]

[illegible] فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مَوَازِينُهُ ۙ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۗ پس ایشان در عیش پسندیده باشند یعنی آنکه کلمهٔ طیبه گفت زیاده وزن کلمه بجانب غالب شد وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۙ
فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۗ لیکن آنکه ضعیف باشد وزن اعمالش یعنی کلمهٔ طیبه نگفته باشد پس جای وی است هاویه وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ۗ و چه چیز دانا کرد ترا چیست آن هاویه نَارٌ حَامِيَةٌ ۗ آن
آتشی است نهایت گرم **سورة التکاثر مکیه است هشت آیه** و سبب نزولش چنان است که در میان قریش بنی عبد مناف بنی قصی و بنی سهم با یکدیگر نسبت تفاخر
خود در میان آوردند و کثرت عدد تفاخر میکردند پس زیاده شدند بنی عبد مناف بگفتند که شمار کنیم مردگان خود را آنگاه زیارت قبور نمودند پس زیاده شدند بنی سهم بسبب آنکه در جاهلیت زیاده بودند حق تعالی
گفت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۗ مشغول کرد شما را کثرت عدد تا آنکه زیارت کردید مقابر را كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۗ ثُمَّ
نه چنین است آن تکاثر خود را بزودی میدانید كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۗ باز خواهید دانست آن تکاثر خود را در برزخ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۗ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۗ حقا اگر میدانستید آن کار خود را بعلم یقین
از وی در گذشته خواهید شد هر آئینه خواهید دید جحیم را آن کار خود را در دنیا ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۗ باز هر آئینه بینید عین الیقین روز حشر ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۗ باز هر آئینه سوال کرده
شوید آن روز از نعیم [illegible] **سورة العصر مکیه است مشتمل بر سه آیه** گویا تتمهٔ سورهٔ سابقه است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان
وَالْعَصْرِ ۙ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۙ قسم بعصر است که بدرستی انسان که در زیان است زیرا که اکثر عمر [illegible] است که با وجود تفاخر با مال و اولاد میکنند إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۗ مگر آنکه ایمان آوردند و کردند نیک کارها و وصیت کردند بقرآن و وصیت کردند بصبر **سورة الهمزة مکیه است نه آیه** در سورهٔ سابقه اول
[illegible] و در این سوره ذکر کثرت اموال که ولید بن مغیره وغیره میداشتند و غیبت [illegible] میکردند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان وَيْلٌ
لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ ۙ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۙ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۙ افسوس است برای غیبت کننده و عیب کننده [illegible] که جمع کرد مال و تعداد کرد [illegible]
[illegible] یعنی افسوس است برای آن کسان [illegible] كَلَّا ۖ لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۙ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۙ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۙ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۙ إِنَّهَا
عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ۙ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۙ [illegible] و چه چیز دانا کرد ترا چیست حطمه آتش خدا است افروخته [illegible] آن آتش ایشان
[illegible] **سورة الفیل مکیه است مشتمل بر پنج آیه** قصهٔ اصحاب الفیل مشهور است [illegible]
[illegible] بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۙ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۙ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۙ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۙ
فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ۙ آیا ندیدی چگونه کرد پروردگارت با اصحاب فیل [illegible]
[illegible]
[illegible] **سورة قریش مکیه است مشتمل است بر چهار آیه**
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۙ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۙ تعجب کنید [illegible]
فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ ۙ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۙ پس باید که عبادت کنند پروردگار این خانه که طعام داد ایشان را از گرسنگی و امن داد ایشان را از خوف [illegible]
[illegible] **سورة الماعون هفت آیه مکیه** مشهور است [illegible]
[illegible] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۙ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ۙ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۙ [illegible]
[illegible] فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۙ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۙ پس افسوس است برای آن منافقان [illegible]
حضور علیه السلام [illegible] الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ۙ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ۙ [illegible]
[illegible] **سورة الکوثر سه آیه است** [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible]

چنانچه میفرماید کما مرّ وامرأته حمالة الحطب ۵ و زنش ام جمیل اخت ابو سفیان مراد است بردارنده هیزم و خار یعنی هیزم و شوکت که در راه حضور علیه السلام برای تکلیف می انداخت فی جیدها
حبل من مسد ۵ در گردنش رسنی باشد از لیف خرما که رسنی که بدان شوکت بسته بود یا رسن علاوه در گردنش اعتقاد رسنه شده و هم در قیامت رسنی از آهن باشد یا به حکم **سورة الاخلاص**
مکیه است چهار آیه ـ چون وعده اهل ایمان و وعید کفار جمله کامل شد بعد پس اخلاص و توحید صفات کرده که اهل اسلام بود ظاهر گشت بلا تفکر و آخر این سوره نهاده شد
و از ابن عباس است که عامر بن الطفیل و اربد بن ربیعه نزد حضور علیه السلام آمدند پس عامر گفت که بطرف چه چیز میخوانی ما را ای محمد علیه السلام فرمود بطرف خدا گفت صفت کن او را از زر است یا از نقره است
یا آهن یا از چوب پس نازل شد این سورت پس هلاک کرد الله اربد را بصاعقه و عامر بن الطفیل را و این سورت مکیه است و از ضحاک و مقاتل و قتاده است که آمدند احبار یهود بطرف حضور علیه السلام پس
گفتند صفت بیان کن پروردگار خود را ای محمد علیه السلام ما ایمان بیاریم تو توجه کن که مدینی الله نازل کرده نعت خود در توریه پس خبر ده ما را که چه چیز است و آیا میخورد و می نوشد و از که وراثت
یافت و کیست که وارث شود او را پس نازل شد این سوره میگوییم که هیچ این اسوه این سورت نازل شد و مکی است که یهود در مکه منظر و بیان کرده باشند که آمد و رفت میداشتند بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان قل هو الله احد ۵ الله الصمد ۵ لم یلد و لم یولد ۵ و لم یکن له کفوا احد ۵ بگو آن خداوند یکتا از همه بی نیاز است جامع جمیع کمالاست بی کثرت جامع جمیع
کمالات بی نیاز نزاید و نه زائیده شده و نیست برابر او هم کفو کسی پس چون آن جامع جمیع کمالات است پس از نوع سیم وعده به خشت که از مرکبات هیولی و صورت یا از اجزاء و معروضی است
چگونه باشد و چون بی نیاز است چگونه خورد و نوشد و نه زاید کسی را تا وارث او شود و نه زائیده شده که وارث او گردد و نیست برابر او هیچ تا آنچه بعض یهود عزیر را ابن الله گفتند یا عامه نصاری
مسیح را ابن الله و کافران کم تر مشرکان از دختران خدا میگویند صحیح خیال کرده شود و این سوره کامل توحید است و همین نظر معادل ثلث است **سورة الفلق مدنیه است**
پنج آیه ـ و چون تفسیر قرآن المجید قریب به ختم آمد و حکم است چون بخوانی قرآن پس پناه خواه از شیطان رجیم مناسب که در تتمه قرآن طریق استعاذه فرموده شود تا شکی در مضمون قرآن از برکت آن
فرو نماند چنانکه یهود با ارتداد بیافتاده بوده بدان نظر از حضور ختم المرسلین منکر اکثری گردیدند حتی که موافق پیشین گوئی فصل سوم ملاکی سحر حضور علیه السلام نمودند حاله کرده فصل اسفر شنی قبل از
پیشین گوئی حضور علیه السلام حکم سخت ممانعت سحر پوشیده است آنچنان اتفاق افتاد که طفلی از یهود خدمت حضور علیه السلام میکرد یهود موی سر مبارک که از شانه او فتاده گرفتند پس لبید بن
عاصم یهودی سحری کرد و یازده گره بر موی مبارک داده در چاهی زیر سنگ نهاد و حضور علیه السلام مسحور شدند کاری میکردند و فراموش میشدند و فرشته نزد حضور علیه السلام در خواب حاضر شدند پرسید که
که چه علت است این حضرت را گفت دیگری که سحر کرده شده است اول گفت که سحر کرده است جواب داد لبید بن عاصم پرسید که در کدام چیز گفت در شانه و مشاطه و خفیه طلعه پرسید که آن کجاست گفت در ذروان
و آن چاهی است در ذی الحدیث و جبرئیل علیه السلام این دو سورت آورد و سحر کی بود وقت طلوع شمس تر میکنند چنانکه آفتاب پرست بهمین وعده و فعل شیاطین پرستش میکنند و هم در وقت
غیبت ماه و خسوف قمر باعث سحر و حسد میباشد که نفث میسازند اکثر و در حسد بدان نظر میفرماید بسم الله الرحمن الرحیم بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان قل اعوذ برب الفلق ۵ من شر
ما خلق ۵ و من شر غاسق اذا وقب ۵ و من شر النفّٰثٰت فی العقد ۵ و من شر حاسد اذا حسد ۵ بگو پناه خواهم بپروردگار صبح وقت طلوع آفتاب از شر آنچه پیدا کرد
و از شر قمری چون خسوف کند یا در محاق آید و از شر زنان ساحره نفث کنند در گرهها و از شر حسد کننده چون حسد کند **سورة ناس مدنیه است شش آیه**
بسم الله الرحمن الرحیم ۵ بنام خداوند بسیار بخشاینده مهربان قل اعوذ برب الناس ۵ ملک الناس ۵ اله الناس ۵ من شر الوسواس الخناس ۵ الذی یوسوس فی
صدور الناس ۵ من الجنة و الناس ۵ بگو پناه خواهم برب آدمیان بادشاه آدمیان معبود آدمیان از شر وسوسه کننده و سپس کننده در دل مردمان که از جن باشد یا از آدمیان و چون دخل شیاطین بر
آدمیان با وجه وسوسه است یا وجه سحر که پیدا میشود از سرش در وقت طلوع آفتاب یا در وقت خسوف یا محاق قمر و این همه از حسد است یا آدمیان که آدمیان نیز زود بسوی اش حسد سازند
بدان نظر در حدیث عقبه بن عامر وارد که حضور صلی الله علیه وسلم فرمود آیا نمی بینی آیاتی که نازل شده است امشب ندیده شد مثل آنها گاهی قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس ۵
یا اله العالمین بجاه نبی خود مصطفی صلی الله علیه وسلم از آنچه زیست در گفتارم باشد قبول گردان تا بندگان بقبول تو سعادتمند یابند و بر پریشان گفتارم در گذر تو غفور رحیمی سبحان ربک

رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین ۵

تمت بالخیر

الحمد لله والمنة که درین ایام خجسته انجام یعنی ذیحجه ۱۳۱۲ جلد دوم تفسیر مصنفه فاضل جناب مولوی حکیم محمد حسن
صاحب امروهی مدرس اول عربی کالج اجمیر شریف مفتح سید میر حسن رضوی باهتمام کارپردازان مطبع تصحیح و تنقیح جلد سوئی ختم

صحتنامه جلد اول

چون این مطبوع نقل از مسوده بست کرد زبسیاری ترددش وخواهش ناقلان بی صحت بر زده اند واظهار هر غلطی کتابی بسبب میخواهد اکثر جامعت بعین قوی بپوشش درافته لیکن در یافت بعض غلطیها اشکالی میدارد نظر بهمان درین اوراق انجا رسش ضروری افتاد

صحتنامه کتاب معاملت الاسرار فی مکاشفات الاخبار

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۴	وهبیزده	دوره بیزده
۵	۷	ودااکای	وادنای
〃	۱۷	بمعجزه	معجزه
۶	۱۱	وقف	عدم وقف
〃	۱۲	ذراین	ذرابن
〃	۲۷	فرسوده اند	فرموده مذکور اند
〃	〃	وخبار	اخبار
۷	۲	بیعنے	معنے
۶	۴	دلور	واز
〃	۱۳	لصفت	صفت
〃	〃	وجود وجود رتبه	وجوب در مرتبه
〃	۲۱	ازین که	که ازین
۸	۱۰	ولایت	ولریت
۸	۳	ودولایت	ودولریت
〃	۴	تسبیح سجود	وتسبیح سجود
〃	۲۵	است کر آنرا	دآنرا کر
〃	۷	عمرو	عمرورا
〃	۱۰	یعنے	معنے
〃	۱۱	اله	الله
〃	۱۵	نکره	نکره
〃	۱۴	ورترجمه	ترجمه
〃	〃	ووبتفسیر	درتفسیر
〃	۱۹	مختلف	تخلف
〃	۲۳	بعقیدت	عقید
〃	۲۵	شغف	شغفے
〃	۲۷	دوی	دی
۱۰	۷	خزق	خرق
〃	۱۷	بال	بال بیتی [illegible]
〃	۲۵	یکنز	یکنی
〃	۷	شنده	[illegible]
〃	〃	اولآنا	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۴	۵	جلادودرنگ	بل دودرنگ
۱۴	۲۳	باجره دبوره	باجره وبوره
۱۵	۶	استدا	خدا
〃	۱۴	ومعتبر	معتبر
۱۶	۱۱	تاکل	تا قائل
〃	۲۵	جهت	جهت بجهت
۱۸	۲۰	سه سنشری	سرسبزی
〃	۲۷	عیش	جدا
۱۹	۱۳	صلب عظام	عظام
۲۱	۵	میشودو	میشود ونزد خضر [illegible]
۲۲	۵	نام این	ونام این
〃	۲۳	پیران	پیران وغیره
〃	۲۱	اودیسےپور	اودیسے پور [illegible]
۲۲	۲۲	آرتاکیس	آرتا زرکیس
〃	۲۸	درس	درس ۱۲
〃	۲۹	دوم	سوم
〃	۲	روای دیگر	دیگر
〃	۱۳	مهوایت	[illegible]
〃	۲۴	ا	[illegible]
۲۵	۱	[illegible]	[illegible]
		مکاشفات درس [illegible]	مکاشفات درس [illegible]
〃	۳	گشتند	گشت
〃	۲۸	[illegible]	[illegible]
〃	۲۲	ذربی	رابنی
۲۶	۵	گنبه	گنبسه
〃	۲۵	سیجی	قبل سیجی
〃	۲۰	[illegible]	[illegible]
۲۷	۳	شهرت	شهر
〃	۴	[illegible]	[illegible]
〃	۱۵	دمخرنیا	[illegible]
۲۸	۲۰	[illegible]	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۰	۲۱	دودودبرار	در دو نهار سال
۳۱	۵	پرستم	سپستم
۳۳	۴	سال	سال طوفان
〃	۱۱	رفتن	زمین
〃	۱۲	جفتم	وحسب کتاب اول [illegible]
〃	۱۸	ابتدا [illegible]	[illegible]
۳۴	۱	بط	غالب
۳۶	۱۳	[illegible]	[illegible]
〃	۲۱	کمان	کمان
〃	۲۳	یهود	یهود
〃	〃	که مقام	که دختر فرعون [illegible]
			بوده بقول بعض [illegible]
〃	۲۹	قصه	قصبه
۳۸	۲	قیام	مقام
〃	۱۳	بجوب کرار	بجوب کرار وهم قبل [illegible]
			بیرشیع کوچاه [illegible]
〃	〃	العین	العین [illegible]
۳۹	۱۵	حی	حی
〃	۱۸	اولا	اولاد
۴۳	۲۹	هم	هم فصل [illegible]
۴۴	۷	فرعون	فرعون بقول مشهور
			سپرد دختر [illegible]
			بقول یهود [illegible]
			دختر فرعون [illegible]
〃	۱۹	عمران	عبرانی
〃	۲۰	کفر	گشته
〃	۲۵	شده بودند	[illegible]
۴۵	۷	مراد میخواهد	مرادی خواهد
۴۶	۲	خود	محبت
〃	۲۰	گذشت	گذشت معتبر
〃	۲	ستم	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۰	۱۲	گفت	گفتن [illegible]
۴۴	۲۱	بربن	بریده
۴۸	۲۱	بازرفیقان	باقیا
۴۶	۲۰	ذوالقوین	ذوالق[illegible]
〃	۲۳	بوطوس	طرطوس
۴۹	۳	سسراو	[illegible]
〃	۶	بیعے کلاوپس	[illegible]
〃	۲	نیرو	[illegible]
〃	۱۳	نیموریه	[illegible]
〃	۲۷	باششش	[illegible]
۵۰	۱۷	که زماند بیان	[illegible]
		ازباب وهم تا	ازباب [illegible]
		یازدهم [illegible]	یازدهم [illegible]
〃	۲۷	بکوال	[illegible]
۵۵	۶	سلیمان	[illegible]
〃	〃	[illegible]	[illegible]
〃	۲۸	برنشان محبت	[illegible]
۵۹	۱۷	اهل اسلام است	یعنے اهل
		کرعین	[illegible]
۶۰	۲	منکر	نگر
۵۰	۱۶	که ازصحیح	[illegible]
〃	۲۳	مطالب	مطالبت
〃	〃	مجیش	[illegible]
۶۰	۲	[illegible]	[illegible]
〃	۱۰	یازدهم	یازدهم بود
〃	۱۲	این	این حصه
۶۲	۱۰	[illegible]	[illegible]
		[illegible]	[illegible]
〃	۷	حصر	[illegible]
		[illegible]	[illegible]
		[illegible]	[illegible]

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۱۳	۵	تذکر	تذکریه
〃	۱۳	خواہد	خواہند
〃	۱۴	بصفت جلا	بصفت جلوه
〃	۱۷	مستور	محشور
〃	۳۴	العباد	العناد
۱۱۴	۹	اند	مراد اند
〃	۱۰	گروه	گرود
〃	۱۷	وغیره	وعده
〃	۱۸	وارونه	واروانه
۱۱۵	۱۱	ون	موزه
〃	〃	کسرو	کسرو بحالت موزه
〃	۱۵	خواہد	خواہند
〃	۱۶	سطیر	حقیرست
۱۲۴	۲۸	خدمت	ذمت
۱۰۱	۱	دانسمر	دوانسته
〃	۲۶	سحر	منضمر
۱۱۱	۱۰	حفد	[illegible] بحال
〃	۶	سوره	سوره
〃	۲۵	ازای	ازامی
〃	۱۸	برصبرنیکه	برسورنیکه
۱۴	۱۵	سے	ازسے
〃	۲۵	اسیفورت	[illegible] سورت
〃	۲۴	قرین	معتقد
۱۲	۱۵	جهون کر	جهون ذکر
〃	۲۶	رامولا [illegible]	[illegible]
〃	۶	سوده	جهوڑا
〃	۲۷	ازصاحب	[illegible]
〃	۲۵	[illegible]	[illegible] آتش
۱۲۰	۲	تعریف مشتق	متصرف خلق
〃	۳	عظیم ست	تنظیم
[illegible]	۷	مقصر	خامیر
〃	۱۷	تعریف	نعت
۱۳۰	۷	[illegible]	[illegible]
〃	۱۳	اقبص	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۲۶	۲۴	این نسک کلیلا	ان نیک کلیله
		نصیب کردند	نصیب کرده‌ایم
۱۲۸	۷	باید	نباید
۱۲۹	۲۱	حقیقت	حقیقت سجده
۱۳۱	۲۷	فرارا	خدا اورا
〃	۲۹	کرومان	کردیان
۱۳۲	۲۱	۳	۳۰۳ مذکور
۱۳۳	۱۳	صتیکل	بصلیتیکل
〃	۱۵	بوود سه کتب	بود
		داده شد	
۱۳۸	۸	خواہد	خواہید
〃	۱۳	بیرون	بیرون
۱۳۹	۱۲	مذکوره	مذکوره باشد
۱۴۰	۲۴	در	رو
[illegible]	۱	کی	کی را
〃	۴	نعل	بعل
〃	۱۱	مشویه	مشویه
〃	۱۲	وریشا	بریشا
〃	۱۴	تفضیر	بتفسیر
〃	۱۸	ضدویه	ضدبه
〃	۱۹	تادر	در
〃	[illegible]	[illegible]	[illegible]
〃	۲۲	سج	سیج
[illegible]	۵	سینتج	[illegible]
〃	۱۶	[illegible]	[illegible]
〃	۱۵	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
〃	۱۰	آوردمد	آورده
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
〃	۲۹	[illegible]	[illegible]
۱۴۵	۸	نوهر	[illegible]
〃	۱۳	وسوال	سوالی
۱۴۱	۵	بیپود	بیبود
〃	۱۶	آوردمیه	آوردیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۴۸	۸	صفت	ضمیر
〃	۱۱	توفیض	توقیفی
〃	۱۵	وعده است	وعده است
〃	〃	مفزر	مقر
〃	۱۸	اسلام	لپس اسلام
〃	〃	یهودیان بچ	یهودیان بیچ [illegible]
〃	〃	مراده	مردوده
〃	〃	براینچه	پس [illegible] ساخت
			وبچ براینچه
۱۴۹	۳	بجواسید	بخواسید
〃	۱۲	نهاده کانیم	بنهند گانیم
〃	۱۶	بطال	بطلان
〃	۱۹	سخن	قانون سخن
۱۵۰	۳	بجووال	بجروان
〃	۱۰	بحودکر	[illegible]
〃	۱۳	دشته	دانسته
〃	۲۲	خانیت	خالین [illegible]
۱۵۱	۴	۱۳	۱۳۱
〃	۷	سا	سا ازشا
〃	〃	تعظیم	تعلیم
〃	۹	[illegible]	جنگ
〃	۱۰	کرشان انبیا	کرشان انبیا
۱۵۲	۴	ناسکر	یهودیانکه
〃	۱۳	واز	در
〃	۱۳	میکیدید	میگیرند
〃	۱۶	تو	تو
〃	۲۰	ضرور	چیزی
〃	۲۳	مرکرده	سرکرا خواہم
〃	۲۸	محش	مجش
۱۵۳	۵	ایی	اسے
〃	۷	دمن	دین
〃	〃	مثل	مثل خر
〃	۹	دی	دجی
〃	〃	نادره	نادره
〃	۱۰	موذه	موقوذه
〃	۱۶	مستطیم	مستقیم
〃	۲۰	دراته	درود
〃	[illegible]	[illegible]	[illegible]
〃	۲۳	[illegible]	بخواسید
[illegible]	۲۵	[illegible]	[illegible]
〃	۲۰	[illegible]	[illegible]

صفحہ	سطر	غلط
۱۵۳	۱۶	شده دربیت
		جانرش
۱۵۶	۲۸	اہل
〃	۲۹	حق
۱۵۷	۱	بچ
〃	۱۱	معلوم
〃	۱۵	چیزے
۱۵۸	۴	انداختہ
〃	۱۲	سیل
〃	۱۳	نمار
〃	〃	ابرقیامت
〃	۱۷	اوشانز
〃	۲۶	دران
۱۵۹	۳۰	اسے
〃	۳۲	جوبرسید
〃	۳۲	وشن
۱۶۰	۵	او
〃	۸	ناقیامت
〃	۹	براہت
〃	۱۵	قسم
〃	۱۹	موجِ [illegible]
		سه طرحشه
		اکردن
〃	۳۳	طلاق
۱۶۱	۱۳	سکوت
〃	۱۹	سمیع
〃	۳۰	رقه
〃	۲۵	نیت
۱۶۲	۲۰	معالعم
〃	۳۲	ارف
۱۶۳	۷	ترلست
〃	۱۷	سازد
۱۶۴	۲۲	تیر
〃	۱۰	دران
〃	۲۰	زبان وبرا
〃	۲۷	نگی
۱۶۵	۲۰	تمیم
〃	۸	شلغی
〃	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۷۷	۵	خوردی	خوردی مسکر زشده است
〃	۶	برامزون ان	براستان
〃	۷	شیر مشهور است	اش مشهور است
		گرشتربان	گرسفران
〃	۱۳	ضربه	[illegible]
〃	۲۵	حنیه	حنه انجست
۱۷۶	۵	دررون	ورود
۱۷۹	۱۶	سپرد	میبرد
〃	۱۹	کاذ	مناد
۱۸۰	۲	است نظر	دعده تقدیم
۱۸۲	۱۲	خلا	لیها
〃	۲۲	طاوجود	با وجود
〃	۲۰	حال	سال
۱۸۳	۲	پس	پس بر
〃	۷	صدار	زمانه
۱۸۶	۱	گفتار	گرفتار
〃	〃	چوب	چرب
〃	۱۵	نخواهم	خواهد
۱۸۸	۴	کرنر	کرده
〃	۱۰	اشا	آن
۱۹۰	۵	حب و	حب
۱۹۲	۱	لکره چشا چپار شهار	است منقضد
۱۹۵	۱	نگو	نگر
〃	۳	نیت	منت
۱۹۰	۱۲	مات	ملاقات
〃	۲۲	سوند	برود
۱۹۳	۸	کاشد	کار خود
۱۹۷	۲۱	بی وقوف	بی وقت
〃	۲۵	مرتبه	به ترتیب
۲۰۱	۱۵	از باجره	بقول عوام از باجره
۲۰۴	۲۰	درقام	ارحسام
۲۰۶	۵	دعاوی و	دعاوی
〃	۱۰	بیعی	ور رسول را بیعی
〃	۲۰	بالاخر	بالاخر
۲۰۷	۴	ظالم	که ظالم
۲۱۰	۲	نیست	است
〃	〃	چنین	چین
〃	۲۰	بخوانم	بخوانند
۲۱۱	۱۵	ذکر	آشنا

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۲		مشرکان	مشرکان از رسول
〃	۱۷	نصاری بالم	نصاری را
〃	۲۰	وختم خواهد کرد	دباید که حکم نمایم
۵	〃	جائز	جاریست
〃	۲۵	که نمود	که می قدر
۲۱۳	۲۰	مجهول	مجهول
۲۱۴	۲۲	کردیم	کرد
〃	〃	نشنید	نشنید
۲۱۵	۱۹	ازان ان	ازیشان
〃	۲۱	دخیره	وعده بود
۲۱۶	۳	توجه	بوجه
〃	۵	نیست گر	است پس
〃	〃	که میفرماید	میفرماید
〃	۱۱	راه	رو
〃	۱۳	شبه	مشتبه
〃	۱۵	خوبست	خوبست
〃	۲۱	نماند	بماند
〃	〃	از	وز اهل
۲۱۷	۸	خوانیم	نخوانیم
〃	۱۳	جماعت	بجماعت
〃	۱۶	شود	سود
〃	۱۹	کشته	کنند
۲۱۹	۳	باشند	باشید
〃	۸	دانند	ماانید
〃	۱۲	بعض	این
〃	۱۳	قلاوه کرده	قلاوه
۲۲۱	۷	منبر تهم	تکنیم
〃	۱۹	مذکور	مسطور مذکور
〃	۲۱	ضمیر	عزم
〃	۲۹	برانگیزاند	نزدیک انگیزاند
۲۲۵	۲۸	دنیا	دینار
۲۲۸	۱۳	ازان	ازان
۲۲۹	۲۹	بطون	بعلوت بازنانیا دگر گشت بسیاری ازیشان ورزانیا
۲۳۰	۲	گشت	گشته
〃	۵	بهفت	بهفته
۲۳۱	۱۵	تیاره صحیح بخش	تیاره صحیح تفخر
۲۳۲	۹	گرو	گرفت
۲۳۳	۱۳	ترا	مشنز
۲۳۵	۲	مصادق	مسادق

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۲۵	۱۷	ذر	فرزند
〃	۲۱	مزوش	نزوش
〃	۲۳	درست	درست
۲۲۶	۳	سیا	سیا
〃	۲۰	نکر	نکرا
〃	۲۱	آن	آنان
۲۳۰	۱	وازین	درین
〃	۴	وتیز	البته
〃	۱۱	نقار	احبار
۲۳۸	۲۵	یکدیگر	یکدیونیک
۲۳۹	۳	در تکذیب کرده	تکذیب کرده شاده اند
〃	۲۹	باشند	باشید
۲۴۰	۲۹	ادشان	اوشان
۲۴۱	۱۹	لاصولهم	لاصول لهم
۲۴۲	۵	الله	آنهم
〃	۶	الحصور	آن الحضور
〃	۱۷	جائز	جاره
〃	۲۲	هذا	هذا
۲۴۳	۳	مجلس	جلیس
〃	۹	ورین	وازین
〃	۲۱	کلام	کلان
۲۴۴	۳	کلامیان	کلداخیان
〃	۴	سارا	سارانا
〃	۱۷	ورفصل نخواهند ونوحا	ونوحا
۲۴۵	۳	قوم	قوم برباد کرده از
〃	۷	آخر	اجر
۲۴۶	۸	آمدوتولادیکشر	افراد او وشکفت
〃	۱۸	دو	قرار
〃	۲۱	برابر	بالاسے
〃	۲۳	وانا	وانار
〃	۲۶	یافتند	یافتند
۲۴۷	۲۷	الختار	المختار
〃	۲۹	زیاد	ازنا
۲۴۸	۱۱	شده	شد
۲۴۹	۱۵	همیشه	همیشه مانندگان درآتش
۲۵۰	۱۳	ای	چندا سے
〃	۳	منده خانات	[illegible]
۲۵۱	۷	حزم	[illegible]
〃	[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۵۱	۱۴	ماده	مائده
〃	۲۰	سرا	شرا
۲۵۲	۱۳	اورود	آورده
〃	۷	قول	فصل
〃	۱۴	تائید	مشائید
〃	۱۶	بدترین تجارت	بدترین ملاقات
۲۵۳	۲۳	دوفرق	وردوفرق خواهند
〃	۲۵	امر	امرشان
۲۵۴	۸	برداشت	برداشت
〃	۹	بار	مار
〃	۱۵	برده	برده
〃	۱۸	ذکر وسعوف اول	ذکر وخرافات بیست حرف اول
۲۵۵	۲۵	جنود	مشودمخود
۲۵۶	۱۵	تزاد	مراد
۲۵۷	۴	نخوانید	سخواهید
〃	۱۳	امور	مصاد
۲۵۸	۳	شوید	شوند
〃	۷	دیگر	دیگررا
〃	〃	پرسند	بپرسند
۲۵۹	۴	خواهند	خواهید
۲۶۱	۱۶	کرامین حضرموت	که در عالک تایل
〃	۲۷	ازو	ازرود
۲۶۲	۸	بردگان	بهردگان
〃	۹	مردگان	بهرنگان
۲۶۳	۱۰	بود	نه بود
〃	۲۲	بترد	بیشرد
۲۶۳	۴	ورنه	ورنه
〃	۹	رست	است
〃	۲۲	چیزے	ازبتی
۲۶۰	۱۶	روز	روزنازآب جاه نوشیدنا
〃	۲۸	شما	شما و بای شما
۲۶۴	۵	باذو	باز
۲۶۷	۲۰	بیت	پرهن
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۵	[illegible]	[illegible]
۲۶۹	۳	نشت	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۶۷	۳۰	بروحمت گشت	بر روحمت گشت
〃	۳۳	فصل	فصل مطور
۲۶۰	۷	وتاید	تیاید
۲۶۳	۱۹	وحد	وحید
۲۶۴	۳	ای	آن
۲۶۵	۲	منزوبان مشکل	نویدیان مشکل
۲۶۹	۴	دعیره را	دعیره
〃	۲۱	لقونه	لقوی
۲۷۹	۲	قرابتیان	قرابتیان را
〃	۲	استیدند	شنیدید
	۱۷	کردند	کردید
〃	۳۶	میرفرد میر	میر فرد
۲۸۰	۲۱	شید اشد	شید اشید
〃	۲۲	آنی	اثبت سرا
۲۸۱	۲۴	آوردند	آوردند
۲۸۳	۷	مقریح	تفریح
۲۸۴	۱۸	آوردند	آوردند
۲۸۵	۳	[illegible]	لبیر

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۸۷	۱	ممزون	ممنون
〃	۱۰	سیکند	سیکنند
〃	۲۸	نزید شمارا مکه	تو ید شما آمده [illegible]
		اورده	ملاکنگرا
۲۸۸	۸	همیشه	همیشه الله
〃	۱۱	ریهیم	می ریهیم
〃	۱۸	میدیهم	میدهیم
۲۹۰	۳	نمایید	نمائید
۲۹۳	۷	مذکور	مذکور به طرف شده
〃	۱۳	آمد	آمدند
۲۹۳	۱۴	دیقی	رونق
۲۹۶	۳	المختار	المختار
۲۹۹	۱	[illegible]	مرتبه
〃	۹	جستن	تقدیر
〃	۱۱	می	می
〃	۱۳	بخیا	قیاهم
۳۰۷	۱۵	تحیب	تحیب
۳۰۶	۳	دراتح	داتح

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۰۶	۷	پردکیل	وکیل
۳۰۹	۲۲	توم	قران
۳۱۰	۲۰	یعنی	یعنی سر [illegible]
۳۱۴	۲	بروا	بروله
۳۱۸	۲	دورنه خیار	دور دور دا اختیار
۳۱۹	۷	کرکینرک	کینرک
〃	۱۳	ریا	روبا
۳۲۱	۲۵	۴	۴۴
۳۲۴	۳	ازخفا	خرا
۳۲۳	۲۶	پیشین	پیشین گوئی
۳۲۰	۱	عبیر	لبصر
۳۱۰	۳	دریا	وجهان
۳۳۳	۳	سیکتد	سیکردند
〃	۲۴	اسم	ادوام
۳۳۴	۱	ادلیس	اند
—	۱۰	بجوره	بجور
۳۳۶	۱	میخوانیم	میخوانید
〃	۸	تامید	ثابتم

صفحه	سطر	غلط
۳۳۳	۴	مشتم
۳۳۸	۲۵	عذرا
		براکی
۳۳۹	۳	رسانه
〃	۸	جهان
〃	۱۳	ست
〃	۱۶	نقع
〃	۲۶	رشیت
۳۴۰	۳	قارح
۳۴۱	۵	زیارت
〃	۲	فاتحه
〃	۷	درجستها
〃	۲۳	دیا
۳۴۳	۹	عادثانی
۳۴۵	۱	وحد
〃	۵	خواهند
۳۴۷	۱۶	مردان

صحتنامه جلد دوم

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱	سابی	حضرت شابی
〃	۸	سجد تقی آنم	آن سجد اقصی کر
〃	۱۴	واگر از گردید	قریب است [illegible]
		کنیم بعد نسبی یعنی	شاهی مید و مختند
		امید نایم جنهم	بر شاه درین زمان
		برای کافرین	موعود دگر باز گردید
		قوم نصاری [illegible]	نیم باز گردیم تا آخر
		بیت المقدس جا	جنهم برای کافرین
			بسر اشتیاق
۴	۲۹	آر	تو بیر میرد گار ست
۵	۱۲	بسام	کستران
۷	۱۰	بصیر باینده [illegible]	[illegible]
		مفصل	[illegible] منزل
۸	۳	زخری	آیا باین ناخریه
			از تاکر باز گردانند
			شمارا دیگر بار دگر
۸	۶	ربه	سیبیه
〃	۱۳	وگفتند [illegible]	[illegible] وقت تیر
		وقت [illegible]	بیمبر رست
〃	۳	وگردند	وگرند
۱۱	۳	رد المختار	رد المحتار
۱۲	۲۲	قوم	قوم
۱۳	۲۰	ورزند	بربند
۱۳	۴	به آمیند	برآیند و هدی [illegible]
			ابا الفخور [illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳	۲۲	کمال	کمان
〃	〃	نشنده	باشندگان
〃	۲۸	گردانیم	گردانیدیم
〃	۲۹	روسے جنگ	خاک همواره
۱۴	۲۱	سیکند مثل [illegible]	گسته
۱۵	۱۸	مرکه [illegible]	[illegible] شناخت
۱۶	۱۲	خواب	حرف
۱۷	۹	دوست	نیست برای [illegible]
			از رسول [illegible] دوست
۱۸	۱۴	اغیته	زینه
〃	۱۹	ست	شهادت
۱۹	۲۰	اگر	نیست تو [illegible] جنگ
〃	۲۷	نیست	است
۱۹	۸	جستوت	جستوتا
〃	۲۴	نکنم	نکردم
۲۰	۱۵	ذوات	دواب
〃	۲۳	تفقم	تفقتم
۲۲	۲۳	جبر	جبر حضور [illegible]
〃	۲۶	دین	امن تاویل
〃	۱۹	زکی	زکی القرینین
۲۳	۱۴	یافتنا [illegible]	بکه دریں [illegible]
			یافته از [illegible]
〃	۱۷	مردسے	روسے
۲۴	۱۳	زناکر	بیان نامند که
۲۵	۲	واد	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۵	۱۳	در سرا	درد سرا
۲۸	۸	کتند	کنم
〃	۲۰	ایل	ایل
〃	۲۹	رسول شریعت	شریعت رسول
۳۰	۱۰	نیکوی	نیکوکار
〃	۱۱	رحمت	سر یشب ماند
〃	۲۵	انکه	آنراکه
〃	۲۸	ز جلد خواهم گرفت	فی جلد خواهیم گشت
۳۲	۱	الیسری	الشری
〃	۱۵	تر	سر
۳۳	۶	بجز	برکه
〃	۵	میخواند	بخواند
〃	۱۰	امور معجزات [illegible]	امور و معجزات که
〃	۲۶	سیندام	سینه را
۳۵	۱	معجزه	معجزه
〃	۱۰	جنهم	تناسخ
〃	〃	نظر سوده	نظر سوده
۳۷	۱۱	ورند	ززوند
۳۸	۵	زمان	مرد مان
۳۹	۴	وقی	آفر
〃	۴	برنسبت	برنسبت
〃	۱۵	دهشتی	بر دهشتی
〃	۲۳	دنیا	[illegible] ضعیف [illegible]
			آواز نامد [illegible]

صفحه	سطر	غلط
۴۳	۲	بیرساعتم
〃	۱۷	بیارست
〃	۲۱	خود
۴۴	۵	نال
〃	۱۵	زیاده
〃	۲۶	ابراهیم
۴۸	۴	ست تا آنکه
〃	۲	.
〃	〃	.
〃	〃	.
〃	〃	.
〃	۳۰	اوخواهد
〃	۲۸	شنیده
۴۹	۲۲	کرودس
۵۳	۱۶	حلیکم
۵۴	۱۸	وند نفع کرده
۵۵	۳	مسکنند نسبت [illegible]
		اعظم جلوه اول [illegible]

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۵۵	۱۹	آوردہ	بیاوردہ
۵۷	۷	کشیداند	میدانند
〃	۹	کشند	کنندہ
〃	۱۶	مواقبت	یواقیت
۶۰	۱۴	بیرود	بود
〃	۲۱	صالح	بہد
〃	۲۹	کمد	علیک
۶۱	۲۸	وجوابش	وجوابش ازانہ لی اشتیم می آید
۶۵	۲۳	تعق	تعلق
۶۷	۵	روز	روزیکہ
〃	〃	راست	را
۷۰	۱۱	اطاعت	اطاعت پیغمبر
۷۲	۱۳	چہار	دو
۷۳	۸	کرد	کنند
〃	۱۳	کنند	کنند از
۷۴	۲۸	برآنت آیات کہ	بر گرد آن آیات
۷۷	۷	حریص ہست	حریص
〃	۱۳	حسب	حسب وعدہ
〃	۲۶	شنزدہ ام	شنزدہ گانہ
۸۰	۱۹	دہشت	ہست و
〃	۱۴	خلاف	خلاف
۹۰	۷	ازان	آنا مند
〃	۲۰	لعن	سابقین
۹۱	۵	آنکہ	آنچنانکہ
〃	۶	آنکہ	آنرا کہ
〃	۱	پرندگان	پروردگارت
〃	۱۳	[illegible]	[illegible] شکلا [illegible]
۹۲	۲۱	نہ آنکہ	ازانکہ
۸۵	۹	نجیا	بجب
۷۶	۱۷	او	امر
۷۸	〃	یا او	با آن
〃	۲۲	وحدانہ	با خداوند
〃	۲۹	علم	با این علوم علم
۹۳	۳۰	کارخانہ	آخرکار
۹۴	۱	نجم	[illegible]
〃	۲۵	۲۱	۳۱
۹۶	۱۳	گروہے	ہرگروہے
〃	۲۸	کرد	تیز
۹۸	۲۲	ان	[illegible]
۹۹	۱۳	[illegible]	[illegible]
〃	۱۸	و رسانیدی	فرستادگان

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۰۰	۱۰	آمد	آمدہ
〃	۱۱	آیند	آرید
۱۰۱	۱۹	اعتقاد	نخفتند
〃	۲۵	ارتان	ازنیان
〃	〃	میکنند	نیکنند
۱۰۲	۱۰	جمعہ	جملہ
۱۰۳	۲۲	ہشتم	ہفتم
〃	〃	درد	درد
۱۰۶	۱۳	بیزد	نمود
〃	۱۸	براچہ	ہرگردہ بدانچہ
〃	۲۹	خداوندان	خدا تعالے
۱۰۷	۲۸	خوانده	خوانندہ
۱۰۹	۴	عوضہ	عرضہ نزول قرآن
۱۱۳	۷	نیکنند	نکرد
〃	۹	میخوزند	میخورند
۱۱۴	۱۴	میکنند	میکنید
〃	〃	والہ	والہ
〃	۶	دین	دین و دو مستقل شما
۱۱۶	۱۱	کنند	گردہ شدہ
۱۱۹	۵	وعدہ	موسے
〃	۱۴	مشت	شنیت
〃	۱۶	کردکہ	کرد کردند
〃	〃	زیر صندوق	شکل صندوق [illegible]
		تو بخورد	علاوہ [illegible]
			زیر صندوق [illegible]
۱۲۱	۱۰	الذین	الذین آمنوا
〃	۱۹	بنذر	بنذر
۱۲۱	۲۸	منافقین کہ	[illegible]
۱۲۲	۳	وانکہ	وراآنکہ
〃	۸	نقش	بہم عشق
۱۲۴	۲۲	آیات	آیا
۱۲۶	۴	حکمتش	حکمتش مشبہیت
〃	۸	پردی	پراستے
〃	۹	است	است [illegible]
			[illegible]
			[illegible]
			[illegible]
			[illegible]
			[illegible]
			[illegible]
			[illegible]
			چہار نشستیم
۱۲۰	۵	خود	طن خود

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۲۸	۱۱	شدہ	شدگان
〃	۱۴	دوست	دو گواہ ہست [illegible]
			عمل کردند [illegible]
			[illegible]
۱۲۹	۴	از قبیل	[illegible] از قبیل
〃	۳	ترسیدند [illegible]	ترسیدند [illegible]
〃	۱۶	انگسند	انگشند
۱۳۰	۱۳	بازشاہان	باز
		[illegible]	
〃	۱۴	این گر	آن نشود
〃	۱۵	عذاب	خدا عذب
〃	۱۹	آب	در آب
〃	۲۳	شما	[illegible]
〃	۲۵	کنید	کنند
۱۳۱	۱۴	[illegible]	گر عظیم
〃	۲۰	بچنین	بچنین ہست حال
			ان [illegible] مختلف
۱۳۲	۷	ما	آن
〃	۱۷	ما	ما کہ میخوانند
۱۳۳	۹	[illegible]	ودیر [illegible]
〃	۱۳	رسولان	رسولانی
〃	۲۴	مقبولیت	[illegible]
〃	۲۷	ضعف	مضعف
۱۳۴	۴	آوازید	[illegible]
۱۳۵	۱۱	باشید	باشم
〃	۲۰	کردیم	کردند
〃	۱۹	نخورد	[illegible]
〃	۲۰	[illegible]	[illegible]
۱۳۸	۲۵	فرق	فرمان
۱۳۹	۹	ست	[illegible]
〃	۱۸	سبین	سبب
〃	۲۵	نتوان	نخواستند
۱۴۵	۲۱	روہست	ناروہست
۱۴۶	۲۳	آن	انسان
〃	〃	دانستہ اند	وانستہ اند
۱۴۷	۷	جز	جلد
〃	۲۳	قوت	وقت
〃	۲۵	ستاوید	ستادید
〃	۲۶	تشریف	تا تشریف
〃	۲۷	آمدعام	آمدہ اند
۱۴۸	۲۷	ان	زبان
۱۴۹	۲۴	آوردہ	آوردند
۱۵	۴	است	وست

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۵۰	۱۹	اطلاع [illegible]	برامنے
۱۵۱	۴	بادور	باوکہ
〃	۲۳	آنکہ	دانہ
۱۵۳	۷	از نہم	ازین نیم
۱۵۵	۱۰	کہ اصحاب	اصحاب
〃	۱۵	شدند	شوند
〃	۲۳	بنظر	اگرچہ
〃	۲۴	آنکہ	کہ
۱۵۶	۱۰	رازسے	نزد اوسے
۱۵۹	۱۰	یک	بعدیک
〃	۲۳	بودسے	بودسے
〃	۲۶	کردند	کنند
۱۶۱	۱۶	کفر	کفر کردند
۱۶۲	۳	آن عقادہ [illegible]	اعتقاد
〃	۷	شود	شوند
〃	۸	واحد	واحد [illegible]
〃	۱	بر	برشنے
〃	۱۵	شان	شان [illegible]
〃	۴	صوبت	صورت
〃	۱۵	آنکہ عجاوند	[illegible]
		کنندہ	
۱۶۴	۳	[illegible]	[illegible]
〃	〃	روزسے	روزسے داد
〃	[illegible]	اسرا	[illegible]
۱۶۶	۱۲	تسلیم	[illegible]
۱۶۸	۵	زمین	[illegible]
〃	۱۱	[illegible]	[illegible]
۱۶۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
〃	[illegible]	بہ	[illegible]
۱۶۹	۲۴	حیثیت	[illegible]
۱۷۰	۲۱	اند	اندوہ
۱۷۲	۴	ورطہ	[illegible]
۱۷۳	۹	آوردہ اند	آوردند
۱۷۴	۱	ابرغان	ابوغات
〃	۱۲	بشاید	نشاید
〃	۱۳	علم	مطلوب خود
〃	۴	جنگ	[illegible]
〃	۱۵	[illegible]	[illegible]
〃	۱۵	[illegible]	روایت
۱۷۶	۱۹	شود	شوند
〃	۲۰	جنید	جنید
۱۷۸	۱۵	[illegible]	[illegible]
〃	۷	انداز	فراز

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۳۹	۶	گردد	گیرد و ما	۲۴۳	۲۸	محکم	محکم شد	۲۴۸	۹	با وجود	با وجود کفر	۲۵۰	۲۰ و ۱	شوکت	شوک
۲۴	۱۵	خدا	قیام	۲۴۴	۵	زنگار	آنگار دیان	″	۲۳	درد	در	″	۲	خود	تو
″	۱۸	زرد	از	″	۴۳	ماو	ماو ماو	″	۲۹	آتش	انس	″	۹	بامقے	نافی
۲۴۱	۱۳	شیر با شیر	شیر با شیراز	″	۲۲	۳۲	۳۳ سفر شتی	۲۴۹	۳	اش	آئینه اش	۲۵۱	۱۱	ثلث	ثلث فرات
		زاغ با زاغ	ذرات با ذراع	″	″	سود	تباهی شود	″	۵	قربا ے	قربانے	″	۱۷	وسحر	دانش سبز ز قیمت
″	۲۳	الله	بالله	″	۲۹	بنویسید	ننویسید	″	۸	خفتاے سرا	خفتاے				زیاده است
۲۴۳	۲۷	شان	شان طواحی	۲۴۷	۹	شد	شدید	″	۹	رسطو	رسطو	صحتنامه جلد اول و دوم تمام شد			